یا کافی یا شافی

کلیّات
درویش علی ابدال

در بیان

الف: طلسمات حبّ و بغض و تسخیرات

ب: احضار انس و جن

ج: طب گیاهی

د: شرح اسماء ادریسه

محقق: صبائیل بن فکحائیل ضیابری

بسم الله الرّحمن الرّحیم

ایّاک نعبد و ایّاک نستعین

حمد ستایش بی عدد خالقی را که جمله کائنات از ازل به وحدانیتش اقرار نموده و سر تعظیم در مقابل جلال و کبریائیش فرود آورده و برای مخلصان بهشت رضوان وعده داده و خوان کرمش از قبل گسترده و کافران و ظالمین را از عقبه‌های دوزخ باخبر ساخته و پست‌ترین هر چیزی که در دنیا و آخرت در خیال متصوّر گردد مر آنان را بشارت داده تا بخود آیند و به راه راست هدایت گردند.

و سلام و صلوات بعدد جمله مصنوعات خالق یکتا بر خاتم الانبیاء و اشرف کائنات حضرت محمّد بن عبدالله صلّی الله علیه‌وآله وسلّم و بر اهلبیت طیّب و طاهرش باد تا باد بر سبزه میوزد و از کوهساران میگذرد لعنت ابدی خالق و جمله مخلوقین بر اولین و آخرین ظالم و انکار کنندگان نبوّت و امامت باد.

اللهم صلّی علی محمّد و آله محمّد کثیراً کثیراً کثیراً

و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

الی یوم القیامه

صبائیل ضیابری: ۲۱ ربیع الاول ۱۴۲۵

و اما بعد:

بدانکه این رساله یکی از کتب خطی بسیار کمیاب است که در خصوص ادعیّه و طلسمات توسط درویشی جهانگرد بر عارض بیاض نوشته شده و در هر باب از عملیّات نسخه‌ای مجرّب بیان داشته که خالی از اخلاط است تا عاملان را بهره‌ای از این علم حاصل آید. کلیّه دستورات این کتاب صحیح و مجرّب است که در تجربه اکثر دوستان آمده است و از عاملین انتظار میرود چنانچه از ادعیّه این کتاب استفاده میکنند از راه شرع دین جدا نگشته و بر مطامع دنیوی و احساسات نفسانی خود مسلط باشند و کلیه اعمال را جهت رضای خدا بعمل آورند و از آزار مؤمنین خودداری نمایند تا بعذاب الهی گرفتار نگردند و تا ابد طوق لعنت را در گردن خود نیاویزند.

❁ ❁ ❁

ای عزیز در هر مقامی که هستی اشک چشم
غمدیدگان پاک کن و شکوفه خنده بر لبان آنان بنشان
و قلبها را بهم وصل کن که اینست روش آدمیّت.

والسلام

ا ب ج
١ ٢ ٣

د ه و ز ح ط ی
٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠

ک ل م ن س ع ف ص ق ر
٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ١٠٠ ٢٠٠

ش ت ث خ ذ ض ظ غ حرز محمد
٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠ ابی جواد الحی

باید اسم طالب و مطلوب با حساب جمل حساب نماید بعد دوازده دوازده طرح کند
هر چه ماند حساب کند ببیند یکدام برج تعلق گرفت برج ها را ابتدای و شمرده
که برج ها معلوم شود بعد از آن ستاره ها را ابتدای بعد از آن عنصر را بشناسی

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو

حوت مثلاً برج میزان ماده است و ستاره اش زهره است و خاکش [illegible]
است تعلق بروز جمعه دارد و ساعت اول صبح است [illegible] میزان باد [illegible]

جوزا و سنبله برج قمر است و ستاره او عطارد و روز او چهارشنبه است و ساعت
اول صبح است جوزا بادی و سنبله خاکی است

سرطان ستاره او قمر است روز او دوشنبه است ساعت اول صبح است
[illegible] دارد و ماده است. اسد ستاره او شمس است

روز او یکشنبه نزا است ساعت او اول صبح است تعلق با آتش دارد حوت قوس
آبی آتشی

ستاره او مشتری است نزا است روز او پنجشنبه است ساعت او اول صبح است

حمل عقرب ستاره او مریخ است روز او سه شنبه ساعت اول او صبح است نزا است
آتشی آبی

جدی دلو ستاره او زحل است روز او شنبه ساعت او اول صبح است و ماده است
خاکی بادی پیچاکم هر کس نظر نماید تا تمیز نماید و حفظ شود ان شاء الله

باب برج و ستاره و عناصر و طبیعت او اول آگاه باید دانست عمل ستاره
ما را و ساعت و برج و ملک آن برج و ستاره از برای عداوت و عمل محبت
وزه بن بیند باید آخر زن و ملک آخر زن و ملک این برج بداند تا خلاف نشود

ستاره حمل مریخ است روز او سه شنبه و ملک سمی نیدر است ثور میزان

ستاره او زهره است روز او جمعه است ملک او مرطانیل است جوزا

ستاره او عطارد است روز او چهارشنبه است ملک او شمانیل است سرطان

ستاره او قمر است روز او دوشنبه است ملک او قیمانیل است اسد.

ستاره او شمس است روز او یکشنبه است ملک او قیانیل است برج سنبله

ستاره او عطارد است ملک او شقانیل است روز او چهارشنبه است میزان

ستاره او زهره است ملک او مرفیانیل است روز او جمعه است عقرب

ستاره او مریخ است ملک او قبانیل است روز او سه شنبه است قوس

ستاره او مشتری است ملک او درقانیل است روز او پنجشنبه جدی

حد ستاره دارد

جدی دلو ستاره او زحل است و ملک او هیائیل است روز او شنبه است

حوت ستاره او مشتری است روز او پنجشنبه و ملک او عزرائیل است هر وقت
هر دعا که بنویسید باید نام ستاره آن روز را ببرد بگوید یا فلان بحق رضا و اداء مراد
من حاصل شود العجل الساعة ۳ دفعه الوحا الوحا آن هر مطلبی که دارد بنویسید مجرب است

فاما جای رسیدن ستاره ها را بیان کنیم اول مقام زحل در آسمان هفتم می باشد
کلمهای تعریفی ا ب ج د و بر او میمون لقب او ابو احمد است یهودی است

مشتری جای او در آسمان ششم است و کلمهای او ه و ز ح بر او شمهورش است
و لقب ابو الولید می باشد مریخ جای او در آسمان پنجم است کلمهای او
ط ی ک ل و بر او ملک احمر لقب او فخار باشد و یهودی است

شمس جای او در آسمان چهارم و اسم کلمهایش م ن س ع و اسم بر او
و لقب او عبد الرحمن است مسلمان است زهره جای او در آسمان
سیم است اسم کلمهایش ف ص ق ر و اسم بر او زوبعه لقب او ابو حسان است

عطارد جای او در آسمان دوم است و اسم کلمهایش ش ت ث خ اسم ملک او
میرقان است و لقب او ابو العباس و یهودی است قمر جای او در
آسمان اول اسم کلمهایش ذ ض ظ غ اسم ملک او ابیض لقب او ابو النور است

در باب چهار عناصر است اول آتش دوم باد سیم آب چهارم خاک.

باید ترتیب اسم مطلوب حروف مقطع و با برج و ملک آرزو نما مراد ل نادی

اح ط م ف ش ت ذ حروف بادی ب و ی ن ض ق ل حروف

آبی ج ز ک س و ظ ث حروف خاکی د ح ه ع ا خ غ اسماء الله

یا الله یا قدوس یا عزیز یا بارئ یا وهاب یا باقی یا حی

اسماء بادی یا رحمن یا سلطان یا جبار یا معبود یا رازق یا لطیف یا مذل

اسماء آبی یا رحیم یا مؤمن یا متکبر یا غفار یا فتاح یا حافظ یا ...

اسماء خاکی یا ملک یا مهیمن یا قهار یا علیم یا بصیر یا واسع یا قادر

بعد از آن موکل هر روز را باید دانست روز یکشنبه باید نوشت طیانیس یوم

دوشنبه سنطانیس سه شنبه طیقیانیس چهارشنبه دکریاکیس پنجشبه سطرقیل

جمعه طرفیانیس شنبه هیانیس بعد از آن موکل ستاره را باید

دانست موکل مریخ سرمائیل موکل عطارد جبرائیل موکل قمر اسرافیل

موکل زحل عزرائیل موکل شمس میکائیل موکل زهره عنیائیل موکل مشتری دیائیل

بعد از موکل روزها و موکل ستاره‌ها و موکل چهار عناصر بعد از آن باید

طلسمات روزها نوشته شود و طلسمات سال که متعلق به آن است نوشته شود

بعد از آن باید دانست دعا هر روز باید روز بنویسد هر گاه از برای زن باشد

شب بنویسد که اینک طالع او آبی باشد باید دعا او را نوشته در میان آب

و کسی که طالع او خاکی باشد در میان خاک زیر سنگ بگذارد بکند طالع

او بادی است

او یا در بیت باید بجای بلند بیاویزد تا باد او را حرکت دهد و کسی که طالع او آتشی است باید
در میان آتش بیندازد طالع با طالع موافقت بگیرد باید بنویسید تا هفت طالع بگردد اول
در میان نیک و بد ساعات باید دانست یکشنبه اول ساعت شمس است حاجتی باید نوشت
چاشت زهره است حاجتی باید نوشت نزدیک ظهر عقد الرجال باید نوشت بین صلوة
زحل است بسیار نحس است تفریق ... از عصر مشتری است حاجتی باید نوشت مغرب مریخ
است ... شمس ... باید نوشت

یوم دوشنبه اول ساعت قمر است عقد الرجال باید نوشت نیم چاشت محبت
زحل است بسیار نحس است تفریق باید نوشت زوال مشتری است حاجتی باید
نوشت ظهر مریخ است عقد الرجال باید نوشت بین صلوة شمس است حاجتی محبت
باید نوشت عصر زهره است حاجتی مغرب عطارد است زبان بند باید نوشت

یوم سه شنبه اول ساعت مریخ است عقد الرجال باید نوشت نیم چاشت شمس است
محبت باید نوشت زوال زهره است حاجتی باید ظهر عطارد حاجتی باید بین صلوة
قمر است عقد الرجال عصر زحل است زبان بند

یوم چهارشنبه اول ساعت عطارد است حاجتی باید نیم چاشت قمر است عقد الرجال
زوال زحل است زبان بند ظهر مشتری است حاجتی باید بین صلوة مریخ است عقد ...
عقد ... عصر شمس است حاجتی باید نوشت یوم پنجشنبه اول ساعت مشتری
زبان بند نیم چاشت مریخ است عقد الرجال باید نوشت ... ظهر زحل است
زبان بند بین صلوة زهره است حاجتی عصر مریخ است عقد الرجال باید نوشت
مغرب شمس است حاجتی باید نوشت یوم جمعه اول ساعت زهره است
حاجتی باید نیم چاشت عطارد است زبان بند باید نوشت زوال قمر است
عقد الرجال باید نوشت مغرب مریخ است عقد اللسان باید نوشت ظهر زحل است زبان

عصر مشتری است چاشت باید نوشت روز سه شنبه اول ساعت زحل است چاشت شمس باید
نیم چاشت مشتری است چاشت باید نزدیک شوی آن برج دشمن نماز خفتن شمس است میان
نماز زهره است چاشت نماز عصر عطارد تا نماز شب تفریق باید نوشت

اما کسی که خواهد بداند طالع او را نظر کند ببیند که درجه طالع است بدان
عمل نماید مثلاً طالع کسی آتشی باشد دعای او را در شب باید نوشت
و کسی طالع او خاکی باشد چاشت باید نوشت کسی که
طالع او بادی باشد وقت ظهر باید نوشت آبی طالع او آبی باشد
وقت شام باید نوشت اما از برای محبت اول ماه نیز مفید از برای
تفریق در بار نرم باید نوشت هر کس لازم است که بداند هر سال دوازده ماه
و هر ماه چهار هفته و هر هفته هفت روز است باید دانست هر روز
طلسمی دارد و هر ماه طلسمی دارد باید دانست آنها را و باید نوشت

طلسم روز یکشنبه

۲۴۷ لد الا هو ح ح ۱۱-۱۱-۱۱ ۲ ۴ ۱ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹

طلسم روز دوشنبه

۱۱ لا ۱۱ ۱۱ ۷ ۸ ۱۱ ۱۱۱ ۸ هو ۴ ۱۱ ۸ ط ح ولث ۱۱ ط ۱ ۸ ۱۱

طلسم روز سه شنبه

۹ ۹ م ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۳ ۱۱ با ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ط ط ولث ۱۱ ۷ ۱۱ ۸ ۸

طلسم روز چهارشنبه

۱۱ ۱۹ ۱۱ ط ۱۱ ۱ ث ۸ ۱۱ ۱۱ لا ث ۴ هو ۹ ۱۱ ۹ ۱۱

طلسم روز

طلسم یوم پنجشنبه

[illegible]

طلسم یوم جمعه

[illegible]

طلسم یوم شنبه

[illegible]

باین ترتیب طلسم ماهها را هم باید نوشت تا دانسته باشید طلسم ماهها این است

طلسم ماه محرم الحرام

[illegible]

طلسم ماه صفر الخیر

[illegible]

طلسم ماه ربیع الاول

[illegible]

طلسم ماه ربیع الآخر

[illegible]

طلسم ماه جمادی الاول

[illegible]

طلسم ماه جمادی الآخر

[illegible]

طلسم ماه رجب المرجب

و ا ع ااا ٨ اا ٩ مسح ٤٨ ا ٩ ٩ ٩ ٨ ٨

طلسم ماه شعبان

٨ ١ ٨ ٨ ٨ ٨ ١١ ١١١ ٩ ١١١

طلسم ماه رمضان المبارک

٥ ٥ ع ١١١ ١١ ١١ ٩ مل لا کل شیئ وحی اح یا رحمن

طلسم ماه شوال المکرم

٨ ١ ٨ ٨ ٨ ١١١ ٨ ٨ ٨ ٨ ٩ ٩ ٩ ٩

طلسم ماه ذی قعده الحرام

ااث الملك امحلو لا لا ع ع ع

طلسم ذی حجة الحرام

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

بعد از آن طبیعت برجها را دانسته باشید

حمل قوس اسد		
آتشی		
ثور سنبله جدی	میزان جوزا دلو	سرطان عقرب حوت
خاکی	بادی	آبی

اسم موکلهای مشرق مغرب شمال جنوب

موکل مشرق	موکل مغرب	موکل شمال	موکل جنوب
کهندیوش	هامیلیخ خردش [illegible]	کلیوش	جوزا [illegible]

بخورات بروجات	حمل اسد قوس	ثور سنبله جدی	جوزا دلو میزان
	خشخاش فلفل	عود شنت زعفران	کندر عود
سرطان عقرب حوت عود عنبر [illegible]	نسخه جلاب تجربه کرده [illegible] تجربه رسانده ام [illegible] این جزاد		

گاو زبان [illegible] ۲م | تا عمر بزرگ ۲م | بنفشه ۳م | سنا مکی ۵م | هلیله سیاه ۲م

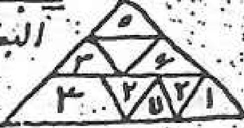
پوست هلیله زرد ۲م | گل نیلوفر ۱م | همه را کوفته [illegible] کرده بجوش آورند تا به نصف [illegible] بعد صاف نماید تا شربت با [illegible] از گرمی [illegible] بر بر

باشد بالا اراده [illegible] خیار سبات آب سرد بخورد شفا یابد انشاءالله تعالی

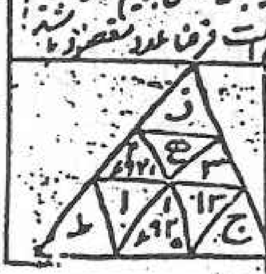
تفریق

اگر خواهد میان دو کس تفریق افتد بر کوزه آب ندیده خام نویسد [illegible] آب [illegible] [illegible] حل کند در خانه ایشان بیفشاند البته جدائی و تفریق افتد در بر خانه [illegible]

مطلوب مثبت کند این است و باید که مساوی الاضلاع و الاقطار باشد تا تاثیر [illegible]



البغض و التفریق و الاخراج این عمل را تاثیر تمام است اگر عدد اسم شخصین و زوجه و عدد آیه بغض یا تفریق یا اسماءالله [illegible] از جمع کل دوازده طرح کند و در مثلث ثبت کند با [illegible] و تا ابتدا کند عداوت افتد و این طریق کسر نکند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بوده باشد زنهار که در میان [illegible] حلال نکنی که گناه عظیم است فرضا عدد مقصود باشد ۶۹۳۷ بعد از طرح ۶۹۲۵ این آیه [illegible] مرتبه [illegible] ارزن بخواند در زانکه آنها [illegible] برزد که [illegible] مثال ۶۹۳۷ رفتار [illegible] نوشته شود فراتحه عظیم [illegible] حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد تقطع و ایدیهم



الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین تو عدیکر بر د تدری عدس و ۱۴ مرتبه
سوره انا اعطینا را بخواند و بدمد در خانه و مکان انکس ریزد جدائی افتد
دفع اعدا سوره فیل را چهل مرتبه بر خشت خام بخواند و بسوزد و هر نوبت خطی بر آن
خشت بکشد بعد از آن در آب روان اندازد از مجربات است عقد الزبر
برای مسکنت بنویسد و بجای نمناک دفن کند و سنگ گران بر رویش نهند با
اسم انکس

خان

١٣	١٢	٧	٢
٨	١١	١٤	عقد ... ١
١٠	٥	٤	١٥
٣	١٦	٩	٦

زلزالها	الارض	الزلزلت	اذا
[illegible]	٧٠١	٨٢	١٣١
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١٠٣٣	٨٤	٦٩٩	[illegible]

تو عدیکر مبدل با همیت بخصوص عقد الزلزله با اسم ان کس در این لوح برکنند و در جای نمناک دفن کنند و سنگ بزرگ بر رویش نهند اینست

باب هر کجا جن گرفته باشد گوش راست او را بگیرد
بخواند بجمال آیه بسم الله الرحمن الرحیم امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب علیه السلام هشا مشا نخا
خا ارجوح

٥	١٠	١٥	٤
١٦	٣	٦	٩
٢	١٣	١٢	٧
١١	٨	١	١٤

بجهت حلبه بر زنان گرفته بنویسد
لا اله الا الله العزیز الغفار لا اله الا الله
العزیز المتعال لا اله الا الله محمد الرسول الله
علی علی علی علی علی علی هب هب هب ره ره ره ره ره ره
اواه

آواه اواه اواه اواه اواه اواه اواه اهيا شراهيا احوالو هب
الوحي يا الله يا الله يا الله ورب المقدس قدوس قدوس قدوس
قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس له له له له له له
له له له له له له له له بسم الله الرحمن الرحيم

هااهوا ه ه
ه احوا لبن يا الله

١١	٨	عداوت ١	١٤
٢	١٣	١٢	٧
	٣	٦	٥٩
٥	١٠	١٥	٤

١٦

محن	احضر في ٢٢٢	خان بب	مبين
٨٥بج	١٠٠١	٧٠١	١:٤٨بج
١٠٠	٥٥بج		٧٠٢
١:٤٩بج	٧٠٣	٩٩	٥٠بج

١:٢٠

٨	١١	١٤	[illegible] ١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	

١٥

١٦

١٤	محبت ١	٨	١١
٧	١٢	١٣	٢
٩	٦	٣	
٤	١٥	١٠	٥

علو مرتبه	محبت	عداوت	عقد اللسان
عقد النوم	دفع سحر	محبوس خلاصي	شفا بيمار
حاجات برامدن	منظور نظر چشم زخم	جن احضار	دفع مانع راه
هلاک اعدا	عقد الذكر	نزد ظالم رفتن	[illegible]

آتش	باد	آب	خاك
خاك	آب	باد	آتش
باد	آتش	خاك	آب
آب	خاك	آتش	باد

٢	٣و١٣	١٠ع	[illegible]
٢٠	١٥ع	١٢٠	٧٠ع
١٤	١١ع	١٣٥	[illegible]
١٠ع	٨	١٢	٢٨

[illegible]

چهار بیت بنعت کواکب هفت هفت طرح میرود حساب کنند قمر عطارد زهره شمس مریخ مشتری زحل

ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ تد ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۱ ۲ تد ۳ ۴ ۶ ۲ ۳ ۴ ۶

ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۵ تد ۲ ۳ ۴

ایضا حساب چهار عنصر ۴۴ طرح کنند هر چه بماند

ماند حساب کنند اگر یک بماند آتش دو بماند باد سه بماند آب چهار بماند خاک

ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت
۱ ۲ ۳ تد ۱ ۲ ۳ تد ۱ ۲ تد ۲ تد ۲ تد ۲ تد تد تد تد

ث خ ذ ض ظ غ
تد تد تد تد تد تد

ابجد کبیر این است ا ب ج د هـ و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

ابجد صغیر این است ا ب ج د هـ و ز ح ط ی ک ل م ن
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۲

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۸ ۶ ۴ ۸ ۱ تد ۳ ۸ تد تد ۸ تد ۳

جهت سفر کردن کنند که بسفر برود یا نه سه سه طرح کنند اگر یک بماند میرود اگر دو بماند نرود

جهت سفر کردن که این سفر مبارک است یا نه سه سه طرح کنند اگر یک بماند مبارک باشد اگر دو بماند زحمت از دزدان بکشد اگر سه بماند بیمار شود

جهت امنیت راه بکنند که این راه امن است یا نه دو دو طرح کنند اگر یک بماند ایمن باشد اگر دو بماند مستور باشد خوب است

جهت آمدن غایب که زود بیاید چهار چهار طرح کنند اگر یک بماند زود بیاید اگر دو بماند توقف کنند اگر سه بماند باز نیاید اگر چهار بماند دیر بیاید

جهت حمل که نطفه پسر است یا دختر سه سه تا طرح کنند اگر یک بماند پسر

باشد پسر بود اگر دو باشد دختر بود اگر سه باشد حامله آن زن خلاص دارد الخ ایضا از جهت پیدا آمدن

بند دیان کند که این دزد ظاهر میشود یا نه ۸ تا ۸ تا طرح کند اگر یک باشد مردست دزد و ظاهر

میشود اگر ۸ باشد پیدا نشود

از جهت آن کند که دزد زن است یا مرد سه تا سه تا طرح کند اگر یک باشد مرد است دو باشد زن است سه باشد مخنث است

از جهت آن کند که دزد از کجا ست سه سه طرح کند اگر یک باشد همسایه اگر دو باشد بیگانه اگر سه باشد از خود یست

از جهت نشانه دزد که از چه رنگست هم طرح کند اگر یک باشد سیاه اگر دو باشد سفید اگر سه باشد سرخ است اگر چهار باشد زرد است اگر پنج باشد منقش است

از جهت مراکت کند که این شریک خوب است یا بد ۸ ۸ طرح کند اگر یک باشد خوب است اگر ۸ باشد بد باشد

جهت مردن زن یا مرد که کدام پیشتر بمیرد ۸ ۸ طرح کند اگر یک باشد مرد زودتر بمیرد اگر ۸ باشد زن زودتر بمیرد

اگر خواهی بدانی اختلاط تو با کسی میشود یا نه اسم خود با اسم آن شخص حساب کنند هر چه عدد باشد بیفزاید بعد از آن ۹ ۹ طرح کند اگر جفت باشد میشود اگر فرد باشد نشود

اگر خواهی مصاحبت تو با کسی میشود یا نه باید اسم او را با اسم خود حساب کنند و هشت هشت تا باشد بیفزاید و نه نه طرح کند اگر زوج باشد خوب اگر فرد باشد بد است

بنویسد این طلسم را بر کف دست راست و شب تنها بخوابد یکی از پریان بیاید و آنچه از ایشان بپرسد جواب دهد بسم الله شهت یهت

طلسم بر پاره چوب کرد و بنویسد بشرط آنکه اسم طالب بنویسی مطلوب را بیاورد ... نویسد در آتش اندازد تا عجایب بیند یا ملیطو ثا یا سلیجو تا یا ذو ... یا ذو نهشن یا اما لهر اهر قرمها نا النحل النحل النحل النار النار النار

دیگر زیره را مصطفی فرزند نشود ... را کباب کنند و بخورد و با شوهر مجامعت کند در حالی

و دیگر دو ماه زن از مقام ... ... کیان ... دار ... با ... و بزرگ ... ایران ... کند

کنند جزو ... کسرا انخواهم قال ... و لادت اول ... کنند و سه مرتبه صورت ...

... مرتبه صورة ... والکشت بر این حروف بگذارد ... کنند تا ده حرف حرف ... جمع

را ... تا انتها و بعد از آن ... بالای حروف باشد بشمارد تا بحروف ... الکشت ...

و ... بر هم زند ... مطالب استخراج نماید ... ... باشد و حروف ... اول سطر ...

انست ب ب ا ای ت ت ت ب ب س س خ خ ا ط د و م م ی ی ا

ر ن غ ل ف ف ط ق ا ا ش ا ل ک ی ی ل ص د د ح ی ی ن ی

ق ب و خ ب و ن م ل ی ن م د و ذ ب ذ ا ی ی ت ت ا ا د

د ف ا ر د س س س س ل س ت ب س س ت ت ت ل

ن ت ی ی ی ی | بجهت جوشش و سرخی آب ریختن از چشم و باد بسیار نافع است

روح تشنه	دار فلفل	طوطیا	کف دریا	سرب سوخته	مامیران	بادید
۳م	ام	۲۲	ام	۲۲	نیم م	

توتیا را هفت دفعه در آتش سرخ کرده و در آب عذره انداخته بعد بیرون آورده

و اجزا را کوبیده از ... بیرون نماید و در هم ممزوج کرده در وقت ...

بکار دارد | الضا بجهت نزله چشم | دار فلفل | روح تشنه | سرب سوخته | کف دریا

چینی فغفور نیم م | بلور مخفف | کوبیده صلایه نموده از ... بیرون نموده وقت ...

بجهت ... چشم ... لازم | نوره | نشادر | سازی ... با ... آب

بجوشانند تا اجزاء آب ... ... سرد شود با میل بچشم کشد بعد ...

چشم با برد ... سرمه سنگ ... جام و چینی کوبیده سرمه کرده بچشم کشد

بجهت گرفتن آواز ... آب گرم ... با ... نشادر حل کرده غرغره کنند ...

دار فلفل فلفل مویه کف دریا کف منشبه ریباس [illegible] روح زنبیل

با آب [illegible] پرورده سنگ لاجرد شاخ مرجان دم الاخوین بیخته کرده در چشم کشند

کحل [illegible] سیاه عین مجرب است . سرمه . . . ماهیزهره چینی عقیق براب

سنگ کحل نابسته . باب بجهت غبار چشم و دلگ [illegible] و حکه و سوزش امرکن

کف دریا رینه مرجان تریاک موی سیاوشان زنگار [illegible]

قند سفید نبات کوبیده و صلایه کرده از پارچه بیرون کرده بکار برد

اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی این اشکال را بر پوست بنویسی و بسک ماده بدهد

بخورد ۶ سهال هو ح صد عصه للحولو و و لحلیم ۶ ۸

۱۱۱۱ طسم ۲ ص الهجوه ح المعان بکت للهم ۴ ۸

ما کمح ۹ کمح ۸ لبه صح ۸ ۸ ق ۴ ع ا ما ا ل ۴ ۳ ۱۱۱ مرة

و تفریق اندازی مابین ... بجهت غبار و دلگ چشم را ببرد [illegible]

شاهنانج عدسی کف دریا تریاک کوبیده و بیخته صبح و شام در چشم

کشند مجرب است . اگر کسی و بخواهی کند بنویسد در میان آرد حجر کند و درش

سگ سیاه اندازد تا بخورد تا سگ زنده باشد در میان ایشان عداوت

باشد لحمر صهراع لحوح ۳۰۱ ب ۳ ح ۱ ا ع ۱۹ ۱۱ عداوت و تفریق د

[illegible] ۴ ۲ ۲ و ۲ ۲ بجهت تفریق بنویسد در مکان آنکس دفن کند از

آن مکان آواره شود اح ۱۱ الالح لح لح ح ح ۱۱ ۱ ۱ ۱ ا ح ل ح ۷ ۷ ۸

تمت

نسخه کابلی سقمونیا سیاه‌دانه رب سوس مصطکی... زرد محروق سنبل‌الطیب
۱م ۱م ۱م ۱م ۱م
جیله زرد جیله سیاه ترنجبین صبر زرد شکر سرخ پرده عنبه...
۱م ۱م ۱م ۱م ۱م
تا بیرون آورده تربد بادام خراشیده که پوست و گرفته شود نعید همه را کوبیده حب کرده بخورند
نخود سه حب بخورد ایضا کابلی جیله زرد جیله سیاه سنا مکی ریوند
۱م ۱م ۱م ۱م
شکر سرخ صبر زرد ایضا نسخه کابلی سید عبد اللطیف کشمیری از بهر ...
۱م ۱م
تخم حنظل پوست جیله زرد سقمونیا تربد کوبیده بیخته با عسل قوام کنند حب
۱م ۲م ۱م ۲م
ایضا حب شیار در زمستان و تابستان استعمال نمایند کرده درد سر و تاریکی چشم
سودا برده دماغ و معده را از اخلاط پاک کند صبر زرد مصطکی تربد سفید
۵ درم ۱م ۱م
افسنتین رومی پوست جیله زرد ورق گل سرخ تربد کوفته و بیخته بلعاب
۱م ۱م ۱م
حب سازند نیم درم قلیلی برش آب نیم گرم شب وقت خواب تناول نمایند
مرهم شنجرف جهت زخم آتشک و جراحات کهنه و جرب و خارش مجرب است
شنجرف ترنج مرم سفید مرداسنگ توتیای سبز سوخته سفیده ارزیر
۱م ۱م ۱م ۲م ۱م
انزروت یکمثقال کوفته و بیخته در روغن گاو یا روغن گل سرخ نیند احتیاج مرهم ساده
ایضا مرهم کافوری رال هندی کات کلاکیا کافور مرم سفید
۱م ۱م ۱م ۱م
کوفته با چهار مثقال روغن گاو و بیه مکث مخلوط نمایند بجهت عنبه و چشم و
دمعه و ظفره تجربه حکیم سعید خسرو مجرب است حب یمانی اقلیمیا ...
اقلیمیا نقره مرقشیثا ماميران چینی
۱م ۱م ۲م ۱م
دار فلفل
۲م

جهت تجلی بصر — زنگار [illegible] — مرهم سفید — صمغ — لولو — مامیران — [illegible]

سرنج — پیه بز — ابتدا سرب را به [illegible] بعد [illegible] اجزا را

[illegible] طریقه درست کردن اجزا این است اول پیه بز را آب کنند بعد سفیدآب را

با موم در آن پیه بریزند و سرنج [illegible] با مامیران [illegible] سلامی کرده [illegible]

آنها با زیبق برهم زنند تا برهم شوند بعد [illegible] بر سر [illegible] دوای [illegible] این است

نشاسته — صمغ عربی — [illegible] — تخم [illegible] — انزروت — از هر یک پنج

مثقال کتیرا [illegible] دانه از هر یک [illegible] مثقال زعفران نیم مثقال با لعاب بذر قطونا

حب سازند [illegible] جهت غبار چشم سرب را [illegible] آب

کرده دفعه قدری موم [illegible] ریخته بعد [illegible] تا [illegible] شود [illegible] ظرف چینی

کرده قدری آب لیمو [illegible] گذارند تا [illegible] خشک کرده [illegible] در چشم

کشند ایضا جهت تاریکی چشم سرب را آب کرده [illegible] در آن اندازد که [illegible]

آن سوخته شود [illegible] با آهن [illegible] بعد از [illegible] تا چند دانه [illegible]

کرده سلامی نماید [illegible] نافه [illegible] قدری بلور و قدری مامیران و قدری [illegible]

[illegible] از نافه [illegible] در چشم کشند جهت قوت باه

[illegible] زرده [illegible] در ظرف بریزند و [illegible] او را [illegible] کرده [illegible]

[illegible] بریزند و [illegible] از آب پیاز سفید [illegible] بریزد و روغن [illegible] کرده بریزد

[illegible] زنجبیل [illegible] در ظرف [illegible] زعفران [illegible] سفید از هر یک

[illegible] بادام [illegible] از هر یک پنج درم با لعاب بذر قطونا

حب سازند جهت [illegible] در میان ظرف آهن [illegible] آتش [illegible]

شود بعد پنج مثقال [illegible] اجزا [illegible]

[illegible]

سلامی کرده چشم [illegible]

[illegible] مثقال [illegible] مامیران

[illegible]

[illegible]

نزول

نوع دیگر چشم را هفت پرده است پرده اول که معیوب شود چشم را تاریک میکند علاج آن است که قدری مرواریه و بلور و چینی فغفوری مرجان فیروزه یاقوت عقیق با هم سلایه نمایند در چشم کنند تا قوت دهد جهت بخار معده و صداع شدید و جهت ظلمت بصر

پوست هلیله کابلی . مصطکی قند سفید شربت چهار مثقال با آب سرد بنوشند

۵ نم ام ام

حب که سلایه میزند در ساعت افیون یکمثقال اقاقیا یکمثقال گل ارمنی چهار مثقال سماق سبز چهار مثقال حب الآس چهار مثقال کوبیده و بیخته با آب به جمع عربی در منقوع شده و شد حب سازد شربت نیم مثقال بخورد دوای یک پرده حکیم چشم

زاج . جوب . نمک . مسحوق . تریاک . این پانزده مثقال کشته شود با یکمثقال

تخم ۵م ۵م ۲م

کبابه چینی و یکمثقال با میران و یکمثقال دارفلفل و یکمثقال کرکشته نمود با او صلایه نمایند چند پول سیاه در آب غوره اندازد با اشیا و مدتی در آب غوره بگذارند تا پانزده روز هر روز یک ماستی آب غوره بخورد او دهند قدری سلایه نماید و بگذارد خشک شود و قدری از آن شاف نماید و قدری خشک سازد و کحل نماید و قدری داخل ترکیبی داخل نماید یا ترکرده باشد و بگذارد هر گاه چشم جرب داشته باشد کشته شربت نیم مثقال دارفلفل به نخود لت دربانیم مثقال ورم سلایه کرده و بر روی جرب بریزد و در وقت عصر و وقت خواب مرهم زردچوبه گذارد اگر که کهنه شده باشد کحل با شیر الاغ یا دختر تر کرده و از پنبه فتیله سازد و در آن بمالد و فتیله اندازد مرهم زردچوبه سا شده بر روی چشم بندد تا چشم فتیله را بردارد و چشم را از حرکت به پنبه پاک سازد و آن قرار در قوت مخلوط در چشم کند و قدری زردچوبه سائیده شب قطره با شیر الاغ یا شیر دختر بستر در چشم کشند تا آنکه کرفت چشم را فرو نشاند و هر گاه علت کهنه و قوی باشد ولا شب قدری از آن کحل بدوم گذارد و در روی آب غوره بدوم تیغ در روی پلک او بریزد تا دوازده روز هر روز علاج ریزد چشم را ببندد بعد مرهم زردچوبه بگذارد و بخواباند و روز دیگر تنقیه از آن شاف با شیر الاغ یا شیر دختر سائیده در چشم کشند تا داغی که بر طرف شود

جهت رطوبت و درد و ورم چشم و شدت

چشمیزه ۴م . انزروت ۴م . صبر زرد ۱م . عناب ۱م . زردک ۱م

نبیده و بیخته در چشم تر زند

بحمد الله

مراره بقار بشر زهره با مثل مجموع اد گرم و خشک و مفتح سده مصفاة و رافع ظلمت بصر و شدید
النفوذ تند و طلای او بر ناف و شیاف او مسهل طبع و فرزجه او مدر حیض و بهترین
او زرد مایل بسرخی و زبونترین او زنگاری و لاجوردی است استعمال او جایز نیست
و قویترین همه زهره بشر و ضعیفترین همه زهره خوک میباشد و هر یک بحسب اختلاف احوال
مختلف میباشند چه زهره ذکور و از ذبیحه حالت تشنگی و گرسنگی و حرکت مفرط قوی الحرارت
است و بخلاف آن ضعیف و طریق حفظ زهره در دستور اول مذکور است و طلای
زهره بشر با عسل رافع خنازیر و از کرکس رافع برص و بهق و از هدهد با عسل نافع ورم جراحات
و سعوط زهره قنفذ با خفیة الثعلب رافع صرع و شرب یکدرهم او با یکدرهم موم محرج
جنین میت و از مجربات شمرده اند و شرب زهره آهو و الاغ با روغن تازه گاو ناشتا در
دم بهر و برص است و سعوط زهره اردک خانگی با روغن بنفشه در جانب مخالف رافع
درد شقیقه و شرب زهره جغد را با حنا گستر چوب گز و عسل رافع بول در فراش از مجربات
دانسته اند و طلای زهره مرغ سیاه خانگی را بر احلیل مورث لذت عظیم زنان و محبت
مفرط ایشان است و طلای زهره گنجشک با عاقرقرحا و تدریج روغن زنبق بر قضیب
و عانه و کنج ران و خصیه باعث شده نعوظ و تا کف پا را بر زمین نگذارند رفع او نمیشود
عاقرقرحا و ال منیا تیت در مغرب کثیرالوجود در شکل و شاخ و برگ و گل شبیه به بابونه بزرگ و بابونه
و سفید و مغز و پشت برزمین و بیخش قریب بشبری و بطبری انگشتی و تند و محرق و گویند بیخ طرخون جبلی
و جمعی بر آنند که بیخ طرخون جبلی عود القرح است و آن در شام بیشتر و بنابرین شبیه بشبت و گلش
دندانه دار و شکل بابونه میباشد و عاقرقرحا قوه تا هفت سال باقیست در آخر سیم گرم و خشک و مسخن
و محلل قوی بادها مدر و فتیح و مسهل طبع و مدر بول و حیض و عرق و شیر و جهت درد سینه و سرفه و لکنت زبان
لقوه و فالج و رعشه و امثال آن از منافع مجربه و سعال و درد دندان سرد و رفع او نافع و طلای او با تافت در بر کام
مانع موتان شدن اس و از اعراض است و جا و با روغنها جهت بیحسی اعضا و لذت جماع و مفصص
با سرکه جهت سستی لهاة و زبان و حرکة دندان و تنوخ ادویه گشوده شده دماغ و تواتر نزلات مفید و مسحوق
او مخصوص محرومی پیچ و کشیز او قدر شربتش تا یکدرهم است و بدلش دار فلفل است و روغن او که با عصاره او
دهن و با گیاه بجوشانند تا آب برود و روغن بماند در برطرفی استعمال و با دیگر روغن ها تا چه بعد گرم شده شده تا آب برود
دو نیم

العفونه ذکا چون تخم خربزه را در ۰۵۳۴۳۴۳ ۰۱۶۰۵۱ کرآن تخمرا برماغ
آلوده باشند از خاک ملوساخته غرس نمایند بطریق معمول آب دهند تا
خربزه بباد آید هر که از آن تناول نماید و نور عقل و ذکا و صحت حدس و جلی با فروغ
عقلیه غریبه بمرتبه قصوی رسد و ظنون و رؤیای او تخلف نورزد و قوه حافظه بغایت
قوی گردد فی ازاله العفونه عن النسوان در کتاب اسرار بیان شده که چون مغز بسر
خروس را با شراب زنی بیاشامد غیرت از او سلب شود چون قضیب کلو را
در سایه خشک کرده نیم مثقال را با شراب بزنی دهند سلب شهوه جماع او شود و بدستور
چون قضیب کرگ را قبل از طلوع آفتاب یا بعد از غروب گرفته در سایه خشک کنند
آفتاب نه بیند هر زنی که از آن بخورد متنفر از مردان گردد و قطع خواهش از آن شود
بدستور چون شجره مریم اسرشته با آب نعناع حب سازند هر زنی که یکدانگ از آن
بخورد تا یک سال قطع شهوه او شود و چهار دانگ او تا هر سال همین اثر کند بدستور مذکور است
در تقطعه زنی که سر طراجهات به بندند که او نداند در حال هیجان شهوه او را
بگردد بدستور چون یک جزو ریحان را با نیم جزو نشادر جوش شیده با آب دو ماه
آشامی کند طالب جماع گردد فی العقد از ثابت ابن قره منقول است که چون مردی
در بیت به قرود و مرد لیور انشد و مرد احلیل را بخون آن آلوده جماع با آن زن کند دیگری
مباشرت آن زن نتواند و آن زن بغیر آن مرد بدیگری نپردازد و در عجایب الحیوان
است که چون مرد احلیل را بخون خفاش یا آغشته با هر زنی که مباشرت کند احدی
بعد از آن متعرض او نگردد و آن یادیگری آمیزش نکند و در اسرار الاطبا منقول است که هرگاه مرد
احلیل را بخربزه گرگ آلوده مباشرت کند احدی با آن زن نتواند مقاربت کند بدستور
احلیل را بخون خطاف و خون غراب بعینه اثر آن بماند کند

منقول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر کس خواهد اختیار ساعت کند ببیند
که از ماه چند روز گذشته است و بعد هر روز یک حرف از این دو مصرع بشمارد اگر
بحرف بی نقطه رسد آن روز سعد است اگر نقطه دارد آن روز نحس است اگر دو
نقطه دارد طریقه است لیک نحس است محبتک ترعی بکیف فهل تعوذ
ليالي فطل امل م ح ب ك ت ر ع ي ف ك ي ف ه ل
ت ع و ذ ل ي ا ل ي ف ط ل ا م ل در اسرار مکتوم از ثابت قره
منقول است و به تجربه بجربی رسیده است که چون برادۀ سنگ اسود را در عینین قنفذ
برادی آتش نرم جوش دهند با چیزهای مناسب چشم اکتحال نمایند قوۀ باصره به
حدی رسد که در شب اشیا را بدستور روز ببیند باب در عمل لبط تمازج الیا

رب جفر

عمل بغایت تری معتبر است و طریقش آنست که ببینی که مطلوب چیست
و آن در کدام اسمی از اسماء الحسنی است چنانچه اگر علم خواهی علیم گیری و اگر مال
خواهی غنی و علی هذا القیاس فی سایر المطالب چون اسم مطلوب را گرفتی
مزاج کن اسم عدد آن اسم و ابتدا به اسم مطلوب کن اگر در امتزاج
متمازجین از یکدیگر کمتر بود آنکه را تکرار باید کرد چند که مساوی شوند
امتزاج کرده تکسیر کن آن سطر را بعد لفظ دعا یا عدد مطلوب اینجا تمام
زنه عدد دارد الی چون چنین کردی ابکی سطر آخر را و ترکیبش کن و کلمه ایل را الحاق
الیشان ساز که ملائکه عملند چون خدایی که اسم خلیفه بیرون آری واین
سید اعوانست بگیر حرف اول سطر اول مزاج و آخر او را و اول سطر آخر و ا
او را در ترکیبش کن و کلمه طیش را بدان لاحق کن که اسم خلیفه اعوانست اما
اعوان از صدور و مؤخرات آن تکسیر حاصل آید چنانچه صدور یک عدد شود
و مؤخرات

دمزخوفات یکی بالحاق کلمهٔ برزتی اما استخراج قسم از حروف اوتاد و تمام این عمل
کنند چنانچه در عمل بسط ترفع مذکور شد لیکن اینجا زیادتی است و آن بسط نوشتن
حروف اوتاد است به بسط حرفی و ترکیب نمودن آن حروف اما تمیز طلسم از
کلمات مرکبه از سطور تکسیر است در مزدوجات چهار بهار و در مفردات پنج
پنج و این همان است در سایر مکانها مراتب مرتبت مثال ذلک محمد که نما
بود نوشتیم و مطلوب ما اگر علیم بوده ام نوشتیم و امتزاج کردیم چنین شد
ع ا ل ح ی م ا م د ن چون این سطر را بیند ظاهر علم یعنی بیند
جز وفقش تکسیر کردیم این صورت یافت د ع م م م ل ی ی ح
ح د ی ع ل م م م م
چنین سطر ثالث ما ترکیب کردیم و کلمهٔ
اول الحاق نمودیم اتحاد این دو ملک بیرون آید حمد لعمایلی
لمسایل و چون حروف اول مزاج را آخر او را و اول سطر ثالث را آخر
از او برداشتیم اسم خلیفه بیرون آید بدین وجه عف حطیش و چون
علیم و مزخرفات برداشتیم از تکسیر مذکور النبی و اعوانش بیرون
آید برانت و جه تعد حهوشی و حمهوش اما چون حروف اوتاد گرفتیم و بسط
نوشتیم کردیم عنیخ اسم و چون حروف سطور ثلثه را برگرفته ترکیب نمودیم
طلسم عمل بند اسم برین طریق علیخ بیمد دعیم طلیخ خدیخ لمم ام نیرت
طلسمات بعد نقطه چنانست که در عمل سابق مذکور شد باید که بدعوت اسم
مشغول گردد و ابتدا از یکشنبه کند و یکشنبه تمام سازد و هر روز بعد از ختم
و علم و جزاء بالجمله در عدد صاحب بوم بخواند و هر روز سه بار عزیمت بخواند

بصل النرجس پیاز نرگس خوانند طبیعت

وی گرم بود چون با سرکه سرداء الثعلب طلا کنند نافع بود و چون چهار درم از وی با
العسل بیاشامند بچه مرده و زنده را بیندازد و چون دو مثقال با عسل بیاشامند قی آورد و کرم را
در شکم بکشد و منضج ورمهای گرم بود و شریف آورده است اگر قضیب بوی بمالند تنها و ادمان کنند
و قضیب ستبر و قوی کند و اگر سه عدد پیاز نرگس در شیر خیسانند یکشبانه روز و دق کنند بر قضیب
طلا کنند بغیر از سرد و براق ادمان کنند اگر عنین بود بحال صحت باز آید و دلیلی عجیب از وی بیند

بزر البصل بپارسی تخم پیاز خوانند طبیعت وی گرم و خشک است در دوم و از وی رطوبتی
فضیح است و باه را تحریک کند [illegible] در مزاجهای سرد

بزر اللفت بزر الشلجم است
بپارسی تخم شلغم است بهترین وی آنست که سرخ رنگ بود طبیعت وی گرم و تر است باه را
زیادت کند و لقاح بود و چون در معاجین و دفع سموم و ادویه قتاله بکار برند [illegible]
که چون شلغم بر گردن ببندند نافع بود جهت ورم از سر و اگر بیاشامند [illegible] از
جهت [illegible] که از سردی بود و [illegible] سخت شده بغایت مفید بود اما مضر بود [illegible]
و مصلح وی تخم خربزه است و مقدار مستعمل از وی تا دو درم بود و چون کهن شود [illegible]
از [illegible] آن نبود و بکار برند و کرنب بروید

[illegible] سنجاب گویند و آن [illegible]
استخوان زیتون بود و [illegible] دخانات سیاه بود و علامت وی در وقت [illegible]
آن تیز بوی شیرین طعم [illegible] تلخی اندک بود که چون [illegible] طبیعت وی گرم و خشک
بود در سیم تری دهان خوش کند و چشم را روشن کند [illegible]
و قوت جگر بدهد و قی [illegible] را نافع بود و سلسل البول [illegible] را قطع کند [illegible]
بود و [illegible] زخم [illegible] بود و اگر نیم درم از وی بسحق کنند [illegible]
[illegible] قوت [illegible] مقوی [illegible] سرد بود و [illegible] علت سوداء [illegible]
و [illegible] مقوی دل [illegible] و سوداوی [illegible] را نافع بود و مقوی معده [illegible]

اطلال

باطن بود و سحق و سبع و ... از چهارم ... نافع بود و تری اعضا رسیده بود و بدان سبب تشنج ...
... کمتر و ... گویند ودی ... جسم را ... دهد و ... که متولد شود از فضول غذا در معده و مخرج شکم ...
و البته قوت ... دهد و گویند مضر بود ... و مصلح وی صمغ عربی بود و گویند بدل وی نیم وزن ...
... وزن ان دارچینی بود و گویند بدل ان قرفه است و گویند بدل او نیم وزن ان ...
قرنفل ... و نیم وزن ان خولنجان و گویند بدل ان ... وزن ان قرنفل ... وزن ان
خولنجان بود. **بلبل سید** بپارسی خوانند و وی کمتر از بلبل سفید و طبیعت اما گرم و خشک
در درجه چهارم ... و ... تحلیل برد و جلا دهد و بلغم ... را دفع کند و سحق ... بود و ...
... و چون با ... بیامیزند ... و چون با ... بیامیزند ... زایل کند و غذا
غلیظ را تلطیف کند و چون ... از ... برگیرد ... نشود جهت ...
چشم را ... ان نافع بود و سرد مزاج را نافع بود و ... معده ... بود ... اعضا
... بود ... کرده با ... و نمک بیامیزند بر داء الثعلب ... کنند ...
آن موضع ... بر آید چون سحق کرده با روغن زیت ... باشد و ... را نافع باشد
و اعضا ... بر ... غالب بود چون با ادویه بیامیزند که ... بود و تقطیر البول
که از سردی بود ... و هم چنین فالج و ... را مفید بود و فی الجمله جهت
... که در اعصاب حادث شود و گویند بدل آن ... **بلبل سفید** بود.
قشر القصب الذریرة ... بپارسی سوخته و ... گرم و خشک ... داء الثعلب را نافع بود
و سفیدی چشم زایل کند. **ابلیلج اسود** بپارسی هلیله سیاه خوانند و بشیرازی هلیله ... بهترین
... طبیعت وی سرد است در اول و خشک است در دوم و سردی وی کمتر از کابلی بود و گویند گرم است
... و جذام را سودمند بود و ... و وی مسهل سودا بود و بواسیر را سود دهد اگر ...
... شکم ... و اگر در چشم کشند قوت باصره ... از وی ... از ... در ...
... از ... تا ... و ... مضر بود بجگر و مصلح ...
هلیله کابلی ... بهترین ... که فربه بود و اگر در آب اندازند فرو رود و طبیعت وی سرد و خشک
و گویند گرم است با اعتدال عقل و حفظ بیفزاید و ... زایل کند و اگر بریان کرده
شکم ببندد

شکم ببندد و بریان ناکرده مسهل بلغم و سودا بود و تولنج را نافع بود و شربتی از وی بقدر دو درم تا ده درم بود
و بدرستیکه مسهل صفرا اما بخاصیت مسهل خلط های غلیظ مثل بلغم و سودا بود و خفقان را نافع بود اما مضر
بود بسپرز و مصلح آن عسل است و مربای آن مقوی معده بود و هضم طعام کند و ضعف معده که دارد و مرباي
را نافع بود و سده بلغمی را بگشاید و بیخ دندان و دندان قوت دهد اگر یکسال هر روز یک هلیله مربا را
بخورند سیاهی موی را نگه دارد جهت هضم طعام و رفع بادهای غلیظ و قوت باه و حفظ
رنگ رفته شده و تقویت اعضا و دفع اورام رازیانه یک جزو تخم تره تیزه که بنبیه واز
حریر سرون کرده در شیر گاو تازه داخل نموده معجون و هر روز دو مثقال میل نمایند که نفع
عظیم دارد و اگر هر روز هفت دانه تخم تره تیزه میل نمایند احتیاج بهیچ طبیب نخواهد
افتاد و بدستور هفت یکدانه مویز خوری و جهت قوت باه و مباشرت اگر زردک را کوبیده
داخل عسل کف گرفته باشند نموده معجون سازند و هر روز ناشتا میل نمایند نفع عظیم خواهد
داشت ایضاً سیاه دانه در زیت که دوای هر علت است کرم کرده را نارس رسیده کرده
استعمال کنم فرمود سرشب هر شبی تسری یکدانه در پارچه بسته در آب بجوشان و در روز اول
هر سوراخ دماغ یکقطره بچکان و در روز دوم در جانب راست هر تیزه بچکان
و در جانب چپ یکقطره و در روز سیم در راست یکقطره و در چپ دو قطره جهت
دفع تب و لرز ربع عسل مصاف با سیاه دانه هر روز بقدر سه انگشت میل نماید نافع
عظیم دارد صلوة الجائع چون گرسنه شوی چیزی نداشته باشی دو رکعت نماز کن و بگو
اللهم انی جائع فاطعمنی فی الحال حق تعالی رزقی حلال و طعامی از انانه بری رسد
صلوة الغنیه دو رکعت نماز جهت حصول توانگری در هر رکعت فاتحه یکبار و ده بار
تا آخر آیه قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن
تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر
تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت
من الحی و ترزق من تشاء بغیر حساب بعد از سلام ده بار بگوید یا رب اغفر و ارحم
و انت خیر الراحمین ده بار اللهم صل علی محمد و آل محمد ده بار در سجده بگو رب
اغفر لی وهب لی من لدنک ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت
الوهاب مداومت باین نماز موجب دولت عظیم میشود ان شاء الله تعالی

تخم الفار نمک طعام نشادر اجزارا درمیان شیرگه تنور بخته بخشکانند

ما حصر به بعد میان کوزه سفالی بگذارند با آتش نرم دوس روز بعد از آن بیرون آورده یک مثقال پنج مثقال زبر طرح نماید قمر

یک مثقال جیوه نماید قرگردد دعای محبت درکتاب تسهیل مذکور است روز جمعه قبل از طلوع آفتاب بر

لا غنه یا پرست اهرمن بیدد بر باد بباد بزد اگر مسخر نشود زشته برنج لعنت کند درساعت شود

دوستی زدت به باسم فلان ابن فلان علی حب فلان ابن فلان عجل عجل عجل الوحا الوحا الا

اگر خواهد ده را بعقد دراورد ط ۱۱ ط ۱۱ ۹۸۸ ه ط ۱۱ ط ۱۱ ۹۸۸ ه ۴ ح ۱۹ لح ۲۱ ط الا ط ح ح ۱۱۱ ط ۲

و باو دهند بنویس در آب بجوشانند ۱۱۸۱ الـــوم ۱۱۸۸ ط الـ ۱۱۸۸ ط الـ

وان آبرا در فرزند دختر بریزند فی الحال رام

شوند بعزمان خدا تعالی یا بخشا یا فخشیشا یا سبزیا لعما ما طما یا سمنما

یا اسما ا ه ا ه ا ه فتبصر یا کهیع یا کهکهیع

اعلم ان الحکیم اذا استخرج صبغ الاحمر القانی و غمر به العطارد و خدمه بنار لینه فان العطارد ینحب بالاصباغ فینعقد

بها و معها انعقاداً تاماً ثابتاً محکماً منتشا

بسم الله الرحمن الرحیم رقعه استغاثه بسوی امام عصر علیه السلام چنانچه در بحر ناقب مذکور است این رقعه را در گل پاکی بگذارد

در آب جاری یا چاه عمیق بیندازد الخال بکر یا عثمان بن سعید و یا محمد بن

عثمان اوصلا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه

بسم الله الرحمن الرحیم توسلت الیک یا ابا القاسم محمد ابن الحسن بن علی

بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن

ابیطالب

ابتدا از خانهٔ چهارم کن الیصدیکبار در نهم دو بنهد وسه در دوم پس چهار را در ششم بنهد چه
پنجم پنج را باشد قرار در ششم بهفتم خانه بنهد هشت در اول نهد در تنهم نه بنهد وقس و دیگی

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶

آرد بر بار دوستی است — بخوانند در اعمال مذکور اسمای الهی که مذکور شد موافق مطلب باسم ملک مرکل باید خواند چنانکه در این عمل که مراد
اسماء الهی که تعلق باین عمل دارد با اسم ملک مرکل چهارصد و هشتاد نوبت در وقت عمل
مذکور باید خواند و بخور لایق باید سوخت و در روز و ساعت مناسب فعل منظور عمل باید
کرد تا فایده بدهد چنانکه این دو لوح دیگر است از الواح سه در سه که بعد ذکر در زیاد مشغول
گردد و هر عبارت که خواهند در مرکز آن میزان نوشت و حاجت بقسمت و کسر نیست
و اگر احیاناً کسر واقع شود عدد مدعا را در سه ضرب باید کرد که حاصل ضرب کسر نخواهد
داشت در لوح باید نهاد زیرا که این از برای سرعت اخراج است و باین طریق هر چند
خواهند الواح میزان نگاشت و الواح مذکوره این است در خانه اگر کسر است بحروف نوشت

۲۸۹	۳۲۹	۱۶۸	
الرحیم ۳۰۴	الرحمن ۲۶۹	بسم الله ۴۲۹	۱۱
لم یلد ۴۸۶	الله الصمد ۳۶۵	قل هو الله احد ۳۷۲	۱۱۴
کفواً احد ۴۷۵	ولم یکن له	ولم یولد ۳۷۳	۱۲۰
	۲۰۳		

۲۲۰ ۱۲۶

فانما یا مطلسجوا یا دهاد ان

والقینا

۱۳	۱۹	۱۴
۴۵	فرقت بین ۲۲۲	۸۷
۸۹	۸۸	۱۱۳

فرقت بینهما کما فرقت بین

بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة

الاحزان العلیم ۱۱۱

۱۶۵

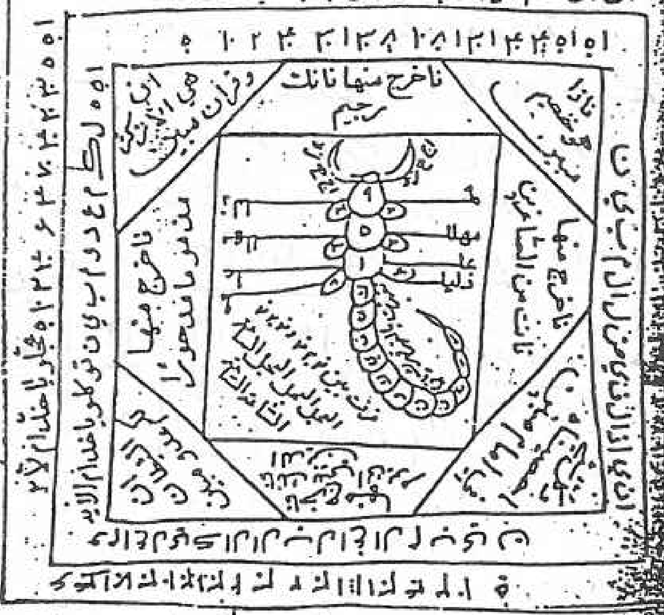
بالبنا صحیح ۵ ماما

از دوست ان النفس المرأة و زوجه تکتب هذه الاسماء فی سقف

باب تفریق و جدایی حرامزاده از کشکول شیخ بهاءالدین اخذ شده است باسم طالب
و مطلوب ... بر کاغذ کرده یا بر کفن اگر از جهت زن است بر کفن زن اگر از
جهت مرد باشد کفن مرد بالعکس جهت مرد بنویسند و در وقتیکه قمر در درجه عقرب باشد و نظر
منحوس یکی از کواکب منحوسه داشته باشد از ... سرکه خراد کنند و بنویسند در مقام انگس دفن
کنند که ... ۲۰ ۲۰ ۱ اگر دند تا که شلف میرون بنیاد و ... ثابت ان ... صبح ... شده
از مرده ... است تجربه شده است اما باحق نکنند کما قال شیخ در کشکول اخذناه من کتب الهند

۱۱ ۱۱۶ ۲۲۰۸۱۳۳

ان ان ث م الآف ي ض ل ال م ب ي ن



باب الاحضار روز چهارشنبه بر نفس بزلید و در آتش اندازد مطلوب حاضر

گردد ٤٧٥ ٩٩ ١١١ ١٢ ١١٥٩١ ١١١٩١٩ ١١١ ٤٥٦١٩٩ ١٧ ٥٩١

٩٥١١٣١٩٣١٩٣١٩١٩١٩١٩٩١١٨١٢٤٣٢ ط ١١ ١١٥٥ ١١ كرط ١٧ ٤

١١ ط ١٥٩ صبح

١١٧	٥١١٥
١١ ١١ ١١ ٩٩	
٩١ ط ٩١١٤٥٩	

١١١١

باب الاحضار بزلید بر شانه گوسفند اگر محبت بود بشد بر گوسفند بیان آتش اندازد مطلوب حاضر شود و تسخیرت را محبت قلب و عیون

بر اگر باده محبت زن لعنیت حرقت و حزنت و شهوت و لب و داه ٢٢٢ علی محبت ٢٢٢ ان مودت عشق و بحسب و کوسه

والطاعت و قبول قول ٢٢٢ لا قرار ولا نوم ولا خواب ولا اكل ولا شرب والليل والنهار العجل العجل الوحا الوحا ع اكـ ١١١ ط ٥ ١٨ ١١٢ ٤ لح

١١٢١ ٨ ١٢ ١٤ ٤ ٩٩ ١١ ٤ ٩٩٥ ١١ ٤ ١٩ ١ ٣ ١١ ٨ ١٧ ٢ ١١٥٢ ص

باب ختم ... حاجات شرط طهارت الرجل

٣٨	٤١	٤٤	٣١
٤٣	٣٢	٣٧	٤٢
٣٣	٤٦	٣٩	[illegible]
٤٠	٣٥	٣٤	٤٥

٢ لج ١٢ ١٨ ١٨ ١١١ ٣ ١٢ ٤

٢١	٣٢	٢٧	٢٢
٢٦	٢٣	٣٠	٣٣
٢٤	٢٩	٣٠	١٩
٣١	١٨	٢٥	٢٨

شب هزار مرتبه در یک مجلس بخواند بشد قسم (بلال) ... در وقت ... حاجت روا شود بعد از صلوات بخواند چهار مثل را زنجیر کند

بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی سیدنا و مولانا محمد صلوة ال سیدنا و مولانا محمد صلوة تنجینا بها من جمیع الاهوال والآفات و تقضی لنا بها من جمیع الحاجات و تطهرنا بها من جمیع السیئات و ترفعنا بها عندک اعلی الدرجات و تبلغنا بها اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیاة و بعد الممات انک علی کل شیء قدیر ... تا رحمت و منت حاجات ... هر حاجت مشغول به ختم ... بر آورده شده باشد ...

بجهت تفریق الم ترکیب بحروف مقطعه بدو ربنویسد در خانه دفن کند یا بشوید بخورد کن
بجهة سوره تبت یا ایها الکافرون را بیست ویکبار بخواند و بر ریسمان و هفت گره بزند در آسیا
کهنه دفن کند تخم جاروب و خوشه بنفشه قبرالم تر را بنویسد مقطعه ریزه کند بیا شد بخصاد
خانه شیره روغن بشوره در آتش بریزد از نیلاب بزند برد در آب گرم بشوید دیگ بکند آن

٣	٤١	٨	٩	٢
٦	٦١	١	٥	٤
١٣	٩٩	٨٨	٢١	٦
١١	٩١١	١١	١١	١٢

ال اح ت رك

از جهت عقد بول بگیرد یکعدد شاش دان کوسفند
بعنوری که آفتاب نه بیند پاک بشوید و این آیات را
نزد سرایی بر کاغذ بنویسد و بعد از آن که شاش دان
را پاک شسته در میان شاش دان گذارد و بعد از آن
باد کند هر که نفس بر آن میدمد دم بدم بگوید که التحت
جمیع بدن ۲۲۲ وال ۲۲۲ ولطبنه و رانه
و عصبه و بدنه و فرجه و فرجه و مغزبه و بدنه بعد از آن سر او را با ابریشم
سرخ یا سبز محکم ببندد بنوعی که مطلقا باد بیرون نرود و این عمل را در شب کند در خانه صاحب
و چون روز شود در برابر آفتاب بیاویزد و الحجه بر گرداند با جرثومه البته بسم الله الرحمن الرحیم
أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ
بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ كذلك الله يميت بول وغانية
ال ۲۲۲ من جمیع عروقه و عصبه و بدنه و ذکره و فرجه و جمیع بعره حتی لا یستجع
مقهرنا فلا مخرجا ولا ابراء ولا غاية ولا منام ولا الا وستريا ولا يلته
ولا يلتام ولا تعود ولا تيام ولا في الليل ولا في النهار بالسبع المثاني
والقرآن العظيم والذكر الحكيم وبطه ويس والحواميم والطواسين والم
والطواسيم

والطوسیم بالتوریة والانجیل والزبور والقرآن العظیم وانه لقسم لو
تعلمون عظیم وانه القرآن کریم بحق هذه الاسم الاعظم والقسم
المکرم ✡ ااا م ااا ه و بحق تملیخا مکسلمینا مرطوس
بطالوس ٣ ٢ ٤ ٥ ٣ ٢ ٠ ٤ ٢ ٣ ١٢١ وهذه الاسماء ح ااا
ح ااا ه ٤ اهیا اهیه ١٩٦١ م ٣ ١١٨١١ م ١٠ عدد
وبحق یملیخا مکسلمینا مرطونس انوس کره حق مسلم لا
ارطوس نوا سرا دیطا بوس قطمیر اگر خواهی آن را از او زایل بشود بکن
نشانه باز کن و نوشته زیر آب بشوید و نشانه بدلت قند ریزه خلاص شود

عنبر رداروا استجیب	روح لشته	تربانت	چشمیچه	مایران چینی
[illegible]	١٠م	٢م	نیم ا	٤م
دارالفلفل	کف دریا	زنگار فرنگی	قند سفید	نبات سحری بزرد
نیم ا	١٠م	٣ نم	٢م	[illegible]
ریشه برداوند	ریشه ریحان	اقلیمیا نقره	خون سیاوشان	شنگلا سرخ سنگ سرخ
١م	٣ نم	٢٢	١م	٢م

جوهر لیمو این ادویه را صلایه کرده از پارچه بیرون کرده بچشم بریزید مفید است ٢م
بجهت سودا طوخیای بگیرد نوکرد زرد کند بشکند در حنا موزد کل مختوم مرداد
لکات و همه دوا را مقابل صلایه کرده بعد قدری سرکه را جمع کنند بعد از آن
روغن زنبه کوسفند را بهتر تا به روزی زخم سودا گذارد تا زود قبیحه
خوب شود و بهتر شد از باطن شاه اولیا حرره محمد آقا ابن جواد الحسینی

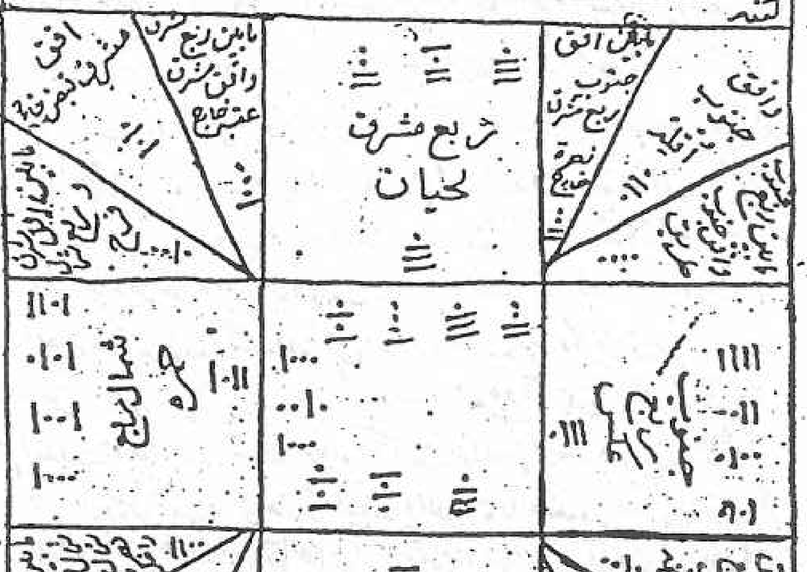
اشکال العناصر فی رمل · اشکال نباتی اینست ...
اشکال حیوانی اینست ... اشکال کانی اینست ...
... اشکال معدنی اینست ... در بیان دفائن

در بیان دفائن — درین موضع که گمان میبرد رمل بزنند و نظر کنند در خانه چهارم و ششم و هر دو را بیکدیگر ضرب کنند و نظر در آن شکل کنند اگر داخل باشد دفین واقع است و اگر خارج باشد خلاف آن و ثابت و سعد نحس نیست و منقلب بعضی برده اند و بعضی نه چون معلوم شد آن موضع را بچهار قسم کنند و بعضی چهار خط در میان آن بکشند بدین مثال



و نیک حاضر باشد و نظر تعلق ندارد و باز نظر کنند در خانه چهارم تا چه شکل آمده است و کدام زاویه
کنند در خانه سیوم که کدام است بر دست چپ دفین و پنجم بر دست راست و دفین دوم بر قبله دفین یکنوبت عمل کرد باز آنجا که طبع بود رسید بچهار قسمت کنند و همچنین عمل کنند آنگاه بر دفین افتد نیکو احتیاط کنند که خطا نشود اشکال ثابت همین است ... اشکال داخل این است ... اشکال
خارج این است ... اشکال منقلب هم این است
... اشکال مشرق ... اشکال مغرب ...
... اشکال جنوبی اینست ... اشکال
شمالی این است ... و اگر شکل که دلیل دفین است نیس آتش پیوسته باشد آن دفین در نزدیک آتش و اگر شکل خاکی باشد پیوسته در خاک باشد در زیر دیوار اگر شکل بادی باشد پیوسته در سقف خانه یا در سرای حیوانی باشد
اگر شکل آبی باشد در نزدیک آب باشد و دیگر در اخراج دفینه رمل باید زدن به نیت آن موضع که گمان است و شکل چهارم و هشتم ضرب کنند نتیجه اگر شکل ... باشد

باشد یا عقله باشد دفین برجای باشد و اگر شکل خارج باشد هیچ انجا نباشد
چون معلوم شد که دفینه هست آن موضع را بچهار قسم کنند و بدین طریق بنهند که در
خانه چهارم چه شکل آمده است و بکدام نواحی تعلق دارد و در خانه سیوم چه شکل آمده
که گواه است بر دست چپ دفین و دهم بر قبله دفین چون معلوم شد که در کدام ربع
پیدا شده باز آن ربع را بچهار قسمت کنند و همان عمل بکار آورد تا بدفین رسد و اکثر حکما
متفق اند که شکل خانه چهارم را در هشتم ضرب کنند و این را شراف الزاع گفت چون معلوم
شد که در کدام طرف است و طرح انجا رسید طول و عرض عمق را از ان شکل معلوم
کنند



تفریق: نوعی دیگر بنویسد در زیر باشد حاشیه الکس و بن کند فرقت بلین فهو ان نزد باغت

بینهم کما بعد المشرق والمغرب وکما بعد الجنة والنار وکما بعد الدنیا والاخرة والقینا

بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون

فی الارض فسادا فرقت بینهما بعزة الله وملک الله وعظمته بکبریائه سیاه

بعضا بکذا اندر خانه ایشان اندازد ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا

الصراط فانی یبصرون ولو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا ولا

تفریق: یرجعون. نوعی دیگر بنا و زد نه دانه نخود سیاه و بر هر دانه یکبار سوره تبت و سه بار

الم ترکیف بخواند بنام هر کس که خواهد و در آتش اندازد لبوزد البته جدایی افتد

چون همه بسوزد نه بار بگوید والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة

کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا مجرب است

تفریق: باب دیگر بخواند این دعا را هفت مرتبه بر پاره نمک خورد سنگ در آب دهان اندازد

و هفت مرتبه دیگر بخواند بر کف دو در آتش اندازد و هفت مرتبه دیگر بخواند بر پاره دیگر

زمین قبرستان دفن کند و هفت مرتبه دیگر بخواند در محبت ده آویزان کند تفریق واقع

شود. وقت عمل یکبار سوره تبت و سه بار الم ترکیف بخواند بعد بسمله دعا این است والقینا

بینهم العداوة والبغضاء الی ... البغض والعداوة والقطیعة بافتن فلان ... ...

الحجب المحجب المحل الفراق الفراق الفراق ابسا ... ... لا یجتمعان الی الی یوم القیمة

باب برای دفع خاطر نمودن آن را نوشته با اسم او و مادرش بر بازوی چپ خود ببندد و بیندد

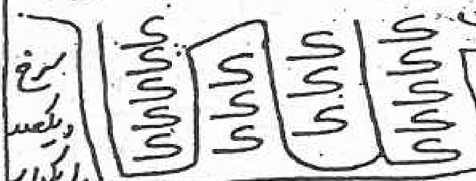
تعالی ثابت شود و زود دفع خاطر گردد بفرمان خداوند تعالی بعد بسمله بسم الله الرحمن الرحیم

... رجا ... اصارات والشاطین کل بناء وغواص

... ح ح ح رباه یا ... م ... م ... ممممم

احفظ

الضاً شیخ لطلکی در خواص الحروف فرموده که چون بر حریر سبز این شکل را بنویسد بجون مرغ خوانگی دبگردن مرغ سیاه یا گربه سیاه به بندند و قدری سیماب درگوش او بریزند و چشم او را بسته و سر دهند جائیکه دفین باشد بایستد و چون برگردن خروس ازرق صفحه نقره را که این شکل نوشته باشد به بندند جائیکه دفینه باشد منقار بر زمین زند انشت



باب چون بر یک کف خردل آبی و عنده مفاتح الغیب بخواند هر بار یا مبین بگوید و بازآید وصد و صد بار یا مبین گفته تا صد مرتبه تمام شود و خردل را در خانه که گمان دفینه باشد آتش نده در خانه را به بندند روز دیگر خردل ها را در موضع دفینه جمع یابند و مجربین این امر را مجرب دانسته اند و نیز در کتاب سر الاسرار مذکور است

مرحوم ابن منصور اسود را که به دفتر بن باشد در جائی بسته تا بسیار گرسنه شود و ده سیر لکا و زرد بی نمک حلوا گوشت تا بخورد او دهند و معلق سیاه سرنه ظرفی در ماه ذات او کذاشته روغن از دهان او بچکد روغن را گرفته دود دوده او را بگیرد و در چشم کشیده دفین را مشاهده کند

بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف یا جبرائیل فعل ربک یا شمائیل باصحاب الفیل یا کالکائیل الم یجعل کیدهم یا لوطائیل فی تضلیل یا میکائیل وارسل علیهم یا اسرافیل طیراً ابابیل یا سرطائیل ترمیهم بحجارة یا نیدوح من سجیل یا کنتفائیل فجعلهم یا اجمائیل کعصف یا تنکائیل ماکول یا تنکائیل اللهم العداوة والبغضاء و الشدا والتفرقة و تهلیک ما بین فلان بن فلانه و فلان بن فلانه در ساعت مریخ یا زحل با انگله قمر در عقرب در دقت عمل خواندن با نیت که رجعت نکند انشاء الله

حساب دفن از موافقات حساب تقویم و النجم شناسان سلیم تجربه شده است از برای جستن مطالب و مآرب و محبت و دوستی و جدائی و مفارقت از تجربیات علماء دقیق است

بشرطی که وفق را بر سیزده خانه جدول بکشد و حساب خانه‌ها را از یک تا سیزده
تأمل نماید چون خواهد برای کسی وفق نماید اول اسم طالب و مطلوب و اسمی از اسماء الحسنی
الهی اول در حسابیه ابجد ثبت کند و از جمع اعداد ۳۰ عدد طرح نماید و از ما بقی چهار یک
بگیرد و او را در خانهٔ اول وفق بنویسد و از یکم تا سیزدهم حساب را یک عدد زیاد کند که
جمع عدد بحصول پیوسته خواهد شد بشرط آنکه هرگاه خواهی از برای کسی کند قرار
برج عقرب باشد و وفق اینست

[illegible]	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

باب قاعده دیگر در عمل تحبیب و تبغیض آیه محبت و بغض
یا اسماء الحسنی عدد بگیرد بجای ابجد با طالب و مطلوب
در شانزده خانه وفق برکشد موافق برج رفتار کند
آبی آب خاکی خاک آتشی آتش بادی باد و هر روز آنرا
در دوره وفق بنویسد بحروف مقطعه مجرب
با بخورات مع ساعت
باب شنیده شده است در عمل احضار بگیرد عدد اسم شخص را با یکان او
و اسم عدد و منطوق هر دو جمع کند شد اینست ا ح ص ا س ا ح م د ع ل ی ب ک
ت ر ب م ا ن د ر م ک ا ن ر س د ا ل ا ه خ ا ن ش ا م ل و عدد گرفتم شد
۲۵۶۹ بهمین عدد بخواند این اسم را مع سوختن کندر یا لُغشجا ایل

باب قاعده وفق بر شانزده خانه بعد از جمع اعداد آیه محبت یا تفریق با اسم
طالب و مطلوب و اسم از اسماء الحسنی بعد از طرح سی عدد از جمع و چهار قسمت
نمودن یک قسمت را پر کردن در خانه‌ها اگر عدد زیاد آمد در خانهٔ نهم یک
عدد زیاد کند اگر دو زیاد آمد در خانهٔ سیزدهم یک زیاد کند اگر سه زیاد آمد
در خانهٔ پنجم یک عدد زیاد کند باب
اگر کسی مبتلا به تب غب یا نوبه بوده باشد
این طلسم را بنویسد تا سه روز در آتش
بسوزاند شفا یابد الف ۱ ۲ ۳ بینت

۲۹۹	۳۰۲	۳۰۵	۲۹۱
۳۰۴	۲۹۲	۲۹۸	۳۰۳
۲۹۳		۳۰۰	۲۹۷
۳۰۱	۲۹۶	۲۹۴	۳۰۶

باب استخراج ملک علوی و سفلی و اعوان نیز عدد و القیت علیک محبة منی ... در ظهر ورقه ثبت شده بقاعده مذکوره

غرلعائیل	[illegible]	[illegible]	غرکزائیل	
٤:٣:٢:١	١:٢:٣:٢	٣:٢:١	٣:٢:١:٢	
١:٢:٣:٩	٢:٣:٢:٨	٣:٢:١:٣	١:٢:٣:٨	غرلحطیش
١:٢:٣:٢٩	١:٢:٣:٢	٣:٢:١:٥	١:٢:٣:٢	غرلبطلیش
١:٢:٣:٦	١:٢:٣:١	١:٢:٣	١:٢:٣:١	
غرلوئیل	[illegible]	[illegible]	غرماتیل	

غرلطلیش

غرکلطلیش

السعه برآورده عزیمت میزد باین طریق عزمت علیکم یا ارواح الامهات ... عفر را بگیر و یا ارواح البهوت الاعلی ... موکل ... را نیز ... و یا ارواح الامر ... و ... موکل ... کرکیا

... العزة بحق روح الاقدس اسم روح آن ... رقم زند و یا ملائکه رب العزة بحق روح الاقدس ... بحق خالق الخلق رب السموات والارضین و اسماء عظام ... بعد البلاء قسم از اول سطر موافق مقصود حروف ترکیب کنند بگوید بقسم ... ان تهیجو و تحرقو قلب و روح و جمیع جوارح ... محبت ... قلبه و فؤاده بمحبت العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة بارک ...

فیکم و علیکم ... عدد ... ٣ ... ٣ بعد ... اشکال عددی ... شرایط موضوع ... که در این شکل از ... چهار ملک موکل ... مفتاح ... شکل ... از هر خانه که ... شود موکل آن خانه را در ... باید کرد چنانکه در این مثال ... آن ... آن خانه با ... چون لوح تمام شد ... روحانیه علوی و سفلی ... استخراج ... و عزیمت ... بعد ... شکل ... بخوانند ... تا ... آن چهار اسم که در جنب مفتاح شکل باید نوشت که موکل اند

[illegible]

כתר־ה־יה

	אָ	בּ	נּ	דּ	הּ	וּ	זּ
א	ך	י	ה	ד	י	ש	י
ב	ת	ט	ר	צ	נ	מ	א
נ	ע	ס	ד	ח	י	ל	ת
ד	ה	ש	ב	ד	ד	ת	ה
ה	הּ	ש	פ	ל	ד	ת	ה
ד	ה	ש	א	נ	כ	ס	צ
ד	ד	ל	י	ד	י	כ	ה
ת	ל	ש	ה	ה	ה	ת	ד
ט	ו	ב	ל	ד	ה	י	ד
י	ב	ש	כ	ה	ס	כ	א
א	ר	ע	ב	י	צ	י	ל
ב	ה	ר	ב	ה	ם	פ	ת
י	ה	ב	ת	ל	ב	ס	ד
ד	י	ל	ד	י	ה	ם	י
ש	ד	י	ה	ד	י	ש	י

این خط عبرانی [illegible]

[illegible]

بیاورد سه دانه فلفل سیاه
وسی و هفت دانه یکبار سوزه
و قرص را الم ترکیب بخوانند
جام هر کس که خواهد
بر آتش اندازد تا بسوزد
البته خدا [illegible] فتح چون
[illegible] بسوزد [illegible]
والقینا بینهم العداوة
والبغضاء الی یوم
القیمة کلما اوقدوا
نارا للحرب اطفاها
الله ویسعون فی
الارض فسادا

للطلب [illegible] نوشته بسوزانند [illegible] حاضر گردد از مجربات شمرده اند
و برای مطلوب [illegible] ذکر گفته [illegible]

هذا دعاء الحمد مغربي اين است بسم الله الرحمن الرحيم الحمد
لله رب العالمين يا حي يا قيوم اجب يا روقائيل سخر لي قلوب
جميع مخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سميعا
مطيعا بحق الحمد لله رب العالمين وبحق الحي القيوم وبحق
الملك المجيد يوش الموكل بالقوائم العرشيه الرحمن الرحيم اجب
يا رؤوف اجب يا جبرائيل سخر لي قلوب جميع مخلوقات روحانية
الروحانيات من العلويات والسفليات سميعا مطيعا بصير بحق
الرحمن الرحيم وبحق الرؤوف العطوف وبحق الملك هوزج يوش
الموكل بالقوائم العرشيه يا مالك يوم الدين بحق مقلب القلوب
والابصار وبحق الملك هيكل يوش بالقوائم العرشيه اياك
نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا معبود يا مستعان اجب
يا روقائيل سخر لي قلوب جميع مخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعا مطيعا بحق اياك نعبد واياك نستعين وبحق
سريع قريب المعبود المستعان وبحق الملك الكنسح الموكل بالقو
ائم العرشيه اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر اجب يا صرصا
ئيل وسخر لي جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليا
ت سميعا مطيعا بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق القادر
المقتدر وبحق الملك القصفي الموكل بالقوائم العرشيه صراط
الذين انعمت عليهم يا الله يا منعم يا حكيم يا عليم اجب يا عينائيل
وسخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
والسفليات سميعا مطيعا بحق صراط الذين انعمت عليهم ا

الحمد مغربي

يا رحمن يا رحيم

الرحيم مغربي

بحق انعم

بحق منعم الحكيم العليم وبحق الملك الشتشخ الموكل بالقوائم العرشيه
غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا قائم يا دائم يا عزيز اجيب يا
عزرائيل سخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات
السفليات الانسية والجنية والجنشية سميعًا مطيعًا بحق غير ا
المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق القائم الدائم العزيز وبحق ا
لملك ذضنطخ الموكل بالقوائم العرشيه اللهم انه ليس في السموات
وموات وليس في الارض عمرات ولا في البحار قطرات ولا
في الجبال مدنات ولا في الاشجار ورقات ولا في العباد حركات
ولا في الملكوت تسبيحات ولا في العيون لحظات ولا في الا
نفاس خطرات ولا في الدعوات تاثيرات ولا في الاشخاص
علاقات إلا بيد يموميتك عارفات ولك شاهدات وعاينات
وعليك الالات وفي الملكوت مسخرات تحت جبروتك مذللا
ت بنا القدرة التي سخرت بها الارض واهل السموات سخر لي
مطلوبي وسخر لي قلوب جميع المخلوقات من ولد جميع بني ادم وبنات
حواء من المذكرات والمؤنثات من الاجساد المخلوقات والارواح
الروحانيات والاشباح الحيوانات من العلويات والسفليات
سميعا مطيعا بحق امين يا رب العالمين يا قدير يا خبير يا بصير
نصير انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير اللهم سخر لي
هذه الاسماء العظام كما سخرت الريح لسليمان ؏ كما سخرت الجبل
والحديد لداود ؏ وكما سخرت الشمس والقمر والكواكب لامير المؤمنين
علي ابن ابي طالب ؏ وكما سخرت البراق والتاج ليلة المعراج لمحمد
صلى الله عليه واله سيد الثقلين وصاحب المقام قاب قوسين

لنا الحمد والمحمود لنبيك احمد المحمود وكما سجرت في يوم الموعود لصاحب الحوض المورود وصلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين المعصومين من الآن الى يوم الورود آمين يا رب العالمين باب اگر خواهی کسی را از مقام خود آواره کنی بنویسد این طلسم را و در مقام آن کس دفن کند آن کس از آن مکان آواره شود این است

نقش:

٦	ﻫ	د	٩١
صر٦	٤٠	بح	لف
٥٣	نص	لعر	٣٠
الرحيم	حمن ٥٢٦١	الر	الله

الرکسی تنگ دست و پریشان احوال باشد بنویسد این تعویذ را و با خود دارد غنی شود و پریشانی بر طرف شود ان شاء الله تعالی مجرب است

٧٠	٧٣	٧٧	٦٣
٧٦	٦٤	٦٩	٧٤
٥٦	٧٩	٧١	٦٨
٧٢	٦٧	٦٦	٧٨

باب جهت احضار بنویسد بر نقل چی سوراخ و در آتش اندازد اگر تا سه روز نیاید دیو ویرا برجی لعنت کنند با مشک و زعفران بنویسد شکل این است

علمسلعلصمها هو ملصب لاحصنا الفاجرات وانت عليم سعلهم روا رحم ه

محبت: هلمسلعلصمبوايا اد هواه باب جهت محبت بنویسد در کاغذ کو سفند و یکشنبه روز در آتش اندازد البته بیاید و حاضر گردد این است

٢٥٣ ﻫ ١١١ ٨ ﺡ ٨ ﺣلس ﻫ ١ ٢ و د ٣ ﺣ ١١٩ ٨ ٦ ١ اصبار احد ١٢

باب جهت تفریق بنویسد بکوزه آب ندیده و در جای خراب اندازد در ساعت از یکدیگر جدا شود طلسم این است ٩١١ ١١١١ ٣ ﺡ ١١ ١١ ٢ ٦ ٥ ١ ١١١ علم صع

تفریق:

سه ١١١ عداوة الکبیر در میان ... و ... والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم

الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله و یسعون فی الارض فسادا.

الوحا الوحا الفراق الفراق الی اق باب الحب بیاور از جامهٔ مطلوب

و این شکل را بروی بنویسد و فتیله کند و در چراغ بنهد تا بسوزد که آنکس بیقرار گردد

ا ک ۸ ااا ۳ ا ۸ اااا ۹ ااا باسم ۲۲ علی حب ۲۲ فوعد بکر بن فلان

سوراخ ناکرده در آتش اندازد وقتی که مردم در خواب باشند ۱۹۱۱۹۹۲۱۱۱۱۱۳

ایضا بنویس بر کاغذ و چرب کن و در آتش انداز اگر صد فرسنگ ااطم ااااا ی

دور باشد که بیاید بغایت مجرب است

و ز ه ... خاتم سلیمان سلام الله ... دل دجان ۲۲ علی حب ۲۲

باب الحب اگر خواهی کسی را عاشق خود گردانی بنویس این طلسم را بر کاغذ و در ... سنبه بسوزاند

که آنکس از محبت وی بیقرار گردد طلسم اینست ط ۶ ۱۸ ۸۸۸ ۹ اا اا ۱ . ۱ ه

اا ط ا ۸ ا ع ا . ۱ باسم ۲۲ علی حب ۲۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة

الوحا الوحا باب بجهت باز آمدن گریخته و آمدن غایب و پیدا شدن

گمشده نوشته در میان دو سنگ آسیاب ... سنگ ... گذارد اگر چه دور

باشد بیاید و گمشده پیدا شود



۱۱۱ ع لا ه ۱۱۱ لا

در نسخه دیدم این نسخه نوشته بود

که حقیر فقیر عبدالغفار چند نوبت این کار کرده جهت حرز ... آورد

باب بجهت زبان بند ... بنویسد و بر آب روان

اندازد یا در جای دفن کند که قبرستان باشد انشاء الله

زبان آنکس بسته گردد ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ...

ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ی ...

۸۴۳

۶	۸۶	۱۸
۳۲	۲۴	۱۳
۳۰	یا لطیف	۳۲ ۲

الله لطیف بعباده

محبت: بنویسد بر جامه انگشت در موم گیرد و در زیر آب دفن کند ء ۱۱۱ ط ط ۲۹ ج ج ح ص

محبت: عشق ازواج زن و مرد ... گویند در صحت محبت ازاین عزیمت بیابند بنویسند بر کاغذ و در خانه دفن

الحرز بخیر بسته باشد بیش تر آید مجرب است لط لعمود هی لمعول العرج

حق جلجله الاسماء فح ح ح وحنا ... صاحب هلم حره

العجل العجل الحجل انت ... تمه ...

تفریق: تفریق از جهت و ... ابتدای خاک بردارد و داخل کند اندکی تخم مرغ لاحق کند

ده دانه سیاه دانه تخم تیز ... اذا زلزلت والم ترکیف و العصر تبت از ... ریخ

جهار کتاب بخواند باسم انکس ... ملاک انکس بیاید صفت جدا باشد ...

محبت: بر چهار پاره نان بنام هر کس که خواهد بنویسد در شب ... باده دهد تا ... شود ۱۱ ۹۹ ۱۱ ۱۱۱ ۱۴ ج ۱۱۱ ۱۱۱۲ ح ح ۶۲

احضار: اگر کسی را از ... دور بیاورد بنویسد در زیر سنگ گران نهد مجرب است ۱۱۱ ل ۱۱۱۱ ...

ص ۸۸۳۶۹ ... ی ی ی ی ی ی ی ی

حب: X ج ۴ ح ح ح لا ... فی الحب بنویسد بر آتش اندازد مجرب است

ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ع ل ها ا ع ا ع ا ع ا ع ا ع ا ع

ا ع ا ع ا ع ا ع ا ع کم ۲ ۲ ۲ علی حب ۲۲ ... ا ل ...

السام ... العجل العجل العجل العصا العصا ...

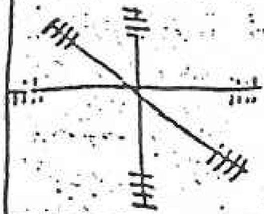
تفریق: اگر خواهی میان دو کس جدائی افتد ... بنویسد بکرا ... ا ر ... خورد

ان دهد در حال جدا شود ... ۱ ۲ ۱ ع ... جدائی ... خاک

... بگیرد ... بخواند ...

...

بکید تمیز زانه بنید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی قلبها شلها جلها اجا
لا رب السموات ان الله ربما کان لکم تفعلون وما العلم یشکرون
بنویسید و بسوزانید خاکستر ش را در خانه هر که بپاشند جدا شوند الشیت



اگر خواهی کسی را آواره کنی بنویس بتجربه را در آن
جای که می نشیند دفن کند حروف آخر را مقدم دارد
زود تر تفرقه شود از ا دل دل [illegible] و ال م
ت ر سه ی ق ل تفرق بنیه [illegible]

باب عقد طریق که اگر خواهند راه شخصی را ببندند که هیچ جا نتواند رفت دایره بر کاغذ بنویسند
و در مرکز دایره اسم شخص را که میخواهند راه او را ببندند بنویسند و در دور اسم آن
شخص سه حرف [illegible] بنویسند و عبارت که نوشته شود با حرف [illegible] بنویسند
در پارچه از جامه او [illegible] آن شخص [illegible] در زیر سنگ بنهند [illegible]
و عبارت این باید خواند و باید نوشت این است بسم الله الرحمن الرحیم سلسلت و
عقدت ۲۲ [illegible] عن سیره و عن مشیه و عن حرکته [illegible] قصده و عن
نیته و قهرته عن کل نیة ینوی الیها و حرمته یتحرک فیها یا قائم
ذو البطش الشدید انت الجبار الذی لا یطاق انتقامه یا قائم

اگر کسی را خواهی مسخر کنی [illegible] باید که این عمل را حب الکثیر نام دارد بجای آوری
[illegible] این دایره را بر [illegible] سفید مشک و زعفران و گلاب بهمین صورت
بکشی و بعد از آن [illegible] هیچ [illegible] باید که [illegible] باشد و خود نیز
پاک باشی و بخور عود و عنبر موافق برج و ستاره کرد آنرا لطیف کنی و بعد از آن
[illegible] در میان حروف اول که الف است بزنند و بخور تازه کنند و [illegible]

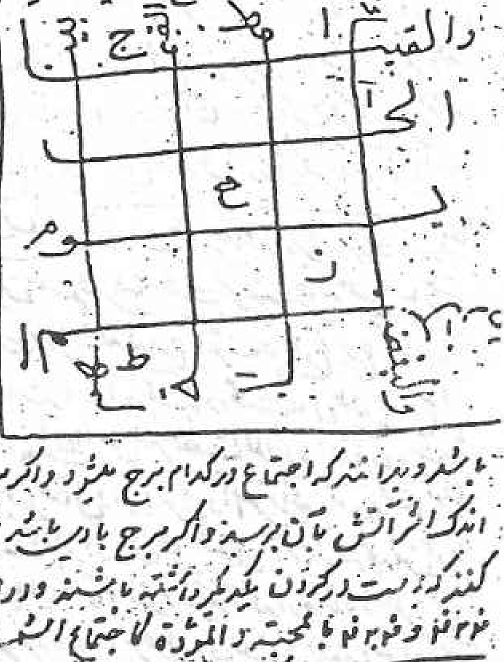
بار این عظیمت مراکی بخواند و صبر کنند تا آمدن مطلوب ببیند که چقدر راه است منتظر باشد
و اگر از این حرف نیامد باید که میخ دیگر مثل اول در میان حرف دوم که ب است بزند
و بخور تازه کند و عزیمت بهمان طریق بخواند و منتظر باشد تا آمدن او و چون بدانند
که نیامد میخ دیگر بر ج بزند باز منتظر باشد و بخور تازه کند و عزیمت بر هر حرف
بخواند همچنین تا بیست حرف و میباید که ۲۸ میخ پیشتر حاضر نگه داشته پیش
از آنکه حرف مطلوب معلوم شود این عمل که مذکور شد بکنند و خبر دار باشد که در
کدام حرف مطلوب آمد هر حرف را در باد حقه نگه دارد و هر عملی هر خواهد بطلبد
همان حرف بخواند و در عمل آورد و چهار نام که طالب و مطلوب و مادر آنها باشد
این است نام طالب و مادرش در بالای میان دایره نیمه خود بنویسید و نام مطلوب با
دایره خود تحتانی دایره بنویسید و در عزیمت وقت خواندن حرف هر جا که مقرر شده
داخل ساخته بخواند و در این دایره ... تسخیرات ملکی تسخیر جن عمل ملکی تسخیر انس کنند باید
که میخ اول با الف زنند تا قاف و اگر تسخیر جن کند باید میخ اول با یکین زنند و بهمان
ترتیب عمل نماید



فوائد این بسیار است
اختصار بر این شد
عزیمت هسکرا اینست
بر سر هر میخ بیست و هشت
بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
أقسمت علیکم یا معشر
الروحانیین العالی
یقینی لهذه الاسماء

وَالخُدّام لهذه الحروف الجليلة هَيْشَمْشَال كَشَمَا أَل هَشُوشَ كَبَرْ شَ أَنتَ
القَوِيّ الشَّدِيد. هَاهُودِيشَ مَيْخ هَيهُودِيشَ مَكْشُوهِيخ شَيهَكطيش
طَحَلَطِيخ بِعَظَمَة طَلَطُوخ يَا نُورَ شَيْشَا خَشَمَة طَيْخَلَيَاخ فَاطِر
السموات والأرض كَهشَيْال طَلمخصَا بكلمونيا طلع اليخ يا هَلُومَهَا
سَفُوتْ تَدَ أَدْ كَتَالجباب بعظمة أسمائه اهوه نهوه يحويه
القسم الذي يجب طاعته على كل روح وروحاني وجسماني سخروا
لي ثوبت ٢ واسمعوا وانهضوا واجلبوا الي ٢ ابن ٢ على حب ٢ ٢ اللهم
اني اسئلك بالالف المعطوف الذي هو مبتدأ الحروف بباء البهاء
بتاء التلاقي بثاء الثبات بجيم الجلال بحاء الحيرات بخاء الخوف
بدال الدرع بذال الذاريات براء الربوبية بزاء الزبور بسين
السناء بشين الشهادة بصاد الصدق بضاد الضيا بطاء الطا
بظاء الظهيرة بعين العلم بغين الغيب بفاء الفناء بقاف القدرة
بكاف الكرش بلام اللاهوت بميم الملك بنون النعيم بواو الولاية
بهاء الهيبة بلام الف الالاء بياء يوم النداء ان تسخر لي
٢ ٢ ٢ وان تجمع بيني وبينها اقسمت عليكم يا ملائكة هذه الحروف
بحقها اقسم عليكم الا ما اجبتم وتأمرون ما اريد احضروا
بِلْقِيس ... انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا
علي وأتوني مسلمين يا ارواح الطيبين الطاهرين المسخرين لهذه
الحروف والاسماء وخدام هذه الاسماء والحروف احضروا ٢ ٢ ٢

وهيجوا اينه جسمه وامتره وتومروا به الى هذا المكان سريعا عاجلا
بحق هذه الاسماء المباركة المقدسة العجل العجل العجل احفروا احفروا
احفروا الساعة الساعة انسا الوحا الوحا الوحا بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله عليا ولي الله اگر خواهند میان دو کس تفرقه و عداوت بهم رسد
روز یکشنبه ۳ درم و حروف طتجحا در خانها رقم کنند و حروف ... متفرقه در خانها
بنگارند و اسم شخصین را مکرر کنند و بگیرند اسمها در چشمه از حرف بنویسند بنوعی که
حروف برکه... باشد و خطوط لوح از آیه والقینا بینهم العداوة والبغضاء رقم کنند



از جهت محبت بستانند پاره موم
صافی پاک کار نکرده و قدری
سنبل الطیب با تراکی موم بر سیاه
و با موم صافی بسرشتند و دو صورت
از آن موم بسازند یکی بنام طالب
و یکی بنام مطلوب و نام شخصین
با اعداد مشتمه در یک مربع نوشته در شکم
صورتها نهند و در وقت اجتماع نیر
باشد و ببینند که اجتماع در کدام برج می‌شود و اگر برج آتشی باشد در جائی بنهد و نزدیک
اندک از آتش با آن برسد و اگر برج بادی باشد از درخت بیاویزد و صورتها را چنان
کنند که دست در گردن یکدیگر داشته باشند و در وقت ساختن بگویند که اجتمعت بین
... بالمحبة والمودة كاجتماع الشمس و القمر ... طالب بمطلوب ...
مطلوب بمحبت طالب ... بازد

... ...

ش . بـ شه هو بـ ث

۳۸۳

۱۸۴	۷	۹۳	۱
۹۱	۲	۱۸۲	۸
۵	۹۶	۳	۱۸۰
.	۱۷۹	۶	۹۵

۴

مطلوب [illegible] خطاب [illegible]

۲۳۰

۱۴۱	۷	۷۱	۱
۷۰	۲	۱۳۰	۸
۵	۷۵	۳	۱۳۷
۴		۶	۷۴

۱۳۶

طلسم ربع انیست

بگیرند زر نیزار سیماب
در ریزه‌اش سرخ نصف
جزو براده شاخ گاو
میش ثلث اجزاء

براده شاخ بز ربع جزو و بریزند براو خون بز نر بوزن مجموع و دفن کنند در سرگین گوسفند
روز دیگر بیرون آرند و دیگر بار جمیع خون و مثل آن روغن زیتون پس در کوزه کرده در زبل
دفن کنند بیست و یک شبانه روز و در روز ثالث مقدار وزن مجموع آن خون و زیت بریزند و مقدار
عشر وزن آن زاج و مثل نصف عشر آن نشادر و اگر زاج نباشد در ادا یا آب حل کنند و بریزند
ابلغ و اولی باشد بعد از آن این مجموع را در قرع انبیق تقطیر کنند بدرستی که برآید از او آب
ذهب اللون مشرق که تلیین نحاس ابیض کند

صفت طلسم عقارب برای آنکه از شهری [illegible]

آن بلاد را از آفات عقارب نگاه دارد و این طلسم عمل بلیناس است گویند در خزانه [illegible] ساخته
که از آن بهمان طریق بکار [illegible] وقت نزول زحل به برج عقرب و طلوع برج اما چنانچه
اول جزو باشد آخر جزو اول طالع باشد ابتدا در یکشنبه در [illegible] طلوع برج از
عمل فارغ شده باشد تمامه ذکر کنند [illegible] مثل نصف اعلای [illegible] شده و
نصف اسفل آن مثل اسفل عقرب بر این مثال [illegible] بر عمود آهن [illegible] محکم
مستحکم کنند و در وقت اول طلوع عقرب تا آخر او بأین عمل مشغول باشند و همچنین عمود را
[illegible] وقت ترتیب [illegible] اگر احیانا تمام نشود باید که گذارند تا باز طلوع عقرب
کرده شود تمام گشته [illegible] مستحکم کرده بنا [illegible] بر حوالی آن [illegible]
[illegible] طلسم کنند باید که این عمود را در وسط قریه نصب کنند [illegible]
طلسم عقرب [illegible] عقرب [illegible]
[illegible] طلسم خواص دیگرش آنست [illegible]

صفت طلسمی [illegible] درد جگر
را دفع کند و بعلاج آورد
وقت نزول مریخ در بیت
هشتم در درجه [illegible] متصل
القمر باشد و منصرف از مریخ
باتصال زهره باید که بر سر
حجر احمر مستطیل و اکثر بشکل
جگر گرد [illegible] باشد صورت
جدی را او نقش کنند و بر
حول آن این کتابت تحریر
نمایند و این حرز را سوراخ
کرده در سوراخ آن دوای
ازاد [illegible] کنند [illegible] بر گردن



صاحب وجع کنند یا [illegible] کنند معلق کنند بسرعت تمام آن وجع و شدت برطرف
شود باذن الله طلسم [illegible]

باب در قواعد طلسمات [illegible] از رساله
برناسیه انتخاب شده قواعد کلی دارد اول
عمل بر طلسم زحل جهت تهلکت و تمریض
و تفریق [illegible] و جهت مفارقت گفته اند هر در
روز شنبه در اول ساعت طلسم زحل را بسر کرد
[illegible] بر [illegible] نویسند و دور [illegible]
دفن کنند یا در آب [illegible] تمام اندازد [illegible]
دست دهد و اگر خواهند [illegible] بسیار کنند [illegible]



[illegible]

مرغ سیاه تعزیت بردارند و صورت آن شخص بیاز بند و طلسم زحل را باب سرکه و سفیدی بر کاغذ نویسند
و در میان صورت نهند و در لته حیض بپیچند و در شیشه اندازند و نزدیک آتش دان دفن
کنند که آن شخص بیمار شود طلسم مشتری عمل بجهت سعادت و دوستی است و اعتبار نزد
علما و قضاة و آنرا در روز پنجشنبه باید نوشت و در ساعت اول روز بر ورق آهو بمشک
و زعفران و گلاب و اگر سه روز متعاقب روزه دارند از روز سه‌شنبه تا چهارشنبه و در روز
پنجشنبه که از روزه بیرون آمده باشد غسل کنند در ساعت اول روز و طلسم مشتری را بزعفران
و گلاب نویسند و نوشته را بمسجد جامع برده چهار رکعت نماز بیک سلام بخوانند و در هر
رکعتی فاتحه یکبار و آیت الکرسی چهل بار بخوانند بعد از آن نوشته را پیش سجده نهاده
و طرف بعد وارث را بعد از فراغ نماز بر آن نهاده هر حاجت مشروع که بخواهد میسر گردد
لیکن بجز یکبار باید داشت و اگر مشتری در شرف باشد نیز خوب است طلسم شمس اگر
خواهند که شخصی را در محبت بیقرار کنند روز یکشنبه در ساعت اول روز برابر
آفتاب باید ایستاد بر یک قدم راست و طلسم را به آب خالص بر قرص شکر کتابت
کنند و شخص را مطلوب است بخورانند هم چنان بیک قدم ایستاده صد نوبت اسم
يا اِلٰهَ الآلِهَةِ الرَّفِيعِ جَلَّ اِلٰهٍ يا اِلٰه را باید خواند با اسم شخص بدعا
و استدعای محبت او باید کرد و اگر هلاک دشمن خواهند همین اسم که ذکر شد بر کاغذ
زرد باید نوشت با خود دارند و چهل روز متعاقب هم برابر آفتاب بر یک قدم چپ
ایستاده اسم یا نور کل شیء و هدیه انت الذی فلقت الظلمات بنوره
با بزرگ صد نوبت بخوانند بنیت هلاک دشمن و بعضی گفته اند که همین اسم در کاغذ
زرد باید نوشت با خود دارند و هر روز که برابر آفتاب ایستند مقدم با یک گرد بود و مشغول
شوند و طلسم آفتاب را در کاغذ زرد باید نوشت و الحمی که میخواهند و چهره و هر بعد از خواندن

اسم مانند مذکور را در لفافه باید بپیچند در جای پاکیزه پنهان که آسمان برابرش نباشد و روز دیگر بیرون آورند و برابر آفتاب برونه و ورد بخوانند و هم چنین تا چهل روز بهمین طریق عمل نمایند. طلسم زهره برخرش تثنیه اگر کسی را بستر باشند طلسم زهره را در روز جمعه ساعت اول روز بمشک و زعفران و گلاب بر جام آبگینه نویسند و آنرا با عرق بید مشک و عسل بشویند هنگامی که خطیب بر منبر باشد بخورانند بسته گشاده شود و اگر روز طلسم مذکور را بر قرص شکر نویسند و بشخص بخورانند آن شخص مطیع شود و اگر هنگامی که خطیب بر منبر خطبه خوانند در روز جمعه طلسم زهره را بر ورق آهو نویسند بمشک و زعفران و در لفافه بپیچند با خود دارند محبت طلب العقول باشد طلسم عطارد اگر بر آب باران بنویسند و نوشته را با آب بشسته بخم بخورانند زبانش بسته شود و اگر خوردن بنفیر نشود نوشته را در کوزه نهند و در زمین نمناک دفن کنند هر چه خواهند حاجت میدهد و اگر خواهند هر کسی را به بیند طلسم عطارد را با آب کافور بنویسند و نوشته را با اندک کافور در میان قفل نهند و قفل را به بندند و در دقت خواندن در زمین نمناک قفل را پنهان کنند هر چه آید و اگر تب هر جا هر کسی خواهند واقع شود در روز چهارشنبه در ساعت اول روز طلسم عطارد را با آب کافور بنویسند و نوشته را با اندکی کافور در کوزه نهند و کوزه را در زمین نمناک دفن کنند و آن شخص تب و سرما بهم رسد. طلسم قمر اگر در روز دوشنبه ساعت اول روز بمشک و زعفران و گلاب بنویسند و در رهگذر باد بیاویزند باعث برکت باشد و اگر با خود دارند عوام الناس مطیع او شوند. طلسم بحروف لا ادنا

من فه ع ١٩٣١ ٤ من

تتمه طلسم انیاسته

و هوه هه ٢ یه ع من ۷

کلولیا علوایا ها هه

احمد من به نکا کا هکا

سه سه سه

تتمه طلسم

مشتري عود
طلسم

معلعلكهسلطهط يا لاحز
صه العومه من ٢ مره
منه اه فام معللسللعلطرمرما
ملك سعهه ويا مالة يا نهونة
امرا كمنه

طلسم زهره

كهم هلم
سعه لولولو ياح سه
هوهو نو نو يه
مه وعه ماصه
صا آ ا طه مرع

طلسم قمر حمركافور

[illegible]

شمس زعفران الاب
طلسم

معاسرجا كاكاصر اهل
كاهحلواها زهلاه كعا كعا
مركا ابز كا كا انشفنا
حعاحد ربا امر اهو مزمر

طلسم عطارد
شنبنيب

ملك [illegible] هلهاء
ماه عطانه طم ضرسه ط
وهرفه هرصه مرصه صرمزه كرد
ليه هرله كرهوهوام جرجس

تقسيم حروف بر كواكب سبعه

مشتري	زحل
طق ك ص	ت وخ غ
شمس	مريخ
ح هي ع	ا ث م ر
عطارد	زهره
ب ز ض د	ش وظ ث
قمر	
ح ل س ف	

حروف خاکی	ثور	سنبله	جدی
بروج خاکی	د ح ل	ع ر	خ ع
منازل خاکی	سماک عوا دبران	ثریا ذراع	بلع سعود

حروف تهجی را بمنازل قمر قسمت کرده اند بدین ترتیب حرره محمد کاظم

شرطین ا	بطین ب	ثریا ج	دبران د	هقعه ه	هنعه و	ذراع ز
نثره ح	طرفه ط	جبهه ی	زبره ک	صرفه ل	عوا م	سماک ن
غفر س	زبانا ع	اکلیل ف	قلب ص	شوله ق	نعائم ر	بلده ش
ذابح ت	بلع ث	سعود خ	اخبیه ذ	مقدم ض	مؤخر ظ	رشا غ

از منازلی که برین چرخ برین دوازده ماه آنچه منحوس است بجمل است که گفتم بتو یک یک
شوله و اخبیه و نثره و طرفه دبران بلده و ذابح و اکلیل و زبانا و سماک

چون خواهند شخصی را از مقام خود آواره کنند نام آن شخص را با نام مادرش در مثلثه منحوس
بعدد رقم کنند نوشته را بمقراض سه پاره نمایند بشرطی که نوشته چیده از هم جدا شود
در مقام آن شخص بیاشند و مثلث دیگر بهمین نوع نوشته در زمین منزل آن شخص دفن
میکنند و مثلث دیگر را نیز بهمین نوع نوشته تیر که بیاشند در منزل همان شخص بیاشند
و مثلثات را در گورستان بنویسند و بجز از سر کلب سگ و گربه بکنند تعبیه در میان
عمل تعبیه کنند مرغ اول آنرا گذاشته باشند بگیرند آنرا پاک بشویند و بر تعبیه مذکور شخص
را باهم خوش خواهند باید نوشت و اسمای مسعود بنویسند و بر کبوتر پاک باید نوشت
که تعبیه را

که بیضه را لفافه کنند بآن کرباس و بمان اسماء که برکرباس نوشته اند بربیضه انه جو باید خوانده
بر هر دانه نوبتی و بیضه را در زمین پاک دفن باید کرد و جوها را بر سر بیضه باید افشاند
و لته نوشته را بر بالای خاکی که بیضه در آن مدفونست مشتعل باید ساخت و بمان
اسماء که بر جو خوانده اند باید خواند بعدد ۲۱ نوبت یا زیاده یا آنچه مقدور باشد
دیگر زر لبنان باید سوخت و این عمل بجهت زوج و زوجه باید که حلال باشند نه از
برای حرام اسمائی که باید نوشت و باید خواند بر جو دوام عزیمت باید کرد انیت
لهو لهو شراهیا هیهو و بقدرة الله العزیز أذونای اصبا
وت صمتا احیا اهیا راهیه اذونای اصبا وت آل شدای هینة
به طه لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لکن
الله الف بینهم انه عزیز حکیم و جعل بینکم مودة و رحمة ان رحمة
الله قریب من المحسنین فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم و الناله
الحدید ان اعمل سابغات و قدر فی السرد و اعملوا صالحا
نوعی دیگر بستانند بیضه مرغی اول نهاده باشد پاک بشویند و بنویسند بر بیضه
یا شمعونا یا شمعینا یا ملک الجن و الشیاطین هیج روحانیة !
لساکنه فی تنسب ... علی محبة ... بحق هذین الاسمین
اهیا شراهیا و الق بینهما حبا شدیدا ایا آذونای اصبا
وت آل شدای و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ... عزیمت
را هم باید خواند و دیگر بلا ردا و بیضه را در لفافه پاک بپیچند و در
زمین پاک دفن کنند و بر بالای آن آتش بر افروزند و عزیمت بخوانند

بنویسید بخون مرغ سیاه یک رنگ و در اندرون دل گوسفند بگذارد و در کنار آب روان دفن کند عاشق و مبتلا شود طلسم مبارک اعظم این است

۲۱۱۱ ۷۲۱۷ ۱۱۱۷ ۴ ۴۴ ۱۱۱۱ ۲۱۲ ۲ ۱۱۱۲ ۴۴۴ ۱۴۱ ۱۱۱ ۱۴ ۱۱۱۱عما۱۱۱۱

۲ هو هو ۱۱۱ على حب وعشق فو ۲ ۲ ن وعلى حب فو ۲ ن باب تهييج عظيم

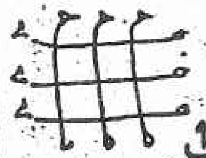
يكتب على ورق النارنج ويحرق في النار فانه يأتيك قبل الحرق وهذه الكتابة سلسكر كسلحس عحسح هلحسحلطلح جلبت ۲۲ ن الى فو ۲ ۲ ن بحق هذه الاسماء العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة اقرب من لمح البصر او هو اقرب الكتبة بساعة الزهرة واتق الله في نفسك وعليك لا تفعل للحرام

بنویسید در جامه دو نفر با سنگ از هم جدا شوند تقدیر معکوس ... است

ﺣ	س	م	ن	م	ل	ب	ح	ا
ﻬ	د	يا	ج	ى	ف	ب	ط	ح
ل	ا	ت	ل	ا	م	ح	٥	ت
ع	ر	م	ا	و	ب	ج	ل	ت
ا	ذ	ا	س	ا	ف	ي	ل	ص
ي	س	ب	س	ك	ا	م	و	ه
ل	ا	م	ه	ن	ع	ى	ن	غ
ا	ا	م	ب	ت	ف	ب	خ	ل
يا	ب	ا	١٠	د	يا	ت	ب	ت

باب جلب يكتب في ورق القرع ويحرق بالنار وهذه كتابته هيجت ۲ ۲ ن الى فو ۲ ۲ ن حتى لا يصبر عنه ساعة واحدة بحق هذه الاسماء





ﮨ ∩ نمع معمعصهه حصا و ا

اتوا بدكلهب لنيران العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة بحق بحق هذه الاسماء المكنونات والعقد والطلسمات حرره محمد ابن جعفر

از سید علی الای

تهييج

لسیاس

لوح

باب جلب

ازشنیده یمنی خدای نقص شده بجهت دیو و پری زده و برای کسی که جن و شیاطین برا و مسلط شده

باشد تاثیر عظیم دارد و چون برای او خوانند بزودی خلاص شود طریق خواندن آنست

بر گوش چپ تا راست مصروع سوای از سر ترجیه و تحکم و هیبت بخواند و اگر بر کتف چپ

و راست او بنویسد خوبست اگر در نوشتن متعذر باشد بر بیاض که بدو تعویذ است

بنویسد و در وقت نوشتن بزبان بخواند و بنویسد و جهد نماید در حال نوشتن دور از تجرد

خواطر و حضور قلب بخواند اگر در ملایکه جن منزل گرفته باشد بخوانند جن قرار نماید

بسم الله الرحمن الرحیم ارقاش ارقاش تاعش حرقاش

استطقات استاف خطوف خطاف شعد اس نراس الله

رب العزة یا طهشلوا مشبوح ارنج شنوج ارهوا حنثیثا

العظیم الأذی الأبیکلف الذین نسو المؤمنین والاسم

[illegible] اب بهم ولهم هذا الحریق انشدکم

یا معشر الجن بالله العزیز القهار الوافی وفی العهد الذی

اخذ علیکم سلیمان بن داود ان لا تقربوا صاحب

هذا الهیکل وان تترکوه فی حرز الله وحمایته بحق محمد وآله

اجمعین الطاهرین الرجی گرفته بیهوش باشد یا سخن نگوید این

طلسم را پیش از عظمت دود کنند بهوش آید ع ط ۸ ۸ [illegible] ۲۲۲۲

۱۱۱۸ ع ۹۵۵۸۸۱۲۶ هرگاه زبانش گرفته این تعویذ را نوشته بشوید

بخورد زبانش گشاده شود مجربست ایتوا یا ایتوا یا ملیخا شمعونی یا

الجلال والاکرام وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا

یزید الظالمین الا خسارا

باب دفع سختیها هر کس هر صباح ده نوبت و هر شام ده نوبت این آیه بخواند و سجده کند از همه سختیها در جهان ایمن باشد أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ مجموع این آیه ۱۴۲ حرف است حروف که در این آیه است اینست حروف مرکب حروف نورا ۹ ای ا ح د س ع ق ک ل

۹۷۱۰۱۴۲۲۳۳۳۴۷۱۲۵

ظلمانی ۱۵ ب ت ث د ذ ش ص ض ف و ۱ حرف که در این آیه نیست نورانی ۲

۱۴۲۴۲۱۲۱۲۲۳ طص

مجموع عدد آیه اینست ۱۹۶۱

ظلمانی ۴ خ ظ ز غ

درد معده و صداع هر کس را ۲۳ حرف که در این آیه از آن کم بنویسد چون قمر در حوت باشد با خود دارد از درد معده ایمن باشد

دفع دشمن هر کس را ۴ حرف ظلمانی که در این آیه نیست بنویسد چون مریخ سیاره در ساعت مریخ چهار حرف ذال بی بینی دیگر گرداو بنویسد و یکدانه پولاد در اندرون او نهد بنام هر کس که خواهد بر ظهر آن بنویسد و در کل خن حمام دفن کند آن دشمن آواره گردد یا هلاکت گردد آوردن غایب هر کس صد و چهل و دو حرف که در این آیه است بنویسد در ساعت قمر به نیت غایب در لوحی بنویسد یا بوی خوش و در چاه دفن کند غایب زود بیاید

تسخیر کردن انجه مراد تعلیم هر کس ۳ حرف نورانی که در این آیه بنویسد روز جمعه پیش از طلوع آفتاب و لفظ دینار بار و تعالی گرداو بنویسد با خود دارد اگر خواهد که آفتاب از آسمان برگشت آورد محجوب و دلها هر کس این آیه را در ساعت زهره ۱۷ بار بخواند و بجه کند در شب آنکس محبوب دلها گردد.

دعای فرج از فرمایشات حضرت صاحب الزمان صلوات الله و سلامه علیه که شیخ طبرسی روایت کرده و او روایت نموده از ابو جعفر ابن هارون موسی بلد که او روایت

دعای فرج

که او روایت کرده از ابوالحسن ابو بغل او گفت از ابو منصور کاری را بگردن
گرفتم و نسبت آن کار میان من و او طوری شد که باعث خوف من از او گردید از
در طلب من بود من از او گریزان بودم تا آنکه شب جمعه بقصد زیارت حضرت موسی
ابن جعفر علیهما السلام رفتم و شب را در حرم بسر بردم اتفاقا در آن شب باران و باد بود
پس از ابو جعفر کلیددار حضرت خواستم که درها را ببندد زیرا که اراده تا در خلوت
دعا و مسئلت نمایم اجابت نمود درها را قفل کرد مشغول تضرع و زاری بودم ناگاه
در نزد قبر حضرت موسی صدای قدمی شنیدم چون نظر کردم آواز مردی را شنیدم
که بر یک یک انبیاء اولو العزم سلام کرد تا آنکه با ائمه رسید یک یک را سلام
کرد تا آنکه بحضرت حجت رسید و او را ذکر نکرد چون دیدم متعجب گردیدم با خود
گفتم شاید آنحضرت را فراموش نموده یا اینکه مذهب او این نباشد تا آنکه از زیارت
فارغ شده دو رکعت نماز کرد چون از نماز فارغ گردید نزد قبر امام محمد تقی
آمد او را نیز مانند جدش سلام و زیارت نموده دو رکعت نماز کرد او را نشناختم از
او ترسیدم چون متوجه کردم جوانی دیدم در حد کمال سفید و بر عمامه با
حنک بر سر و ردائی در برش بسوی من نگریست فرمود یا ابا الحسن ابن ابی البغل
تو در کجائی از دعای فرج عرض کردم ای مولای من آن دعا کدام است فرمود
نماز بگذار بعد از آن بخوان این دعا را یا مَن اَظهَرَ الجمیلَ و سَتَرَ القَبیحَ
یا مَن لَم یُؤاخِذ بِالجَریرَةِ وَلَم یَهتِکِ السِّترَ وَالسَّریرَةَ
یا عَظیمَ المَنِّ یا کَریمَ الصَّفحِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ
المَغفِرَةِ یا باسِطَ الیَدَینِ بِالرَّحمَةِ یا مُنتَهی کُلِّ نَجوی
وَیا غایَةَ کُلِّ شَکوی یا عَونَ کُلِّ مُستَعینٍ یا مُبتَدِئاً
بِالنِّعَمِ قَبلَ استِحقاقِها بعد از آن ده مرتبه بگو یا رَبّاه
بعد از آن ده مرتبه بگو یا مُنتَهی غایَةِ رَغبَتاه بعد از آن بگو

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الأسْماءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ
عَلَيْهِمُ السَّلامُ إلّا ما كَشَفْتَ كَرْبِي وَنَفَّسْتَ هَمِّي وَفَرَّجْتَ
غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حالِي بعد از آن به طریق مذکور دعا کن و حاجت خود را
بخواه بعد از آن طرف راست خود را بر زمین بگذار و در سجده صد مرتبه بگو یا محمد
یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیای وانصرانی فانکما ناصرای بعد از آن طرف چپ
را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو ادرکنی و بسیار مکرر بکن بعد از آن الغوث
الغوث الغوث بگو تا نفس قطع شود بعد از آن سر بردار که خداوند بکرم خود ان شاء الله
حاجت ترا بر میآورد راوی گوید چون این شنیدم برخواستم مشغول آن گردیدم
آمد و برفت بعد از فراغ خواستم نزد ابوجعفر که ... بروم و از حالت آمده بپرسم
در را مانند سابق بسته دیدم با خود گفتم شب بعد در دیگر باشد صبح ندانم پس
بسوی ابوجعفر شتافتم او آواز مرا شنید از بیت الزینب بیرون آمد واقعه
یاد گفتم و در باب دعا پرسیدم گفت جمیع درها بسته است گفتم پس آمد چه کسی بود
چه کرد دعا آمد و برفت گفت او مولای ما صاحب الزمان است و او را بارها در شب این
شب و اوقات خلوت دیده ام پس صبح که از روضه مطهر بیرون آمدم و اراده محله کرخ
و آن مکانی بود که در آن مخفی و پنهان بودم رفتم بآنجا هنوز آفتاب بلند نگردیده بود که جمعی
بطلب من آمدند و احوال مرا از کسانی که نزد من گرفته و از ایشان در خصوص من امانی
بود از وزیر و در رقعه هم بخط خود نوشته بود کل جمیل ... کارها را که خوب است پس
با مردم ثقه از دوستان خود نزد وزیر رفتم چون وزیر مرا دید از جا حرکت و برخواست مرا
چسبید و نوعی ملاطفت نمود که هرگز مثل آن ندیده بودم بعد از آن بمن گفت کار ما
بجایی رسید که از من بحضرت صاحب الزمان ع شکایت کردی گفتم من دعا و ...
کردم و شکایت نکردم گفت ... در شب جمعه در خواب دیدم مرا ... صاحب ...
دیدم که مرا

دیدم که مرا ... امر شیخ نا بد ز حضور ان امر را ... در تر سیدم ابو الحسن گویدچون
این شنیدم گفتم لا اله الا الله شهادت میدهم که این تن برحق وحق با این است
و شب در بیداری ... را دیدم پس از بیان او شرح واقعه را ذکر نمودم چون این
بشنید متعجب گردید پس بعد از آن از او یافتن ... کار آن ... دیدم و در نزد او ... به
بمرتبه بلند رسیدم شرح مفصل ... مختصر نمودم ان حضرت معاصر نوری حاج میرزا
حسین که گفت در مشهد بغداد بودم و اراده ... داشتم از خوف گشته شدن ...
قرین ... ناخمنین پناه بردم در آنجا تفرع نمودم ، انکه حضرت صاحب الامر علیه السلام
این دعا را بمن تعلیم کرده خواندم به برکت آن دعا از آن بلیه نجات یافتم این
اَللّٰهُمَّ عَظُمَ البَلاءُ وَبَرِحَ الخَفاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ وَانْكَشَفَ
الغِطاءُ وَضاقَتِ الأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ وَإِلَيْكَ يا رَبِّ المُشْتَكىٰ
وَعَلَيْكَ المُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنا طاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ
مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً كَلَمْحِ البَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ اكْفِيانِي فَإِنَّكُما كافِيايَ وَانْصُرانِي فَإِنَّكُما ناصِرايَ
يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ الغَوْثَ الغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي
زیاد گویید چون آن بزرگواران دعا برایمن خواندند بفقره یا صاحب الزمان
رسیدند اشاره بسینه مبارک نمودند چنین فهمیدم که مقصود آن بزرگواران ...
خواننده این دعا در آن فقره اشاره با نحضرت نماید شیخ علی ... او
گفت من مبتلا شدم به تنگی معیشت و کثرت دیون و شدت طلب ...
رسیدم که مرا گشته یا آنکه از تنگی و غصه بمیرم پس ناله و دیت ...
... دراندیدم بدون آنکه ... گذاشته باشم یا آنکه کسی را دیده باشم که

آنرا در جیب خود بگذارد در خواب مردی را دیدم در زی صلحا و زهاد دیدم بمن میگوید یا فلان
دعائی ترا بتو دادم آنرا بخوان تا آنکه از تنگی و شدت خلاص گردی من او را نشناختم
و تعجبم زیاد گردید پس دفعه دیگر حضرت حجت را در خواب دیدم فرمود آن دعا که
بتو عطا کردیم بخوان و تعلیم کن بهر کس که میخواهی پس من چند مرتبه تجربه کردم و فرج قریب
دیدم بسم الله الرحمن الرحیم ربّ أسئلك مدداً روحانياً تقوّى به القوى الكلية
والجزئية حتى أقهر بمبادي نفسي كل نفس قاهرة فتنقبض لي إشارة رقائقها انقباضاً تسقط به قواها حتى لا يبقى في الكون
ذو روح إلا ونار قهري قد أحرقت ظهوره يا شديد يا
ذا البطش الشديد يا قهّار أسئلك بما أودعته عزرائيل
من أسمائك القهرية فانفعلت له النفوس بالقهر أن
تودعني هذا السر في هذه الساعة حتى ألين به كل
صعب وأذلل به كل منيع بقوتك يا ذا القوة المتين
این کلمات را در سحر سه دفعه بخواند اگر ممکن نشود در صبح سه دفعه و در
اول شب سه دفعه بخواند هر دفعه که امر شدید شود بر خواننده آن بگوید
بعد از خواندن آن سه دفعه یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین أسئلك
اللطف بما جرت به المقادير . روایتست از شیخ محمد
ابن بابویه قمی که هر که در روز عاشورا این دعا را هفت مرتبه بخواند یقین
داند که در آن سال وفات نکند و در سالی که فوت او باشد این دعا را فراموش
نماید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله ملء الميزان و
منتهى العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش لا ملجأ ولا منجا
من الله

من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد کلماته التامات برحمتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهو حسبی ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین

و بعد از هر مرتبه بخواند ده مرتبه صلوة بفرستد هر کس این دعا بنام هر کس که خواهد با زعفران بنام آنکس و مادرش از عشق او دیوانه شود مجرب است آزموده است

بسم الله وبالله ومن الله ولا غالب الا الله ونزل القرآن و ا ا ن ی الی دل زین ن ک ق لیزلقونک وهو الذین امنوا قل اعوذ برب الناس لا ه ا ا ا ۷ ۲ ۲ و د ا ا و د ۷ ا ا ۶ ۲ ۱ لا ا ه لا ذ ه ۱ ۳ ۱ ه لا لا ه لا ه لا ه لن لد العجل الساعة الساعة الساعة الد الد الوحا الوحا و ذ ا ه ۷ ا ه ا ه ۳ ا ه لا لا لما ا ه ۷ الا لا ا ه ع ا ع ع ۱ ۲ ۱ ۲ کعا ع ا ب الا ۲ ۱ ۲ ف ه عسا ۲ ۲ و لا لا لا ه و ه و ا ه و الا ه و ا ه لا ا ه لا الو آتش اندا ختم بسم الله وجمیع جوارح از سر تا قدم ۲ ۲ ۲ علی حسب ۲ ۲ ۲ الساعة العجل الوحا الحریق

باب در علم سیمیا مجرب صحیح بقول استادان کامل آنکه کاغذ فضه شود اما شرایط چنانست که اول از حیوانی پرهیز کند تا سه روز و بعد از آن شروع باوراد کند و اوراد چنانست که در روز اول و دوم هر روز دویست مرتبه والضحی بخواند و شصت یک مرتبه قل اوحی بخواند و در جای خوابیدن هفت مرتبه بخواند و در روز سیم بعد از نماز صبح شروع نموده بالعمید و پنج مرتبه قل اوحی بخواند و این آیه هفت مرتبه بخواند اللهم انی اسئلک بما سئلک به جبرائیل عن سجن عند عرشک تاه مرنا ئیل برحمتک یا ارحم الراحمین و بخور بسوزد که مطلب حاصل است اما شرط آنکه قدر نیت بخواند و خطا نخورد و عمل دو نفر باید که همت نرض روزه داری و

حیوانی نخورد و هر روز جهت نوبت این اسماء را بخواند یا فرد یا خبیر یا شهید
یا ذکی یا لطیف یا ثابت یا جبار یا فعال یا خلاق یا کافی یا غنی
یا فتاح یا رزاق و در روز هشتم این مهر را بر سجاده نهد و صد هزار و هفتاد و یک
مرتبه یا خلاق یا فعال بگوید و سجاده را بردارد و ببیند که از عالم غیب
هفت اقچه بهر سجاده باشد و این مهر را در کیسه نهد و هر بار یا مذهب یا
[illegible] بگوید اما هر ماه هفت اقچه تصدق کند از جهت آقا شمس الدین فاتحه
بخواند مهر مبارک این است



باب فی عمل سوره الحمد سه روز از حیوانی
پرهیز کند و روزه دارد و در روز چهارم شروع
کند و هر روز پنج هزار بار سوره الحمد بخواند تا سه
روز که در روز چهارم البته مطلب است خدا حاصل میکند
مجرب است در عمل الحمد مجرب و شرائط چنان است

که اول استادان این فن از عمل میکردند چون که روز هفتم که بجا آمیر فتنه هفت
تنکه یا آنکه دوازده تنکه یافته اند که در زمین یا شیره بوده است در مدت
عمر خود همیشه خرج میکردند و باز از عالم غیب بهم میرسید تا آخر عمر که آن را در جهان
آخرت ایشان نهاده اند و کسی که مداومت کند دل دو نکند و بجا طلب
خود جزم کند که امانت که اشته ام و بر میدارم و قاعده آن است که هفت روز
روزه دارد و حیوانی نخورد و با وضو باشد و هر روز بجا آرد و [illegible]
هر روزه بخواند و از روز یکشنبه شروع کند اینست روز اول الحمد لله
رب العالمین یا حی یا قیوم یا دوقیائیل سمیعا مطیعا بحق
الحمد لله رب العالمین و بحق الحی القیوم و بحق ملک
الموکل.

الموكل بقائمة العرش ملك الجد روز دوم الرحمن الرحيم يا
رحمن يا رحيم يا رؤوف يا عطوف أجب يا جبرائيل سمعا مطيعا
بحق الرحمن الرحيم يا رحمن يا رحيم يا رؤوف يا عطوف وبحق ملك
الموكل بقائمة العرش هوزح روز سيم مالك يوم الدين
يا مقلب القلوب أجب يا شمعائيل سمعا مطيعا بحق مالك
يوم الدين وبحق مقلب القلوب بقائمة العرش طي كلمن روز
چهارم إياك نعبد وإياك نستعين يا سريع يا قريب يا
معبود يا مستعان أجب يا ميكائيل سمعا مطيعا بحق إياك
نعبد وإياك نستعين يا سريع يا قريب المعبود المستعان
وبحق الملك الموكل بقائمة العرش من سعفص روز پنجم
اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر أجب يا حرائيل
يا دردائيل سمعا مطيعا بحق اهدنا الصراط المستقيم وبحق
القادر المقتدر وبحق الملك الموكل بقائمة العرش قرشت
روز ششم صراط الذين أنعمت عليهم يا الله يا حليم يا عليم أجب
يا عتيائيل سمعا مطيعا بحق صراط الذين أنعمت عليهم
وبحق الله الحليم العليم وبحق الملك الموكل بقائمة العرش
ثخذ روز هفتم غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا تام
يا عزيز أجب يا عزرائيل سمعا مطيعا بحق غير المغضوب
عليهم ولا الضالين وبحق القائم العرش وبحق الملك
الموكل بقائمة العرش ضظغ [illegible]

باب بجهت بیاوردن عقرب در خانها بنویسد بر چهار قطعه کاغذ در چهار طرف خانه دفن کند بسم الله الرحمن الرحیم هحه رمهحه ححادا طود رببهوب باب بجهت احضار جن تجربه رسیده است بنویس و در آتش انداز در ساعت مناسب که مقرر شده است باید از جای خود حرکت نکند که مطلوب حاضر شود باب هرگاه طفل لنگ

٢ع صه ١١ .٩ ٩
٢ ١١ ٩١٩ ح ١١ .
ع ١٣ ٨ ٩١ ٩ ٢٩ ١ حا ١١١٨
٤ ٨ ١ ١ ا ٩٩١ ٩ ٢٣ ٩ ٢ ٩
هـ صعمعا صح صدوه ع طق الاء

و لنگ باشد این دعا را نوشته در گردن او بندد که بیار مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا و یا مخیثا و یا بلثا یا لهوج یا هو یا هو شر هیثا و اذوی ال شد ائی بحق هذه الطلسم

هح ١١ ح ١١ ح ١١ هح ال ٤ ١ ٩ ٦ ٢٧ ٢

٢ ح ١١ ح ك ٩٩ اللهم احفظ حامل هذه الدعاء ح ١١١ م محمد ...

باب در دانش بتعویذ کردن روز ٤ روز شنبه و سه شنبه بغض عداوت کردن است هم تشتت و جدائی در میان هستی حرام و حلال نیکو باشد روز چهارشنبه زبان بستن و خواب بستن است خوب است روز پنجشنبه و جمعه برای حب نوشتن است برای حلال موافق افتد خانه حب القلین است و محبت انداختن در دل معشوق در زهره عداوت مریخ بستن برد در ساعت نحس کند در ساعت قمر حب در شمس زبان بند در ساعت مشتری حب زحل در ساعت عطارد حب عمل کند

باب تفریق عداوة بیاورد خاک سر چهار راه و چهار مرتبه سوره انا اعطینا را بر او بخواند و آن خاک را در میان آب بریزد و آب را در میان آتش بریزد عجب چیزی است اما با بینیه ... حلال کند که گناه عظیم است نوع دیگر بیاورد از هفت قبر کهنه خاک و سه مرتبه سوره یس بر او بخواند و خاک را در زیر دیوار خانه آنکس دفن کند تفریق افتد باب هرگه سوره والنجم را بر پوست جنب بنویسد و در زیر دست راست خود پنهان کند بر خصمان در مجادله و مهالکه ... غالب شود ...

علم ... یت

...

...

...

تفریق

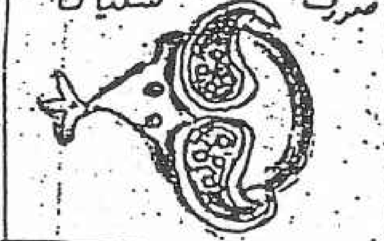
...

صفت خاتم عطارد جهت تسخیر وزرا و اصحاب قلم و حکما بغایت خوب است و لابس این خاتم
بغایت ذکی و قوی الحفظ باشد و هر چه بشنود حفظ کند و در علم ... تعلیم کسی را برد
تعلق نیابد و هر مقدمه که بعطارد منسوب است از علوم حکمیه و غیره بر او آسان
شود و رای او صحیح و ظن او حسن باشد و حامل حکیم النفس وافر العقل صائب الرای
گردد و اگر چیزی که بر او مشکل شود در خواب ببیند و اگر این خاتم بر گردن مصروع
آویزند از آن صرع او کند و اگر بر گردن طفل ببندند که در خواب فزع یا گریه بسیار
کند ما ... داشته باشد بعنایت الله تعالی جمیع مذکورات را نافع گرداند و رفع
مالیخولیا کند بگیرند قدری ... الیاقوت و حدید چینی ممزوج بفضه و ذهب باید که هر یک
وزنی باشند بعد الامتزاج سبیکه کنند بجنسیت ... جسم واحد شوند و از آن خاتم
بسازند و ... عاجیه فص خاتم از او باشد و ابتدا و باین عمل وقت نزول
عطارد باول درجه یا نوزدهم برج سنبله کنند و قتیکه عطارد مستقیم و ساقط از نحوس بود
مشتعل باشد قمر بعطارد از برج جوزا یا مقارن عطارد باشد در برج سنبله
نقش کنند این صورت را بر فص وقت لبس خاتم آن روز که در وقت ساعت در یکی
از خانه عطارد باشد این ها را که ذکر شد در وقت در مناظره باشند
بعمل آورد و صحیح است مشقه محمد



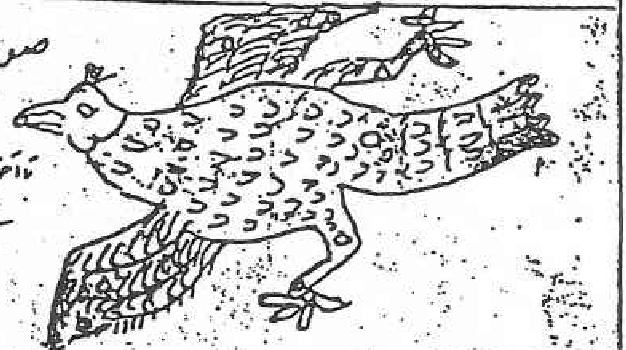
نسر واقع بجهت مشابهت او بکرکسی که بال فراهم کرده باشد و آنرا دو ستاره بمنزله
دو بال او بینید صورت الینست

صورت شلیاق



نهم صورت دجاجه است مرغی را
مانند گردن دراز کرده سوی مغرب بجهت
دانه چیدن و بالها گشاده بجهت
طیران شانزده ستاره است خارج از
و بر میان کوکبیست بر نفس مجره در
جنوب کوکب لشیر واقع بمقدار یکنیزه
اورا منقار الدجاجه خوانند و بر سر
ذنب او کوکبیست روشن در میان
مجره اورا ردف گویند و پیش از ردف چهار کوکب روشن اند بر خطی
شبیه بمستقیم بر عرض مجره یکی از ان بر بال راست دجاجه است دیگری بر سینه
دو بال چپ و این چهار کوکب را عرب فوارس گویند و ذنب دجاجه چون تابع
آن چهار است از این جهت اورا ردف گویند صورت آن الینست [illegible]

صورت دجاجه

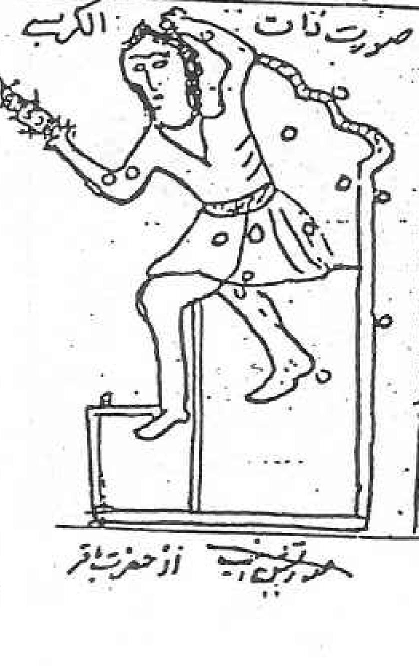


[illegible]
۱۹۴۱۶

دهم صورت ذات الکرسی است زنیرا مانند بر سر کرسی نشسته
که او را تمثالیست چون تا به منبر و بالهای فراکنده سیزده
کوکبست و در صور عبد الرحمن صوفی مذکور است که بعضی از اهل [illegible]

مرتبع صورت مشتری تخیل کرده اند که داخل صور جنی اشکال نیست بلکه کواکب او بعضی
از صورت ذات الکرسی است بعضی از مرأة المسلسلة و بعضی خاص رأس الغول و بعضی غیر
مرصوده چنانکه چهار کوکب از صورت ذات الکرسی بر خطی آمده شبیه بمستقیم که مجره را
قطع کرده است بر عرض و این ن بر یمین مشتری و از طرف جنوبی این خط سطری
مقوس از کواکب خفیه متصل شود بچهار کوکب متقارب که بمنزله سر مشتری بود و این سطر
مقوس بمنزله گردن او و در تحت این کواکب از جنوب مجره دو کوکب مساوی قریب
بیکدیگر و این بر دست مشتری است و آن کوکب سحابی که لطخ مجره است در تحت این کوکب
بر سر مشتری است و عرب کف الخضیب کف الثریا گویند چه از نزدیک ثریا سطری مقوس
از کواکب خارج شود و با این کواکب وصل که بر مجره اند متصل شود و آن را ید الثریا گویند
و این کواکب روشن بمنزله آن دست بود و هر یک از کواکب بمنزله یک انگشت خضاب
کرده اما اهل نجوم از آن کواکب یکی را که بیشتر بر آید آن را کف الخضیب گویند و سنام
الناقه نیز گویند چه بر کوهان شتر است و قطب العلما در نهایة الادراک آورده که چون کف

صورت ذات الکرسی



الخضیب بنصف النهار رسد دعا
مستجاب شود الا دعا ظالم یازدهم
صورت رأس الغول است و او را بر
ساوش نیز خوانند مردی را ماند که
بر پای چپ ایستاده و بر سوی شمال
و پای بسوی جنوبیه پای راست بر
داشته و بدست چپ سر غولی با خود
گرفته و دست راست بر بالای سر برا
ورده و آلت قطعی بدست گرفته
و کواکب او بیست و شش خارج سه در
رأس الغول کوکبی است سرخ از قدر
ششم ... و او را رأس الغول گویند

از حضرت باقر

از حضرت باقر ع بسند معتبر میفرماید هر مؤمن بخواند این کلمات را من ضامنم برای او ده ... در
در دنیا ملک الموت او را بشارت دهد هنگام مردن و اما در آخرت پس بعدد هر حرفی حق ۳
در بهشت خانه با دو کرامت کند اینست یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع
الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و مداومت بعد از سوره‌هائی که مذکور
میشود در هر حال خصوصا در سجده با گریه و حالیکه شیخ ره در مصباح روایت کرده است
اللهم اعنّی علی غمرات الموت اللهم اعنّی علی سکرات الموت اللهم اعنّی
علی غم القبر اللهم اعنّی علی ضیق القبر اللهم اعنّی علی ظلمة القبر اللهم اعنّی
علی وحشة القبر اللهم اعنّی علی اهوال یوم القیمة اللهم بارک لی
فی طول یوم القیمة اللهم زوجنی من الحور العین میرزا محمد در منتخب خود از رسول
خدا روایت کرده که هر که این دعا را بخواند بآسانی و سهولتی قبض روح شود که ...
داده با خوابیده اللهم یا مالک الموت طیبنی للموت واسلبنی قبل الموت
وارحمنی عند الموت وهوّن علی سکرات الموت ولا تعذبنی بعد الموت
وارحمنی الی ملکوت یا فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا والا
خرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین . از انجمله حفظ قران و کثرت تلاوت
قران با قواعد و آداب و ارکان خصوصا در نماز شب و خصوص مواظبت بعض سور
که باخبار صحیحه دفع شدت سکرات موت و عقوبات تر مینماید علی الخصوص سوره
انبیاء و یس و زخرف و رحمن و محمد و ق و الذاریات و ملک و النازعات
و قیامت و زلزله و الهیکم و ... توحید بشرحی که در باب ... در
مفتاح روضه چهارم مرقوم است . شخص دو قرص با هم گداخته با براده کرده از آن
براده یکمثقال جیوه ... مثقال گوگرد نیم مثقال به آب ظاهر یا آب ...
داده پس برداشته در بوته ... تحلیف و ... در ... کرده ...
به ... داده بعد از آن بگذارد پس بوته را شکسته ... را بر دارد ...

صفت حرزه ... مسکن ... باید که از جزع ابیض حرزه بسازند

در وقت قران قمر با مشتری در برج سرطان و این صورت بر یکی جانب آن نقش کنند و

سوراخ کرده در گردن صاحب ... وجع العین آویزند درد ساکن گردد در اسرع

اوقات واقع ... بعون الله تعالی



صفت حرز ... دیل

این نافع وجع دندان است بگیرند کاس

... وزن ده مثقال ... کنند و بر

پشت حرزه بسازند در وقت استقامت

مشتری در برج سرطان بود از آن حرزه

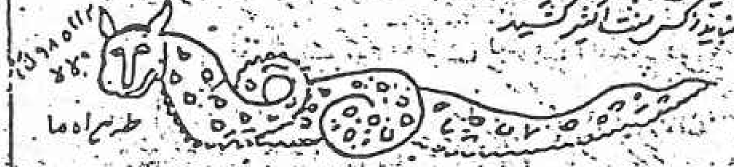
این صورت نقش کنند این است صورت ... در باطن ...

این که از ... راس آن تا دم آن منقص باشد

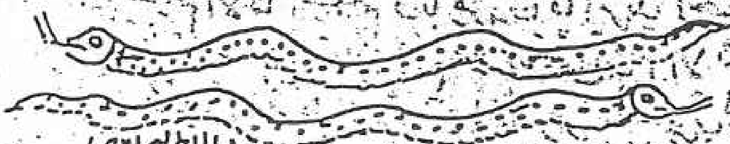
کیمیا ... [illegible]

... [illegible] کشید

٤٩٢ [illegible]



... صورت ... که در ... باید ساخت



صفت حرز

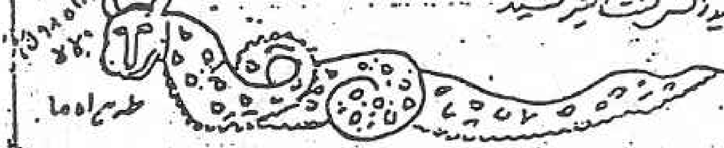
صفت حرزه طلسمیه مسکن جریان علق باشد باید که از جزع ابیض حرزه بسازند
در وقت قران قمر با مشتری در برج سرطان و این صورت بر یکی جانب آن نقش کنند و
سوراخ کرده در گردن صاحب علت و وجع العین آویزند درد ساکن گردد در اسرع
اوقات و اقصر ازمنه بعون الله تعالی



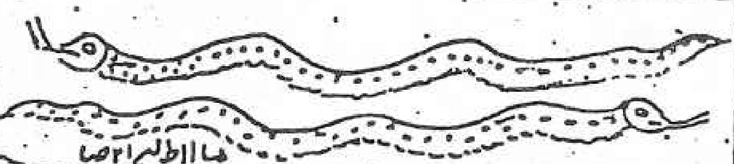
صفت حرز مستمسک برای المرسی و تاویل
آن نافع وجع دندان است بگیرند نحاس
اصفر وزن ده مثقال سبیکه کنند و بر
پشت حرزه بیازند در وقت استقامت
مشتری در برج سرطان بود در آن حرزه
این صورت نقش کنند این است صورت بعینها باید در باطن و طلسم است که تا
اینکه از بلی راس آن تا دم آن متصل باشد

کیمیاست عجب تجربه داری حیلین
که نباید از کس بنت اثر کشید

٤٩٢ سه ٢٦٠ ١١ الله له ما



و اینست صورت بلنا یا که در ظاهر و طلسم باید ساخت



صفت حرزه

صفت حجر بلنک یا حجر یوز ملطخ که از خواص این طلسم آنکه هر که خوابهای پریشان

نامبیند چون این خاتم در دست کند اضغاث احلام از او مرتفع شود و از خواص این

خاتم رفع و دفع فالج و رعشه و لقوه و خدرات و سایر امراض بارده بلغمیه را اصلاح

آورده سقراط اثبات نقش فقس (؟) .



صفت خاتم زهره از جهت عطوفت و تولید الشهوات نسوان و قوت باه و تطیرات

و انس اد همیشه مسرور و فرحناک باشد و تا خونریزی را دفع کند و در تسهیل ولادت و قطع

ازاد یلتود در وقت ساعت باشد باید که وقت نزول زهره به بیت دوم درجه صورت
و تدلیس زهره بقمر در برج ثور در مریخ در برج عقرب بگیرند نحاس اصفر سه مثقال و خاتمی سازند
و نقش او را از سنگ لاجورد کنند اگر نیابند از حجر ابیض ساطع ازرق باید در شکل نقش مربع
باشد و این تکسیر در این نقش کنند و ابتدا بنقش انگشتر کنند که زهره در اوایل
بیت ... فارغ شوند چون زهره در آخر درجه بیت هشتم صورت
وقتی بپوشند که قمر در برج سرطان باشد مشتری بزهره گردد در وقت باشد ... ابتداء
عمل و نقش ... باید که قمر ساقط گردد در وقت نزول و تدلیس مریخ و نظر
بزهره ... جید لیف



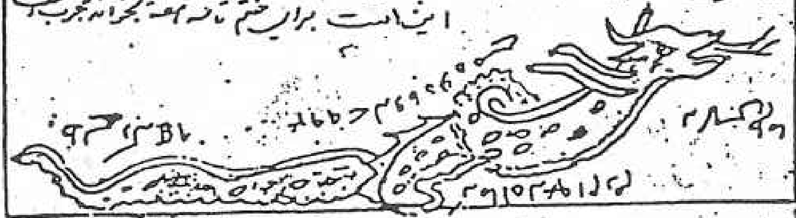
صفت طلسم حیات ابطلیس
از جنیان ... بر صورت ...
بر حجری نقش کرده در بیوت
... دیوار قلعه محکم کنند
و از خواص ابطلیس ...
جمیع مارها از ان شهر بگریزند
اگر شخصی را مار گزیده باشد
خود را بان صورت برسانند
... اثر سم

از عدد ... صورت ... باید که در وقت نزول قمر بنصف آخر قوس باشد
این صورت را بر حجری نقش کنند و اگر بر فولاد یا حدید نقش کنند حرزی عظیم
است ... خود را از نیش حیات ... صورت ...
حرره محمد ... الحسینی مشهد ... روزگار ...

اخاتم صورت

اینهم صورت عن دابه وعنده مفاتح الغیب تا آخر کتاب مبین

این است برای ختم تا سه هفته بخوانند مجرب است



صفت سیلادانوش تا ویل آن عرق النسا این مرض عظیم شدید الالم است چنانکه حزن یا
رض شخص خود از شدت المرض دارا جمیع امراض و آلام بر صاحب او فراموش شده اگر باو
در خاطر آید و آن الم ممتد است از پا تا ران لطول عرقی در این مرض مسمی شده بنام آن
از بابت تسمیه نقش باسم محل باید که در وقت شروع مشتری در خانه عقرب شد حوت است
و یا در رطب باید بگیرند از رصاص چهار و نیم مثقال و زنجیر بکر ترتیب دهند و صفحه
بمقدار کف دست آدمی که وزن آن بمقدار شش مثقال باشد قرار دهند در وسط بخیر و این
صورت را در آن صفحه نقش کنند و این هیکل را در وقت قمر مقتضی مشتری باشد نقش اتیکت
یا با سرطان باشد صاحب حبس دیگر ببندد چنانچه صفحه برابر موضع درد باشد تا ۱۱ تجربه شده



صفت طلسم عسر البول اونرا کند وقت نزول مشتری در درجه پانزدهم از سرطان بگیرند حرز کنند از
بلور که وزن آن سه مثقال باشد و اگر غیر بلور باشد از حجر ابیض اللون نقش باید باید که
این حرز را بشکل حرز بسازند مربع بلکه مستطیل اگر مربع و این مثال را در او نقش کنند و
این حرز را در بازو معلق کنند باید دانی که مشابه بکنی و آن ترتیب داده باشند صورت این است



صفت حرز بر بسکن غضب شدید ناحیه که حرف
دیگر در غلیان باشد این حرز را در سر دیگ
گذارند از غلیان باز ایستد وقت نزول مشتری
بدرجه پانزدهم سرطان و تدیس زحل با
مشتری یا تثلیث و مریخ ساقط باشد از مشتری
و متصل بقمر یا مشتری در محل متصل باشند با قبال
مقبول باید که بگیرند حجر السمر اللون و حرز
بسازند بر هیئت حرز عسر البول و این کتابت
را در او نقش کنند و این از در قدر ترتیب
اجد و اعظم طلسمات و هر کس این حرز را
مهلسوس حواند لیغیر شرلیته القدر اگر کسی این حرز را نگاه دارد و هر کسی که بسیار
غضبناک بود برود بقدرت
الله تعالی غضب از او زایل
شود چنانچه ان شخص بترسد
و داهیه عظیم پیدا کند این است



صفت طلسم که وجع کلیه را
تسکین دهد بگیرند وقت نزول

زهره ببرج میزان باشد. و مقارنه قمر با زهره یا اتصال قمر بزهره اتصال مقبول حجر احمر
اللون بر مثال کلیه بوزن هفت مثقال و بر یکی از آن این صورت نقش کنند و سوراخ
کنند چنانچه بآن جانب نرسد و کسی که در لاطیه داشته باشد با ابریشم زرد و در
بازو بندد آورد انیست طلسم مذکور



صفت حرز که مسمی است بسلاالوس یا ذیل
آن بتاریخ غره الماه رکه الست و فل بیده آیه
حرز هیجا باه وسرعت لغوظ است بگیرند
مقدار هفت مثقال از ذهب و فضه مس
در وزن برابر هم ممزوج کرده بر هیئت
حرز بسازند وقت نزول زهره بشرط که قمر از برج سرطان مسعود شود باید
عمل آورد در وقت طلوع برج ثور این صورت را نقش کنند بر هر دو جانب آن و در
وقت اتصال قمر بزهره اتصال مقبول بزهره در درجه طالع باشد با خیط ابریشم سبز
به بندد والله اعلم



صفت خاتمی که کسی را عقرب گزیده باشد درد و مضرت اورا برطرف کند باید بر نقش بلوری
یا سنگ سفید صورت عقرب را نقش کنند در وقت طلوع که زحل در برج عقرب باشد ابتدای
عمل اول طلوع عقرب باید و فراغ از عمل وقت و آخر طلوع عقرب بود و در تصویر عقرب
باید که ابتدا از سر عقرب کنند و بدم تمام نمایند بدانکه این طلسمی است از طلسمات عقرب که
لابس آن مطلقا از ضرر سموم عقارب ایمن شود و از بدایع خواص این طلسم است
هر اگر باین خاتم مهر کنند از کندر و غیر آن از ادویه چند را عقرب گزیده از آن تناول
تواند کرد فی الحال شفا یابد و هم چنین اگر آن خاتم را در قدح گذارند و آب از آن
قدح ریخته عقرب گزیده بیاشامد بسیار نفع ببیند و ضرر سم باو نرسد و در رموز
حکما و مشایخ باید دست نگاه دارد عقارب ازاو بگریزند باید که با طهارت باشند
پس نقش کنند ۱۵۱



ترکیب کندر [illegible]
[illegible]
تناول کند
وقت صبح ده درم وقت شام ده درم
قطع بلغم و تغیر البول و حافظه زیاده کند
و قوت پشت را زیاد کند
[illegible]

یا ... بشیص نحاس در شنبه ... این طلسم اعلا است را افاده فرموده ...
و مشک کنده بلیناس گفته نحاس مطهر یکرطل با آتش نرم بگدازند و بعد از آن اند...

طلسم سطیع النور

بعد آنرا بگلاب برانداختند و از آن گلاب استعمال میفرمودند از ملاحظه جمال آنسرور خروشی بود که از محبت آنحضرت خود را بهلاکت میکرد روزی از آن حضرت پرسیدم که یا رسول الله این طلسم چه چیز است فرمود علیا سلام این نقش آدم صفی الله بود از او به شیث رسید و از شیث تا ابراهیم علیه السلام و از ابراهیم تا عیسی و از او بمن که خاتم انبیا هستم رسید این نقش یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر رسید از برکت این نقش مبارک مرا بمعراج بردند

[illegible]

اگر خواهد میان مرد و زن محبت اندازد این مهر را بشیر بیندازد و بخورد آن دو نفر دیگر محبتی میان ایشان پیدا شود که همه عالم آنها را دوست دارند

[illegible]

اگر خواهد محبت زن و شوهر زیاد شود آنرا در آب روان انداخته بسر مرد بریزد اگر خواهد میان مؤمنان دوستی اندازد بیاورد آب باران و سوره یس را بران بخواند و آن آبرا در مسجد جامع بپاشند و بگوید بارالها میان مؤمنان دوستی انداز اگر خواهد میان دو کس خصومت اندازد سیزده دانه اسفند و تخم جاروب بیاورد این طلسم را با آنها بمالد و در خانه آنکس بپاشند آواز کی در میان ایشان پیدا شود اما میان دو حلال نکند که گناه عظیم دارد اگر خواهد کسی را از نظر کسی بیندازد چهل دانه فلفل سفید در آتش اندازد بعد از آن این را در آب روان بعد از آن آب را در خانه آن شخص بپاشد البته از نظرها بیفتد

[illegible]

اگر کسی خواهد دختر بگیرد یا و نمیدهند بیاورد شیره و آرد و روغن و این مهر را در میان آن اندازد و حلوا کند بخورد کسی که او دهد البته راضی شود

[illegible]

اگر خواهد با قبیله وصلت کند و نگذارند بیاورد بیست دانه انجیر و این مهر را در آب اندازد و زن انجیر را با آن آب بخورد ایشان دهد مطلب حاصل شود اگر خواهد میان جمعی نزاع اندازد هفت دانه اسفند و نه دانه تخم جاروب بیندازد در میان آنها عداوت پیدا شود اگر خواهد زن آبستن آسان بزاید این مهر را

[illegible]

در آب

در آب انداخته آن آب را بر زودن زنه فرزند بزودی بهد اگر خواهد زن پسر زاید قدری

آب شیان بیاورد این مهره را در آب اندازد و آنرا بخورد هر زن دهد البته خدا یک

پسر عطا فرماید اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار گرداند قدری شکر خام بیاورد و این

مهره را در آن شکر اندازد از آن شکر بخورد ادهد البته میان ایشان محبت پیدا شود

دیگر کسی دیوانه شود این مهره را در آب یک اندازد و آن آب را سه روز به آن پسر

کنند و بخورد البته بحال خود آید اگر خواهد کسی را از عشق خود بیقرار کند بیاورد سنگ

قند و این مهره را بران بنویسد و بخورد او دهد عاشق و بیقرار گردد اگر دختری در خانه

نافرزه باشد پنج شب جمعه هر شب جمعه یکمرتبه سوره انا فتحنا و سوره یس بخواند و به

مینش برسد اظهار مطلب نماید و این مهره را شفیع خود کند البته مرادش برآید اگر

خواهد از بی‌ناهی و تهمت بیرون آید چند دانه گرد و با دام بشکند و مغز آنها را بگیرد

و هر روز این مهره لعل به شرط آنکه از ارزن و جو و گندم هر کدام دو دانه بر پشت بام

مسجد نهاده شد اگر خواهد که تیر احیوانه کند بیاورد شیش دانه خرما و شش حب نبات

و سه مرتبه این مهره را بران بزند و سه مرتبه سوره قل و حی را بران بخواند بهر که بدهد البته

شود و زنهار بر مسلمان نکند که گناه عظیم باشد اگر کسی خواهد متاعی را بفروش برساند این

مهره را از میان آن متاع بگذارد بفروش رود اگر خواهد حاجتش برآید این مهره را پیش خود

نگهدارد و آن را شفیع خود کند و دو رکعت نماز بگذارد و چهار مرتبه بگوید اللهم انی اسئلک

بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین والائمة المعصومین ان تعطینی حاجتی یا الله

یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی اگر خواهد در نزد اکابر عزیز

باشد این مهره را با مشک و زعفران نوشته با خود دارد عزیز و محترم گردد اگر کسی اولاد نداشته

باشد این طلسم را در آب انداخته چهل روز بخورد و مقاربت کند و وقت مقاربت این طلسم

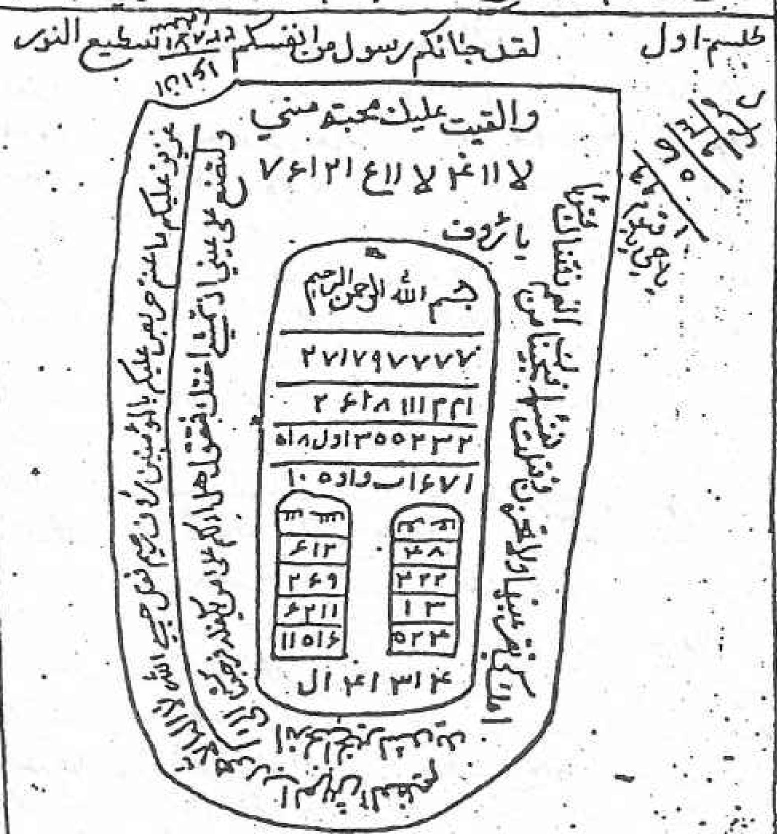
روی ناف زن نهد و مرد هم ناف خود را بر روی این طلسم گذارد و چنان باشد که هر دو چسبیده

باشند لذا از آن بر خیزد بفرمان خدا آبستن شود اگر خواهد زن یا شوهر کند بکسی و یکسال نزاد

و اگر مانده شده باشد حلوا از شکر و نبات این طلسم را به نیت زبان بند بر آن حلوا زند

با آب نان بخورانند رضا شوند اگر خواهد میان هر کس محبت اندازد روز سه شنبه و دو شنبه

آفتاب حلوائی از عسل بسازد و اینطلسم را با آن حلوا زند بخورد هر کس دیگر حاجت پیدا شد اگر
کسی قرض دار فقیر باشد روز پنجشنبه اینطلسم را به کل کوزه گران بند و با آب محراب مسجد دفن کنند البته
قرض او ادا شود اگر غذا به چشم حلال خود را از حرام باز دارد مشکلی از مردم عروس بسازد که
آدم دست با داشته باشد سوزن کار نکرده در چشم صورت بزند در سر راه دانگس دفن کنند تا از
زود او بگذرد چشم از حرام می بندد ۱۱ صاحب طلسم صدقه بدهد شرح ذکر لسان لبه مختصر شد

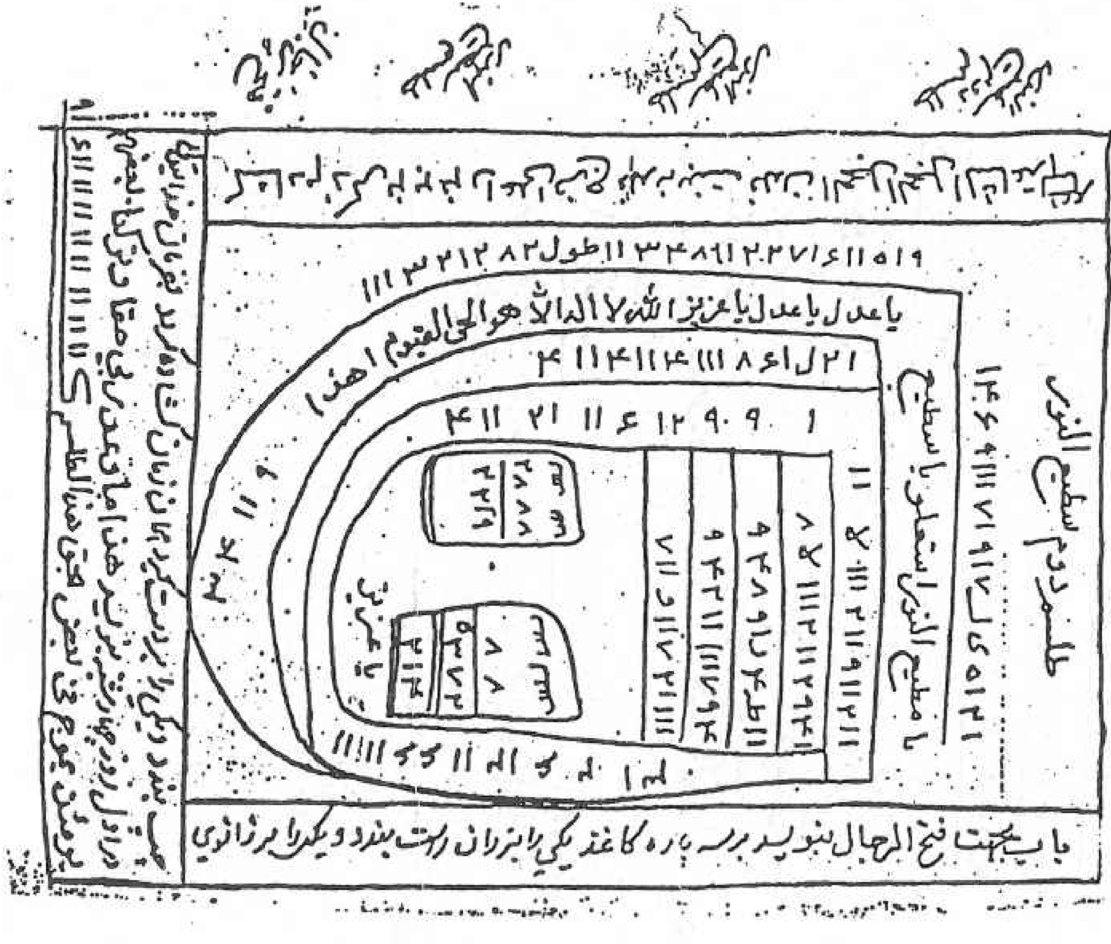


طلسم دوم تسطیع النور

طلسم تسطیع النور

طلسم تسطیع النور

طلسم تسطیع النور


یا عدل یا عدل یا عزیز الله لا اله الا هو الحی القیوم
باب بجهت فتح الرجال بنویسد بر سه پاره کاغذ یکی را بر ران راست بندد و یکی را بر زانوی

باب محبت نعش نویسد یا نقش کند که مجربست ٤٢١١١٨٨٨١٨ ١٥٢٣٢٥

و ٧٥١ ١١١١٢١١٢٠وطح ع راح لا ٢٢١ لا و دروي ١١ ١١ ١١١ اطع ١١١ ع ١١١

ده س صح ددح ه الجل الجل الجل الجل الشاعة الشاعة الشاعة الوحا الوحا

الوحا الوحا النار النار النار باب بجهت قوه هرکس که این نامها را

روز یکشنبه بنویسد بر کمر ببندد باه را زیاده کند بسیار قوت دهد مجربست

ح ص ١١١١ ٧ ٢ ط ع او ١١١٩١٢٧ ع عمل ٢١١٩١ ١١١ ع ١١١ ع ١١١

هرکس بنویسد این نامها را بر ران راست ببندد هر چند راه رود مانده نشود اینست

یا مقصطا لوثن باب بجهت محبت نامها را بنویسد و در کوزه آب اندازد

آن آب را بخورد هرکس که بدهد محبت در گیرد که مجربست یا تمحیثا یا کیفثا یا

تمخیثا یا تمبثا یا طلب یا تهیثا یا اهلیثا ایا تمبثا یا وحیثا

یا میثا الله لا اله الا هو الحي القیوم عدد عدد ١٠٦٩٠٣٣ ٤ و قالوا اتخذها کبیر

٤١٢٣

زن دیگر که زن خواهد و ندهند بنویسد و در میان آب حل کند و در آستان خانه

آنکس افشاند طم ٣ هطط ١١١٩٢ ک ١١١ ع ١١١ ع ١١١ ادام طم ١ سه ١٢

سبو ٩ ١١١١١ اگر شوهر زن خود را بخواهد این کلمات را نوشته در زیر بالین

بنده حت کرده اثر ادام الا ٧٣ ١١ ١١ ٩١ ١١ ١١ ع ٦ ١١١ ١٢ ١١١ ١٢ ٢٣١١

بخ	بخ	عحا	ع	قول
همن	طهم	علمل	ما	ع

دفع نزله بندی با بنظریق بجا بیاورد یک نی

بقد صاحب نزله و نی را با ثلاثت و بر

یکطرف نی یا جبرائیل و یا میکائیل و بر طرف

دیگر یا اسرافیل و یا عزرائیل نویسد و این دعا را بخواند و نی را بر هم گذارد و در

نی را با موم سلیمان که دختر نابالغ رشته باشد به بندد و در خانه که کمتر مردم نباشند

در خاک کند این دعا را باید بخواند بسم الله الرحمن الرحیم

تمریا

قمر یاماهولش اماطموبش یقاش مشاطر کیوبش الوآه قنوه یا
اندمش سلیمان و اند بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین
احب یا جبرائیل انت وخدامک آمین یارب العالمین دیز راجع
شق کند که صاحب تعزیه نبیند بهتر است

محبت زن و شوهر اگر این طلسم را بر کتف
میش بنویسد اگر مرد پیش خود نگاهدارد زن عاشق او شود اگر زن پیش خود نگاهدارد
مرد عاشق او میشود مجرب است حمانی عمامه کرکرامل کما یاملا لا
سحوحاها سمیها عوی کسلل الکما لا عطشا

محبت بنویسد از برای زن شوهر بر سفال آب بنویسد در آتش

هـ ۞ ۞ ٥ م ١١١ ٨ ٩ ١١ ١١ ١١١١١ صم ١ ٤ ٤ ٤ ٨ ٨ ٨ ٨ ٨

اندازد که بسیار مجرب است

محبت زن شوهر بر شانه گوسفند بنویسد و در جایی دفن کند که حرارت آتش بوی برسد که بزودی مهربان شوند

ک ح ١ ٣ ١٢ ١٦ م ١٨ ٥١١ حـ لعوام

٢٨	٤٣	٢ح	٢٢
ک	ادبود	ودد	٥٥
٣	اعا	بک	دک

باب اگر دختر کسی را بتو ندهند این دعا را بنویسد در خانه آنکس دفن کند آن دختر را بتو میدهند آزموده است طط ١١١ سمه ٩ ح هاط ١٩١١١ ٤ ٩١ ٤

باب گشادن مرد بسته روز یکشنبه این طلسم را بنویسد در بازو ببندد گشاده شود
هـ ١١١١١ ٨ ع کو ١١١ ٣ ع ٣ هـ ک ١١١ لا ١١ ١ ١ ع هم ٢ ١١١ لا لا

١١ ١١ ٩ ١١١ ٢ ٢ ع ١١١ ٨ ٤ ١١١١ ١١١ ١١ ١١ ٩١٩١ ١ ٤ ١ ٤ ١٨ ١ ٤ ١ ٤

اط ١١ ٩ ١ ٤ ١ شاز ١١١ ٨ ١١ ١١ ٩ ١١ ٩ ١١١ ٩ ١ ٩ ٢ ٤ ٩ ١١١١ ٩ ٤ ٩ ٤ ١ ٤ ١ ٤

الا ١١١ ٤ ١ ١ صاص ١١ ١٩ ١ ٤ ١ ١ ٨ ١١ ١١ ١ مس ٢٢٢ ٥ باب اگر کسی خواهد زیاد بی بعث کند

وحشته شود این اسم را بنویسد بر کاغذ و بر کمر بندد آزموده است بسم الله الرحمن الرحیم

۴	۳	۲	۱
۱	۴	۳	۲
۳	۲	۱	۴
۲	۱	۴	۳

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۲	۱	٤

از برای تزلزل بندی بنویسد با خود دارد بر دیوار خانه رو بقبله بکوبد بعد میخ در
یا شمعلونی سفیدیم
لعد بر عیش اگر خوب نشد لعد بر داو

باب اگر خواهی کسی را بعقد خود در آوری این عظلت را بنویس در میان چرخی زنان
تا آن ریسمان کنند آنکه تلب مطلوب بیتاب گردد این دعا بنویسد مجرب است
۱۱۱ ح ۱۱ع زه ع ۵۵ و و و ا ۶ ۶ ۶ و ط ط ۱۱ ۱۱۱ ۳ تا بسم ۲ ۲ ۲ ق علی صب ۲ ۲ ۲
۲۵۲۵۵٤ ۱۱ صح ح ۱۵۱۵ ۳ و س ۲۲۲ ... باب جهت محبت عجیب است
۱۱۴۲۱ ح ۱۲ ۴۱۴۱۲ صح صح صح
در آب اندازد بخورد ش زبان همه بسته شود
صح صح صح الحجب الحجب الحجرات الحجرات الحجب باب اگر خواهی کسی را تحبب خود
گردانی روز یکشنبه پیش از طلوع آفتاب این آیه را بنام ۵ بار بر نمک بخواند و تدری
از این نمک در طعام کرده بخورد مطلوب دهد و تدری در آتش اندازد چندان
محبت پیدا شود که یکدم از هم جدا نشوند بسم الله الرحمن الرحیم واضرب لنا مثلا
ونسی خلقه قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها
اول مرة وهو بکل خلق علیم بسم دل و جان ۲۲ ۲ از محبت ۲ ۲ قرحق
ایاک نعبد وایاک نستعین باب اگر خواهی زبان کسی را ببندی آیة الکرسی
بنمک و زعفران بنویسد و در خانه تاریک بیا ویزد زبان آنکس بسته شود انشاءالله
الوغ بسیار آزموده ام این طلسم را بر نمک و زعفران بنویسد و در پای کنجشک ببندد
اگر مطلوب مذکر باشد کنجشک نر آنوقت در برابر مطلوب رها کند مقصود بر آید مجرب است
۱۱۹۵۱ ط ۲۱۸ ط ۱۱۸ ۱۱ ح م ح ۱۱۸۸ ح ۱۱ ۱۱۱ ح ح

باب محبت

باب محبت بنویسد بر سنگ سیاه و در آتش اندازد عجایب بیند ۸ ۹ ط ۱۱۱ ط ۹۱

۷ ۳ ۱۱ ۳ ۱۱ ۹ ۹ کشادن بخت دختران بنویسد این طلسم را در گردن بندد البته بعون الله بخت او کشاده شود قال من یحیی العظام وهی رمیم یا رب العرش العظیم من کان له امین یا رب العالمین بحق الله تعالی کشادم بخت فلان بنت فلان ۳ ۳ ۱۳ ۱۱ ۳ ۴ ۱۱۱ ۳ ۳ ۱ ۳ ۳ ۲ ۳ ۲ ۲

ثم در چاه آب اندازد اگر خواهی کسی را به بندی که بجایی نرود اگر برود زود بجای خود بر گردد بنویسد این طلسم را بمشک و زعفران در زیر سنگ گران کنند البته راه او بسته شود

عشق محبت

۹ ۹ ۸ ۱ ۹ ۱۱ ۱۱
۸ ۱ ۸ ۸ ۸ ۵
۴ ۱۱۱ ۱ ۱ ۰
فلان ابن فلان

باب محبت بنویسد در دل کرمسنقد کذارد و در پارچه جامه آکنش بپیچد و این عمل در ساعت قوس باشد و یا حمل مجرب است

باب این طلسم را بنویسد و در زیر آتش پنهان کنند که البته از عشق او بیقرار گردد در ساعت ... ۱ ط ۳ ط ۳ و ۱ ۲

الباء الباء اط ع معبوس
الساعة الساعة الساعة

۵ ۱ ۴ ۴ ۴ ۴ ۱ ۱ ۸ ۸ ۸

۲ ۱ ۱ ۱ ۱ ۵ ۴ ۱ ۱ ۱ ۲

۸ ۸ ۸ ۷ ۱۱۱ ۴ ۸ ۱ ۸ ۱ ۲ ۱ ۲ ۶ ۱ ۱ و د د

از جهت محبت بنویسد این طلسم را در روز پنجشنبه در ساعت شمس در میان نه دانه گردکان گذارد و یکشنبه بسوزاند که بیم هلاک باشد این عمل مولانا یونان گرباییست مجرب است

کل عود علا

باب احضار اما حمل اود مهو مهوک فصل فصل کاح

... و شیره انتقال در ...

باید در ساعت حرب بنویسد این دعا را در کاغذ و در کف گفته دریالا ان سبیل لله حتی دیگر الله قلقف را در کف دست گرفته الفت مرتبه تا دعا را بخواند مراد او حاصل شود اما باید از نامحرمان مخفی بدارند و بخور ... براورد ... لا ... در اول روز یکشنبه ... عظیم مجرب است از موده است اما خوب ...

ع	ص	ت	غ
۱۰۱	۹۹۹	۴	۴۹
۹۹۸	۴۹۸	۹۳	۵
۹۱	ع	۲۹۷	۳۹۹

تصعید در قرع نگیرد کلس قمر آنچه خواهد یکجزو با چهار جزو زیبق ملغمه کنند و تشویه نماید با سفیده

بیض سحق کنند و باز تشویه دهد و نیمه زیبق زرنیخ ببیض کرده او بسواد نباشد با او صلایه

کند با آب نشا در یکروز تمام پس از آن قال کند و تصعید کند با آتش قوی بگذارد و دیگر بگشاید

و بر بالای او آنچه باشد برگیرد و با آنچه در ارض مانده است سحق کند و آب نشا در بدهد

و باز تصعید کند تا همه مصعد شود و با آن تشمیع کند و حل کند و عقد کند رنگ یک جزو

از او با یکصد جزو زهره را قمر رایج کند. باب این طلسم را بنویسد و زیر زبان نهد

با موم با هر که سخن گوید بیقرار و خبر گردد. ۲۱۱۹۲۲ ع ۲۲۹۶۱۶۲۱ و ما لا م

باب هر که این کلمات را بر کف دست چپ بنویسد نزد هر کس که رود مقصود او حاصل گردد

ح هـ لا لا هـ ل | باب اگر کسی خواهد آنچه مطلب است در خواب ببیند

این شکل را در هنگام خفتن بر کف دست راست بنویسد در زیر سر گذارد تا خواب

رود آنچه نیت کرده باشد در عالم خواب ببیند بسیار بسیار مجرب است الکلال این است

هلا	هلا	ها لا
همه	همه	همه

باب بجهت امر مشکل و مهمی روی دهد که چه باید

کرد چون بر خواب در سوره والشمس و سوره واللیل

را هر یک هفت بار بخواند و بخواب شخص خوب یا و ظاهر

شود سران بر تر بیاید که چه باید کرد. باب اگر نا سازگاری در میانه زن و شوهر

باشد بنویسد در میان نان گذارد بسگ دهد اگر مرد باشد بسگ نر اگر زن

باشد بسگ ماده بدهد بخورد حاجت بنجح رسد (معس) (معس) (مع) (البتر)

(علام) (ماه) (طلجش) جهت محبت الف آیه را بر مس بنویسد و در آتش

افکنند که بسیار مجرب است. آزموده بجهت ع ۱۱۱۱ ۲۹۱۹۲۱۱۱۱ ۸۶۹۱۹۲ م م ۶۶

ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح احرقت قلب ۲۲ علی

حب ۲۲ الحب العجل الساعة الساعة بالنار الثانیه

باب



هذا الشكل في عمل تحبيب و احضارات
وراودته التي هو في بيتها عن نفسه
وقالت هيت لك
معاذ الله انه ربي احسن مثواي
ولقد همت به وهم بها
ختم الله على قلوبهم
والقينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم القيامة
كلما اوقدوا نارا للحرب اطفأها الله
ويسعون في الارض فسادا
يوم الاحد يا علي يا عظيم
يوم الاثنين يا فرد يا احد
يوم الثلثاء يا حي يا قيوم
يوم الاربعا يا حنان يا منان
يوم الخميس يا ذا الجلال والاكرام
يوم الجمعه يا الله يا هو
يوم السبت يا رحمن يا رحيم

تفریق

باب بجهت تفریق بنویسد بپوست حمار روز چهارشنبه بساعت مریخ و باسم انکس و مادرش در کنار منجلاب حمام دفن کند از یکدیگر جدا شوند و هرگز یکدیگر را نخواهند دید آزموده و مجرب

تفریق

۹۱۸	۴۲۲	۲۰۳۱
۱۵۱۱	۴۲۱	۱۷۶
[illegible]	۸۱۸	۹۱۲۱

باب بجهت تفریق است بر پشت بنویسد



محبت

باب محبت بنویسد بر کاغذ باسم نوبوبو علی حب ۲ ۲ و در آتش اندازد تا عجایب بیند

سوی | سخ

علحوه | ولقس

علهن | الحرب | سلح سهوه

آتش الله احمر هفت اندام و جمیع جوارح ۲۲۲ علی حب ۲ ۲ العجل

تفریق

باب العداوة بنویسد در خانه انکس دفن کند آواره گردد مجرب است



باب بجهت تفریق

باب بجهت تفریق هفت مرتبه سوره والیل ... بخواند بر گرده کو سفند و پیش سگ اندازد و بخورد تفرق شوند باسم ... علی البغض والعداوة ... التجب التجب التجب الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا

باب بجهت محبت ۱۲۰ مرتبه سوره توحید را بخواند بر ۱۲۰ دانه فلفل و هر دانه فلفل که خوانده شد بگذارد و میانه شکم مویز منقا و یکمرتبه دیگر توحید بخواند و در آتش اندازد تا بسوزد و دود او بلند شود و قیکه خوانت قطع دود شود یکدانه دیگر را بهمین کیفیت در آتش اندازد تا جمله بسوزد بیقرار گردد انشاء الله تعالی

نوع دیگر بجهت محبت اینها را بنویسد بر پوست کدو در آتش اندازد تا عجایب بیند این است [illegible]

[illegible] الی الیه

الی العجب العجب العجب الساعة الساعة ... الوحا الوحا النار النار النار

نوع دیگر بسته اند ۲۴ دانه فلفل و سوره یس هفت بار بران فلفلها بخواند بنام مطلوب و بر اندش لعاب آن نرم بکوبد و در میان فتیله کند و در چراغدان سبز بروغن کنجد برافروزد و فتیله چراغدان رو بسوی خانه آنکس کند تا بسوزد عجایب بیند مجرب است

باب جلب سوره یس را هفت بار بر فلفل بخواند و یکیک در آتش اندازد و قسم دهد بملائکه که حاضر کرده و قسم اینست عزمت علیکم واقسمت علیکم یا ملائکة الموکلین لهذه السورة المبارکة بالله الواحد الاحد ان تحضروا الی ... فی اقصر من ساعة العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا هیجوا قلب ... واحرقوا فؤاده فی محبتی حتی یاتی فی هذه الساعة انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین

باب الحب بسته اند ۷ پاره چوب ... و ۷ نوبت سوره یس را بر هر پاره بخواند و بنیت مطلوب در ساعت ... بنام مطلوب در آتش اندازد تا بسوزد ... که از محبت در هلاک گردد

نوع دیگر ۱۲۰ دانه فلفل هر یک یک حمد بخواند ... ۱۲۰ توحید و جمله را در میان ... فرشته در میان ... در آتش ... کند ... گناه عظیم است

بنویسد بخون مرغ سیاه یک رنگ و در اندرون دل گوسفند بگذارد و در کنار آب
روان دفن کند عاشق و مبتلا شود طلسم مبارک اعظم این است

۱۱۱۲ ۲۱۷ ۲۱۷ ۱۱۱ ۴ ۴ ۴ ۱۱۱ ۲۱۲ ۲۱۲ ۱۱۱ ۴ ۴ ۴ ۱۴۱۴ ۱۱۱ ۱۴۱ ۱۱۱ اعا ۱۴ ۱۱۱

۲ هو هو ۱۱۱ علی حب وعشق ف۲۲۲ وعلی حب ف۲۲۲ باب تهييج عظيم

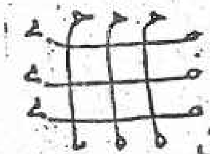
يكتب على ورق النارنج ويحرق في النار فانه يأتيك قبل الحرق وهذه الكتابة سلسكم
كسلحس عحسح هلحسحلـلـلع جلبت ف۲۲ الى ف۲۲ بحق هذه الاسماء
العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة اقرب من لمح البصر او
هو اقرب الكتبة ب عبد الزهره واتق الله في نفسك وعملك لا تفعل للحرام

بنویسد در جامه دو نفر با شبذاز هم جدا شوند تحت معکوس ...

حـ	س	م	ن	م	ل	ب	ح	ا
ط	د	يحا	ج	ى	ف	ب	ط	ح
ل	ا	ت	ل	ا	م	ح	ه	ت
ع	ر	م	ا	و	ب	ج	ل	ت
ا	ن	ا	٧	ا	ن	ي	ل	ص
ي	س	ب	س	ك	ا	م	و	ه
ل	ا	٢	ه	ن	ع	ى	ن	غ
ا	ا	م	ب	ت	و	ب	ج	ل
ي	ب	ا	١٠	د	يا	ت	ب	ت

باب جلب يكتب
ورق القرع ويحرق بالنار
وهذه كتابته هيجت ف۲۲
الى ف۲۲ حتى لا يصبر
عنه ساعة واحدة
بحق هذه الاسماء ☰





م ٧ ٨ نفح معصمعصهه حمـا و١
اتوابد كلههب لنيران العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة بحق
بحق هذه الاسماء المكنونات والعقد والطلسمات حرره محمد آل ابن جد

از سيد شيخ بهائي

شهوت ... تهييج ... تسخير ... لوح ... باب جلب

ازنیسید عخ نجفانی نه تر شده بجهت دادی پری زده و برای کسیکه جن و شیاطین برا او مسلط شده

باشد تاثیر عظیم دارد و چون برای او خوانند بزودی خلاص شود طریق خواندن آنست

بر گوش جنب دارانست سه روز سه بار از سر توجه و تحکم و هیبت بخوانند و اگر بر کتف چپ

را ببندد و بنویسد خوبست اگر در نوشتن متعذر باشد بر بیاض گردن بنویسند تعویذ ...

بنویسد و در وقت نوشتن بزبان بخوانند و بنویسد و جهد نماید در حال نوشتن در ترک ترجه

خواطر و حضور قلب بخوانند اگر در مکانیکه جن منزل گرفته باشد بخوانند جن قرار نگیرد

بسم الله الرحمن الرحيم ارتاش ارقاش قاغش حرقاش

اسطقاف اسطاف خطوف خطاف شعس اس فرلس الله

برحق العزة يا طهشلوا مشبوح ارنج شنوج ارموا حنبيثا

العظيم الاذلي الابديك ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات

ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحريق اناشدكم

يا معشر الجن يا الله العزيز القهار الوافي وفي العهد الذي

اخذ عليكم سليمان سليمان ابن داود ان لا تقربوا على

هذا الهيكل وان تتركوه في حرز الله وحمايته بحق محمد وآله

اجمعين الطاهرين | اگر جن گرفته بیهوش باشد یا سخن نگوید این

طلسم را بنویس از عظمت دود کند بهوش آید ع ط ۸ ۸ ۱ ۳ ۳ ۳ ۲ ۲

هر گاه زبانش گرفته این تعویذ را نوشته ببوید | ۱۱۱۸ ح ۹ ۰ ۵ ۸ ۸ ۱ ۲ ۶

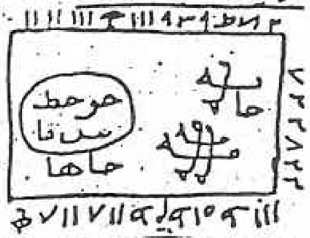
مجرب زود بهوش آید مجرب است | ایتوا یا ایتوا یا ملیخا تسمعونی یا

الجلال والاکرام وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا

يزيد الظالمين الا خسارا

در حاشیه: ...

الحب اگر خواهی کسی را از مکان دور بیاوری این نوشته را بنویسد در میان شب با ریح کاغذ
در میان سه پاره جگر گذارند دیگر در سگ سیاه دهند که بسیار مجرب است



٨ ||| طح ٩٩ |||| ٩ طح || ع ١

هیجت قلب ... عوا جیب ...
الساعة الساعة الساعة العجل
العجل العجل الوحا الوحا الوحا ...

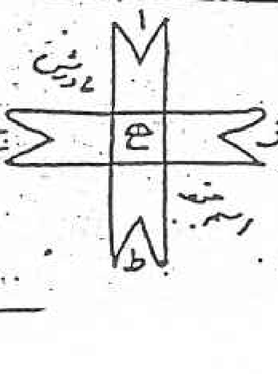
٧٧ ||| ٦ | ٧٧ ٩ لسا



الحب اگر کسی بنویسد بر سفال آب ندیده در روز
یکشنبه در آتش اندازد بجهت آوردن مجرب است
ط ١١١ ٨٥٩ ١٧١٥٧١ ٩ ... بحق احیه
... العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة

شرح این طلسم را بر فولاد کنند باسم انکس مادرش در همان ساعت کردن بکند رد
بقبله و طلسم را در کوره کنده گذارد و آتش بر بالای آن طلسم کرده لعبازان نیت
نموده و خاک ... دار برار در آتش کرده زنهار تا بتوانی این عمل را نکنی که حکم
بقتل دارد طلسم اینست

الف از عمل کر جهت خوش بو ردان و سختی دندان شاخ
بزگیا سوخته و نمک سبل محرق کرده از هر یک دو درم
زعفران و سنبل و مصطکی از هر یک درم و حرو سوخته
از هر یک سه درم گرفته و بیخته استعمال نمایند که بسیار
نافع است هر کس این سه اسما با خود دارد در راه
رفتن ماند نشود یا طهیوج یا طهوع



این طلسم را زیر

این طلسم را زیر سر خفته بگذارد بیدار نشود مجرب است

جهت احضار نقش کرده اند که بر نعل اسب و یا بر سفال آب ندیده نوشته در آتش اندازد یا بسم ۲۲۲ دعا این است

۴	۲	۲	ا
۵	۲	۵	ه
۳	۵	ح	ا
۵	۲۰	۸	۸

ابرهوه ۴ ح ۱۱۱ مهواع ط ۱۱۱۱۱ اه اه اه اه اه اه اه اه اه

اه اه ع ع ع ع ع ع ع ع ص ص ص ص ص ص ص ص ص

ص ص ص ص ص د د د د د س س س س س س

بنقرابی و بجیا ابرام کردم ۲۲۲ علی احب ۲۲۲ الساعة الساعة العجل العجل

احکام بیماری اگر کسی بیمار شود و خواهی بدانی احوال چگونه است باید نام وی و مادرش و نام آن روز که بیمار شده بحساب ابجد در آورند برای قسم شنبه ۱ یکشنبه ۲۰ دوشنبه ۱ سه شنبه ۹ چهارشنبه ۱ پنجشنبه ۵ جمعه ۱ و آنچه حساب کند عدد را جمع نموده و ده تا دیگر اضافه کند و آنچه دانسته که چند است سی سی طرح کند آنچه ماند در لوح نگاه کند اگر بر لوح حیات است نمیرد و اگر بر لوح ممات است بمیرد

لوح حیات

	۴	۱۰	۷	۲	۱
	۳۰	۱۶	۲۲	۱۴	۲۱
		۲۳	۲۷	۲۴	۲۱

لوح ممات

	۲۰	۳۰	۲۰	۹	۲۶
۸	۲۵	۲۳	۱۹	۱۸	۱۵
۱۲	۷	۴	۸	۵	۳

اگر کسی را لیته یا بیته بزند این طلسم را در گردن بندد وع یا سم یا سم یا سم یا سم یا سم دانیام ذا ی دا ی ۱۱۱ ۶ ۱۱ ۴ ۴ ع ۱۴ ۱ ۱۱ ی ۱۱ ع ۹ ی

باب جهت نزله بندی بیا و در بعضی لام قد مریض و بنویسد دشتی نماید و نیز تا مدت مریض داده
و مریض مربع نشسته یک بیقی را بدست راست و دیگر را بدست چپ بر سر زانو گرفته و بر
یک سری بنویسد یا جبرائیل و بر سر دیگر بنویسد یا عزرائیل و آنکه کاتب شروع در دعا
نماید انقدر مداومت نماید که سری از طرف دیگر بهم رسد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
قمریا یا حا هو کش اخا طوس لقاش ما طره کلوسی افعوا نغون آکنه
بر ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد بپیچد و در گور کهنه دفن نماید مجرب است

باب خواب بند بنویسد هر شب در زیر بالین خود نهد بیقرار گردد انشاء الله خوابید
۱۱۱۱۲ م لله لهی سما ص ص حعوره لا لا لا صحعب باسم ۲۲۲

هو الوحا الوحا الوحا العجب العجب العجب باب اگر خواهی کسی را از عشق خود
دیوانه گردانی و محبت تو در دل او مبتلا گردد و با تو هر گاه خواهی فسون کند همراه
خود نگه دارند بنویسد این دعا را بنام او و بنام مادر او و بنام خود و مادر خود بر بازو ببندد
بسم الله الرحمن الرحیم بتم بتم دم بدم الحمد لله رب العالمین بتم بتم دل
بدل الرحمن الرحیم بتم بتم سر بسر مالک یوم الدین بتم بتم زبان بزبان
و دهان بدهان ایاک نعبد و ایاک نستعین بتم بتم جان بجان
اهدنا الصراط المستقیم بتم بتم اعضا بر اعضا صراط الذین انعمت
علیهم غیر المغضوب بتم بتم اندام بر اندام علیهم و لا الضالین بتم بتم

روح بروح یا حفیظ یا حفیظ یا حفیظ باسم ۲۲۲ زبان بند
دو نیش یا عظیم عظیم در زیر زبان گذارد در برابر آدم که مراد در نسخه را
بر موم گرفته زیر زبان گذارد در مقابل او سه بار قل هو الله احد را بخواند و یک ...
را عقد کند همین که متاع رسید و اکنه ... باب اگر خواهی که کسی خویشی بجنبی و از دین نشود ...

اسمها ...

واسمها را نوشته بر بیضه مرغ و بر بالای خانه افکن اندازد تا بشکند افکن را حق بشود

عحج عحج عحج عحج عحج عحج ع۲ا۲ا عحج لدلدلدلدلدلدلدلدلد

لدلدلد بعصا الله الرحمن الرحيم اولئك الذين آمنوا والذين [illegible] محزون

ىر صا ااا لا ط ا ر اا ط ه ‌ ‌ ۶ ااا ۴ ا ه ه ‌ ‌ باب اگر خواهی که کسی را از مکان

خود دور کنی یکمشت خاک از آن مکان بردارد و یکبار این آیه را بر آن خاک بخواند

و بعد آن مشت خاک را زیر بالین خود نگه دارد و روز دیگر آن خاک را بردارد تا آن

مکان بیاشد آواره گردد استجب دعائی رب الملائکة والروح وانت

رفیع الدرجات انک حمید مجید سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة

والروح یا ارحم الراحمین ‌ باب المحبت بیاورند ۷۰ دانه فلفل و این آیه را

بر آن بخوانند و بکوبند و بطعام بپاشد و بخورد مطلوب دهد یا ایها الذین آمنوا

استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین ولا تقولوا لمن یقتل

محبت سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون زین للناس

حب الشهوات ‌ باب تعویذ که شمن باید و قتی که زیر سر تعویذ باید

نوشت یا ابلیس اصحاب العدوان والبغضاء والحق الباطل الا

۳ و در آخر تعویذ که شمن باید نوشت کتبها هذا التعویذ لبغض فلان بن فلان لا

یجمعه الله ابداً ابداً بر سر تعویذ که مهر باید نوشت یا اصحاب المحبت

الوحا ۳ الساعة و در آخر تعویذ که مهر باید نوشت کتب هذا التعویذ لمحبت

فلان قوتا التعویذ زبان بند و خواب بند باید نوشت کتب هذا التعویذ و فلان

[illegible] ۱۲ ۲ اما باید جنب و حائض حاضر نباشند و از برای که شمن چیز تر شود

و از آن گرده بخورند و از برای که مهر چیز شیرین در دهن گیرد و بخورد و بر هر کس

کنید و از برای زبان بند و خواب بند موم در دهن گیرد تا از نوشتن فارغ شود مکان [illegible]

باب بیان در هر هفته کدام روز تعلق بچهار عناصر دارد و از این قرار است

یوم ۱ شنبه	یوم ۲ شنبه	یوم ۳ شنبه	یوم ۴ شنبه	یوم ۵ شنبه	یوم جمعه	یوم سبت	حب	بغض
آتش	باد	خاک	خاک	آتش	آتش	آب	لسان عقد	عقد نوم

اگر خواهی حاجت بر آید و کسی ترا نه بیند این اسماء را بر حریر سفید بنویس و بر گوش چپ
گذارد و کسی ترا نه بیند اما در وقت منکسف شدن آفتاب باشد مجرب است بسم الله
الرحمن الرحیم یا تمخیثا یا الیقیثا یا ملثا یا خفیثا یا رحیثا یا جلیل یا
اعیثا یا طرلیطا یا رحیثا یا میثا یا یحیثا برحمتک یا ارحم الراحمین

باب المحبت بیاورند تخم مرغ سیاه و سر شرا باز کنند و این طلسم را بر پوست آهو بنویسید
و در میان تخم بگذارد و سر شرا محکم بگیرد و در آتش اندازد در میان اجاق دفن کند
دائم گرم باشد از عشق دیوانه شود قرار و آرام نداشته باشد قلب فلان بن فلان همیشه
تلتهب الرها الحما و قلبه لا تقر و لا تعر عملوط اهیا اهیا شراهیا
شراهیا حاحا ا ۱ ه ۱ ه ۱ ه ۱ ه ۱ ه ۱ ه ۱ ه ۱ ه ه مه ماه مه مه

باب المحبت بنویسید و بر تن ببندید و بخورد مطلوب بدهد تا بخورد دیوانه مطیع و راغب
گردیدت و محبت قرار و آرام نگیرد یا علیلثا یا سلیثا یا اوهلثا یا اعیثا یا
هوشا یا رحما یا اجاثا یا الله العظیم بحق داود نبی یا کریم فلان بن فلان علی حب

باب هر کس این کلمات را بر کف دست خود بنویسید و مشغال کند مطلب حاصل شود از
هر کس هر چه خواهد حاصل است ح هه ه لاه لا ل ام هر کس این هفده را
بر پاره کاغذ نوشته بدین طریق که چهل تن نوشته اند در مجلس که نشسته را در زیر فرش گذارد

فی الحال مردم پراکنده شوند این است یا شیخ محمود شاه یا شاه محمود شاه چکی

یا شاه محمود شاه چکی یا شاه محمود شاه چکی برای دل بردن ح نفر

که بعشق وغیره هر که بنویسد بنام او و نام مادرش و در آب روان انداز مجرب است

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا

من قرار کذلک ۲۲۲ بح ۱۱۱ ۸۹۹ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱ ۶ مه مه مه

مه مه فرموده یودیم یودیم زرنحنه العجب العجب العجب فلان

ه اا ط اا لا اا ۹ اا ۱ لا اا ۸ ۲ ۱ ۱ ع ۱ ع ۱ ۱۱۱۱۱ ط ط لا اا ح بنام فلان

الوحا الوحا الوحا نوعدیگر بنویسد بکاغذ سفید و قدری ابریشم در آن نوشته

و بپیچد بر ریسمان سوزن در رهگذر ایشان دفن کند تا عجائب بیند زنهار زنهار

نکند که گناه عظیم است اللهم فرق بینهم کما فرقت الحیات والممات و کما فرقت

بین الجنة والنار و کما فرقت بین الجن والانس فرق بین فلان و فلانه

وبین ۲۲۲ سوسح ۸ ۸ ۱۱ ۳ ۹ ۳ ۲ ۹ در خوانه آهنین

صح صا ۹۹ ۳ ۱۱۱ ۲ ۹ ۱ ع ۱ ۱۱ ع ۱ م ع ! دفن کند مفارقت افتد میان ایشان

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ فرقت

بین ۲۲۲ و ۲۲۲ ایضا بنویسد و در کنار آب روان یا زیر زمین دفن لایجوز بجلال

۸ ۸ ۸ ۱۱۱ صح ۶ ۶ ۶ ۱ ع ۸ ۸ ۸ ۱۱۱۱ صح حج ۸ ا ط مخه ۱۱۱ ه ح ق م ۲ ۱ حمود

للعداوه این آیه را با [illegible] بسیار بعز کرده بسیار تلاوت بنویسد و به آب محو نماید و در آنجا

بریزند که در آنجا کن باشند میان ایشان تفریق واقع شود و دیگر اصلاح نیابد عسی

ربه ان طلقکن ان یبدله ازواجا خیرا منکن مسلمات مؤمنات

قانتات تائبات عابدات سائحات ثیبات و ابکارا تفرقه و عداوت

بیفکندم بین ۲۲۲ و ۲۲۲ الی یوم القیمة العجب العجب العجب الساعة الساعة الساعة

این هشت حرف ظلمات را بر پاره پوست حمار نویسد در خانه دشمن دفن کند آنخانه ویران شود و اگر در ساعت زحل در مربع هشت در هشت بنهد در جای نمناک دفن کند بهتر

تفریق مجرب ث خ ز ش ص ض ظ غ ف الف انیکلات را بنویسد در آب اندازد بعد از آن جدا شیم میان این تا جدائی افتد تا قیامت یکی نباشند الابیت بسم الله الرحمن الرحیم کهوله کهوله کهوله الساعة الساعة بامسم نوبونو یر بستغارت ۲۲۳ الف انیدوج را بر مرم زند و انا نموم شبه صورت دشمن را لب زند و آنچه در مهر نوشته منکوس بر خواسته آنمهر را بزنید به طریق که خواهد دشمن را مثل هلاک شاند بهمان طریق صورت را معذب دارد بسیار مجرب است اما باید دو صورت لب زد این شلث را بر پوست حمار نویسد در شکم آن دو صورت نهد به عذابیکه خواهد معذب سازند مثال دو صورت را مقابل هم ایستاده در میان نیزه سر به بالای نیزه مربع اینست

جهت هلاک دشمن سوره انا اعطینا را بعدد بسمله بر تخم مرغ سیاه بنویسد و نیز با رجره خاکستر انکس به پیچد و در زیر آتش کند نیزه یکه او را بول بسته شود اگر بسوزد هلاک شود اگر خواهد باز کند سوره یس را بمشک و زعفران بنویسد بشوید بخورد شفا یابد الصفا

ان الذین یا یحزنهم انا یا یبرون ت	بد شرقت ابدیهم ثمن نبیتا تلنا بینا ۲	یبک منی تتبه ومن اوذی بما هد علیه ۷	اته فسیر تیم اجرا عظیما ۱۶۱
۱۳ ۷ ۸	۱۸۶۳ ۱۵	۱۳۱۹ ۱	۱۲۴۷ ۱
۱۸۶۲ ۱۴	۱۳۱۴ ۵	۱۲ ۵ ۴	۱۳۲ ۱۱ ۱
۱۲ ۴۹ ۳	۱۳ ۲۱ ۱۲	۱۸۶۱ ۱۳	۱۳۱۵ ۴

چون خواهد ظالمی را از مکان خود اخراج نماید این آیات را از سوره عبس بر پوست خرس مربوعی نویسد و صورت آن شخص را بر آن نقش کند و در لوح سنجیده که قبر در جنوب باشد و آنرا در قدح آهنین نهد و سرش را محکم کند و در دروازه شهر یا خانه او دفن

۹۵۸	۹۶۵	۹۶	صورت شخص
۹۶۳	۹۶۱	۹۵۹	
۹۶۲	۹۵۷	۹۶۴	

آیات اینست یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه الی آخر سوره عبس

جهت انحطاط مرتبه هر حکام و صاحب تسلط این آیات را بنویسد بر چوب کی در عمر

زدن و ویران

جدائی

هلاک دشمن

هلاک دشمن

اخراج ظالم

تعظیم و تسخیر

دوشنبه

دوشنبه یا چهارشنبه آخر ماه و هر طرف دیگر الجوب بنویسید من قبل منه ۲۲ مرتبه دار
موضع تاریک زیر سنگ کز انید بقدرت الهی لاشاره نماید از ان مرتبه تنزل نگاه
نماید اگر چوب گز تر باشد بهتر است آیات اینست بدیع السموت والارض انی
یکون له ولد الی قوله وهو اللطیف الخبیر از سوره انعام است جهت تخریب
بنیان ظالم سوره والشمس را بر سفالی و این آیه را هفت بار بر پاره خاک بخواند پس آن
سفال را کوبیده و آن خاک را آمیخته در خانه او بریزد فدمدم علیهم ربهم بذنبهم
فسویها ولا یخاف عقبیها برای فنای دشمن دین و ظالم فاجر و فاسق و بدکار
او تبت را یک بسته با عدد اسم خصم بگیرد و از جمله اعداد می چند شصت عدد طرح کرده باقی
نه قسمت کرده یک قسمت را در خانه اول درج کند و هر خانه یک عدد افزوده تا تمام شود و خبر باشد
که غلط نشود و باید از هر طرف که حساب کند دفق دهد دیگر آن از یک تا هشت بیشتر نیست
و اما باید هر خشت تمام درج نموده و همین سوره را معکوس بخواند خفیه کند و هر روز یک خشت را خراب
کند تا تمام شود و خاک آنرا ضبط نموده در خانه دشمن بریزد بقدرت الهی لاشاره نماید است
باید از هر طرف سیصد و شصت و نه باشد

۴۵	۳۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۳۶	۳۴	۳۳	۲۳	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۵۶	۵۴	۴۳	۳۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۶۶	۵۵	۵۳	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۳	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵	۷۵	۶۴	۶۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۳۵	۱۴	۳	۷۳	۷۱	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳	[illegible]	۸۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

وفق لوح تبت که در او
تبت معکوس اینست
دشمنم لبخ ها دیج
یف بلحلا تلک مح
هتا رموب هل تناا
ارنالاحیف بلک
وما هلما هنع ناغا
مابت وب هل بیا
دیات ت ب ت

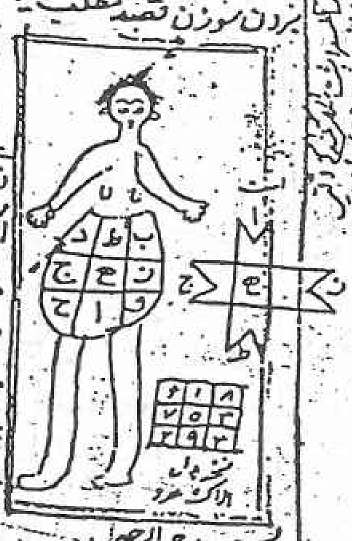
عدد خبر ده تبت این است
بخواند و اقسام معدود شصت است

باب اگر خواهی که درد چشم بر دشمن مسلط گردانی صورت آنکس را بر روی زمین مصور سازد و صورت
لوح را برابر آنجا نقش کند بدستوری که نموده می‌شود که حرف ج در ناف آن شخص افتد و بخواند
سوره واللیل را بج نوبت و هر مرتبه چون بلفظ لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب
و تولی تکرار کند اطلاق مرتبه فتا ... مقدار سوزنی در دست حاضر داشته باشد چون بار اول
بخواند این آیه را سوزنی بزند بر میان چشم ج که در ناف صورت است و چنان زند
کند تا بزمین فرو رود که مطلب حاصل است و اگر خواهد که برطرف شود آن صورت را خراب کند و
سوزن را بکشد برطرف شود زنهار که بنا حق عمل نکند که گناه عظیم است و درد تب فرود
بردن سوزن تصنیف مطلب ...
اگر خواهی دختر کسی را بخواهی و نمیدهد بنویسد بر کاغذ
آنکس و دفن کند رضا شود ... ۱۱۱ ۱۱۱ ۳ ۱۱۱/ ۱۱۱ ۵ ۹
نی ۱۰۱۰ ۱۱ ۴ ۱۱۱ ۴ ۱۱۱ ۴ هر دع ۱۵۵

نقش دست که هر که این شکل را نوشته بر سینه مریض گذارد
اگر بجنبد خلاص شود اگر گریه کند بمیرد هلاک مکال

هطل هطل هم کن هی جهت سد دندان
این را بر سر خشت خام با میخ آهن بنویسد هر حرفی
میخ را فرو برد البته ساکن شود الوثا یالوثا دائرت

هر کس خصم بسیار داشته باشد این دعا را نوشته با خود
دارد دوشمنان بر وی مهربان گردد و عزیز و محترم باشد



بسم الله الرحمن الرحیم یا ودود یا ودود یا ودود یا فعال لما یرید یا ذوا
العرش المجید اسئلک بنورک و وجهک الکریم و یا اسمک العظیم
۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ لهم علیهم اهیا شراهیا ادونی اصباوت الی
... ای ... توراة و انجیل و زبور و فرقان و محمد انبیاء و ملک

کلام ایجاد

كلهم اجمعين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم هذا يوم لا ينطقون ولا
يؤذن لهم فيعتذرون باب جهت زبان بند تبويسد با خود دارد
زبان جميع خلايق از زن ومرد بسته گردد بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
عقدت لسان جميع بني آدم وبنات حواء والجميع الخلائق كلهم اجمعين
صم بكم عمي فهم لا يرجعون صم بكم عمي فهم لا يبصرون صم بكم عمي فهم لا يسئلون
صم بكم عمي فهم لا يؤمنون صم بكم عمي فهم لا يسمعون صم بكم عمي فهم لا ينطقون
صم بكم عمي فهم لا ينطقون صم بكم عمي فهم لا يتكلمون بحق كهيعص
وبحق طه ويس وبحق حمعسق وق والقرآن المجيد ون والقلم
وما يسطرون بستم بستم زبان وچشم وگوش وهوش وفهم وعقل
خرد ونيست وشصت وشش رگ وچهار صد وچهل وچهار
پاره استخوان بيدان وبدگويان ومنافقان وحرامزادگان ومكاران
وساحران وغمازان از دور ونزديك از همسايه وبيگانه از خويشان
وقوميان از زن ومرد از كوچك وبزرگ از ترك وتاجيك از عرب
عجم وسياه وسفيد وكلان تران وكدخدايان از دوست ودشمن بستم
كه بسته باد زبان جمله بحق خلقهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون بستم زبان
جمله خصمان از صاحب ودارنده اين دعا بعزة الله تعالى بحق حم
ويس ون والقلم وص والقرآن وحمعسق وق والقرآن المجيد وتبارك
الذي بستم بعزة ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظيم بستم كه بسته باد بعزت حروفات كه در ام الكتاب است ث ج ح خ
د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ي بستم كه بسته باد بعزت
انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين
طريقه اختصار محبت اين است كه امتحان شده اما بايد اسم خود در ... .

و اسم نیورش را یکی در زیر و یکی در بالای این طلسم بنویسد و طلسم را در زیر خواکستر گرم بگذارد بدون تا مطلوب بیاید تا بیاید طلسم را از زیر خواکستر بر دارد که هلاک میشود این است
بسم الله الرحمن الرحیم کرفتم دل و جان و بیقرار و بی آرام کردم ۴۲۴ عشق و محبت ۴۲۴ بحق الطلسم العجیب العجب العجیب للساعة الساعة الوحا الوحا

ربح	۳۰ ۱۲۸	[illegible]
با اخ	المعبد المجد	۲ ۳۰

۴۲۴

این ده آیه محبت است هر که بخواند یا با خود نگه دارد در نظر جمیع خلائق عزیز و مکرم گردد اگر هر کس ۳ دفعه این ده آیه را بر گلاب بخواند و بر روی خود زند هر کس او را ببیند عاشق وی گردد اگر هفت مرتبه به سیب بخواند یا بر شیرینی و بدهد هر کس بدان بخورد از عشق بیقرار گردد اگر بر پنیر بخواند و بخورد مطلوب دهد هم چنان شود که او را یک ساعت نه بیند بیقرار گردد روزی خدیجه این ده آیه را در سیب بخواند حضرت بکیا ت پیغمبر بید اده ان سیب از دست خدیجه افتاد و آن سیب پیغمبر برداشت و خورد تا آن سیب حیات داشت از در حجره خدیجه بجای دیگر نرفت شرح این ده آیه بسیار است مختصر شد که ملول
بسم الله الرحمن الرحیم والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی إذ تمشی أختک فتقول هل أدلکم علی من یکفله فرجعناك إلی أمك کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناك من الغم وفتناك فتونا زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والأنعام والحرث ذلك متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب یحبونهم کحب الله والذین آمنوا أشد حبا لله ولو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوة لله جمیعا
وان الله

وان الله شدید العذاب آیه قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی

یحببکم الله ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم آیه قد شغفها حبا

انا لنریها فی ضلال مبین آیه فاذا عزمت علیکم فتوکل علی الله ان

الله یحب المتوکلین آیه یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة

علی الکافرین آیه ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم

بمفازة من العذاب ولهم عذاب الیم آیه فقال انی احببت

حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب آیه واخری تحبونها

نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین وتاکلون التراث

اکلا لما وتحبون المال حبا جما وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

بجهت احضار و محبت این بخ اسرا بنویسد و در زیر سنگ گران دفن کند

مجرب است بیقرار و بی آرام کردم ۲۲ ... هلیح هلیح هلیح

هلیح آتش محبت انداختم در قلب ... العجب العجب الساعه

الساعه الساعه الوحا الوحا الوحا بجهت تفریق بنویسد در میانه خمره نمک

بسنگ سیاه نیز بجز د تفریق افتد مجرب است ... ۲۱ ۲ ۱ ۱۱۱۸ ۱۱

۱۱۲۲۹۸۱۱۱۱۱ ۱ رح ره ۱۱۱ ۲ هـ ده ۷ ۷ دوده د ...

۱۱۱۲۲ ۵ ۲ ۸ ۶ ۲ ۱ ۱۱۱۳ ...

ایضا بنویسد بنام خصم ...

در میانه گور کهنه دفن کند مجرب است انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم

العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون

... العداوة ... العجل العجل الساعه الساعه الساعه الوحا

نایب تفریق بنویسد در میانه آتش اندازد جدائی افتد ...

تفتيش

۱۲۱۴ اسرکرد کف اا اطم | باب جهت تفریق به تخم مرغ سیاه نویسد در گورستان کهنه دفن

کند مجرب است عمل طرد المسالح جهت صحیح کرد لعجایا بسم ۲۲۲ فی علی البعض

فوم فوم العجل ۳ الساعه ۳ اشار ۳ | باب محبة وجلب وعطف یکتب ببیک و زعفران

وماورد ویدفن فی النار ویجب الحرارة لکتب یوم الاربعا عند طلوع الشمس وهذا کتابه شقق

الصاعق وبرق البارق ولمع لامع یکاد البرق یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم

مشو کذلک لیمشی فلانة بنت فلانة الی فلان ابن فلانة اذا رجت الارض رجا الریح تقلب

دواد فوم فوم الی محبة فوم فوم وسیرت الجبال فکانت سرابا شارت فلانة بنت فلانة الی

فوم فوم بحق اللوح والقلم وبحق هذه الاسماء العظام ااا ک ا ۹۹۱ ح ۲۶۹ الا د ه ا ادف

تمشی فلانة بنت فلانة الی فلان ابن فلانة ان کانت الا صیحة واحدة فاذاهم جمیع لدینا

محضرون وا وا وا وا لا لا الا الا الا الا قضی الامر الذی فیه تستفتیان فجاءت

کل نفس معها سائق وشهید لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا

عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید بیقرار و بی آرام کردم وا ستراتم اختم

مرا بابی فوم فوم من حب فوم فوم الی یوم القیامة العجب العجب العجب الساعة الساعة الساعة الحرکة

ج لنسخه عظیمه یکتب بدم دیک الابیض الیشربه لونه ابیض هاسود البیاض البته او بالعکس

انقوه وبالسکر والزعفران ولابد وان یخلط بها شیئ من الملح لان الدم یتعقد جدا ثم

یکتب سبع نسخ وارسل ثلاث منها فی ماء جار ویحرق اثنتان بالنار العظیمة ویدفن

اثنتان فی الاصل شجرة تفاح وهذه النسخة جربنا مرارا فما اخطات وهو هذا

العنتر والشلوة والبغضة والخلاف والکیادة والمکایدة کالذی یکن المتنا

زعین کذلک یتنازعون ویتخالفون ویتهزون ویتعبون ذالذا

ویتفرقون وینفصلون ذامن ذا ویسئون ذالذا ویبغضون ذالذا

بقلبهم وجسدهم وفوادهم ویبعدون کبعد السماء من الارض وکتفصل

الماء فی اوان الخلقة وکما فصل الله تعالی بین الملک الفیتلی والعاع

التحت

التحابي كذلك يتفرق وينفصل فلان بن فلانة وفلان بن فلانة ذا من ذا وكما لم يطق موسى النظر
فرعون وفرعون لم يطق نظر موسى وكان كل واحد منهما ينظر الى الاخر ببغضة
البغض والحقد والعداوة كذلك يحقدون ابدا وليبغضون اثنين ذا لذا ولا
يقدرون ان يتكلموا بالسلام ذا لذا وليندفع عنهم المحبة ويأتي البغضة
في قلوبهما كانا في النار على الحطب كذلك ينقلب محبتهم البغضة وينقلب وجو
ههم للمتحوح ذا لذا وكختم الخاتم كما يرتفع نقشه من الشمع كذلك يرتفع
محبته فيصير كلها بغضة وندامة وبغضا وقتالا وتنازل وبيبا يعضون ذا لذا
ولذا رأى ذا لذا فيكون في عينه كصورة الكلب وكصورة الذئب وبتوحش في عينه خلقته وحشته وقالبته كما قال الله تعالى في لوح كتاب
التوراة تهيج كحو مراحوا نوم وشب يضيق كمولوس يعني هذه الاية
البغضة لعولتخبرا ينقلب لي فلان بن فلانة كطين الخاتم وينقص كالنشاس
فلذلك ينتصب على بغضه وعلى حقده ويشتعل هذه البغضة في قلبه
كالنار التي لا تطفا ولا تبرا ولا تمته حتى يتفرقوا ذا من ذا اسم لنوث
ولنوث ليعوب حنوب دوبوب هتوب

كتبت البغض والفرقة

والوحشة والعداوة بين فلان بن فلانة وفلان بن فلانة بامرة ويامهاكال ويا شهيدون
يجلوا وانترعوا بينهما الى العداوة والبغضاء والبغض هياه هياه
هياه اه اه اه اه السامة السامة السامة ثم تلف وتلف عليها شعره واحدة وتطرح
في البالوعة وباسميهما ينقش على قرطاس هذه الصورة ثم تطرح في المستراح فانه
لقد مجرب فلسعصلططلهلاكمهسكا

بغض فلان بن فلانة وفلان بن فلانة البغضا والبغض الحب العجب العجا ارايعا
السامة السامة النار النار النار

درعمل احضار جابین طاس را بر آب کنند اگر پاک نابالغ بر کنار طاس نشانند و چادری سفید بر

سرش کشند و خط گرد وی کشند و این اسما را ۱۰۳ نوبت بخوانند ارواح جمع شوند اگر جمع

نشوند این مرتبه دیگر بخوانند در وقت خواندن کارد فولادی بر طاس زنند شیخ ابدال

گوید کس این عمل را آزموده ام الرحمن نباشد ممکن که شیخ ابدال آن شتم لعنت کند بخواند

در وقت خواندن این اسما دمش کند اهیا اهیا شراهیا شلی شلی

جوش اجوش مجوش انعو طهو ابرشوم حطتر شرم تهلحیف

سلطیف تهتکش عزمت علیکم یا معشر الجن انکتم داود یا داود یا

داود زبورا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب دعای غلبه کسیرا

که جن گرفته باشد و یا انکه ترس و خوف داشته باشد این دعا را سه دفعه بر انکس

بخوانند و بدمند و دیگر بنویسد با خود دارد عزمت علیکم یا حلوحوش بیع اتباعه

وبحق عرطوش عرتوش طوطاش ظلموع رو لیطوش ارمانیش اخبثا

هلدا ء الجن وبحق موشلغوشی شلغوش اجیبونی واحضرونی وبحق

هذه الاسماء العظام وهذه الطلسمات المبارک وبحق القاهر القیوم

الذی کمثله شیء وهو السمیع العلیم محمد صلی الله علیه وآله وسلم الطیبین

۱۱۹۱۱۱۱۲۱۱۲ع۴۱۱

باب الجن احضار نیاورد تدبر جرسیاه و سفت مرتبه این دعا

را بخوانند بران بخورد حمار دهد وات رشک بالان کند

دیگر بید فو بر نوات رکردم و یالان کردم و تنگ کردم و سوار شدم قدرب سیا زان در جابلقه

تا آن خر زنده است فو بر فو قربان برادر من باشد هشتی هشتی اطوطل ارا

تماثمی طوطل دیوی هنتی هنتی یدهو هنتی دمی یا تمخیا یا

تمخیا یا غاغلیا بیقرار دیبی آرام کردم ۴۲ فر علی حب ۴۲ فر

السا عدا انسا تة العجل العجل الوحا الوحا الوحا الحب الحب

احضار جن

احضر رجین حجت مجاذیب در دو برده آیه ولقد کنت فی غفلة کشفنا عنک غطاک
تسخرلک الیوم حدید بدین را برکاغذی ویرسیت نجطفل بندد بابد که طفل تا بالغ باشد و
با که باشد دختر بابعد زود ترا از کند و برکف دختر زنیه یا صاد ملک طوصاب
بنزید و بر حوالی طفل بدین تک سوده بیا شد و شروع بخواندن نماید مکرر از اول با آخر بسرزاند
کشتر و کند بر سقر ازرق بعد از آن حاجت خواهد برند طفل خبر دهد کجا حاضر شدن البوان بگوید
از دال بجنی کوسقیدی آورده ذبح نماید و تناول نماید بعد از آن حاجت خود را طلب ازان ن
بطلبد بابد که انگشت ابهام طفل را بمرکب سیاه نماید نگذارد که خشک شود یا احسن الحجیبه
والمجوسیة والنصرانی والنصرانیة فی قلوب بنی آدم وبنات حوا عزمت علیکم
بتورات موسی وانجیل عیسی وزبور داود وفرقان محمد ان تجیبوا الی مجلسی
هذا بحق انکونش وتنکوش دحرشوش دعموزیش احمنوهش فاجرا
بابیا هلیکا ملیکا تقبیبا تاریشا توریشا اذهش یقیش وس لتعطینی
بحرمته هشمشه کهیعص وبحق خاتم سلیمان ان دادد ان تقضی حاجتی والا
سلط الله تع علیکم لشواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فوف فوف
قوف طلطلیش طلطلیش مریش مریش انزلوا انزلوا بحق
هرلیش ترکیش احضروا اصاحب هذا الیوم یا ملک بن هیبة بحق
میمونة انا نوحته ملک ابیض ملک احمر ملک برقان یهودیة
ملک نمریش نصرانیة اخبرلنا زودی بما اسئلک بحق لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله
وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون واین شکل را نویسد در زیر
انگشت سیاه طفل کنارد ١١١١١٩١١٧١١ه جهت محبت اسید عالی بر خرط
بخواند بجزد و مطلوب بخی میک بیند و ذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون سبحان
الله سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون ٢٢٢ مع ٢٢٢

باب بجهت تفریق در مجلس بنویسند واسم آن شخص بنویسند در پشت طلسم در زیر

زمین دفن کند تفریق افتند مجربست

ط	ن	ع	ج	ا
ع	ج	ا	ط	ن
ا	ط	ن	ع	ج
ن	ع	ج	ا	ط
ج	ا	ط	ن	ع

باب اگر این طلسم عقرب را در پوست حمار نویسند در منزل انکس در نزدیک مبال دفن کنند البته خرابی پیدا شود لاکن تا تواند نکند که خوبست



والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة

بجهت کل بستگی ها خوبست تولدها

٣	٤	٥	٦	٢
٦	٢	٣	٤	٥
٤	٥	٦	٢	٣
٢	٣	٤	٥	٦
٥	٦	٢	٣	٤

باب بجهت خواستگاری اگر خواهند که او نبندند

بنویسند در آب بجوشانند ببره کذارند ان این طلسم جزء این نامها نیست بیابند

افت نبند دیگر نتوانند گرفته

یا تمخیشا یا کبقیشا یا بالمثا
یا طیثا یا بهشا یا هلیک
یا علیثا یا طوطا یا رحیثا
یا معیثا یا بجیا

٤	٧	١٠	١٣
٩	١٤	٣	٨
١٥	١٢	٥	٢
٦	[illegible]		١١

٦	٩	١٦	٣
١٥	٤	٥	١٠
[illegible]	١٤	١١	٨
١٢	٧	٢	.

تفرقه

نوعی دیگر بنویسد در زیر پاشنه خانه الکس دفن کند فرقت بلین فهو ان ابن فلان و باعث بینهم کما بعد المشرق والمغرب کما بعد الجنة والنار وکما بعد الدنیا والاخرة والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا فرقت بینهما بعزة الله وملک الله وعظمته بکبر ملک سیاه

بعضا بکجان در رجانه ایشان اندازد ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ولو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون

تفرقه

نوعی دیگر بیاورد نه دانه فلفل سیاه و بر هر دانه یکبار سوره تبت و سه بار الم ترکیف بخواند بنام هر کس که خواهد و در آتش اندازد لبوزد البته جدائی افتد چون خیلی بسوزد و سه بار بگوید والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا الحرب تبت

تفرقه

باب نوعی دیگر بخواند این دعا را هفت مرتبه بر پاره نمک خورد بنی در آب روان اندازد و هفت مرتبه دیگر بخواند بر کف و در آتش اندازد و هفت مرتبه دیگر بخواند بر پاره دیگر زمین قبرستان دفن کند و هفت مرتبه دیگر بخواند در محبس باد آویزان کند تفرقه واقع شود در وقت عمل یکبار سوره تبت و سه بار الم ترکیف بخواند با بسمله دعا این است والقینا بینهم العداوة ... الی ... فسادا المبغض والعداوة والقطیعة بالبین ... الحجب المحب المحل الفراق الفراق الفراق الساعة الساعة الساعة لا یجتمعان الی یوم القیمة

تفرقه زن و شوهر

باب هر گاه زنی حامله نشود این آیه را نوشته باسم او و مادرش بر بازوی خود ببندد و باشد متقاربت ... زن حامله گردد بفرمان خداوند تعالی بعد بسمله فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل بناء وغواص

مرحح ححح دباه یا رحمن سم مه مه ۱۱۱۱ه

اینها

ایضا اگر خواهی که کسی را از شهوت حرام ببندی بگیرد عدد مثل ممیت دلبستن شهوت

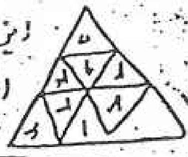
فز۲۲ن و ابجد را در مثلث ابی به دستور معهود بر کنند و در جای نمناک دفن کنند مثلا

گمراهی برویش گذارند بسته گردد

اگر خواهی که کسی را عاشق و دیوانه خود گردانی

این طلسم را در کوزه نو نویسد و در زیر خاک بدفن کند

از عشق بیقرار گردد



حی ۱۸	۱۱۴	۱۳۱	ب ۲
۱۲۹	د ۳	بیانی	۱۱۶
ئ	ناجم ۱۳۵	یبلی ۱۱۰	جولد ۱۴
۱۱۲	ذا جب ۱۲	ح ۸	۱۳۳

۱۲۶۵

[illegible]	۱۱۴	۱۳۱	ب ۲
۱۲۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	ناجم ۱۳۵	یبلی ۱۱۰	جولد ۱۴
۱۰۹	تاب ۱۲	ح	۱۳۳

۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	ربیع	۱
۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۹

۱۶

۱۲	۷	۲	۱۳
بقاء	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳

۱۶

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	[illegible]	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	

۱۶

۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵
۸	۱۱	۱۴	[illegible]
۱۳	۲	۷	۱۲

۸	۱۱	۱۴	[illegible] ۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	[illegible]	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

۱۶

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۱۴	[illegible]	۸	۱۱
	۱۳	۱۳	۲

۱۵

	۴	۵	۱
۶	۹	۱۶	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
[illegible]	۱۴	۱۱	۸

۱۶

۱۱	۲	۷	۱۴
۵		۹	۴
۱۰	۳	۶	۱۵
۸	۱۳	۱۲	[illegible]

۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	
۷	۱۲	۱۳	[illegible]
۱۴	۱	۸	[illegible]

ایضا

یا مظلیجوا

جهت بغض و تفریق میان دو شخص و حسودان این اسم را در اول ذکر باید کرد که یا یکی از اسماء الهی مناسب عمل چنانکه در این عمل اسم اعظم یا قهار یا دافع مناسب است

حک و کل بعض یا مظلیجوا سه در سه چهار نوع بیت است و چهار آمد خواص شرح بر خاصیت بشنو که دارد اعتبار چون زبهر دشمن و قهر باشد یا کسی ابتدا از خانه هشتم

کن الف الیصدر کیار پس دوم در خانه اول بنه سه در ششم در سیم چهار دو بر پنجم خانه پنج ای هوشیار ششم بنه در خانه هفتم چهارم خانه هفت در نهم هشت و نه اندر دهم این را

یاد دار

د	ط	ب
ج	ه	ژ
ح	ا	و

بجهت خلاصی از حبس و زن حامله و رجوع غایب و غیره اسماء الهی یا خبیر یا مبدئ یا معید ملک موکل ..

یا کیقتوتا و هرکسی خواهد که شخص را کند بیرون از جای شر زندان و ضع حمل از جهد

انتهای شمار در ششم خانه یکی بنه دوم در هفتم در دوم سه چهار در اول برای این کار پنج در پنجم بنهد شش در نهم هفتم بر هشت بنهد هشتم به سه خانه نهم را در چهار

ح	ج	د
ا	ه	ط
و	ن	ب

بجهت رفع فقر و پریشانی احوال اسمای الهی یا وهاب یا مغنی یا حزیز یا معطی اسم ملک موکل این لوح یا السوسا بیت

و زبرای مال تحصیل و فراخ بلند شد در دوم یک بنهد در هفتم دو از شمار در ششم خانه سه بنهد چهار در هشتم نهد پنج پنجم شش با اول هفت در چهارم شمار در سیم خانه بنه هشت و نهم در هفتمین تمام نه بر پشت اعداد و موکل بر کار

ح	ا	و
ج	ه	ف
	ده	ب

بجهت دوستی میان دو شخص و دفع دشمن حسودان و منافقان اسماء الهی رحمن یا رحیم یا ودود یا بر اسم ملک موکل این لوح یا استهال بیتلمها و زبرای دوستی باشد مراد و فایده

ابتدا از ...

ابتدا از خانه چهارم کن الصعد به کبار در نهم دو بنهد و سه در دوم پس چار را در سیم بنهد و
پنج پنج را باشد قرار در ششم هفت خانه بنهد هشت در اول نهد در نهم نه بنهد و پس و دیگی

۴	٣	٨
٩	٥	١
٢	٧	٦

آرد بر بار بداند در اعمال مذکور اسماء الهی که مذکور شد موافق مطلب
دو ستی است با اسم ملک مرکل باید خواند چنانکه در این عمل که مراد
اسماء الهی که تعلق باین عدد دارد با اسم ملک مرکل چهار صد و هشتاد و نه است در وقت عمل
مذکور باید خواند و بخور لایق باید سوخت و در روز و ساعت مناسب فعل منظوب عمل باید
کرد تا فایده دهد بدانکه این دو لوح دیگر هست از الواح سه در سه که بعدد کم و زیاد میتوان
کرد و هر عبارت که خواهند در مرکز آن میتوان نوشت و حاجت بقسمت و کسر نباشد
و اگر احیاناً کسر واقع شود عدد مدعا را در سه ضرب باید کرد که حاصل ضرب کسر نخواهد
داشت و در لوح باید نهاد زیرا که این از برای سرعت اخراج است و باید هر کس هر چند
خواهند الواح میتوان نگاشت و الواح مذکور این است در خانه اگر کس است بحروف کمات

٢٨٩	٢٢٩	١٦٨	
الرحیم ٣٠۴	الرحمن ٢٦٩	بسم الله ۴٢٩	١١
لم یلد ۴٨٦	الله الصمد ٣٦٥	قل هو الله احد ٣٧٢	١١۴
کفوا احد ۴٧٥	ولم یکن له	ولم یولد ٣٠٧٣	١٢٠
٢٠٣			

٢٢٠ ١٢٦

یا نهایا مطلبجوا یا دهار

والقیت

۴٥	١٩	١۴
١٣	فرقت بین ٢٢٢	٨٧
٨٩	٨٨	١١٣

فرقت بینهما کما فرقت بین

[illegible]

اگر ارادت ان تفصم المرأة و زوجه تکتب هذه الاشیاء فی سقف ... صحیحه صحیحه

باب تعزیز بدر حصار مدعی ... باید کرد آیه دالقینا تا یوم القیمه عدد بگیرد و دوازده طرح کند باقی را
را در مثلث ببرد خاک هفت قبرستان خاک سه جو خاک چهار راه خاکستر تخم تره تیزک با خاک
در روز سه شنبه با شیر سگ قلم چوب تنباکو چیز تیغ در دهن بگیرد تنها پشت ببند کلاه و او زیر ناز گذارد
پیش از طلوع فجر سوره اذا زلزلت را حروف مقطعه بنویسد ... کند حروف بحروف لبید ۳۳ مرتبه
دارون بخواند در خانه باشد سوره الحکم با حرف بنویسد در خانه دفن کند مثلث اینست



از جهت عقد لسان منع نازک در میان سر اسمها بگو بنویسد
در میان خانه کاسه سر او بگذارد و مجرب است
بحروف مقطعه نوشته شود

عدد سوره تبت
۵۸۰۸
۵۰۰۰ ۸ ...
بجز از مشتقه نوشته

عدد سوره بقره
۹۰۳

(۴۲۲)

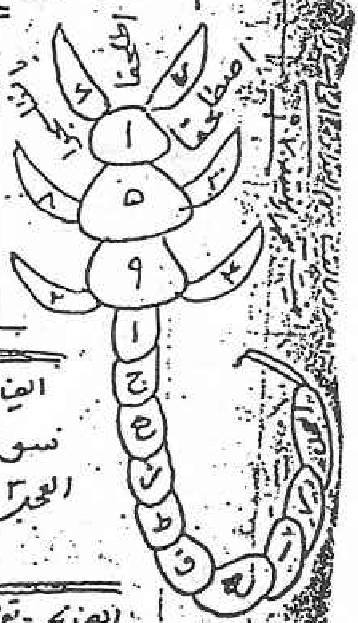
طریقه دیگر در تفریق بگیرد عدد اسماء ... یا شیخ
یا عدد ذالقینا بینهم العداوة الی یوم القیمه کلا جمع
از جمع ... طرح کند بعد از طرح مثلث نماید
آنرا در خانه ثلث داده و خانه اول مثلث بنویسد
یک اضافه نماید تا خانه هر گاه در ثلث یکی ماند

٨	٩٣	٩٧	١
٩٦	٢	٧	٩٥
٣	٩٩	٩٢	٦
٩٣	٥	٤	٩٨

عقدت لسان ... مثل خانه هفتم بگیرد اضافه نماید و هر گاه در ...
خانه چهارم بگیرد اضافه نماید که مثل آن درست آید همان آیه مذکور را بر حروف
مثلث بنویسد بحروف مقطعه که حروفات مفتوح العین باشد و لبید آنرا ...
بگذارد

بگذارد و سر او را بقبر استوار کند بقبرستان کهنه دفن نماید در وقت قمر در عقرب باشد یا در
بیت بعضی ماه که تحت الشعاع باشد مجرب است اما حلال نکند که گناه عظیم است بدان

باب بجهت تفریق بنویسد بر چهار پاره نان و بسگ
دهد بخورد و تفریق واقع شود این است



١١ صم ١١١١ ٨ ١١١ / ١١١١ ١ ٥١١١١٧

طصا ا ر ع شسوه طلسا ر ک ١٨ سماه

١١٨١١١ ع ١١٢٤١١ ٨٦ ١٢ ١١

ایضا بنویس بر کاسه و بر سر چهار راه بریزان کند تفریق
سو صسوطط سط سط ریجه ساع
العجب ٣ بسم ٢ح٢ ح ٢ح ح



ایضا بجهت تفریق بر سفال آب ندیده بنویسد در جایی که آب اندازند
دفن کند مجرب است

٨٠
٥

١١١ ح ٢١١٩٢١ ٩١٩٩٩٩١٠ ص ٨٠١١١١٨٨٢٢١١

باب جلب محبت و عزیز ذالک اگر خواهد که سنگ یا دو ... ١٩١٩١١٩٩٢١
مسافت بیست ذرع راه ... باید که از اول سوره حقیق تا
آخر سوره را صد و یازده نوبت بخواند ... یازده الف به یرحم
... اما باید سر ... از طلوع آفتاب شروع در خواندن و بخور

روي عن الصادق عليه السلام ان الكلب الاسود من الجن اسود [illegible] الكلب [illegible]

معهم على سلو عليهم سيجا بجهم عليهم خذ من دقيق الشعير

ويخبز منه قرص واحدا ثم تقطع اثنى عشر قطعة واكتب على كل قطعة منها احد هذه الاسماء

ثم اطعمه كلبا واحدا ١ ودلو ٢ و روعجو ٣ هشنزلو ٤ اماد دانه تنفع

٥ وارودنا بج ٦ ميرود ٧ فلاح حه ٨ منج ملج دهب ٩ هر نوتر

١٠ هيج ١١ حروح وح ١٢ صه ند وا [illegible] الانكار صدا [illegible] اذا اردت العمل به

خذ دقيق شعير من سبعة براتيج ثم تتخذ منه سبع قرص على اسم من تريد واسم امه

وتجيزه بعد ذلك ثم تكتب هذه الاسماء وتكتب مع كل قرص حيص ٢٢ ع ٢٢ الى ٢٢٢

وتدير عليها دايرة وان يكون ما في محد ومد ثم تطعم اقراص الشعير ان كان

ممن تذكر فاطعمه الكلب ذكرا اسود وان كانت الانثى فاطعمه لكلب سودى انثى

فانك ترى بعضهم بعد ذلك عجبا فان خفت عند الفضيحة فاقتل الكلب او كلبه وهو [illegible]

٤	٣	٢	١
واسلعمرحل كسرى ما مر و ٢	وقريا واسمش ها تلو لوسمنا	كمحق ان صامدوف هلكه	جبل لى سيلا وق ١١ حا ضمى
	هرا ها رث ها دا ١١ لا ٤ ٤	اندرفرق هوزبن	ميوما اردل مريعس

باب المحبة بنويسد اين طلسم الجزن كنجشك

در كوزه نو نهد و سر آن كنجشك در آن كوزه اندازد و سر كوزه را محكم كند ودر كنار تنور از براى زن ونوشته را

دفن كند تا عجايب بيند كه بسيار مجربست تهوبى مكموان ملهه مامه

حالح ها ١١١١ ط ها ١١١١ ك ها ١١١ ك ها ٢ احرقوا القلب ٢٢ على حب ٢٢٢ بحق

٣ اسرع من لمع البرق و طيران العنقوس باب المحبة بنويسد بر تخم مرغ با سم

معشوق و مادرش و نام خود و مادرش آيه لقد جائكم الى رؤف رحيم در سوره توبه و

بزير خاكستر بگذارد

بشرطی که بیضه را یک شکسته باشد در ظرفی نهد و در زیر آتشدان دفن کند چنانچه حرارت
آتش بر و نرسد آن کس در محبت صاحب عمل بسیار بیقرار و بی آرام گردد مجرب است
باب در عمل جنگ و تفریق سوره تبت را معکوس در نه در نه باید نهاد چنانکه در هر خانه
یک حرف نوشته شود و مربع مرقوم را بپیچیده در دهن زاغ نهد با ابریشم سیاه دهانش را ببندد
و بهشتد و کیفیت تبت معکوس را بران بجه اندر و نام هر مطلب در پشت آن کاغذ نویسد
و زاغ را در چاهی اندازد و اگر زاغ نباشد در دهن کلاغ سیاه و منقارش را با ریسمان سیاه
استوار کرده در کنف اندازد و اگر آنها نباشد اسم مطلوب را دوازده دوازده حرج
کند هر حرفی که باشد بمیان خمیر کند اگر ناری باشد بنار اندازد اگر آبی باشد باب بگذارد
اگر بادی باشد بباد اگر خاکی باشد بخاک در قبرستان های مندرس کبر یا امامیه یا یهود
یا جایی دیگر در خراب های بطال دفن کند مجرب است و آیه والقینا بینهم العداوة ... را
در هوا طلسم شده در ... نوشته با سوختن بخورات عداوت تبت معکوس بنویسد

دسمن ملیجا هدیجی فیطحلا بلاخ هنادم اوبعل
تا ذارا نیلص یسبکا موهل امهن عنغا امبتو به
لیتبا ادی تبت

جهت اخراج بصورت مثلث بنویسد و در مکان دشمن دفن
کند تبت معکوس را اخراج شود بجهت آواره کی دشمن سوره تبت را هفت نوبت بر
خاک قبرستان خواند و در سرای دشمن بریزد البته آواره گردد و اگر معکوس نویسد
و در سرای دشمن پنهان کند آن دشمن مقهور گردد و در نظرها ذلیل و خوار شود و خانه
در خراب گردد الغنه سوره انا انزلناه با حروف مقطعه بی نقطه در شب چهارشنبه
ساعت نحس بر کاغذ کهنه بنویسد و در خانه یا دکان آن کس دفن کند پس کهنه آواره شود

باب الفرقة تكتب على ورقتين اخضر وتجفف في النار وتسحقه وتذره على فراشهما فيفترقان من ساعتها وهذه كتابه واخذت الذين ظلموا الصيحة فبعدا وسحقا جزاء وفاقا فكبكبوا فيها هم والغاوون امد بعيد فبشرهم بعذاب اليم والنازعات غرقا والناشطات نشطا والصافات صفا فهل ترى لهم من باقية ترى عجوزا في الغابرين ثم دمرنا الاخرين فرقت بين فلان بن فلانة وفلان بن فلانة كما فرق الله بين الجنة والنار كما فرق بين البر والبحر وكما فرق بين السماء والارض وكما فرق بين المشرق والمغرب وكما فرق بين النار والسيل بحق هذه الاسماء المحكومات ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم آمين

البغض سوره اخلاص را بر نیت بر سنگ سیاه عکس خوانده در آب روان اندازد با اسم هرکه خواهد عداوة افتد الصنا

نوع دیگر بف مانند صد برگ بیند و بر هر یک یکبار سوره کوثر را بخواند و در آب روان اندازد جدائی افتد از تجربات است ازموده شده در عداوت بیاورد تخم تره تیزک سوا

پس را سه مرتبه بخواند و بران دمد در خانه انکس ریزد عداوت افتد تکرار کرده اند دیه

نوع دیگر بگیرد پاره گشنیز و هم سوره کوثر را بخواند و بدمد و بیاشد با خاک قبر کهنه از موضع بردارد و از چهار راه نیز و خاک نرل و تخته خاک سفید بران شما همراه بهم آمیخته هفت بیت تکثیرت از سوره را بسبعه باید خواند انا اعطینا و بیت دالم ترکیب لعد در رهگذر بیاشد و قدری در آب بیندازد که بخورند تفریق واقع شود

من تجربات مردان که ذکر است سه روز متوالی تارک غذا و شراب شده اول از روز سه شنبه حیوانی نخورد و مشغول شود بذکر صلوات بر پیغمبر و سخن دیگر نکند و در این روزها به برد بعدد رعباسی یا اشرفی از کاغذ بگذارد بر بالای هم و بعد از آن در ته سجاده گذاشته و در روز ششم غسل کند پیش از نماز صبح و بخواند

جمع و بخواند سوره طه اذا جاء را دویست بار و پنج وقت نماز را بیک شد و گذارد و در مکان خالی

و لباس طاهر دیگر بساعت بساعت بپوزاند بعد دو رکعت نماز حاجت گذارد

و این دعا را بخواند بسمله اللهم تقبل دعوتي واعطني حاجتي بحق

الحق وبحق من قال لا اله الا الله بعد سجاده را بردارد منظور مرجوده است

قاعده معهود باید که اول سه روز روزه دارد بعد اشکال را بر نان زنبیه دیگر بعد از ان کاغذ

را ببرد بسم الله و این دعا را سه بار بخواند و بر کاغذ دمد و بعد از ان کاغذ را به آب مورد شوید

بعد از ان کاغذ را که منظور بدا کند الی مدت سه ایام (۱۷) (۹۱۴)

(طه) (۴۴) (دنلا) (ح ج) (۴۵) (۴) (۱۷) (۸ح)

(ح۹) (ع) (ع) این است دعا کذا اللهم علي بك كيك

قرطاسیا ایضا قاعده دیگر است اول پانزده سوره ابراهیم را تمام در شب جمعه

بخواند و در عقب هر بار که خواند این آیه بخواند که یا ایها الذین آمنوا ارکعوا

واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون بعدا

کند مجلی که چهار رکن بعمل داشته باشد و بیاورد چهار عدد درهم یا ۴ دینار با اسم

چهار ملک روز شنبه اول با و پس بنویس بر درهم اول جبرائیل و ثانی میکائیل و ثالث

را اسرافیل و بر رابع عزرائیل و وقتی که هر یک از انها را در یک رکن اتاق با وضو و

طهارت با بخور دفن آیه هفت بار در هر رکنی بخواند و پنج وقت نماز را در وسط ان

چهار رکن بخواند و بعد دعا را بخواند و پنج روز روزه دارد و افطار بحیوانی نکند

و هر روز بطریق روز اول نماز پنج وقت را در وسط چهار رکن بخواند و بعد آنرا

چهار رکن چون پنجم از جمیع اعمال فارغ شد هر کار که از ایشان بخواهد درهم را در یک رکن بیابد برداد

لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب والأبصار ليجزيهم

الله أحسن ما عملوا ويزيدهم من فضله والله يرزق من يشاء بغير حساب

باب الکلب بنویسد بر پاره نان و بخورد سگ سیاه دهد بانسم هرکه خواهد نوشته شود

ع ع ع ع طا طا طا و عد و عافة وبشمه بشهمه به و وف ج ج ج

اعطفت تلب ۲۲ تو الی ۲۲ م العجل العجل و اگر اکسی را کار از غایت رفته باشد

محبت بر سوالی عاید شود آن سگ را بکشد باب محبت بنویسد بر پاره نان و بسگ

دهد تا بخورد بانسم هرکه خواهد ابا بید که آن سگ را ن کند که اگر بکار رش سخت شود آن

سگ را بکشد تا رسوا شود [اع ب اد دص] مغهم محلی سلعو علیم

مستحا بهم علهم هیجو محی حالی ل محبت من و لتصنع علی عینیا ذ تمیج

۲ نر الی ۲۲ نم والعیت عله

حتت فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعنا الی امک کی تقر

عینها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من الغم و فتناک فتونا

اگر خواهی کسی را محب خود گردانی روز جمعه پیش از طلوع آفتاب بمشک و زعفران بر کاغذ

بنویسد و در شیشه کن و پاره گلاب در وی کن و در میان آتش گذارد که مجرب است ۲

| ۱۱ ع | ۱۱۱۱ ۸ ۷ ط ۲ ۲ ۱: ۱ | ۱۰۱۸۸۸ ۲ و و ۶ | ۸ ۱۸ ۱۸ ۱ ۸ ۱ ۳ ۲ ۹ |

بنویس بر تخم مرغ سیاه و در آتش انداز تا عجایب بینی محبت

۱۱۶۱۱۶۱۱۶۱۱ ۱ ۱۵۸۱ ۷ ۷ ۷ ۷ — ۸ ۱۸۸ ۱۱ ط ۱۱ ع م ع ۱۱ ۱۱ ۹ ۶ — تلب نر ۲۲ نر

۹۹ د ص الکحده لد — علی محبت نر ۲۲ نر

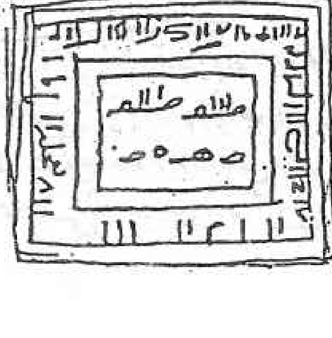
الوحا الوحا الساعة الساعة العجل العجل ابن عم کاظم هست انقطلسم

بر کاغذ نویسد روز جمعه وقت نماز پیشین و در شیشه بود در سر شیشه را

محکم کند و در زیر آتش دفن کند

که طاقت نیاورد که ا... [illegible] در عمل

و در شتی نظیر ندارد صورت بطالات دست



تو عدو یکی را زد تخته مس و انطلسم را

در آن تخته بنگارد وقت نماز شام

شب یکشنبه بر آن تخته بنگارد و در آتش دفن کند و گلاب و مشک و صندل و فلفل سیاه و هفت دانه فلفل سفید بر آتش نهند تا دود کند و تخته طلسم در زیر آتش باشد و منتظر باشد که آنکس هم در آن شب حاضر شود و زنهار که بجرم عمل نکند که وبال

و صورت چهار دانیست



نوع دیگر در عمل محبت خذ شیئا من دقیق الشعیر و تخبز منه قرص واحدا ثم لیقطع اثنا عشر قطعة و اکتب علی کل قطعة منها احد هذه الاسماء ثم اطعمه کلها واحدا

تیت را الحروف مفرد بر ظرف کاشی بنویسد باسم آنکس بدین طریق البغضاء و ... الی قلب ... حتی ... الحروف و ماست در آن تفرقه کند و بخورد آنکس دیگر و خود نخورد مجربست

اول هو او کو
دوم وادو سیم هرود نجر چهارم اماذدانه پنجم هللخ سرورج
ششم لیماح خه هفتم اسنخ هشتم دابع نهم صع دهم هوورو سمعه یازدهم مصروخ دح دوازدهم مه ت وا

خذ دقیق الشعیر و یخبز منه قرصا واحدا و یدح و یقطع خمس عشر قطعة و اکتب علی کل واحد منها واحدا من هذه الاسماء ثم تطعمه کلها واحدا الی سبق آحشونا ۲ للخه ۳ لهالو ۴ لع سجاه لع طه ۶ للصفق ۷ عومه ۸ عطوبه ۹ سهما ۱۰ اهیلهله ۱۱ اسمطلس ۱۲ امر صحنا ۱۳ النیغلی ۱۴ اصرنیه ۱۵ لع بنیا قامعه حمرجالم

دعای زبان بندیت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و لا اله
الا الله از آسمان تا زمین لا اله الا الله از زمین تا آسمان لا اله
الا الله از عرش تا کرسی لا اله الا الله از کرسی تا عرش لا اله الا
الله از قلم تا لوح لا اله الا الله از لوح تا قلم لا اله الا الله تا به نزد
خدای تعالی فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بستم زبان همه بدان
و بد گویان بستم بلا اله الا الله و مهر کردم بنام محمد رسول الله
و علیاً ولی الله بستم بحق کهیعص بستم بحق حمعسق بستم بحق یس
والقرآن الحکیم بستم بحق تبارک الذی بیده الملک وهو علی کل شیء
قدیر بستم بنام اولین و آخرین بالسنتهم و طعناه فی الدین من بین ایدینا
ومن شمالنا و من تحتنا و من فوقنا و امامنا وجعلنا من بین
ایدیهم سداً و من خلفهم سداً فاغشیناهم فهم لا یبصرون بستم
زبانشان و کامشان و گوششان و دهن اندامشان بالف ب ت
ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه
لا ی بستم بحق لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد بستم بحق توریة موسی
والانجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد المصطفی بستم زبان بدان
و بدگویان و غمازان و پرده دران و مکر مکاران و حاسدان و جادوان
و جمله خصمان خصم عرب و خصم عجم و خصم ترک و خصم تاجیک و خصم حاضر
و خصم غائب جمله دندان سفید ان تا ساق تو النوریا جعلنی من امره
فرجاً و مخرجاً من حیث لا یحتسب انک تعلم و نحن لا نعلم بقدر القدیر

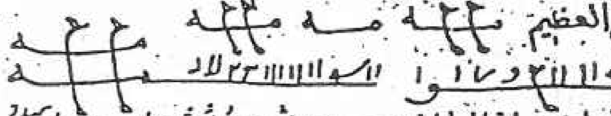
۱۰ اسفند ۱۳...

وانت علام الغیوب یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا غیاث

المستغیثین یا عظیم الرجا یا احفظ حامل هذا الدعا حسبی الله لا اله

الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ولا حول ولا قوة الا

بالله العلی العظیم



بستم زبان جمله خصمان تمام را از سیصد و شصت و شش رگ و چهار صد و

چهل و چهار پاره استخوان وازده این دعا بستم که بسته باد بحق لا اله الا

الله محمد رسول الله علیاً ولی الله الهی بسته گردان زبان خصمان صاحب

دعا را یا اله العالمین ویا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین

بجهت احضار بنویسد بر نوشته در آتش اندازد تا بسوزد حاضر گردد فی دوره

محلوه الطسوه العمی العمر شهید عح ومرعصر محصر ۲۲ عمی حب ۲۲

اگر زنی خواهد طلاق بگیرد و مرد طلاق ندهد بنویسد برسه دانه بادام و در پیش خود

نگاه دارد در حال طلاق بگیرد | عالی الله | فتا اس | ام س | بجهت دزد

برده بنویسد در زیر بالین گذارد دزد را در خواب ببیند و بشناسد بهمه خط

عا اذ دا واخا فی هکا م م وکمل اللهم اظهر السارق الصاحبه دزد برده

بنویسد در زیر بالین گذارد دزد را در خواب ببیند ج لاحاشا الی ع ع فاخ لاح ماحا

لوح لح الف بجهت دزد برده بنویسد بر نان و بآن شخص که گمان دارد بدهد بخورد اگر دزد

برد دزد نیست و اگر فرو ترفت دزد است ۱۲ ۱۱۱ ۹۱۸ ۹۱۹۲۹ ۱۹۱۹۷۸

الضا بجهت دزد برده بنویسد بدهد بدزدی که ان بیرد بخورد اگر دزد باشد بر بدنش پیدا آید

وباز نشود ۱۷ ۱۱۸ و ۱۱ خ ۱۱ د [illegible] لاح زدس ده ۲۰۵ ۱۱۱۱ ح س

و صاح رماس مروی هه ه مح الاسلام وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

ملاحظات حاشیه:
بدن
دزد برده
دزد برده
دزد برده
دزد برده
دزد برده

تحبیب

ایضا برکاغذ نویسد در شب آدینه یا هفت دانه فلفل بسوزاند مراد حاصل شود انشاالله

(طلخ) (دلیاس) (تماه) (هوم) (هوده) (سلموسم) (رعفن) عطف

تلب ۲۲۲ علی محبت ۲۲۲ العجل العجل الحریق الحریق النار النار الساعة الساعة ارنعه

محبت

یا ستیت عقد نوم بگیر مرم پاک صورتیکه باز تمام آنکس که خواهد در شب چهارشنبه

این طلسم بنویس بر پوست آهو درمیان صورت بنه و سوزن فولاد در چشم صورت

فرو بر و در گورستان که دختر نابالغ رسته باشد در پای چپ صورت به بندد از پس

خانه خود در پشت در بیاویزد که بیاید مجربست مسهلنسة اسطیع سالح

فیما ننا سلح سلح ۲ سلهو ع ا ا ه سا ما یوم القیمة عقد

نوم ۲۲۲ علی عشق ۲ محب ۲ دی العجل ۲ الساعة ۲ اضاع النار ۲ احرقوا

تفرقه

دعقدوا نوم ۲۲۲ علی حب ۲۲۲ اگر خواهی میان دو کس جدائی افکنی این

طلسم را در پوست حمار بنویس در زیر سنگ قبرستان دفن کن از هم جدا شوند

۱۱ ۱۱۱ ط ع ک ۱۱ م ۱۱۱ ۲ ا م ۹ ا ۱۱ ۱ ۱۱ ۲ ا ۴ تفرقه و عداوت

۱۱ ۲ ا ۳ ا ۳ ۱۱ ۹ ۹ ۱۱ ۳ ع ۳ ۴ ۲ ا ۵ ۲ — و دو دشمن افکندم ما بین

ا ۲ ۴ ع ۴ د ا ۲ ک ۱ ۹ ۲ ۱۱ ۱ ۳ ۱ ۹ ا ۲ ۴ — ۲۲۲ فی بین بغض والعداوة

۱ ۴ ا ۲ ۹ ۱۱ ۳ ۱۱ ۴ ۳ ا ۲ ب ع ۹ ح ۹ ۱۱ ۹ ۹ — ۲۲۲ فی العجل العجل العجل الوحا

الساعة الساعة الفراق الفراق الوحا الوحا

مهر

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بر تخم مرغ سیاه بنویس در آتش اندازد

۹ ۱ و ۱۱ ۱۱۱ د و ۸ د ۱
مرسم دو حسم کرکیا و ۸

۱۸۸۱ ۱۱ اح ۹

۱۱۱۱ ع م ۳ ۱۱ ۲ ا ۹ ۱ ۱۱۱۱ — م و م ه

۳ ۱ ۲ ۳ ۴ ۳ ۴ — بیقرار گردم ۲۲۲ علی حب

اگر خواهی

جدائی

اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی این دعا را بهفت مرتبه بر مشت ارزن بخوان و در رهگذر آنکس بریزد در حال از همدیگر جدا شوند حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد

تفرقه

نوع دیگر اگر خواهی میان دو کس جدائی اندازی بنویس بر سه دانه بادام تلخ در میان آتش اندازد البته از هم دیگر جدا شوند قبا ریش قبا ریش قبا ریش قبا ریش

نوع دیگر

هرگاه دو دختری را از شخصی بگیری و رضا نشود این طلسم را بنویسد بر کلاب بشوید و بر آنکس افشاند البته رضا شود ۱۵۱۲ ۷ ۷ ۱۱۷ ۱۳ ۷ ۸ ۱۱۱

محبت

ایضا بجهت محبت بنویسد ۸۶۱۱۱۲۱۳۰۱ ۷ درهم وا ۵۱۵۵۱۵۱۱۸ ۷

در آتش اندازد بسوزاند اگر آسمان باشد بزمین آید مجرب است

بلغ

ح ح ح ه ح دعای بلغ بنویسد در میان نی گذاشته در اطراف مزرعه حک کند از آفت امین باشد

تسخیر

او	وط	وح
ی	٤٤	٣ح

باب تسخیر اگر خواهی کسی را با طاعت خود در آوری که هرچه بگوئی بشنود لصف شب برخیزد دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستد بعد از آن نیت کند و حاجت خود را طلب بنج مرتبه سوره والضحی بخواند و بعد از ختم سوره بنج مرتبه سوره یس بیش از والضحی بخواند و بعد از ختم صد مرتبه این دو اسم را بخواند یا طرخیشا یا شمخیشا و بگوید انت یا فرد اسقدر لقد لقد ابدا کمش ولا اترا بلدک سکنم بنجکم در این مسئله دعا بر پاشیر بخواند آنکس برود و بگوید بحق ... هر چیز بفرست ... آنکس برسد و هرچه خواهی بیاورد

تسخیر

نوع دیگر وضو بسازد با تقوی و حضور قلب و یقین خالص سوره یس و والضحی بنج مرتبه برابر ... بخواند ... بعد از آن صد مرتبه این دو اسم را بخواند یا طرخیشا یا شمخیشا و بگوید ... بعد ... با شیر بخواند ... و اگر نه ترا بلدا

اگر خواهی کسی را مسخر خود گردانی روز شنبه پیش از برآمدن آفتاب بنویس بکاغذ یا برگ

آهو بر باد بیا و بزب غت زهره یاسم ۲۲ ثم علی احنیف ۲۲ فه العجل العجل العجل الوحا الوحا

الوحا الساعة الساعة الساعة ۲۰۲ م ط ۱۱ اح ح ط لا ا ط ا ط ۱۱ ا ل ح ۹ ا ح ۲۰

ط ۱۱ ط ۱۱۱ لا ۹۸۸ ه ط ۱۱۸۸ ط ۱۱۸ ۱۱ سوم العیا ایها طلسم را

بنویسد و فتیله کند در چراغ بگذارد روشن نماید روحانیه مطلوب اینست

ع سع	سع ق	سم ۲۱
زح	۱۷۱ له	م ۲۲۲

بجهت زیادتی شیر زنان این آیه را نوشته بشوید زن بخورد شیرش زیاد شود ثم قست قلوبکم من بعد ذالك فهی کالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة لما یتفجر منه الانهار وان منها لما یشقق فیخرج منه الماء

الحمد معکوس بجهت محبت بنویسد در بازو بندد پیش خلایق عزیز و محترم گردد اگر بر شیرینی بخواند بخورد هر کس بدهد چنان شود مثل لیلی و مجنون اگر در میان سرکه نند و تقلیب بجوشاند جدیرا و عظمت بخواند مطلوب بیقرار گردد که صاحب عمل را ببیند

نیل خلد اوّ مهیلع یا قهار یا عزرائیل بوحشمزا یا عینائیل یا غیائیل زیح مهیلع یا مقتدر یا اسرافیل تمحن ع نیذا یا قادر یا مفائیل طراص یا قریب یا میکائیل میقتسملا یا سرج یا متکائیل طراص آنک ها یا مقلب القلوب یا علام السرائر یا شمشائیل نبیعتش یا عطوف یا جبرائیل کیاء یا حافظ یا دردائیل ق ذبحن کیاء یا رؤف یا جبرائیل تنیذل اقوی کل امر یا قیوم یا دفائیل متجرل ان اهرل یا نورائیل تیملکا یا آمرکا

ابن هلل دمحلا یاحی یا روتایل متحر الانمر ل اهلل اهیب

اگر خواهی کسی را حاضر کنی این اسماء را بخوان بر تلبیس در آتش انداز فی الحال بیاید

لیهامجیح مهه لع یامهه احضار محبت بتلبیس بر باره

آهن را شب نهی در آتش انداز که مطلوب آرام نگیرد ... اگر خواهی مابین جزیعر

آتش نراخم	۸۱۸ ا ۸۱۴ ا ۱۱ ۸ ۱۴ ۳ ۴ ۱۱ سه ۱۱ ۴ ۱۱ ۸ ۸	جدائی بیندازی
در قلعه ۲۲ تو	باسم ۲۲ تو نوشته صنبو ۲۲ فو القبراسته	بیاور بخرد سفند و تخم
بی احب ۲۲ تو		جاروب بیگبری ۷۸ فزر

بامعد د والقینا بینهم العداوة الی فسادا اباین دعا در قبرستان دفن کند و در بگذر

ایشان بیاشند دفن کند جدائی بیفتد مجرب ست (عسع) (۵۵) (هلع) (هلع)

(عسع) (عو) (س) الضا کشادن بخت دختران بنام دختر و مادرش

بنویسد در بازو بندد طرف چپ لا اله الا الله محمد الرسول الله علیا ولی الله

فاطمة الزهراء ۱ ۴۳۹۱ ۱۱۳ ۱۷ ۱۱۱۲ ۱۱۱ لا ۱۱ ۱۱ ۱۷۷۲ ۱۲ ۹۹۹ الضا

محبت نوشته در آتش انداز تا عجایب ببیند در وقت سوختن شمع بشو زیاده مجرب

ع ۱۱۷۱۱۷ و ۴ ۱۱۱ ع ۱۱ ۰۱ ۰۱ ۰۱ ۰۱ ۰۱ ۰۱ ۰۱۱۱ اهمیها باسم ۲۲ فو ۲۱ الجامع

۱۱۱۳۲۱ ۸ ۸ ۱۸ ۱۸ ع ۱۱۱ ۲۱ ۱۱ ۱۸

حب ۲۲۲ ۲ ۸ ۲ ۲ این را در فتیله شمع بسوزاند

۴ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ع ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ع ۲ ۸ ۲ ۴ همین نوشته را هم در زیر سنگ گران نهد

روت بحق هاروت و ماروت اهیا اهیا اهیا شرا هیا شراهیا شراهیا شرا

البنار النار النار العجل العجل العجل الحریق الحریق الحریق الساعة الساعة الساعة عزمت علیکم

یا معشر الجن والانس والشیاطین ... صهوای ۲۲ تو علی محبت ۲۲ فو ۲ ع ۲ ۱

هیا هیا هیا عجل عجل الساعة الساعة النار النار الحریق سر بوح العجل ۱۸ ۸ ۲ ۱ ۲ تمد

اگر خواهی کسی را عاشق گردانی بنویس بر برگ انجیر در آتش اندازد صح ع ۹۱۹۹

ایضا بنویس بر کاغذ و در گل بگیرد و در آتش اندازد ماعطا علموط

علط یا هسط یا طلطا ماهلموط

بنویس بنام هر چهار و با عود بگیرد دارا بجه بدعات

بعمل آید

اگر خواهی کسی را از عشق

۲۴	۲۷	۳۰	۲۲
۱۹	۱۸	۲۳	۲۸
۱۹	۳۲	۲۷	۲۳
۲۶	۲۱	۳۰	۷۱

ایضا خواهی کسی را عاشق گردانی

اینطلسم را بسوزان

ه۲ع ۳۱۱۳ ۹۹۱۱ ططط طاح لا لح

مبتلا کردانی نام خود با نام او در خورت نام او با نام مادر او با این دعا

در روی شیر کینه نوشته در آتش بیندازد که آرام نگیرد آزموده و مجرب است

اللهم یا قاهر ذالبطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامک

اگر دو ضرب را بخواهی و تدبید ایند ما را نوشته در میان آب کنویشان و بجانه صاحب

ضرب بپاش یا رحنیلوا یا برحنیلوا یا تحمهیتا یا الغشتا یا

طلمحیثا یا المحیثا یا احیثا یا شعبثا یا شمحیثا بارک الله علیکم

با سم ۲۲۲ و این دعا را نوشته بر در خانه صاحب ضرر دفن کند ایست

ک اع هـ ۱۱۱۱ ۲۱۱ و ا اما و ۱۱ ۱۱ بجهت احضار بر روی قمر به سوراخ

۱۱ ۱۱ لا و ۱۱۱۲ ۱۱ ۳ ۲ ع ۱۱ ۱۱ ۱۱ این اسم را در ساعت سعد

با قلم آهن کنده و در کنار آتش شدید دفن نماید یا معشر الجن بحق مکر

کائیل ایل ونس جستکال احرقو قلبه ۲۲۲ احرقو قلبه و ذمه

و حسده

وجسده بحق روسا ثیکم الساعة الساعة الساعة بجهت محبت

این عظیمت را بنوشته بر جرز خانه دفن کند اگر زنجیر باشد بیاید کمش تولد

لطلقمودهی یفعوا العرض بحق حلذرا الاسماء وح ح ح دمنا

مه صاحب دلم بهل جره التجب التجب الساعة الساعة بجهت محبت

بان بنویسد و لبک سیاه بدهد بخورد اگر زیاد اثر کند سگ را بکشند

. .. ا ا ع ع ع ع طا طا طا طا نیح نیح نیح اعتلف علی ام

۲ فر علی محبت ۲ فر التجب التجب بجهت محبت بر چهار پاره نان

نویسد و به سگ سیاه بدهد تا بخورد بیقرار گردد بجهت تفریق اگر

۱۱ ۹۹ ۱۱ ۱۳ ۱۴ ۱۱ ۲۱ ۱۱۱ و ح ع ۲ ع خواهی کسی از مکان خود

آواره کنی سوره الم ترکیف را با عدد اسم آنکس جمع نموده با عدد آیه و

القینا بینهم العداوة الی آخر آیه در منزل آنکس دفن کند یا در ره

گذر آن دفن کند آواره شود اگر خواهی کسی را از مکان خود آواره

کنی این حروفات با عدد اسم آنکس جمع نموده در خانه آنکس یا در رهگذارش

دفن کند آواره شود ۱ع۴۴۸۸۱۰۹۹ع۱۲۸۲۸ع۱۲۱۸ع۱۰۹ع۱

۱ع۲ع۱۰۳ع۱۰۸ع۴۰ع۴۰۹ع۱۰۶ع۱ع۱۸ع۸س۶ع۲۰ع۱۰۴ع۱۸۴ع۱۰۹ع۱۸۱

۱۲ ۲ ۲ع۴ع۴۱۰ع۴۸ع۲۳۸۱ع۴۹ع۴۳س۳ع۱ع۹ع۳ع۱ع۴۸ع۸۰۵۰

۱۰۴ ۸ع۶ع تمت حرره محمد آقا لا بتنجب الحروف الرجاد الحسینی ...

از برای دفع دشمن اذا زلزلة را هشت مرتبه بخاک مرده بخوانند و آن خاک را بخانهٔ دشمن بپاشد آواره شود

ایضا اذا زلزلة را تمام شرح بنویسد و دفن کن در قبرستان دشمن بمیرد اول و اخرجت الارض

اثقالها لعبد اذا زلزلت الارض زلزالها تا آخر بهمین طریق ایضا از برای دفع دشمن

این آیات را بر پاره که از کفن زیاد نامنده باشد بنویسد و تمام و دشمن بران نولید و آنکه

خاک از گور کهنه بران بریزد و آنرا در زیر دیوار کهنه دفن کنند آن دشمن را درد سر یا درد چشم

بیدا افزد تا بینا گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم

و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای فارهبون و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا

اول کافر به ولا تشتروا بآیاتی ثمنا قلیلا وایای فاتقون ولا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا

الحق وانتم تعلمون از جهت هلاک دشمن بنویسد این حرز اسما در میان دو سنگ بینه

البته دشمن رنجور گردد (اطعوا عح) (ماموا صلو) اگر در میان زن و مرد

این تعویذ را بنویسد زن با خود نگه دارد از خود جدا نکند بعیر مان خدا پیغم مرد

قرار بردار زن نشود مجرب و آزموده شده است

١٨	١ع	وع	سو	٧	٤ ١
١١١	٧ ع	٤ج	ع٥	٣٥	د٥

بجهت دزد برده بجز مرسیده است برده لعقه بای بنویسد بجماعت متهم داده هر که لتند یا شد دزد لا کاری ... دزد برده

گردد قالوا أتعجبین من امر الله رحمت الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه

حمید مجید باب الحب هفت مبین را بر سیب یا شیرینی حب دیگر بخواند باد

دهد تا بخورد مطیع گردد بعد البسمله فی امام مبین الا البلاغ المبین لفی

ضلال مبین عدو مبین و قرآن مبین خطیم مبین تمت حرز مجرب الحج

الفت درزیر زبان گیرد بسیار مجرب است حاالااعکاااطاااح

باب بجهت احضار اگر خواهی کسی را حاضر نساز یک سوزن آهن بغزه تا سر شود تیغ کنند

و در پیوره خوانیک لنگ ابریشم بگذراند اول زود چه برا اسعید سیم را سرخ ده هفت بار این دعا

را بخواند نخ بالا را کشید بدسر برهنه آید دستکرده بار بخواند تن برهنه آید بیست یک بار تمام برهنه

آید بسم الله الرحمن الرحیم شنوذ شنوطا بهایش متطوثیل یا شلطیخ شنولوخ مهلیخ

تلعلقلیخ یا هلوطا اجیبوا بحق شلمنیطظرون اجیبوا هیخ احرق تلب

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان عشیقة و محبة العجل العجل الوحا الوحا الوحا لیس له

قرار ولا نوم ولا اکل ولا شرب حتی یاتی عندی بحق هذه الاسماء

العظام بسلام کتاب مرقوم یشهده المقربون الحمد لله شاه کو سغنه نوشته

در آتش اندازد و تکتب اسم الطالب ۲۳۸۴ و ۲۳۸۴ الحضر الفا نوشته با خود

دارد ایضا ع ۲۹۹ ۲ ع د ا ه ۲ ٥ ۲۱۴ ۱۱ لا ۲۱۱ د و ا ه

اا ط ۹ ۹ ٤ ۲ ا ا ا ا

اا ط ااا ا ص ۲ اا ۷ ۴ ۲ ۲ ا ا ۲ الضا بنویسد و بر بازوی چپ ببندد ایضا

کسلکسلک کلفطفطر الضا نکنب و بحطه السراج الاسم

۲۳۸۴ ۲ ۳ حمی ایضا

ه ۹۲۳ ۸ ا ط ا ا ا ط و ح ط

باب بجهت تفرقی اینطور نوشته با قدری خاک گورستان در میان آب نشسته و در زیر

خانه و دشمن بپاشد تفرقی شود

تفرقی و عداوه افکند

ما بین فلان ۲.۲۲

و فلان ۲ فلان

العجل العجل

العجل الحیه الساعه

ارسا تحت الوحا

۰۴۲۱۰۹۵۴۱

٥ ۲۱۹ ٤	ه ۲/۹ ۲٥	ال ٥دد ۲د	٥ ٥٤ ١٩	٥ ۲١٩ ٤	بحرک ۹٥۲ ١٠
۴۲ ۲١٥ ١	ااا ٢٤٢	٤٢ ١٩٥ ٩٢	۲١ ۲١٩ ٥ ٤	٥١ ۲١٩ ٤	٩٢١ - ٩٥٢١
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲٥٥٤۲١ ٢ ٩٢٤ ٢ ۹۲٥٤٢١

ا ط ا ا ط ا ط ا ه

ا ط ا ط ط ا ط ا ط

ا ط ا ط ا ا ا ط ا ط

ا ط ا ط

۲٥٤۲۱ = ۲ ۲

۲٦٥٤۲۱ = ۲ ۲

۹٤۳ ۹ ۹٥٤ غ = ۱۵ ۱ ۵ ۱

ایضا هر که این دعا را بنویسد و بر زیر سر خود نهد آنکس

نتواند خواب کند آزموده است

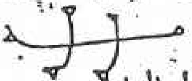


هیا هیا هیا علی

مقین قوم ۴۲ ۲ ۲ علی حب ۲۲ ۲ ۴ ۱ اسا ۴ ۳ الوحا الوحا العجل

بجهت محبت بنویسد بر پاره کاغذ و در اندرون چراغ دانی با روغن عسل تا

بسوزد البته آرام نداشته باشد ۱۳ ۱۱ ۱۳۱۱



ص ح ع ۱۱۱ ۱۱۱ و ح ۲ ... وسطهر سوط لل ۹ ۱۱۱ ۹۱۱

لسلطان صح ۱۹۹۱ ۱۱۹۹۵ ... علی صباح ۲ ۲

شیخ ابوالعباس بونی آورده است که چون صورتی از قریب زند و تدری ...

و مورکری در اندرون آن سر صورت پنهان کنند و این آیه را بر آن صورت نویسند

و نام هر کس که میان ایشان مخالفت باشد بر پشت آن صورت نویسند و آن

صورت را در آستان سرای ایشان دفن کند و بعد از نماز دیگر چهار شنبه بیان

ایشان تفرقه واقع شود و باید که از خدای تعالی بترسند و به نیت حلال

این عمل کند و اذ جعلنا البیت مثابة للناس وامنا واتخذوا

من مقام ابراهیم مصلی وعهدنا الی ابراهیم واسمعیل

ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود والقینا

بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب

اطفاها الله ویسعون فی الارض فسادا تفرق تبدد عداوة ... بین

... علی بغض والعداوة ... العجل العجل ...

محبة

اه اه اه آه لهو لهو لهو لهو لهو لهو باسم ح ح ح علی احب ح ح ح یا ب
در بیان شمع بسوزاند م م مه مه مه مه م مه ۱۱۱۱ ۲۲۲ ۵

محبة

باب در محبت بنویسد بر سه پاره کاغذ یکی را در آتش اندازد دیگری را در قبر دیگری را در
آب روان اندازد ل ۱۱ ح ۱ ح ۱۱۱ ع ع ع ـ ایضاً بر پوست پیاز سرخ بنویسد

محبة

و در آتش دفن ۱۱۱۱ ۵ ۱۱ ح ۱۱ ۸ ۱ ۸ ب ۱۱ ع ع دمالحی لحس بجهت تفریق دو دل

تفریق

سه شنبه به نیت دل هر دو در عین زوال وضو بگیرد هفت بار صلوات بفرستد و یازده
مرتبه نقش چهار ضرب بعد از آن این طلسم را بنویسد در کاغذ زرد به مرکب از دود
خانه او دهر جا که رهگذر شان هر کی فرصت و قدرت بیابد دفن کند به نیت جدائی
و عداوة میان هر دو یا در دشان بنویس زیر طلسم در میان ح ح ح یا ح ح ح
عداوة و جدائی یا عبرت بیفتد بل عجل عجل عجل چنان شود میان ن ابرکه
جنگی شود ۹۹۹ ۵ و ن ۱۱۱ ۵ ۱۸ نوع دیگر بجهت تفریق

تفریق

بنویسد بر چهار پاره کاغذ دو تا از کاغذها در محراب مسجد دفن کند دو تا دیگر را
در آتش اندازد ولیکن در روز جمعه باشد ۹ ۱۱۱ ۱ ع ۱۱۱۱۱ ۸ ۹ ۶ ۹ ۹ ۱۸
۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱ لا ۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۶ ۱ ۲ ۹ ۹ ۱ ۱۱ ۵ م ۱ ۳ ۹ ۲
۹ ۵ ۹ ۹ ۳ ۱ ع ۱۱۱ ع ۱۱۲ ع ۱۱ عداوة جدائی انگند ما بین ح ح ح ح ح ح نفس

تفریق

العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الفراق الفراق الفراق الوحا
باب جهت آواره کردن شخص بنویسد بر کاغذ و در خانه آنکس پنهان کند که سه
روز بیشتر نکشد آواره گردد اینست ۲ ۱ ۹ ۲ ک ۵ ع ۶ و نسا ۱۱ ک ۵ د ۶ ۹ ۲
۳۸ ع

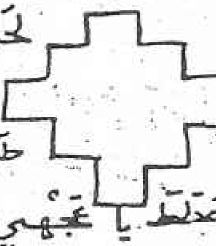
آوارگی

نوع دیگر بجهت آواره کردن بیاورد ترب خاک از قبرستان شانزده مرتبه سوره اذا زلزلت
الارض زلزالها بخواند و گل سازد آن گل را در میان آتش اندازد آواره شود مجرب

بجهت محبت بیاورد ۱۲ دانه فلفل را اسم خدا بکند و هر یکی یک سوره والتین بخواند و نه دانه
فلفل سوره و در آتش اندازد بنام مطلوب باذن الله از محبت بیقرار شود انشاء الله

باب حاضر کردن غایب و باز فرستادن

بجای خود رسد اگر خواهی که عملی بزرگ کنی یکجا بنشین تنها بعد از آنکه غسل کرده باشی و جامه پاک پوشی و از زنان و غیره پرهیز باشی
چون شب در آید چراغی را که در او روغن زیت باشد برافروزد و مندل بکش و در میان مندل بنشین و طشتی بنه و آن چراغ را که روغن زیت دارد در میان آن طشت بنه و این دعا را ۴۱ مرتبه یا ۷۰ یکهزار مرتبه بخوان و بگوی که میخواهم فلان بن فلان را پیش من آرید در حال حاضر شود چون در آن کار دیدی پیش از صبح بگوی که محبوب را بجای خود ببرند
و صورت مندل اینست و در دور مندل این اسماء را بنویسد



قرعوس
لحشوس تمنوحی تردد دموشها ضولاع
دولاع اررد طولاع تموسیما دموشا
طیطیوح یاامت سلیحها یابار من ضیف
وحدلط یا عجهی یا طیغالف یا سطیع یا غفح یا طلموح
یا عالی یا ربلی

یا عالی یا زوالی یا مهلیخ یا متبیرة یا نوف تیخ یا ستمونی یا [illegible]

یا عقش [illegible] یا [illegible] موها — بر بیفت آخر بزرگ نویسد و در وسط آن نام

مطلوب را نویسد و بجانب خانه مطلوب [illegible] بیعدد [illegible] و سوره یس بخواند مطلوب حاضر شود

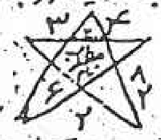
باب تفریق [illegible] بر پوست نکارد و در گوزه کند و سرش را

پر کند از سرکه [illegible] که باشد بر سرش بریزد و دفن کند

در راه گذر ایشان تفریق شود یا شلیخوتا یا کره جبطب یا کره وعجطت یا

شمجلوتی یا تمجتیتا یا تمجیا — اگر خواهی که کسی را از عشق خود بیقرار گردانی

این طلسم را بر کوزه آب نویسد و در زیر خاک دفن کند از عشق بیقرار گردد



١٨	٤٦	٨٤	ب
٨٢	٧	١٦	٤٨
و		٤٢	١٤
٤٤	١٢	ح	٨٦

اعیان مثلثات چهار عناصر است هر کدام منزل

خود است این شمشیر برنده است جهت تعزیر

تنقیص و خرابی وفق دمی نوازین که چون

او را در ساعات نحسه بر لوح چند [illegible]

حیوانات مرده بخون بیابد و در [illegible]

هر که میخواهد زنده اثر خواهد کرد چون این [illegible] خبیث است و [illegible]

٣		٢
٣م	٥	٧
٨	١	٦

٤	٧	٢
١	٥	
٨	٣	٤

٢	٧	٦
	٥	١
٤	٣	٨

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤		٢

اکنون در اعمال جاتی زودیاب مرکز خالی است

قاسم طالب و مددی مطلوب در مرکز واقع

میشود در اعمال جلالیه و سیاطی از نه خانه است

	ب	
د	ج	و
	ح	

ج		ا
	ه	
ه		ط

البدایع لم تبغ ولاتها یا مغو یا من خلقه خاصیت اسم بیست
و سیم آنست که هر کرا قوت حافظه نباشد و طبع کند بود این اسم
بسیار خواند چون حفظ شد و خشک گیرد ذهن او روشن گردد و اگر
کسی دعوت این اسم کند بهتر صاحب دیوان رسالها باید که هر
روز هزار یکبار بخواند تا دولت روی بوی آرد و خیان بزرگ
گردد که حالت روی زمین بوی رجعت سپارند و اسم بیست و سیم
اینست یا علام الغیوب فلا یفوت شی من حفظه خاصیت
اسم بیست و چهارم آنست که اگر کسی این نام را بسیار خواند در میان مردم
وقاری پیدا کند و مردم را بر قول و فعل و اعتماد کلی پدید آید و مجرب
دلها شود و هیچکس با وی دشمنی نتواند کرد و باید که این اسم را بیست
هزار بار بخواند و هر چند زمان که باشد اگر این اسم را بر خبر خوردنی
خواند یا نویسد و بهر که خواهد بدهد تا بخورد آنکس از عشق
دیوانه گردد و باید که از سر اعتقاد این عمل کند و اگر بر تب یا بر
نویسند بهتر باشد و اگر بر بیت محبت بر کاغذ خطائی نویسد
بمشک و زعفران به ساعت سعد و بجائی بلند بیاویزد همین عمل
کند اسم بیست و چهارم اینست یا حلیم ذا الاناب فلا یعادله
شی من خلقه خاصیت اسم بیست و پنجم آنست که اگر کسی را اجرا

یا رحیم

و با ایمان بود بهشت روزی باشد ... از آن آب زود چندان برکت

پیدا شود که نتوان گرد و اسم بیست اینست یا رحیم کل صریخ و مکروب

و غیاثه و معاذه. خاصیت این اسم بیست و یکم آنست که اگر خواهند

که ایشان را نزدیک ملوک و سلاطین جاه و شفیعی باشند باید که دوازده

روز روزه دارد و هر روز دو هزار و شصت و پنج بار این اسم را دعوت کند

و بر خوانند این اسم مواظبت نماید چنانکه هر روز بعد از نماز صبح

تا بوقت چاشت مشغول گردد و در این ایام از حیوانی پرهیز کند و

با مردم سخن کمتر گوید و بخلوت نشیند بعد از آن هر کار که برخیزد

کند بدرجه رفیع رسد که همگی اعمال ایشان با وی مفوض گردد و روز روز

کار او بالاتر گردد و اگر این اسم را چهل و یک روز بخواند هر روز هفت

هزار بار و در این ایام حیوانی نخورد تسخیر ارواح و سلاطین او را

حاصل گردد و کار او بالاتر و غنی گردد و مرادش برآید اسم بیست

و یکم اینست یا قائم فلا یصف الالسن کل کنه جلال ملکه و عزه

خاصیت این اسم بیست و دوم آنست که اگر کسی خواهد که بر حقایق

علوم مخفی و رموز کنوز ... رسد و از غیب خبری بروی کشف

گردد این اسم را هر روز نود و نه بار بخواند حق تعالی در علم و معرفت

بر دل او بگشاید و دانا شود و اسم بیست و دوم اینست یا مبدع

اشغر بالمرا کردد و زنهار که سخن بسیار نکند بیم بود و اسم هجدهم اینست .
یا دیان العباد کل یقوم خاضعا لرغبته و رهبته خاصیت
اسم نوزدهم اینست که اگر کسی غایب باشد و از احوال او هیچ خبر
نباشد این اسم بنیت آن غایب هفتاد بار بخواند و بعد از آن
بر ورق آهو بنویسد بمشک و زعفران و شب در زیر بالین
نهد هم در آن شب در خواب بیند که حال دارد زندگی
و مردگی و خیر و شر و اگر بنیت غایب خواند بیست شب هفتاد
نوبت آن غایب بزودی بجای خود رجوع کند که دیگر هیچ
جای قرار نگیرد و از سر اعتقاد این عمل کنند و اسم نوزدهم
اینست یا خالق من فی السموات والارض وکل الیه معاده
خاصیت اسم بیستم اینست که اگر کسی خواهد که کسی را
از عشق خود بیقرار کند باید که این اسم را بر کاغذ ختائی
بمشک و زعفران بنویسد و بر کنار جوئی که آب بسیار دارد
بایستد و چهل بار این اسم را بخواند و کاغذ را در آب
اندازد بنیت آنکه میخواهد از عشق بیم بود که دیوانه
گردد و هر کسی که از آن آب خورد که این اسم بر آن آب
خوانده باشد دل او روشن گردد و ایمان او تازه گردد

و تیرا بلنکی نماید و از نظر تو غایب شود و باید که سوره فتح بخوانی
و از منزل بسلامت بیرون آیی و هر چه خواهی توانی کرد و ما
فایده این اسم بطریق اختصار گفتیم و این اسم شانزدهم است

یا حنان انت الذی وسعت کل شیء رحمة و علما این
خاصیت اسم هفدهم است که اگر کسی قرض بسیار دارد و حول
اسم بنویسد که از دین قرض بسیار ... ادا کند قرض
بخشد و هر کاری که متوجه شود نیکو براید و اگر در وقتی که آفتاب
در شرف باشد بنویسد بر کاغذ نیکو ... با خود دارد
هر که محتاج نگردد و عمرش برکت یابد و این اسم هفدهم است

یا منان ذا الاحسان قد عم الخلائق منه خاصیت این اسم
هجدهم آنست که اگر کسی با اسم تجارت و دیعتی بکسی دهند باید که
این اسم را بر حریر سفید بمشک و زعفران بنویسد و بر سر آن
ودیعت بنهد آن ودیعت بسلامت بخداوندش رسد
و در هر خانه و سفر که این اسم باشد از دزد و حرامی ایمن باشد
و اگر بر خانه کعبه بنویسند و با میخ ... دزد کور شود ... این
اسم بنویسد و بر تن ... و اگر کسی را برص بود و زنجی چون این اسم را با خود دارد ...
در خانه ... بدیواری که بجانب قبله باشد پنهان کند ...

است که چندین هزار پری در فرمان او باشند و رایت بر
صاحب دعوت سلام کند باید که صاحب دعوت بر خیزد
بر رسم شکار بر دست راست بایستد و جواب سلام کوید و اینها را
همچنان خواند تا او کوید ای فرزند آدم مقصود تو چیست
کو بکه ای معرف جلیلی اسماء و رموز خدای تعالی [illegible]
خشنود باد خدا که بدعوت من آمدی و مرا [illegible] مشرف
کردی اکنون مرا مراد آنست که مرا بمقصد لشکر خود را بای
تا در همه احوال معاونت من کنند و از [illegible]
مرا حرمه و [illegible] مند کردانند و از احوال [illegible] من ناحیه
باشند و چون این معنی قبول کنید و ترا [illegible] بمقابل لشکر
نماید و او در حکم تو آید و فرمان بردار تو شود و بسیار عجایب
از تو پیدا کردد و جمیع مخلوقات در دست تو آیند و چون این
فرصت بیابی بکوای ملک الارواح بید بدست مبارک خود
بیعت نامه نویس و بمن ده تا بر [illegible] حاجت بکار آید بس
ملک الارواح بیعت نامه بنویسد و بتو دهد که بوقت
حاجت [illegible] کرد و همه را در حکم تو کند و چون عهد
و بیعت درفته باشد پادشاه جامه خود را [illegible]

در کاینه غرض تو ازین دعوت چیست وچه میخواهی اگر مال
میخواهی بدهیم واگر عاشق معشوقی ترا بتو رسانیم واگر علم میخواهی
در اموزیم واگر دشمن داری هلاک کنیم و اگر مقصود نیست
برآریم چندانکه ازین نوع با او گویند او التفات نکند وجواب
ندهد تا نه فائی که سوگند یاد کنند که انچه جواد نیست بگوی
بی او گوید که ای اپریدگان خدای مرا با شما هیچ کاری
نیست وبخواندن مشغول شود چندانکه گویند از میان
مندل بیرون ای باید که ازجای بجنبد و مشغول دعوت
باشد تا دو روز چندانکه از بعضی بشب تا نکاه علعلی و اشوبی
ظاهر کردد علامت هفتم انست که چون این علامت پیدا
شود جوله بلا وجواهر چند بی مشعله و شمع ظاهر کردد
وفوج فوج لشکر درایند هر یک بصورتی وسلاحی و مرکبی
جهان از ایشان بشکل اید باید که نترسد و دل نگهدارد
وبخواندن مشغول کردد ونظر بخود دارد تا از ناگاه لرزد
کرنا گاه کوکبه سلطان در رسید سوار مهیب باشد
بر شیری نشسته وتماز عظیم در دست خود کرفته و مارا روان
بشتاز بکردن وکیه درانجه وطبقهای نثار بر کرفته بر بالملک الارواح

و لاغر باشد و بر روی وی راست او خال بزرگ باشد و گیسوی
سیاه سبز و فرو گذاشته چون در آید سلام کند باید که برخیزد
و جواب دهد و اعزاز و اکرام بجای آرد اما پیش از سلام
دیگر چیزی نگوید تا دعوت گسسته نشود آن شخص در زمانی
در برابر او بنشیند و از هر گونه سخن گوید باید که بجواب
او مشغول نگردد و از خواندن دعوت غافل نگردد او نیز
نرود و اگر با وی سخن نگوید بیم مضرت نبود علامت پنجم
آنست که در روز بیست و هفتم ضمایر همه مردم بر وی
منکشف شود و از حال جن و انس با خبر باشد که بکجا میروند
و از کجا می آیند و نیت در دل دارند اما شرط آنست که
این اسرار ظاهر نکند تا دعوت تمام گردد و اگر ظاهر سازد دعوت ..
باشد علامت ششم آنست که از روز بیست و هشتم تا روز
چهلم در خلوت بنشیند در چراغدان سبز چراغ بر افروزد
روغن زیت و یاسمین می سوزاند تا هفت شب چنین
بکنند و باید که قل اوحی تا آخر سوره بخواند هفتاد بار و هر
بار که خواند بران چراغدان دمد ناگاه چهار شخص در شب
منزل پیدا شوند و گویند ای فرزند آدم برخیز از این اندیشه

سبز نماید نخود را و جامه خود را سبز ببیند تا روز هفتم چنین
ببیند و علامت دوم آنست که روز هشتم دو تن از ارواح
بوی رسند و گویند که ای فرزند آدم چه غرض داری و مقصود
تو چیست ازین دعوت برخیز و بکار خود مشغول شو تا
که نقصانی یا خللی بتو نرسد و او را چند نوع نصیحت کنند
چندانکه ایشان ازین نمط گویند التفات نکند و این
اسم را بلندتر بخواند آن دو تن غایب شوند باید که دل
قوی دارد و نترسد و در آن مندل نشسته عود
بسوزاند و بخواندن مشغول شود علامت سیم آنست که
روز سیزدهم ناگاه مرغ سبز بیاید چنانکه بندهای و بر سر او
اوشیند و بانگ کند از آواز آن نوع مرغان [illegible] بیایند
از مرغ اول بخلل و آشوب در خلوت اندازد و آن مرغ
که بر سر او نشسته بر بزوی زند و بانگ عظیم باید که نترسد کند
و بخواندن اسم مشغول باشد و بلندتر بخواند تا آن مرغ
مرغان بیش باید پیش شوند علامت چهارم آنست که روز
هفدهم که این اسم را بر همین طریق بخواند بعد از صلوة عصر
در خلوت او شخصی در آید مرقع پوشیده بر شکل درویشان

اگر کسی در دست ظالمی گرفتار باشد یا در حبسی این اسم را
به نیت خلاص از آن بلا بیست روز هر روز هزار بار بخواند
و تسبیح کنند که این اسم را تسبیح اعظم میخوانند نقل است که خدای
تعالی او را از آن ظالم و از آن بند خلاص شود و باشد که ظالم هلاک شود
و باید که از سیر پیاز پرهیز کند و پاک باشد و نماز بجای
آرد و با اعتقاد بخواند و اسم پانزدهم اینست یا نقی من کل
چو زلم برضیه و لم یخالطه تعالی کفاضیه اسم
شانزدهم آنست که اگر کسی را کار فرو بسته شود و هیچ کار از وی
نیاید و کار فرومانده و سرگردان و در نظر مردم حقیر و بی اعتبار
باشد باید که چهل روز بدعوت این اسم مشغول شود و
این اسم چنان است که در این مدت ترک حیوانات کند
و بغیر از نان چیزی دیگر نخورد و غذا نبات خورد و یک از بین
بخوانند اسم تمام نماید از مردم دور شود و خلوت اختیار
کند و این اسم را میخوانند و حاضر وقت باشد که هم در هفته
اول علامت ظاهر گردد از عالم غیب و این علامت بر هفت نوع
پیدا شود علامت اول آن بود که چون چند روز بگذرد و این
اسم را بترتیب شش هزار بار خوانده باشد جمله عالم بر چشم او

یا نقیا ر
یا تقیا ر

احتیاج بود هفت بار این اسم بخواند و باید که بخور کند
و جامه پاک بپوشد تا ایشان بیایند و حاجت او روا کنند
و باید که صاحب دعوت همیشه پاکیزه باشد و صافی
و اسم اعظم اینست یا زاکی الطاهر من کل آفة بقدسه
خاصیت اسم چهاردهم آنست که اگر کسی امید بلندی دارد
و آن امید بر نمی آید این اسم را بر ورق آهو بمشک و زعفران
بنویسد و بر آستانه بالای در آنکس پنهان کند امید
او بمطلب از او بر آید و بمراد رسد و خدای تعالی در رزق
بروی بگشاید و از خزانه خود عطای بسیار بوی کرامت
فرماید و چنان شود که مردم گویند که خاک در دست وی
زر می شود و هرچه خواهد آن چیز بمراد او شود و اگر علم
غیب خواهد باید که در ساعتی که قمر در برج دلو باشد ساعت
سعد اختیار کند و این اسم را بر کاغذ خطائی بمشک و زعفران
بر شکل حروف بنویسد در موم گیرد و در کوزه آب اندازد
و از آن آب میخورد و چند او تا این دعوت روی بهر کاری
که آرد بر آید و اسم چهاردهم اینست یا کافی الموسع لما
خلق من عطایا فضله خاصیت اسم پانزدهم آنست که

حصول مطلب تحصیل امید
و وسعت رزق

حصول مراد و رستگاری
و رفع عاصی

وچه میخواهی و ما را چه رنجه میداری او جواب ایشان گوید که ای
امیر یدکان خدا بحق تعالی از شما راضی باد مقصود من آنست که
بقوه این اسم بهر کار که واقع شود از خیر و شر و نفع و ضر میان
دوست و دشمن مدد و معاونت من کنید و حاجت من روا کنید
ایشان باوی انس گیرند و دعوت او را اجابت کنند دیگر
باره ایشان را تواضع نماید برخیزد و دست بر سینه نهد و گوید
چنانکه شما مرا گرامی داشتید حق تعالی شما را گرامی داراد اکنون
میان من و شما نشانی باید که در وقت حاجت شما را طلب
کنم که حاجت من روا کنید ایشان که حاجت نشان نیست او
گوید که غرض من نشانیست که احتیاج به دعوت نباشد ایشان
چون نام دعوت بشنوند هر یک بو که مثل مانند بعضی
مرغ و خط سبز بران نوشته از استاد و بوسند و بر دیده
نهد و بر سر گیرد و گوید که این خط مرا بیاموزید تا توانم خواندن
ایشان خاصیت آن با و بگویند و نیز باید که آن مهر را
از چشم جنب و ناسق و بدکردار پنهان دارد و در حینی
که مهر بوی دهند باید که ایشان را تواضع کند و گوید که زحمت
کشیدید بسلامت بروید تا وقت حاجت و هر وقت که

بلرزد و دشمنان مقهور شوند و دولت روی آرد بشرط اینکه مطیع
این اسم باشد و مداومت نماید و دایم پرهیزگار شود و بزرگی
بیند و اسم یازدهم اینست یا کبیر انت الذی لا تهتدی العقول
لوصف عظمته خاصیت اسم دوازدهم اینست که اگر کسی بجور
باشد و یا مسحور بود و نظر رسیده باید که این اسم را بر هفت
جوش نقش کند و با خود دارد از سحر و چشم بد ایمن شود و اسم
دوازدهم اینست یا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غیره خاصیت
اسم سیزدهم آنست که چون دعوت این اسم کند روز چهارشنبه
در صبح غسل کند و جامه پاک در پوشد و در مقام خالی رود و بخور
بسوزاند با عود و گل سرخ و زعفران و سنبل و این اسم را یکهزار
و پنجاه بار و یک نوبت بخواند و در خواندن توجه بحق تعالی
کند و اندیشه فاسد در دل نگذراند اما چون از علامات
چیزی ظاهر شود باید که نترسد و علامتش آن بود که هفت تن
از ارواح پیدا شوند همه جامه سبز پوشیده و کلاه چون تاج کیان
بر سر نهاده چون بیایند برابر بایستند و سخن نگویند باید
او نیز سخن نگوید و همچنان بخواندن این اسم مشغول باشد تا آنکه
ایشان در سخن آیند و گویند ای ابو محمد (؟) ترا چه کار و مهم است

هفته سخنی (؟) ... و از ارواح شعبه [illegible]

و بخور دایشان دهند تا میان ایشان الفت پیدا شود و اگر بر
ورق آهو بمشک و زعفران نویسد و در موم گیرد و در عرق سوخته
باشد بگیرند و در کوزه آب اندازند تا ایشان هر دو از آن بیاشامند
میان ایشان الفت پیدا شود و اسم نهم این است یا صمداً من غیر
شبه فلا شیء کمثله خاصیت اسم دهم آنست که اگر کسی خواهد
که زبان مردم بر خود ببندد لوحی از ارزیز بسازد بنام هر که
خواهد و این اسم را بر روی نقش کند و در شکم ماهی نهد و در زمین
پاک دفن کند و نام خصمان بر آن نویسد زبان ایشان بسته شود
و دشمن بعد از آن با او دوست شود و اگر چهل روز هر روز
چهل نوبت بخواند بهر مرادی که خواهد حاصل گردد و در جای
پاک دفن کند زبان خصمان بروی بسته گردد و اسم دهم این است
یا بارّ فلا شیء کفوه یدانیه و لا امکان لوصفه خاصیت
اسم یازدهم اگر کسی از نظر پادشاهی بیفتد یا از عمل معزول
شود یا دشمن بر وی ظفر یافته باشد باید که این اسم را دعوت
کند و دعوت این اسم چنان است که هفت روز روزه دارد
و درین مدت از مشغله‌ها دور باشد و بخواند در جای خالی و بخور بسوزاند
چون دعوت تمام شود پیش پادشاه رود باذن الله تعالی بنظر محبت در وی نگرد

الک
لبیک
وسعدیک

اینست یا واحد الباقی اول کل شیء وآخره خاصیت اسم هشتم

آنست که اگر کسی خواهد که در کار خود ثابت قدم گردد یا دیگری

را ثابت گرداند سه روز روزه دارد و هر روز هزار بار این اسم

را بخواند به نیت ثبات تا حق تعالی او را روا کند و اگر خواهند

که پادشاهی یا بزرگی در سلطنت یا حکومت ثابت قدم باشد

این اسم را در شب بیست و هفتم ماه رمضان بر انگشتری زرین

نقش کنند و در انگشت کند در حکومت ثابت قدم گردد اما

باید که نقاش طاهر باشد و ساعت نیک اختیار کنند و در خواندن

با وضوی تمام باشند تا نیک آید و هیچ دشمن بروی ظفر نیابد و هم

مرادات او بر آید و اسم اینست یا دائم بلا فناء ولا زوال الملک

خاصیت اسم نهم اینست که اگر کسی حاکم روزی بود و در

ولوا؟ لطف دوست دارد این اسم را به نیت وی بسیار خواند

دعوت کند و دعوت وی چنان بود که روزه و قیام شب

بود صایم باشد هر روز هزار بار این اسم را بخواند حیوانی

کمتر خورد و لب بسته چون روحانیم بر دل وی سر کرده و اگر میان

زن و شوهر هیچ کاری نباشد این اسم را بر کاسه چینی بنویسد

به مشک و زعفران و به آب نیسان فرو شوید به شیرینی در روزی کند

ملکه و بقایته خاصیت اسم ششم آنست که اگر شخصی کور دل
باشد چنانکه هیچ چیز یاد نتواند گرفت و آنچه یاد گرفته باشد
فراموش کند باید که هفت روز هر روز بیست و هفت بار این
اسم را بخواند اگر بعد از نماز صبح ناشتا باشد ذهن او را بیدار
و روشن کند چنانکه هر چه بشنود یاد گیرد و چند معنی دیگر
از مغیبات بر وی منکشف شود و اگر چیزی گم کرده باشد شب
دوشنبه چهل بار به نیت آن گم شده بخواند چون در خواب
شود آن چیز به وی نمایند که کجا است و که برده و اگر هر شب
بخواند و بر خود و بر اموال خود بدمد از دزد و حرامی ایمن
گردد. بفرمان خدای تعالی. اسم ششم اینست یا قیوم فلا
یفوت شیء من علمه و لا یؤوده خاصیت اسم هفتم آنست که
اگر کسی را فکرهای فاسد بر وی غلبه کند و دماغ او مختل
آمده باشد و از آن فکرها در زحمت بود چون این اسم بسیار
خواند از آن سودا و فکرهای بیهوده نجات یابد و اگر از دشمن
میترسد بعد نمازی که گذارد یا بگاه پگاه بار بر سینه او را
بخواند دشمن بر وی رحیم گردد و از شر دشمن ایمن گردد و از
همه کس المی و گزندی نه بیند بفرمان خدای عز و جل و اسم هفتم

بنویسند بنام مادر وی و در مقامی که او می باشد دفن کند در جایی پاک
در زمان او وی صلاح پیدا شود و آن نامزد و عجب از وی برود و اگر
از برای محبت بنام مطلوب سه روز روزه دارد و هر روز با نصد
بار این اسم را بخواند و بعد از سه روز بحمامی رود که در او مقابل
قبله باشد غسل کند و چون بیرون آید این اسم را بر کف دست
راست بنویسد و در برابر آنکس رود و بر ابروی بمالد محبت او
در دل آنکس افتد و اگر بتواند که دست بر سینه او نهد از عشق
دیوانه شود و اگر بنویسد و روی را بدان بمالد و بگذارد تا خشک
شود بیم باشد که از عشق رنجور گردد و بصدق در بست
بنویسند و اسم چهارم اینست یا رحمن کل شیٔ و راحمه
خاصیت اسم پنجم اینست که اگر کسی رنجور بود و امید بهبودی
نبود این اسم را بمشک و زعفران بر کاسه چینی و با آب نیسان بنویسد
و کلاب بشوید یا با آب و نبات مصری و سه روز بدو دهد
تا بخورد بر وی شفا یابد باذن الله و اگر در حالت صحت
بخورد هرگز رنجور نگردد و اگر بصدقه بخورد حق تعالی
برکت این اسم او را نعمت بسیار بخشد و برکت در عمر وی
پدید آید و اسم پنجم اینست یا حی حین لا حی فی دیمومیة

بنویسد

روز یکشنبه که نوبت آفتاب است یا روز پنجشنبه بنشیند این مراد بیست
و چهار بار بخواند بخوبی میسر گردد و اگر مطلوب با طالب بسازد
و میسر گشتی کند باید که طالب غسل کند و جامه پاک در پوشد و چهل
و یکبار بر چیز خوردنی خواند و بخورد مطلوب دهد مطیع و منقاد
گردد و باید که با اعتقاد درست و صدق و صفا بخواند تا مؤثر
[شود] اینست اسم اول اینست سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه
خاصیت اسم دوم آنست که اگر تنگدست باشد و فقیر و در نظر
مردم بی اعتبار باشد بیست روز هر روز بعد از نماز صبح پانزده
بار بخواند در نظر مردم بزرگ شود و در رزق بر او گشاده شود
و احترام او در دلها پدید آید و عزیز گردد و اسم دوم اینست
یا اله الالهة الرفیع جلاله خاصیت اسم سیم روز آدینه وقت
نماز وضوی مرتب بسازد و به مسجد جامع رود و بعد از نماز بهر
مرادی که دارد دویست بار بخواند از سر اعتقاد آن مراد بر آید
و شک در خاطر نیارد که بیم ضرر نیست اسم سیم اینست یا الله
المحمود فی کل فعاله خاصیت اسم چهارم اگر کسی بدخلق باشد و تند
خو و مردم از خوی بد او در زحمت باشند خواهند که از حلیم و سلیم
گردد باید که آن پنهانی وی این اسم را بر چیز شیرینی بخواند بشکر و زعفران

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة

علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد نقلست از شیخ شهاب الدین
مقتول که او فرمود که چهل اسم است از اسما باری تعالی که هیچکس از بنی
آدم نباشد که بدان محتاج نباشد و جمله ارواح و اجسام از ملایکه و جن
و انس و نجوم و سیارات و اهل زمین و وحوش و طیور و هر چه خدای
آفریده است همه فرمان بردار این اسما اند و نیز از شیخ شهاب الدین
مذکور هر که این اسما از خود جدا نگرداند و پیوسته در خواندن مواظبت
نماید و چندین عجایب و غرایب از قوت این اسما بخلق نمودی
و از آن جمله فرموده است که هر کس در خواندن این اسما مداومت
نماید دل او چنان روشن شود که اسرار غیب برو منکشف شود
چنانکه از ضمایر جمله مخلوقات خبر دهد و شرح این اسما بسیار
است اما مختصر گفته شد و بر هر اسمی علیحده شرحی گفته آید
خاصیت اسم اول آنست که هر که خواهد که نزدیک پادشاه
رود باید که هفت بار برابر روی او بخواند بر خود دمد [illegible]
چون در برابری نماید چون پادشاه بروی افتد محبت وی در دل
پادشاه افتد اگرچه ازو رنجیده باشد و از برای هر کس از بزرگان
بهمین طریق بخواند و اگر آهسته بکسی دارد بجهت احتیاج باید که

پریشان باشد و روز ظلمات از دست او [illegible] و بیقرار و فاقه گرفتار شده
این اسم را بعد از هر نماز پنجشنبه یکبار بخواند بفرمان خدای تعالی [illegible]
و بیند که روی بدو نماید و یاری روزگار بر وی [illegible] در حجت [illegible]
کند و این اسم را عقد اللسان اعظم نام نهاده اند که [illegible] در [illegible]
خواند و شکر در خاطر نیارد و اسم بیست و نهم اینست یا معید ما افنا

ما افناه

اذا برز الخلایق لدعوته من مخافته خاصیت اسم بیست و ششم
اینست که هر که در میان قوم خود مهتر بود و بخواهد که آن مهتری باینده
باشد باید که در خواندن و مداومت این اسم تقصیر نکند که مراد برآید
و اسم بیست و [illegible] اینست یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه
بلطفه خاصیت اسم بیست و هفتم اینست که اگر کسی این اسم را بسیار
خواند و یا بنویسد و با خود دارد در میان خلایق عزیز و مکرم گردد
و دیگر ذلیل نشود و اگر این اسم را بر نگین زمرد نقش کند و موم پاک
مهر برکند هفت روز و آب باران اندازد و شصت و سه بار این
اسم برخواند هر که غمگین بود بخورد روشن شود و از عالم غیب درهای
بسته بروی او گشاده گردد و در پیش همه عزیز باشد و هیچکس با وی
دشمنی نتواند کرد و خاصیت این اسم چنان است که هر که بیست و پنج
روز حیوانی نخورد و هر روز سه هزار و دویست بار بخواند از سر

اعتقاد و همکی دل و جان با خدای تعالی دارد و بعد از آن آیة جاء
وی باشد بخواهند و اشود و چند سر از عالم غیب بر وی منکشف
و آشکارا کردد و نوری در دل وی پیدا شود باذن الله تعالی و اگر این
اسم را بسیار بخوانند هر مرادی که دارد دریابد ببرکت این اسم و اسم بیست
و هفتم اینست هو الله یا عزیز المنیع الغالب علی امره فلا شیء یعادله
خاصیت این اسم بیست و هشتم بدانکه خاصیت این اسم بسیار است
از دوستی و دشمنی و عقد النوم و عقد اللسان و عطف قلوب
و غیره اما در بیت کتاب شیخ ابن شیخ در عجول کفته که بتطویل
انجامید لکن ببعض طریق اختصار کفته آید بدانکه این اسم نعو بیست
عظیم الشان است آسمان و زمین و شمس و قمر و هر چه خدای تعالی
آفریده بقدرت و عظمت این نام آفریده و نقلست که این نام بر
پیشانی عزرائیل نوشته شده و عزرائیل بقوت این اسم قبض روح
کند و از خواص آن یکی آنست که در جنگی دو لشکر در برابر ایستاده
باشند هفتاد و یکبار بخوانند و باد بر طرف دشمن دمند تزلزل
در آن لشکر افتد و منهزم شوند و اگر کسی را دشمن قوی باشد
و خواهد که او را هلاک کند هفت هزار و یکبار هر روز این اسم را بخوانند
و صورت دشمن را اول زرد کند و بعد از سه روز که در خواندن بود

یعادله

جهت دفع اعدا

صورت او را شرح بتصویر کشید چنانکه از تصور غایب نشود در سه الاف
اول که زر در تصویر کرده باشد کشته شود یا بمیرد و هندوان
این عمل را اعلم و هم گویند و شرح این بسیار است یا قی بتجربت
معلوم شود و اسم بیست و هشتم اینست یا قاهر ذا البطش
الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه خاصیت این اسم بیست
و هشتم آنست که اگر کسی معامله با پادشاهی یا بزرگی دارد و آن بزرگ
در ادای آن حق تقصیر میکند باید که بر بام رفته بره
زود و سه روز از دو رکعت نماز کند در هر رکعتی بعد از فاتحه
سه بار انا انزلناه را بخواند و چون از نماز فارغ شود صد
و بیست و پنج بار این اسم را بخواند و دعا کند و از حق
تعالی در خواهد که یا رب بحق این اسم اعظم که در دل فلان شخص
انداز که حق مرا بی زحمت بزودی بمن رساند و در دل بگردانند
بکند اسم بیست و نهم اینست یا قریب المتعالی فوق کل شئ
علو ارتفاعه خاصیت این اسم آنست که اگر خواهد شخصی
که در میان مردم عزیز گردد و بانام گردد بیست و هفت
روز که منازل قمر است هر روز هزار بار بعد از این بخواند مراد
بر آید و اگر کسی خواهد بکند خواه در حق خود و خواه در حق غیر

بایدکه هر روز چندانکه تواند بخواند با آنکه در جنبت یکماه سیصد
هزار بار بخواند و اگر خواهد که کار با پادشاه کند هر نیت که خواهد
بخواند بصدق در نیت هر آینه رسد و در این اسم عجایب بسیار است
و اسم سی ام اینست یا مذل کل جبار عنید بقهر عزیز سلطانه
خاصیت اسم سی و یکم اینست که اگر دختری را بخت بسته شود
و یا کسی را کار و بار بسته باشد باید که این اسم را بر ورق آهو نویسد
و در آب روان اندازد و یا در سقف ... بتحقیق که خدای
تعالی در کار او در بگشاید و بخت او بگشاید و اگر این اسم را
هفتصد بار بر دل گوسفندی که سیاه ... سیاه بوده باشد
بخواند و هر بار که بخواند باد بر او دمد و بگوید یا رب الارباب
و یا مسبب الاسباب و یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات
اقض حاجتی فی هذه الساعات بعد از آنکه این اسم را هفتصد
بار خوانده باشد این اسم را بنویسد در اندرون آن دل ... بنهد
وی با یکه چشم هیچکس بر آن دل نیفتد بعد از آن در آستانه
مسجد یا در سقف مسجد پنهان کند در وقت باز گردیدن
بر نجی آید البته بزودی بمراد رسد و اسم سی و یکم اینست
یا نور کل شیء و هداه انت الذی فلق الظلمات بنوره
فلق ذر

خاصیت اسم بنی و هو هم آنست که اگر کسی که از نیرو سست خلل بود
باشد و بنویسد بر چوبی و نخلی بشکنند و از روی بشکل آمده
باشد بخواهند که بالا در دست او شود در روز یکشنبه که نوبت
آفتاب است جامه پاک در پوشد اما باید که بر روزه باشد و
بصحرای رود که کسی را نبیند آنجا این اسم را هزار و هفتصد بار
بخواند و هر بار که بخواند تا آن بیت باید بر خود دمد که شکل
بر وی ظفر یابد و در عوت این اسم چنین باید که هفت شبانه روز
علی الدوام این اسم را بنام او بخواند و از حق تعالی آنچه خواهد
یا از هر کسی که خواهد از خواهد حق سبحانه و تعالی حاجت کند
و اقرار الرقیقة ای سیری طالب دهند و طالب این اسم چون بخواند بخواند
بخشند و هر چه بخواهد بکلی الی باشد و خاطر از لین و بخل و غم او
پاک باز دهد تا او یابد و این اسم سی و دوم ایشنست یا عالی الشامخ
فوق کل شی علوا ارتفاعه خاصیت اسم سی و سیم الکبیر که
چون کسی مداومت این تهلیل اسم کرده باشد دل او صافی و نورانی
گردد که از معنیات هیچ چیزی بر وی پوشیده نماند و چون بدین
اسم رسید هر چه از معنی گوید راست بود و چون در خاطر بگذارند
انجا بشود که چه خواهد که چه خواهد کنجی وقت باران و برق

برانگیزد و زلزله پیدا کند اما باید که با طهارت باشد والله
وسیم اینست یا قدوس الطاهر من کل سوء فلا شئ یعازه
من خلقه بها ضیقه اسم سی و چهارم اینست که اگر کسی را
دشمنان قصد کشند و یا در دست ایشان گرفتار بود این
این اسم را چهل نوبت بنام او و ایشان بخواند و بر آن
جانب که ایشان باشند بدمد بفرمان خدای تعالی از دشمنان
امان یابد و اگر مریضی باشد که جمله اطبا از معالجه آن
عاجز باشند این اسم را بر روی بسیار بخوانند از برکت این
اسم و اسم سی و پنجم اینست یا قریب المجیب المدانی فوق

شفا یابد

کل شئ قربه بها سیمت اسم سی و ششم اینست که این شخص
باید که منزوی شود و برخواند این اسم را مداومت نماید
باید که زمانی صاحب وقت گردد و هر که او را بخبث روی بوی
آرند و با او صحبت بدارند و بعد از روی هیچ چیز پوشیده نماند
و دعوت این اسم چنان باشد که چهل روز در خلوت
نشیند و آن خلوت در کوه باشد و چهل روز با کس سخن
نگوید و هیچ چیز از دست کسی نخورد باید که خود به برد و از طعام
پرهیزد و هر روز چندانکه تواند این اسم بخواند و هر چه

از مغیبات بزودی کشف گردد یا مامحقی دارد و رضا حاجات
دعوت هر کار که کند روا گردد و اسم سی و سیم این است یا مبدی
البرایا و معیدها بعد فنائها یا بقدرته خاصیت اسم سی
و چهارم این است که هر که بخواند این اسم شهرت یابد در عالم معروف
و مشهور و بنام گردد و همه خلق متوجه او گردند و اسم سی و
پنجم این است یا جلیل المتکبر عن کل شئ یا العدل امره و الصادق
وعده خاصیت اسم سی و ششم آنست که اگر کسی را گناه بمقدار
کوه باشد این اسم را بخواند برای حاجات خویش حق سبحانه و تعالی
گناهان او را بیامرزد و او را اهل بهشت گرداند و اگر بر کفن
او بنویسند کفن را بزودی خاک نگرداند و گور را بزودی روضه
گرداند از روضهای بهشت و اسم سی و هفتم این است
یا محمود فلا تبلغ الاوهام کل کنه ثنائه و مجده خاصیت
اسم سی و هشتم آنست که اگر کسی دنیا خواهد این اسم را
باید که بسیار بخواند تا غنی گردد و هر که محتاج نشود و ترو
مانند که نه بیند و اسم سی و نهم این است یا کریم العفو
والعفو انت الذی ملأت کل شئ عدله خاصیت
اسم سی و نهم آنست که اگر خواهی که از جهل اسم خون

دل او صافی شده باشد چون این اسم را بخواند بهتر [illegible]
که از فقر خواهد غنی الحال میسر گردد و ینابیع علم و حکمت بر دل
و زبان او جاری گردد و جمله حیوانات فرمان بردار او گردند
و اسم سی و سیم اینست یا عظیم ذا الثناء الفاخر و ذا العز
و المجد و الکبریاء فلا یذل عزه خاصیت اسم سی و سیم
آنست که هر کس در کاری بزرگ مانده باشد و کسی بر او
بر شده و سختگیری او بکند و یا در دست ظالمی گرفتار باشد
و هر چند دعا میکند مستجاب نشود چون این اسم را نود
بار بخواند از آن خلاص شود و صاحب دعوت گردد و چون [illegible]
این اسم تصرف کند در عجایب [illegible] دهار [illegible]
خود آرد و تسخیر خلایق از جن و انس بدست آرد تا بهر چه
شروع کند میسر شود بتوفیق الله تعالی و اسم سی و چهارم اینست
یا عجیب الصنایع فلا تنطق الالسن بکنه الائه و ثنائه
و نعمائه و نهایة اسمه [illegible] یا غیاثی عند کل کربة و معاذی
عند کل شدة و مجیبی عند کل دعوة تمت الاسماء اسالک
بحق هذه الاسماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترزقنی
امنا و ایمانا و عافیة و امانا من عقوبات الدنیا و الاخرة

وان يصرف عني ابصار الظلمة المريدين لي السوء وان
تصرف قلوبهم عن شرها بصرفها الى خير ما لا يملكه غيرك
اللهم هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك
التكلان اللهم لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس
فيطغوا بي ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعذبني وانا
ادعوك ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على
محمد وآله المعصومين

مروي است كه هر كس هفت نوبت سوره والشمس
وضحيها و هفت نوبت سوره والليل اذا يغشى و هفت نوبت
اين دعا را بخواند در شب پنجشنبه يا شب جمعه و روا
كه ارباب را بخواند بالله دعوت شاشد يا اكثر بغايت
زنب الفرج در جواب حضرت صاحب الزمان راشد
و مراد برسد دعا اين است الهي عظم البلاء و برح الخفاء
وانقطع الرجاء وانكشف الغطاء وضاقت الارض ومنعت
السماء وانت المستعان واليك يا رب المشتكى وعليك

الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ
وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا
عَاجِلًا قَرِيبًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ
يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ
يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ
يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ
الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي
و باينك اشارت بسينه خود كند الْعَجَلَ الْعَجَلَ
الْعَجَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و بجهت احضار حضرت خضر نبی ع و استمداد
از وی منقول از اکابر دین است و بغایت مجرب است

یا محمد یا علی ۳ مرتبه

سه نوبت باخلاص بکیند بخواند وخضرع با

مخاطب ساحت عنده طلبند یا لطیفا بخلقه

یا علیما بخلقه یا خبیرا بخلقه الطف بی یا لطیف

یا علیم یا خبیر سه نوبت بخواند بسم الله

الرحمن الرحیم علیک یا رب هیئ لنا من امرنا

رشدا تقدست یا من تمجد بالعظمة والجلال وتنزه

من تفرد بالقدم والکمال عن مشابهة الاشیاء والامثال

ومصادمة الحدوث والزوال مقدر الارزاق والاجال

ومدبر الکائنات فی ازل الازال عالم الغیب والشهادة

الکبیر المتعال نحمده علی فضله المترادف المتوال ونشکره

علی ما عمنا من الانعام والافضال ونصلی علی محمد

الهادی الی نور الایمان من ظلمات الکفر والضلال وعلی

آله واصحابه خیر صحب وآل

آية اولى قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا وعلى الله فليتوكل
المؤمنون الثانية وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو
وان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من
عباده وهو الغفور الرحيم الثالثة وما من دابة
في الارض الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها
كل في كتاب مبين الرابعة وكاين من دابة لا تحمل
رزقها الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم الخامسة
اني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو آخذ
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم السادسة ولئن سألتهم
من خلق السموات والارض ليقولن الله قل افرايتم ما تدعون
من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره
او ارادني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله
عليه يتوكل المتوكلون السابعة فستذكرون ما اقول
لكم وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد

[illegible]

٦ ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها
وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو
العزيز الحكيم

اگر کسی خواهد که با جمیع ارواح ملاقات کند باید که بیرون شهر در مکانی رود آب غسل کند

لباس سر برهنه چهار رکعت نماز بگزارد و بعد از هر رکعت جملة الارواح بعد از

فاتحه ۲۱ مرتبه [illegible] بخواند بعد از سلام [illegible]

[illegible] این اسم را [illegible] هزار مرتبه بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم. [illegible] یا الله [illegible]

این هر شب [illegible]

ذوی [illegible] جمیع [illegible]

و جمیع [illegible] هر حاجت که باشد توجه کنند

که بمقصود رسد [illegible] این عمل [illegible] این دعا را بخوانند

بسم الله الرحمن الرحیم. الهی بحق [illegible] خطا

کردم ببخش بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

علی ولی الله

در احضار ارواح [illegible] رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم.

از شیخ سهیل منزوی روایت شده است که هر که هفت روز روزه گیرد و در آن

روزها در ورد یا حی یا قیوم باشد و در روز هشتم که روزه [illegible]

روز آخر است [illegible] این اسم را هزار مرتبه بخواند و بعد از تمام این آیه

وعنده مفاتح الغیب [illegible] فی کتاب مبین بخواند [illegible]

او بیاید پانزده درهم [illegible] عطا نماید پس از او بگیرد [illegible]

کند

از کل جلب الدینار

از شیخ سهیل منزوی

[illegible]

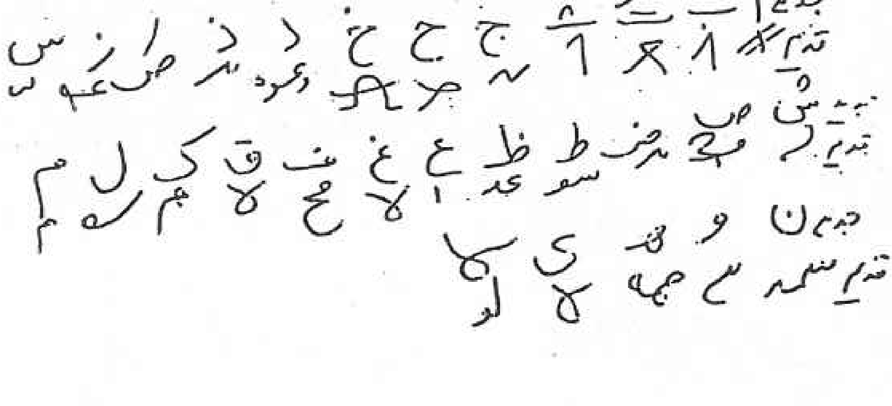
برای فتح الرجال خوانده دم بر [illegible] بزند سوره یٰس ۱۰ مرتبه سوره انا انزلنا ۱۱ نوبت

سوره الکافرون ۳ نوبت آیة الکرسی ۳ نوبت آمن الرسول ۳ نوبت شهد الله ۳ نوبت قل اللهم ۳ نوبت

لا [illegible] ۳ نوبت قل هو الله ۱۱ نوبت بعد از آن آب سه ۳ بار بر کلام کشیده عمل

نماید که مجرب البته [illegible]

فائده در باب حفظ



جهة عقد اللسان مجرب



تحبب اليه اليه في نفسك فاني اليه بها الدنيا فانه واليه نجاسيت ...

بانك اناك ان لا يفعله لغير كتب في قطعة ... تربط ابن المقسو

حلقه في الهواء ما شعره راس حيث ام تزوج احد ويكبر ابها وابها ...

مصطكي الرومي والصندلين واللبان ودر ... الكتابه ...

علت وبحت وهيمت وطيرت قلب وفؤاد وسمع وبصر

جميع جوارح بدن ... على محبت ومودت وعشق وارادت ... ان

انت ... القطوها وان كانت يقظانة اقعدوها وان كانت

قاعدة قوموها وان كانت قائمة ... وان كانت ماشي

... وان كانت ... ولو ... ولو ...

بحق هذه الاسماء ... ١٣٣٤٨٤ ط ع ٨١١٩ ق ١٨

ع ع ع ١١١ ٨٨ ه

ط عا عا طا طب و و ٩ ٩ ك ك ك ...

خندس يا دهيش الهنش يا ميمون يا طلطلوس ويا مهران

ويا عندس ويا الوان ويا عبد الرحمن ويا الجون ام الصبيان

اجلبوا ... قبائلكم واخرجوا من دياركم صغاركم وكباركم واناثكم

وذكوركم وعبيدكم واحراركم ... طائعين بحق هذه الاسماء ...

واجتمعوا وهيموا وطيروا وعلقوا قلب وفؤاد وروح وسمع وبصر

جميع جوارح بدن ... على محبت ومودت وارادت عشق

... ان كانت الاصحه واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون وما

امرنا الا واحدة كلمح البصر او هو اقرب ... الرجا ...

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

هذا الکتاب النجاة بسم الله الرحمن الرحیم از ابواب نوشته شده
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین
اما بعد بدانکه این مختصریست در بیان قواعد اعداد و از هر قاعده بیان
میشود که هر کس طالب باشد که از برای او نوشتن و رشک کار شود و با تاثیرات قواعد
در هر باب بحکمه نوشته که و الله اعلم بالصواب امّا قواعد مربعات
شانزده خانه و بیان تاثیرات ایشان بدانکه از جهت محبت طالب و مطلوب
۸ ۴۵ ۳ ۲ ۵ در محبت مربع نوشته است از خواص است که مجرب است

محبت

دیگر محبت کسی است
از باب محبت خلایق که
با خود دارد و مجرب است
و هرگاه در شرف آفتاب

در لباس او
ابواب
محبت
خلایق

٧٠	٧٢	٧٧	٦٣
٧٦	٦٤	٦٩	٧٥
٦٥		٧٢	٦٨
٧٣	٦٧	٦٦	٧٨

٥٤	٥٨	٦١	٤٧
٦٠	٤٨	٥٣	٥٩
٤٩		٥٥	٥٢
٥٧	٥١	٥٠	٦٢

بکار عدد نزد و بزرگ است محبت نیز دارد و بنا ابل سما که بسیار خواص دارد

دیگر بجهت عقد
اللسان اگر
کسی دشمن بسیار
داشته باشد
بگیرد نام او را

بجهت
عقد اللسان
کسی

١١	٢٤	٧	٢٠	٣
٤	١٢	٢٥	٨	١٦
١٧	٥	١٣	٢١	٩
١٠	١٨	١	١٤	٢٢
٢٣	٦	١٩	٢	١٥

دانیال الفانق ١٨٤٧	زرشانا ٣٤٠	بغشادر ١٨٣	شبارنج ٧٤٣
١٨٠	٧٤٣	١٨٤٨	١٨٤٦
٧٤٤	١٨٣	٣٦ع	١٨٤٦
٤٣٩	١٨٤٥	٧٤٥	١٨٣

در شارنج و ربع بجهت محبت بر بندید بهتر است
و مادر او را او نام خود و خواهد حاجت شکرست حساب دراکر دور عدد او را
بر او افزوده ۴۹۸ دو دایره در هفته وقت طلوع آفتاب در نام گیرد و دفن

٨	١١	١۴	١.
١٠	۵	۴	١۵
٣		٩	۶
١٣	٢	٧	١٢

برای بلکش انداز ذباد دفن کند که مجرب و از نوادر است
عقدالسان دیگر اسم طالب و مطلوب حساب کرده بدستور زوج
عدد را برا دافزوده ۴۹٨ بر کاغذ لطیف
بنویسد بر گردن بندد و باید در روز پنجشنبه وقت طلوع آفتاب
نوشته باشد

نوع دیگر
عقدالسان
درباره یا چهار
در ساعت
در سیاه

٧	١٢	٩	۶
١۴	١	۴	١۵
٢	١٣		٣
١١	٨	۵	١٠

دیگر است با ذنبه چهارشنبه نوبت
حساب کند ۲۰۹۰۵ برابر افزاید
زحل یا عطارد دود بسیان گورستان
گور دفن کند که عجایب ببیند

دیگر بر ورق آهو بنویسد در ساعت عطارد در
روز پنجشنبه یا چهارشنبه یا جمعه یا یکشنبه و دین عدد را
افزاید ۴ ۲۰ ۱۰۰ برا دجاجل بنویسد

٣	١٣	١۶	٢
١٠	٨		١١
۶	١٢	٩	٧
١۵	١	۴	١۴

نوع دیگر
عقدالشان

۶	٩	٠	٣
١٢	٧	٢	١٣
١	١۴	١١	٨
١۵	۴	۵	١٠

	۶	٣	٩
١١	١۵	٨	١۴
۵	١٠	١	۴
٢	١٢	١٣	٧

دیگر این عدد برابر
افزاید ۲۱۸ با
اسمین و دو مربع با
دستور ...

یکشنبه در زیر سنگ گران گذارد   ایضا در روز یکشنبه ساعت شمس این

نوع دیگر عدد ۹۰۰۶ برابر افزاید چون بنویسد باید که قمر در سنبله باشد
عقدالسان
و به مشتری پیوند بسته و اگر زبان بندد کرده و دو هشتی افزاید نوشته در
مقتل دفن و مرهم گیرد در سوراخ موش گذارد ذات

نوع دیگر دیگر در روز جمعه این عدد برابر افزاید و با اسم
عقدالسان طالب مطلوب ۲۰۰۱۱ و به بندد در دکان یا قفل بار

١٢	٧	۶	٩
١٣	٢	٣	
١	١۴	١۵	۴
٨	١١	١٠	۵

دیوار حیوانات ...
ساعت مشتری این عدد
ولادن بنویسد که

۷	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۳	۳
۱۱	۵	۸	۱۰

دیگر بر ورق آهو در روز دوشنبه
براو افزاید ۶۴۶ عود
چند اسم اعظم بنویسد

نوعی دیگر زبانبندی

۱۰	۵	۸	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴
۳		۶	۲
۶	۹	۱۲	۷

نوع دیگر زبانبند

دیگر بر پاره کاغذ یا گره با مرغ سفید در روز پنجشنبه ساعت
... کرده این عدد براو افزاید ۵۰۰۰ برگشته و [illegible] در موم گیرد و در
بند دکانها یا بر ...

پیدا کردن دفین

دیگر بر کاغذ یا گیره روز چهارشنبه این عدد

۶	۹	۱۲	۷
۱۵	۴	۱	۱۴
۳		۱۳	۲
۱۰	۵	۸	۱۱

براو افزاید ۹۵۰ در موم گیرد در هر صبح ...
اندازد در وی ... خوانده اثر عظیم پیدا کند

نوع دیگر

دیگر بالا با موم و ... ارزق عنبر مشتمل ولادن بر هر کس
چهارده بار فاتحة الکتاب بخواند و هر بار بسم الله بگوید
و بعد از آن السعادة که نوشته شده با عدد هر کس ... این عدد

۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۵

براو افزاید ۱۴۱ و در وضع نماید و ... نماید ... شود

برای محبت

دیگر بر کاغذ پاره در روز چهارشنبه وضع نماید ...
کند و این عدد براو افزاید ۲۱۵۴۲ و در موم گیرد و در

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹

آب یا روغن ... اندازد در هر کاه ... باشد ...
خلق ... عجب او گوید

دیگر بر کاغذ

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰

پاره ... این عدد براو افزاید ۹۹۹ جهت محبت
در روز پنجشنبه در روغن ... اندازد ...
بعد از آن ... مطلوب ... اثر عظیم دارد

عمل محبت

دیگر بر ورق آهو در روز پنجشنبه ... این عدد براو
افزاید ۱۰۰۰۲ و بخور دارد ...

۱	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۳	۲	۳	

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۰	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

دیگر بر ورق آهو در روز [illegible] بنویسد و این عدد را
از ۱۰ الی ۷۴۹ و در زیر نام گذارد تا [illegible] برای
او نه از آن نگذرد و تا بد از آن روغن در صورت خوب یابد محبت

۱	۱۵	۱۴	۴
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	

و در پیش آن کار برده مطلب حاصل گردد — دیگر تسخیر
مطلوب الرحوانهی که را مهربان گردانه — برخوند برای
سنو راین نسخه عمل کن اول [illegible] ایام — و ساعت تسخیر

نگاه دار شنبه یکشنبه دوشنبه
۱۲ ۲۰ و ۷ و ۹ بل ۹

سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه جمعه — دربیان
۳ و ۹ ۱۱ و ۴ ۱۰ و ۸

شبها شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه — احکام
۳ و ۹ و ۶ ۱۰ و ۸ ۲ و ۴ و ۸ ۲ و ۸ و ۹ و ۹ — نوشتن

چهارشنبه پنجشنبه جمعه در بروج این عمل — طلسمات
۵ و ۱۲ ۶ و ۹ و ۲ ۳ و ۹

حمل ثور جوزا سرطان — در ساعات
اسد سنبله میزان عقرب قوس — هفته
جدی دلو حوت تدریس
مقارنه تربیع مقابله تثلیث بدانند

برگه عدد خوب شرط مذکور در این عدد برا افزوده ۱۴
در روز شنبه در ساعت [illegible] در موم گیرد در کلاب انداز برای جب
و هر صبح از آن خوب برآن بنوید و [illegible] بکند برابر مطلوب او خوب [illegible] مطلوب

۰	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

دیگر [illegible] عدد [illegible] نویسد و این عدد را
۵۶۴۵ [illegible] ده — نوعی گ
است
آنکه در روز [illegible] ساعت

۷	۴	۱۴	۹
۱۳	۱۰	۸	۳
۱۲	۱۵	۱	۶
۲	۵	۱۱	۱۴

اول [illegible] عدد را [illegible] این عدد برا افزوده — نوعی گ

۵ ۳ ۹ ۱۱۱ در روغن یاسمن انداز در ۳ روز یکبار دیوار ان بطریق ... کور عمل نماید

برای محبت

محبت ... بوده دیگر بنویسد بر حریر سفید ... موم عنبر ... انگشتر

مشتعل ... ازرق ... بگوید ... را

حساب ... عدد بر اوراق ... ۲۲۹۶ ...

۷۰	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۰

میان ... بگذارد ... روز راست بند ... محبوب او را ...

... دیگر در دفع اعدا ... در آزار

خواهد دشمن را دفع کند ... دشمن

۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۴

ساعت شنبه ... یکشنبه ... ۲۰

دوشنبه ... سه شنبه ۹ ... ۳ چهارشنبه ۷ ... ۱۱ در احکام

پنجشنبه ... ۱۲ جمعه ... ۶ ... شبها چهارشنبه ... وساعات

پنجشنبه ... جمعه ... عمل ... پوست ... طلسمات ... ۱۲۰ ... نوشتن

معلوم کند ... عدد بر اوراق ... ۲۰۱ ... ۲ ... عصفور ... و

... دشمن

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

... تا ... روز هلاک ...

هلاک ...

دیگر بر پوست پلنگ ... صورت

... را

حساب ... عدد بر اوراق ...

۲۴۵۴ روز ... ساعت ... کند

برای نظر بندی

دیگر ... عقد النظر ... خواهند ... بسته

... بکند ... پوست

... چهارشنبه ... حساب کنند

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

این عدد بر وی افزوده ۱۰۹ ۲ و در خانه زن دفن کند

۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۰	۲
۱۴	۱	۸	۱۱

برای دیگری بر کاغذ یا کره در روز چهارشنبه ساعت چهارم و ۱۱ نفس بندی

و این عدد بر او افزوده ۴۰۰۰ و چون آدم بنویسید

در گرد بس گیرد که از کفن مرده مانده باشد و در گور کهنه دفن کنند

مجرب است و اگر در روز چهارشنبه بر کاغذ نوشته این عدد بر او افزاید

در گلخن حمام دفن کند و در روز چهارشنبه چون آدمی بنویسد مراد حاصل

است و از مجربات است

در فواید و نوشتن بر تخت این دعا را مربعات

فواعل در وقت نوشتن

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۰	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

بخوانید تا مجرب انشاء الله است

یا ذا یا ذب یا ذو ا ا م ذاود سها

من سهام تهرک تقلقل بد ملک در سجود دو برابر

یا ذو العزة التی کل ملک لها ذلیل اکفنی هذا

الطاغیه و انتقم منه تا روز دعا را تا ماه عمل نماید

دیگر للاخراج بلد در روز شنبه بر پاره کاغذ بعد از تکبیرات اسمای

این عدد بر او افزاید ۲۰۰۰ | و ضع بر پای تخته ببندد در راه کند

اخراج الجان

این آواره شود

۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	۰
۸	۱۱	۱۰	۵

نوع دیگر که در تفریق باید

در ساعت نحس

بکر کند در سم

از وطه مذکور اسمای را

قلمش داخل کند تا بریم

در تفریق

شتی یا تهل یا صبا ... بعد از آن

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۲	۰	۱۳	۳

دیگر در روز پنجشنبه در ساعت اول که از نحل باشد

و این عدد بر او افزاید ۵۰۰ | و در آستانه

خانه اش دفن کند عداوت شود الکوه مجرب است

عمل عداوت

دیگر قواعد مثلث ۵ با ابزار عمل حسابی و جلالی نظر ندارد است

در بیان قواعد مثلثات دو یا و مربعات

۱	۱۰	۴
۸	۵	۲
۶		۹

۲	۱۰	۳
۶	۵	۴
۷		۸

۱	۸	۳
۶	۴	۲
۵		۷

۴	۴۴	۱۸
۳۲	۲۲	۹
۲۶		۴۰

قواعد مربعات که مشکل مینو که اجزاء جزو بیان شود است

[illegible]	میت	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ک	س	ی	م
۴۱	۹	۳۲	۱۷
۲۰۱	۱۹	۳۹	۱۱
۶	۴۲	۱۸	۲۲

ا	ب	ت	ث
۲۹	۴۱۰	۱۱۳	۹۱
۴۱۳	۹۰	۲۹۰	۱۱۰
۲۰۹	۴۰۱	۱۰۹	۲۰۲

ج	ف	ی	ظ
۱۱	۶۹	۹۰	۷۹
۹۰۲	۱۲	۷۱	ع
۷۷	۷	۹۰۱	۱۳

ج	۹	۹۰۱	ث
۹۰۲	۷۹	۵	۱۲
۷۱	۹۰۳	یا	غ
ی	۷	۸۱	ط

ج	۹۰۱	۹	ف
۲۰	۷۹	۹۰۳	۱۲
۹۷۶	۵	یا	ع
ی	۱۳	۷۵	ظ

مزنرك

ف	١٩٧	١٣	ح
ع	٩	٧٩	٩٠٤
١٢	يا	١٩٩	٧ع
ظ	٦١	٧	ى

مزنرك

٩	٦	٧	١٢
٤	١٥	١٤	١
١٦	٣	٢	١٣
٥	١٠	١١	٨

ابجد

١٨٨٨	٢٣٣١	٢٥٥٤	١١١١
٢٣٤٤	١٣٣٣	١٧٧٧	٢٣٣٣
١٣٣٣	١٧٧٦	١٩٩٩	١٦٦٦
٢١١٠	١٥٥٥	١٤٤٤	٢٦٦٥

ذ ٨٤	ب ١٣٩	د ٤٥٤	ض ١٤٩٣
ش ١٥٠٥	د ٤٤٣	طب ١٣٥	ذ ٨٨
ب ١٣١	ص ٩٢	ش ١٥٠١	د ٤٤٦
ادجبت ٤٥٠١	ش ١٤٩٧	ذ ٨٠	ب ١٤٣

مزنرك

٦	٩	١٢	٧
١٤	٤	١	١٥
٣	١٦	١٣	٢
١٠	٥	٨	١١

ابجد — موكل سمخائيل

٣٣٣٣	٩٣	٣٤٦	٢٣٣٣
٢١٧٣	١٥٠٠	١٣٧	٢١٩٣
١٤٤٣	٣٦٩٣	١٠٦	١٤٩٣
٣٤٤٣	١١١١	٤٤٤٤	٩٦

نمو ١١	ادم ٩٢	٤٤٦	١
اجبت ٤٥٠	٣	١١٧	٨٣
٣	٤٤٨	٨٥	١١٦
٨٦	علي ١١٠	٤	٣٥٢

٨	١٠	١٥	١
١٣	٣	٦	١٢
٢	١٦	٩	٧
١١	٥	٤	١٤

ط	س	ا	ب
١٠	٣	١٨	٤١
٦	٥	٤٦	١٥
٤٧ع	٤	٧	١٤

١٠٦	١٥	٢	١
٥	٣	١٤	١٢
٤	١٠	٧	١٣
٩	٦	١١	٨

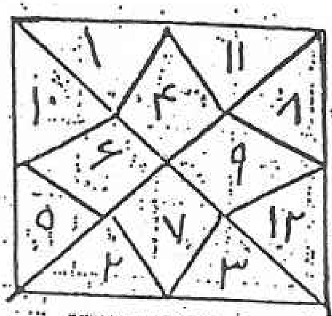
سذبذا ٢

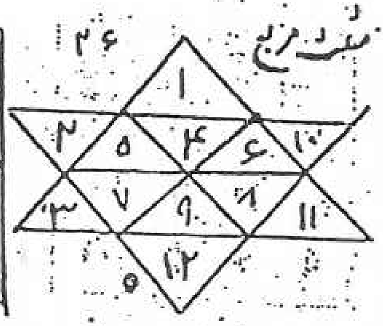
١٠/	٧	٦/	١٠
٤	٣/	٦	١١/
٥	٢/	٣	٤/
٥/	٢	٩	٨

ب	ل	ا	غ
٤٢١	٥٩٢	٨	١٢
٥٩٤	٩	٤٢٤	٦
١٦	٤٠٢	٦٠٠	١٥

ط	س	ا	ب
١١	٤	٣٩	١٨
٢٤	٣	٢٦	١٩
٢٨	٥	٦	٢٣

ع	ا	ت	ث
٣/١٨	١/٤٢	٤م	٥
/٣	٢/٤٥	٤/ع	١/٤٨
/٥	٤/١	٢/٤	٢/٥ع





١	٥٢	١٧	١٠	١٣
٢٢	٦	١١	٤	٥٠
١٤	٣	الحمد ٥٣	١٦	ع
١٥	١٨	٩	١٢	٥
٧	١٥	٢	٢٩	١٩

٢٠	٢	٣	١٧	٢٢
١٠	١٤	٩	١٤	٢٥
٢١	١١	١٣	١٥	٥
١٩	١٢	١٨	٦	٧
٢٣	٢٣	٢٣	١٠	ع

١	٣	٢	٥	٣
٥	٣	١	٤	٢
٤	٢		٣	١
٣	١	٤	٢	٥
٢	٥	٣	١	٤

١١	٤	١٧	٥	٢٣
١٥	٨	٢١	١٤	٢٢
٢٤	١٢	خالي	١٨	ع
١٣	١٦	٩	٢٢	١٠
٧	٢٠	١٣	١	١٩

الحمد لله ١٦	رب العالمين ٣	الرحمن ٢	الرحيم ٣
مالك يوم الدين ٥	اياك ١٠	نعبد ٧	واياك ٨
نستعين ٩	اهدنا الصراط ٦	المستقيم ٧	صراط الذين ١٢
انعمت عليهم ٤	غير المغضوب ٥	عليهم ١٤	ولا الضالين

آبی — یا لعتوناه

٦	٧	٢
١	٥	٩
٨	٣	٤

هوائی — یا مستفیا

٤	٣	٨
٩	٥	١
٢	٧	٦

ناری — یا السوناه

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

ترابی — یا مطیلیاه

٢	٩	٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

و از برای هر مطلبی که مثلث را بنویسی اول که عدد برابر او نوشتی از موکل او آغاز نمود و در خانه اول هم موکل را بنویس عدد که بهر برابر آن عمل گردد
اسم خانه اول اقسمت علیکم یا اطلهیا بحق اسم خانه دوم ٦
اقسمت علیکم یا بطهیا بحق اسم خانه سیم اقسمت علیکم
یا حطهیا بحق اسم خانه چهارم اقسمت علیکم یا دطهیا
بحق اسم خانه پنجم اقسمت علیکم یا هطهیا بحق اسم خانه
ششم اقسمت علیکم یا وطهیا بحق اسم خانه هفتم اقسمت
علیکم یا زطهیا بحق اسم خانه هشتم اقسمت علیکم
یا حطهیا بحق اسم خانه نهم اقسمت علیکم یا طططهیا بحق
دار نا این مخفی دارند والله اعلم بالصواب اما
جهت شهوة نشستن عدد ل ۳ و مثلث و شهوة نشستن حروف
دارا جمله را در سه در سه درج کن در حاشیه تبتانه دفن کن و نشستن
اگر ان بر خلاف او نه شهوة آتش بیشتر شود باید ملاحظه کرد آن که در
تفرات الخ آن و دیگر رها به پنجم دیگر اگر خواهی که کسی را از مقام
خود آواره کنی که از وطن جای دور جنت باشد بلکه عدد آواره
الم تر تا آخر و عدد اسم آتش در مثلث مضروب درج کن
در مقام آتش یا در جای دیگر آتش در ساعت زحل دفن کن که
آواره و پریشان گردد اما از نها مر دو الف زنهار والله اعلم

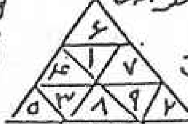
در اخراج و برکردن مربعات

خیر و بیر شرش

خیر و اوراه بیرابیا

دیوان ... [illegible]

[illegible]



و اعمل مثلثات

نیکی از هم گر کنی زین نقش برو
شش جهات آمد ... خانه [illegible]
شکل مخمسه ... [illegible]
نه عدد ... [illegible]
... ز نقش خانه ... [illegible]
شیخ اعداد ... [illegible]
بنویسد ... [illegible]
[illegible]
بنویسد ... تخته در
هر کس ... [illegible]
[illegible]
پس ... [illegible]
این چنین خانه ... [illegible]
... میان ... [illegible]
[illegible]
... وضع ... [illegible]
هم ساعت ... [illegible]
[illegible]

که همه اهل دانش ...
... [illegible]
عدد نقش ... خانه ... [illegible]
خانه ... [illegible]
ششمین خانه ... عدد ... [illegible]
نهمین خانه ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
پس ... [illegible]
... [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... نقش ... [illegible]
[illegible]
[illegible]

مکان ... [illegible]
وضع ... [illegible]
وضع ... [illegible]
... اعداد ... [illegible]
خانه ... [illegible]
... خانه ... [illegible]
... اعداد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و الله اعلم بالصواب

[illegible]

دیگر اگر کسی عدد سلام مؤمن مهیمن بگیرد با عدد اسم شخص
در مربع ثبت کند و با خود دارد از آفات و جنایت ایمن گردد دیگر
اگر کسی عدد علیم و لطیف جمع کند در مربع [illegible] ثبت کند علم او را
بیفزاید و صاحب بصارت و دانا گردد و اگر علم دیگر یا حفیظ
یا ناصر یا معین با اسم کسی عدد درآورد و در مربع ثبت کند در
حفظ امان حق تعالی باشد دیگر اگر آیه نصر من الله و فتح قریب عدد
بگیرد و در مربع ثبت نماید با اسم خود از برای فتح و ظفر باید و خواص بسیار دارد
دیگر در وقتی که آفتاب در میزان بود آیه عداوت را با اسم و با خود
نقل که [illegible] عدد بگیرد و در مربع ثبت کند و در گورستان
دفن نماید دیگر اگر کسی در پیش بزرگی خواهد که جاه و عزت او در وقت
او زیاده گردد اسم خود و اسم شخص و [illegible] نافع
لطیف عظیم با آنکه تعلق با این مطلب دارد در مربع ثبت نماید
در پیش خود نگاه دارد دیگر اگر کسی را قبض و در دست [illegible] خیری
در دست [illegible] باشد و ثبت کند عدد اسم شخص با عدد فتاح
و [illegible] و باسط جمع کند در مربع ثبت نماید در فتح در رزق بروی
گشاده گردد دیگر اگر کسی در غایت فقر بود عدد اسم خود با عدد غنی
مغنی و وهاب نافع با یکی از اینها در مربع درج نماید پیش خود نگاه
دارد دیگر اگر بزرگی که با سلطان ظالم غالب باشد عدد اسم او
با اسم خود با عدد عدل و حلیم و لطیف در مربع ثبت نماید
در ساعت مشتری آن بزرگ را ظلم کم گردد دیگر اگر خواهی ظالم را
مقهور و مغلوب کنی عدد اسم ظالم با عدد قهار و جبار و مذل

جهت علم و دانش

جهت فتح و ظفر

جهت عداوت

جهت جاه و عزت

[illegible]

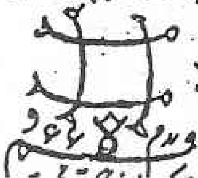
در ساعت زحل یا مریخ در خانه زنگ دور زیر خاک دفن کنی اهل مقهور
و ذلیل گردد و قادر نگردد و دیگر اگر کسی خواهد که زبان کسی را ببندد عدد
صم بکم عمی فهم لا یعقلون و عدد اسم الشخص و این جمله را در مثلث
معروف ثبت کن و در زیر سنگ گران نه زبان آنکس بسته گردد و دیگر اگر
کسی خواهد که کسی را از مرتبه بیندازد و خوار و ذلیل و پریشان کند
بگیر عدد و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی
و عدد اسم الشخص در مثلث معروف ثبت نماید بعد از آن آیه را از رمیت
عدد اسم الشخص بخواند در گورستان جهودان در ساعت زحل یا ساعت
مریخ دفن کن آنکس از مرتبه تنزل کند و پریشان و سرگردان گردد و دیگر
اگر خواهی که ظالم را رنجور کنی چون ماه در طریقه محترقه باشد یا ماه در
عقرب باشد عدد فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا
و با عدد اسم الشخص در مثلث معروف ثبت نماید و با عدد اسم الشخص
این آیه را بر آن بخواند در رهگذر آنکس یا مقام یا گورستان دفن
کند آنکس خراب و بیمار گردد و هر روز که آفتاب جوزا حاصل باشد
درشرف و قمر خوشحال [illegible] سعد نظر [illegible]
از زر سرخ یا برگ [illegible] و زعفران و با گلاب بنویسد دانا گوید
دارد که در نزد جمیع خلایق [illegible] عزیز باشد [illegible]
بنظر آید و محبوب القلوب [illegible] مؤلف القلوب گفته اند و بعضی
گفته اند [illegible]
سعد گشته [illegible] در زعفران بنویسد در میان دستار نگاه دارد
و قوت شجاعت بیفزاید بنظر مردم با هیبت باشد و اگر [illegible]

درساعت زهره بدانکه شش در شش ۳۶ خانه است یک عدد برا ازو
۷۳ شد در نصف ضلع ۶ که ۳ ۱۳ است ضرب کردیم صد و پانزده
باشد و عدد عدل وفقش است چون مکسر المجی تا کیک کند عدد
بگرد ۱۰۵ ازوی طرح کند دانچه بماند نقشش صحت نماید و یک کسر
را در سر دیگر افزاید و کسر را در ۲۵ افزاید سه کسر را در ن ۱۹
افزاید و تمام کند است نیکودار

۳۳	۳۸	۳۵	۳۹	۴۰	۵
۳۲	۲۱	۲۴	۲۷	۶	۷
۳	۱	۲۹	۱۹	۳۰	۳۴
۲	۲۴	۱۶	۱۷	۲۳	۲۵
۲۰	۲۲	۱۰	۱۱	۱۴	۱۵
۲۹	۱۱	۱۲	۹	۱۳	۱۴

دیگر عدد سوره والعصر را با عدد اسم
ومطلوب در مثلث مصری درج و در کوزه
نو اندازد و از آن آب بگورد دل او از
مطلوب باشد دیگری که بسیار مجرب است

دیگر نزلیدا در چهارشنبه در وقت عصر در میان خمیر کند و بدهد تا بخورد دیگر
و باید نام اسم شخص با در آن نوشته که زبان او بسته گردد
دیگر جهت محبت در پیش خوانده و دار و ادو دار



دیگر از جهت محبت
باید خواهد او که بسیار
مجرب دارد و هم دو است
نه نام اسم مطلوب

ح	عشٰبٌ	و
منی	مطلٰ	والقیٰ
له	محبتًا	ب

ب	والقیٰ	له
محبتًا	طا	علیک
و	منی	ح

ه حق تعالی که مالک الملک است ه لیس الملک عزه مالک ه
ه برساند سکند که تا را ه انه تا در علی ذالک
و عدد گرفته در مربع بر نماید دال اسمها رابهم بر که پیر را بر از دورنمایی
یا قادر یا ملک یا مقتدر یا مقلب القلوب و لا نصابا

جهت دوالسرب

جهت عقد تب

جهت محبت

جهت محبت

۱۲۸	۱۴۲	۱۵۶	۱۷۰	۱۸۴	۱۹۸	۲۱۲	۱	۳۰	۴۴	۵۸	۷۲	۸۶	۱۰۰	۱۱۴
۱۴۴	۱۵۸	۱۷۲	۱۸۶	۲۰۰	۲۱۴	۳	۱۷	۳۱	۶۰	۷۴	۸۸	۱۰۲	۱۱۶	۱۳۰
۱۶۰	۱۷۴	۱۸۸	۲۰۲	۲۱۶	۵	۱۹	۳۳	۴۷	۶۱	۹۰	۱۰۴	۱۱۸	۱۳۲	۱۴۶
۱۷۶	۱۹۰	۲۰۴	۲۱۸	۷	۲۱	۳۵	۴۹	۶۳	۷۷	۹۱	۱۲۰	۱۳۴	۱۴۸	۱۶۲
۱۹۲	۲۰۶	۲۲۰	۹	۲۳	۳۷	۵۱	۶۵	۷۹	۹۳	۱۰۷	۱۲۱	۱۵۰	۱۶۴	۱۷۸
۲۰۸	۲۲۲	۱۱	۲۵	۳۹	۵۳	۶۷	۸۱	۹۵	۱۰۹	۱۲۳	۱۳۷	۱۵۱	۱۸۰	۱۹۴
۲۲۴	۱۳	۲۷	۴۱	۵۵	۶۹	۸۳	۹۷	۱۱۱	۱۲۵	۱۳۹	۱۵۳	۱۶۷	۱۸۱	۲۱۰
۱۵	۲۹	۴۳	۵۷	۷۱	۸۵	۹۹	۱۱۳	۱۲۷	۱۴۱	۱۵۵	۱۶۹	۱۸۳	۱۹۷	۲۱۱
۱۶	۴۵	۵۹	۷۳	۸۷	۱۰۱	۱۱۵	۱۲۹	۱۴۳	۱۵۷	۱۷۱	۱۸۵	۱۹۹	۲۱۳	۲
۳۲	۴۶	۷۵	۸۹	۱۰۳	۱۱۷	۱۳۱	۱۴۵	۱۵۹	۱۷۳	۱۸۷	۲۰۱	۲۱۵	۴	۱۸
۴۸	۶۲	۷۶	۱۰۵	۱۱۹	۱۳۳	۱۴۷	۱۶۱	۱۷۵	۱۸۹	۲۰۳	۲۱۷	۶	۲۰	۳۴
۶۴	۷۸	۹۲	۱۰۶	۱۳۵	۱۴۹	۱۶۳	۱۷۷	۱۹۱	۲۰۵	۲۱۹	۸	۲۲	۳۶	۵۰
۸۰	۹۴	۱۰۸	۱۲۲	۱۳۶	۱۶۵	۱۷۹	۱۹۳	۲۰۷	۲۲۱	۱۰	۲۴	۳۸	۵۲	۶۶
۹۶	۱۱۰	۱۲۴	۱۳۸	۱۵۲	۱۶۶	۱۹۵	۲۰۹	۲۲۳	۱۲	۲۶	۴۰	۵۴	۶۸	۸۲
۱۱۲	۱۲۶	۱۴۰	۱۵۴	۱۶۸	۱۸۲	۱۹۶	۲۲۵	۱۴	۲۸	۴۲	۵۶	۷۰	۸۴	۹۸

۷۲	۱۷	۳۸	۷۶	۲۲	۳۹	۳۰	۵۴	۱
۲۳	۵۰	۷۴	۸	۲۹	۵۵	۳۵	۷۱	۱۴
۵۷	۲	۲۶	۱۶	۴۳	۷۰	۵۱	۷۷	۳۲
۱۳	۴۰	۶۴	۲۰	۴۴	۶۱	۴۲	۷	۸۲
۳۷	۶۸	۲۷	۸۵	۴۱	۴	۴۶	۱۲	۲۹
۶	۳۳	۴۰	۳۱	۴۷	۱۲	۷۳	۱۹	۵۳
۸۷	۴۹	۱۱	۵۲	۷۵	۲۴	۳	۲۴	۵۹
۷۹	۲۱	۵۳	۵۶	۹	۳۲	۱۰	۴۲	۴۵
۲۱	۴۸	۵	۴۳	۱۵	۲۸	۳۶	۳۴	۶۰

قواعد کلیه که ما چند مثال بیاوریم که تا مبتدیان را احتیاج در کار نباشد

و این قاعده در همه جا جاری خواهد شد در مربع و مخمس و مسدس و مسبع تا
هزار اندر هزار اما از ما اهل تحقیق داریم با آنکه خواستیم مثلاً مربع که
کنیم از وزن تکسیر ابجدی بدین طریق است

مربع اول

ا	ب	ج	د
ج	د	ا	ب
د	ج	ب	ا
ب	ا	د	ج

خواستیم که از وزن این تکسیر مربع عددی
پر نماییم نوشتیم که هر یک حرف را ده شمرده است
و حروف دیگر هم از ابجد نسبتها اضافه نماییم
بدین طریق

مربع دوم

ا ا	ب ج	ج د	د ب
ج ب	د د	ا ج	ب ا
د ج	ب ب	ج ا	ا د
ب د	ا ب	د ا	ج ج

که مقطع مربع باشد چنانکه بیاوریم از [illegible]
که میزان این عمل الف است که با جزای دیگر تکرار با حروف مرتب و آمدیم که این را العدد
پس میزان دیگر مربع باز با طرف [illegible]
که عدد شماره از اول مربع که الف است تا آخر مربع عدد شانزده تمام شود
بدین طریق

مربع سیم

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

و بعد از آن میخواهیم که از آنها
عدد برداریم در مربع دیگر پر نماییم با مربع
دیگر کشیده که مربع که هم کجا را با هم برد که
که در اول خانه مربع که الف نوشته عدد الف
یک الف ~~یک الف~~ مثلاً خواستیم که از یک یک برداریم از آن که مربع
سیم نمودیم عدد از آنکه دیگر [illegible] بود او را در مربع درج نمودیم
~~[illegible]~~ و آمدیم [illegible] در آنجا که ب و یک ج نوشته
شده بود و عدد [illegible] و عدد ج [illegible] خواستیم که از کدام عدد
~~[illegible]~~ برداریم آمدیم در مربع سیم در آنجا ده عدد بود او را برداشتیم

درخانهٔ دوم مربع نهادیم آمدیم بخانهٔ سیم و در آنجا ب ج دیدیم عدد
عدد ج سه است و عدد د چهار است و از سیم عدد چهارم برداریم رجوع
مربع سیم نمودیم در آنجا پانزده نوشته بود او را در خانهٔ سیم مربع
ثبت نمودیم آمدیم در خانهٔ چهارم در آنجا که عبارت از مربع دوم باشد
الف ب ت نوشته شده بود عدد د چهار است و عدد ت دو است
خواستیم عدد کنیم و از چهارم عدد دوم باید برداریم رجوع مربع سیم
نمودیم و در اینجا هشت عدد نوشته شده بود و در خانهٔ چهارم مربع
درج نمودیم بدین طریق مثلث

مربع چهارم

۶	۱۵	۱۰	۱
۳	۹	۱۴	۷
۱۳	۴	۳	۱۲
۱۱	۳	۵	۱۳

و در همه جا همین را باید ... از باید
که رد نمودیم اما از جدول نامحرم مخفی دارید
و در هیچ نسخه ندیده بودم تنها شد و التماس دعا
دارم والله اعلم

جهت محبت

دیگر این آیه را بر شیرینی چهل روز بنویسد بخورد هر کس که دهد از محبت سوزان گردد
اندادا فی صحف مکرمة مرفوعة مطهرة یحبونهم کحب الله والذین آمنوا
اشد حبا لله و لو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله
جمیعا و ان الله شدید العذاب الحبکم بالله چنانکه عالمه را در چشم و دل
حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله شیرین کرد اسمی ۲۲ را در چشم ۲۲ عزیز گرداند

احضار قوی مجرب

یا غیاث المستغیثین یا ضیاء الهاجرین دیگر بلا احصا ذکر انه مجرب یا
انا لیسین الیواس ان را الحروف مقطعه بر حدید نویسد و نزد
که احضار ... ۲۲ بن ... بهذه المکان لفلان ۲۲ در آتش اندازد و باید که مراد
سنگ و نبات ... عامل گفت که ... جهت احضار مجرب شده والله اعلم

جهت ...

دیگر سه آیه را اجزا نوشته عدد دیگر در ... بسم الشفق و ... گرده

هو صحیح

۲۰۶

۱۲۰۵

در فقره اخری من تلک در آیه ای که او کرده است که اذا دل فاخرج منها

فانک من الصاغرین اخرج منها مذءوما مدحورا ۲۰۲

۱۳۸۴ اخرج منها فانک رجیم قواعد صفحات جفر جامع که

خواهند که صفحات جفر جامع پر کنند باید که عدد آن صفحه گرفته شود و مربع پر کنند

دو دایره آن صفحه درج باید نمود بدین طریق باید عدد گرفته مثلا صفحه جفر ما

بود در اول فاتحه صفحه ب ۱۱۱ باید نوشته شود و عدد ب و الف را گرفته

که عدد ۳ شد و سه را زیر ۴ ۸ ۷ که عدد خاتمه صفحه است ضرب کنیم

بدین طریق ۷ ۸ ۴ و این عدد برابر افزودیم ۳۳۵۷۲۰

۲/۱	۲/۳	۱/۲

۲ ۲ ۲ ۲

این شد ۳۳۷۰۷۲ و این را بس عدد طرح نمودیم

و ثمره تقسیم بعد از قسمت این شد ۸۴۲۶۰ و این عدد دیگر دارد

این عدد را در خانه اول مربع گذاشتیم و دیگرش را در خانه ها نهم اضافه کنیم

تمام کردیم والله اعلم بدانکه مقالات در اینجا فاتحه اسمه تعالی را ذکر کرده

بر یک طرز و قاعده طبع نقل از ارباب نهم و دانش پوشیده نماند که حضرت حق سبحانه

و تعالی سمکم که آیه را ذکر قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة مراتب عالم

در مراتب این عالم تفویض بانسان کامل کرده است که عبارت قطب را دارا و بدل

در صفات الغیب عبارت از این است و انسان نمود و هو الذی جعلکم خلائف

الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات در عالم اشرف میفرمایند تا قیام قیامت

در حضرت قطب المرشدین شیخ محی الدین اعرابی قدس سره در ۵۰۰ دفتر از فتوحات

در چند کتب متفرقه از تصانیف خود شرح حال آن بزرگان دین نموده است

نزد مولانا که گفته اند که قطب الاقطاب که حضرت عبارت از دولت و رکن

منظم شرف القطب ساکن است و بلا و ماه غیب که جنبه مصالح عالم در کبر

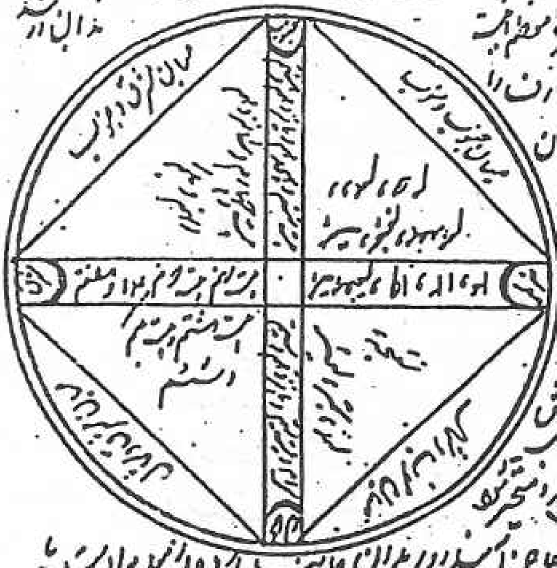
ایضا

حضرت ابن عربی شیخ

و بر متفرقه اند تقلیدیت و ما بی به ولایتی که ایشان را کرامت بشده حق ما رسید و نیت
صبح باز کلمه اسعظیمه ابتدای فی لفظ جمیع و فراغ اوراد از نظر قطب اطراف و
اکناف عالم و دو ملاحظه با جماعت المقدم کرّ لطف خود مشرف گردانند و از ایشان بعضی
هم با اسم بهار ان اند که ایشان را هفت تنان خوانند و ایشان نیز قطب حضرت
ابراهیم پیغمبر ۳۳ که حیات اهل عالم بوجود شریف ایشان است که ایشان را ابدال
خوانند و ایشان عالم را به هشت قسم کرده اند چنانکه در این دایره است و هر روز
از روزهای ماه در جهت از جهات عالم بالستند و نظر در جمیع جهات عالم کنند و
فیض و مدد باهل عالم رسانند خاصه بکسانی که از ایشان استمداد نمایند طریق
استمداد در این دایره گفته شده است ان شاء الله تعالی و تقدس جل جلاله و عم نواله
که کرم و لطف او عام است توفیق رفیق گردد و مراد دل بر آید و بحصول انجامد

بدان ای عزیز

ان شاء الله تعالی دایره مذکور اینست



بدانکه چون عارف را
معلوم شد که ایشان
در هر روزی از روزهای
ماه در کدام جانب اند
پس در هر وقتی از او
قات که او را مهمی پیش
آید یا در کاری عاجز و متحیر شود
چنانچه از نظر ایشان حاجت آید رو بدان جانب کرده که معلوم است با
تضرع و خشوع هر چه تمام تر باشد و اول بروح پر فتوح حضرت سید کائنات و خلاصه
موجودات صلوات فرستد و بعد از آن این کلمات گوید السلام علیکم یا رجال

الغیب السلام علیکم یا ارواح المقدسه اغیثونی
بغوثة وانظرونی بنظرة یا رقبا یا نقبا یا نجبا یا ا
بدال یا اوتاد یا قطبا یا غوث اغیثونی بحرمت محمد المصطفی
صلی الله علیه وآله وسلم و بحرمت حضرت علی رضی الله و اولاد آن بزرگوار علیهم السلام آنگاه
پشت با میل بجانب ایشان کند همچنانکه کسی را تکیه و پناه بچیزی باشد و چنان
در خاطر آورد که استظهار این فقیر در مبارزه با نجاست مراد مرا روا سازند و
نظر از من عاجز باز نگیرند و من مسکین را با رنج نسپرند آنگاه هر مهمی که داشته باشد
روا کند که اینها والله تعالی حضرت حق سبحانه و تعالی مهمات و مرادات مرا کرده خیر
گردانند و از ایشان بانواع فیض مستفیض شوند و چون بادشاهی در جایی نرفته بود و در
مصاف با حفظ کنند اگر ایشان در پیش بطرف ایشان باشند که در آن جنگ شکست
و الا نه شکست خواهند یافت و اگر احیانا یافت و پیش بطرف دیگر باشند و باد
اگر در عقد جنگ کنند که اینها والله شکست خواهد یافت و فتح از طرف ایشان
خواهد بود و در وقت نماز نیز بهمین طریق و اگر ترتیب نسب ایشان اندازند
البته خطا باشد و همچنین بجهت جمله مهمات این قاعده را رعایت کنند
تا بجمیع مقاصد و مطالب برسند و از خانه بجهت هر مهم و هر کار
که بیرون رود رعایت بطرف ایشان کنند و تکیه بجهت دست طلبند به انشاء الله
مراد حاصل شود و اگر ممکن نباشد البته راه بگردانند تا آن مقصود برسند
و این قاعده را مدام مرعی دارند که اینها والله تعالی کل مرادات دینی و دنیوی
اتفاق برآورده شود که در و بالله التوفیق و علیه التکلان والله اعلم بالصواب
دیگر اگر خواهی بارانی بیاید از نسخه آنکه کاغذی و دوات نسخه بر سینه
جواب گوسفند و مرغ که دارای ... می باید که اول غسل کند و دو فطور سازد

جهت نسخه

تیار

برای احضار پادشاه جن و تحقیق گفتن با او

جهار رکعت نماز بگزارد و صلوات بر حضرت محمد المصطفی صلوة الله و سلامه علیه بدهد
و بعد از آن هم سنگ مصحف ایت یاری در طاس سفید بریزد و نقره هم در طاس
اندازد و قل او حی را تا فزادهم رصدا از این دعوت هشتاد مرتبه بخواند
و سی و یک طاس سفید بارشادی در طاس آید با صاحب دعوت سخن گوید
و هر مطلع که بپرسد جواب نیکو دهد و دعوت که با آن او حی خوانده شود این است
اللهم احضر عندی سلاطین الجن و ادخلهم فی
طاس و کلمهم معی بحق ذاتک و صفاتک یا قدیم
یا حلیم و بحق حبیبک و اولاده و الده و ازواجه
و اصحابه یا احد و تر یا مقتدر یا حکیم دیگر

ختم عزیمه

باب از شمس الدین فرموده است که هر کاه کسی هفت روز روزه بدارد و در
این هفت روز بیت و حیوانی نخورد و هر روز چهل مرتبه این اسما بخواند

بحمل مرطاس و جلب الدرهم

یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف یا ثابت یا
جبار یا فعال یا خلاق و در روز هشتم این مهر را در زر سیاه
بهند و هزار بار یا فعال یا خلاق را بخواند و آنکه در زیر سجاده بسند
بردارد و خرج نماید و این مهر را در کیسه بهند و چهل مرتبه در دست گرفته
مهر برکیسه بخواند یا فعال یا خلاق یا اسود و این مهر را در علم الا
سم از چهل مرتبه نباید گفت تا مدام عمر خود این مهر را و صفت را الصدق



باید از برای شمس الدین فاتحه بخواند
و مهری که مذکور گشت این است
شمس الدین را فاتحه اخیر بار
نویسد والله اعلم بالصواب

دیگر آواره کردن حیوان از مقام و شهر نام المس و ما در کن جمع نمای ورد و نما وصا نبهان

مناسب ح ۱ د ۸ ماه ۵ ده و ۷ مه ۶ و ۱۲ و ۱۱ الد ۱ ما ۵ و ۷

له ۳ و ۴ لو ۱ و ۲ و ۷ در صورت برجهای مناسب ۴ و ۶ و [illegible]

ی ا ح ب و ب ع و ۵ و یا سایه است از نظران [illegible] هر دو له

و ع حرف اقتا ر [illegible] بر اساس ۱۲۰۰ اضافه بر کاغذ نویس و

بر جای [illegible] بندد و بردن نهند و راه کند نوع دیگر لوم [illegible] بر اساس

۱۰۴۵ اضافه در کاغذ نویس [illegible] میان کرت شهر [illegible] از آب

[illegible] است نوع سیم لوم [illegible] بر اساس ۱۱۵۰۰ اضافه

بر کاغذ نوشته در قبرستان یهودان دفن کن نوع چهارم لوم چهار [illegible]

بر اساس ۲۲۰۰۰ اضافه در کاغذ نوشته در زیر عصفور بندد

در راه کند نوع پنجم [illegible] بر اساس ۹۵ م اضافه [illegible] در کربلا

نوشته در حجاز [illegible] در کفن کرد در خانه دفن کند

نوع ششم بر اساس ۷۷۰۴۴ اضافه در کاغذ نویس در ره

[illegible] دفن کن من الله [illegible] کوزه [illegible]

[illegible] خدا را [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله ولا غالب الا هو الذی

لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء ولا

[illegible] ایاک نعبد و ایاک نستعین لقد جاءکم رسول

من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم

بالمؤمنین رؤوف رحیم فان تولوا فقل حسبی

الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

جهت آواره [illegible] حیوان

آوارگی حیوان

نوع دیگر آوارگی

نوع دیگر

نوع دیگر آوارگی

[illegible]

من الهاب لنقد اول الساری وا خذ اول الغنم و یقرا علیه الم سجده سبع مرات و تقول
السار ... تسع ... و وضع فی ازاه جدید و لیده را اسمه و بدین فی موضع مظلم
قواعد کلید قاعده است قاعده کلیه در شرح گنوز و حروف نوشته شده و
عدد آن ... و طلسمات و غیره که از تطبیق حاصل گردد و اسم او این نهار در کرده
انکس که گیران رموز ناکسی در مسایل بنهند اگرچه در کتب بسیار شرح داده اند اما
اسیده دانسته اند تا هر جاهلی بدان نرسد و فاش شد اول باب ...
حروف اجهار ... اسم که ... بدین طریق است
قسم اول حروف ا و ی ل م ن ع بار حروف ج ز ک س ر
ت ح البته حروف ... ت د ص ظ ... حروف ... ط
ع ص ق حروف ... ج ... مشتری ... مریخ ... ک
... شمس ... زهره ... عطارد
... ح ط ق ... پس خواستیم عمل ...
تقسیم حروف طالب م ح م د ان ف ا ط م ... ع ی ...
... م ل ک و حروف کوکب مطلوب مریخ ی ل ... ح ...
... بهلوی هم دیگر بنهند و یکحرف از اسم مطلوب در پهلوی هم بنهند
و از آن بار برگیرد بر پهلوی هم بنهند و از آن خانه برگیرد و در پهلوی
هم بنهند و بعد از آن یکحرف الف ... و یکحرف از بار و یکحرف از ...
و یکحرف از خانه در پهلوی هم بنهند تا کلمه گردد و اینکه ... تا آخر
جمله حرفها بر هم بنهند و عزیمت شود و ... آن ... اند تا موکل
حاصل شود و آن طلسم باشد ... تا ... بنام آنکس
که همه وقت بکار آید و در عمل ... آن ... در دوا ... که ... کنند

دیگر اگر خواهد که این دو حرف فالی در شش پهلو حروف آن در عقب نهند
پهلوی یکدیگر نهند و باز در دنباله نهند و اگر خواهد که الف تنها و باز تنها
و خا و ثا تنها و پنج حرف همه دیگر و شش همه دیگر بگیرد و با هم نهند
و الف پنجم یکدیگر بگیرد و در پهلوی هم نهند دیگر و سیم ملازم یکدیگر گرفته
باشند و پنجم همه دیگر فرستند باشند فی الجمله هر دو از ده نوع بر هم تا آن نهند
و در دهن و جمع بست دیگر از کسی این اسم را بر بیاض که سوراخ
نداشته باشد بنویسد بنام هر کس که بخواهد در آتش اندازد حاضر شود
و بکار حرام نکند اللهم یا اکثل اکشروا لبتیخ اشما
اشقونا دیگر مروی است از امیرالمومنین و امام المتقین جامع علوم الاولین
والاخرین غالب کل غالب علی بن ابی طالب علیه السلام انه قال من قراه
سوره الفاتحه الکتاب علی هذه الوجه یسر الله تعالی جمیع مرادات من الدنیا
والاخره و یسخر له قلوب جمیع بنی آدم و دفع عنه البلاء و زلات الدنیا
والاخره فیکون القراء فی کل یوم مره واحده و روی عن شیخ النبی
من داوم بقراه فاتحه الکتاب علی هذه الوجه لا یحتاج الی احد من حوائج
الدنیا والاخره و یفتح الله ابواب الخیر والسعاده من لدنه انه [illegible] فقد
لکن قبل قراه فاتحه الکتاب الفقراء اعتصام فاتحه الفقراء
مع فاتحه و بعد [illegible] لقرائته و اعتصام فاتحه الفقراء [illegible] فاتحه
من قول امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام اعظام
بسم الله الرحمن الرحیم یا حافظ یا ناصر یا معین یا اول
یا آخر یا مبین یا ظاهر یا [illegible] یا مالک یوم الدین
ایاک نعبد و ایاک نستعین بسم الله ما شاء

مساعيك إلهي كيف أصدر عن بابك بخيبة منك وقد وردته على ثقة بك وكيف تؤيسني من عطائك وقد أمرتني بدعائك وها أنا مقبل عليك ملتجئ إليك باعد بيني وبين أعدائي كما باعدت بين المشرق والمغرب واخطف أبصارهم وحزّ لي أكبادهم وادفع عني شرهم وضرهم عن سورة قدسك وجلال مجدك إنك أنت الله معطي جلائل النعم المجللة المكرمة لمن ناجاك بلطائف رأفتك ورحمتك يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والإكرام يا أرحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

دعای مجرب جهت فتح و گشایش کارها در دکان یا در خانه بیاویزند

بسم الله الرحمن الرحيم يا رب الفتح والفرج يا رب الفتح والفرج يا إله الفتح والفرج عجّل الفتح والفرج سهّل الفتح والفرج يا فتاح الفتح والفرج يا مفتاح الفتح والفرج يا فارج الفتح والفرج يا صانع الفتح والفرج يا غافر الفتح والفرج يا رازق الفتح والفرج يا خالق الفتح والفرج يا صاحب الفتح والفرج برحمتك يا أرحم الراحمين

اللهم إني أسألك

ختم بهلاکت دشمن

دیگر بجهة هلاکت دشمن دین مبین مداومت نماید مجربست

اللهم شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و قرب آجالهم و قصر اعمارهم و بدل امنا لهم فاشغلهم بابدانهم و قل بهم آخذة عزیز مقتدر

سیصد بار بگوید یا قهار سیصد و سی بار بخواند یا منتقم

بجهة هلاک دشمن یا اعدا هلاک یا ضیاع تحفه مثلا کفو که ترا فراموش کنند والله اعلم دیگر خواجه عبد الخالق و خواجه بهاء الدین نقشبند و خواجه ابو یوسف همدانی و سلطان بایزید بسطامی و شیخ ابو منصور و شیخ ابو الحسن خرقانی رحمهم الله از برای مهمات مشکل ایشان و رفع دشمن و شر دشمنان و بد گویان و غمازان از برای دفع زوال نعمت و دولت و از برای خلاص از بند و زندان و از برای معظم شدن در پیش پادشاهان و از برای رفع زنده شدن و دفع بیماران و فتنه آخر الزمان هر که این ختم را بکند خدای تعالی مطالب او را بر آورد و حق او را ضایع نکرداند و بخشیدن از اوصیا این ختم را کرده اند و مراد ایشان بر آمده است ختم اینست اول هفتصد بار سوره فاتحة الکتاب بخواند و هم صد بار صلوات فرستند سیم هفتصد بار الم نشرح بخواند چهارم هزار و یکبار سوره اخلاص بخواند با بسم الله و دیگر هم در ختم هفتاد بار فاتحة الکتاب بخواند و صد بار صلوات فرستند از بهر روح ... و حاجات او بر آید والله اعلم بالصواب

ختم بجهة ...

ابکر با لیرکو الکب بدین مرحب الت شمس ... ابره ...
عطا زد رنان ... رنان ... افل
دل بردن ... والله اعلم
و مکرده آیه محبت الت بسم الله الرحمن الرحيم
وألقيت عليك محبتا مني ولتصنع
على عيني إذ تمشي أختك فتقول
هل أدلكم على من يكفله فرجعناك
إلى أمك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت
نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا
آیه دوم زين للناس حب الشهوات من
النساء والبنين والقناطير المقنطرة
من الذهب والفضة والخيل المسومة والأ
نعام والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا
والله عنده حسن المآب آیه سوم قل
إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم
ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور الرحيم
آیه چهارم يحبونهم كحب الله والذين
امنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين
ظلموا إذ يرون العذاب أن القوة لله جميعا
وأن الله شديد العذاب آیه پنجم قد
شغفها حبا إنا لنراها في ضلال مبين

الایه تم فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب
المتوکلین الایه تم یحبهم و یحبونه اذله علی
المؤمنین اعزة علی الکافرین الایه تم و یحبون
ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة
من العذاب و لهم عذاب الیم الایه تم فقال
انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی و اغنا
الایه تم و اخری یحبونها نصر من الله و فتح
قریب و بشر المؤمنین و صلی الله علی محمد
و آله اجمعین اللهم الف مودة ۲۲۲ علی قلب
آدم و بنات حوا صغیرهم و کبیرهم و ذکرهم و
الانثی و خاصنا و عامنا و رعیتنا و سلطاننا
و سلم تسلیما کثیرا کثیرا برحمتک یا ارحم الراحمین
و سجاده ... این آیه را هم نوشته الله ابجت
لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت
بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم
و ... با ... هزار و صد و ... ذلک ... الی ...
روز ... از روز ... تا ... تمام ... و ...
حق ... با ... و ... که ذکر شد ...
... یا علی ... یا علی ... یا علی
یا علی ... یا علی ... یا ...
از جهت ... مطلب ... و ... خزانه ... مطلوب ...

ختم ...

در بیان عدد بعضی از آیات و سور قرآنی

عدد آیات قرآنی و غیره بسم الله الرحمن الرحیم عدد جمل بسم ایت
۸۸۱۹۷ عدد سوره الم تره کیف بسمله ۵۸۶۶ عدد آیه اللهم لیس فی
السموات دورات الی آخر ۵۱۶۲۷۳۴ عدد قل اللهم ۱۶۸۷۱ عدد
کلمه اسماء الحسنی ۹۹ است مع زیارت رب مبین محیط کافر مع آخر لیس
۶۸۵۱۳۴ عدد سبحان الذی ۱۶۰۹۲ عدد صم بکم عمی فهم لا یعقلون
۷۳۴ عدد ابجد ۵۹۹۵ عدد حروف قرآن با آیه ۴۹۲۹۹
عدد سوره والشمس ۱۱۴۳۷۰ سوره یس ۲۳۱۹۲۴ عدد
رب للناس ۹۱۵۸ عدد یا من لا یعلم الا هو کیف هو و ما این یعرف قدر
الا هو فرج عنی ما انا فیه ۲۲۶۶ عدد و ضرب لنا مثلا الی ترجعون
۲۲۹۶ عدد آیه الله نور السموات والارض الی بکل شیء قدیر ۱۴۰۶۱
عدد قال عفریت من الجن تا مسلمین ۱۴۲۹۶ عدد لقد جائکم الی
عرش عظیم ۱۰۷۸۱ عدد عسی الله ان یکف ۳۶۴۴ عدد انه
کتب الجبر لشدید انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم تا الی مسلمین
۳۸۲۸ عدد سوره اذا زلزلت با بسم الله ۱۸۱۶۷ عدد والقت منه
محتاج من ۱۱۱۷۶ عدد قل ان کنتم ۵۸۱۰ عدد للقضاء بین للناس صحیح
۹۱۵۹ عدد للقضاء لقد جائکم صحیح ۲۸۹۸ عدد والف بین قلوبهم
۱۳۷۳ عدد فقال انی احببت الی اعناق ۲۲۴۵ عدد وقال
نسوة الی مبین ۹۳۶۹ عدد فوف بأس الله الی کافرین ۲۱۴۲
عدد ربنا آتنا جامع الناس ۲۰۲۸ عدد انما کونوا ما نکم الله
الی قدیر ۲۱۵۰ عدد والقضا ۳۳۳۷ عدد فی قلوبهم مرض
فزادهم الله مرضا ولهم عذاب عظیم ۱۳۴۴ عدد سوره والعصر الی آخر

[illegible]

۴۷۳۲ عدد انه من سلیمان تا المسلمین ۲۵۳۷ عدد ابجد الذی
ایدت [illegible] عزیز حکیم ۵۱۰۱ عدد آیة الکرسی ۱۴۰۶۹ عدد اذا جاء
نصر الله ۶۹۱۰ عدد ربنا انی مغلوب فانتصر ۲۱۶۲ عدد آیه [illegible]
ان ربکم الله الذی [illegible] ۱۳۴۶۷

فائده /
برای رفع باز نیامدن موی در سر یا صورت پوست [illegible] را بسوزانند
سپس با روغن زیتون بیامیزد بر موضع بی مو که بمالد
موی بیاورد.
نوعی دیگر /
بگیر رنگ کبود قدری و زرنیخ قدری و زاج سفید قدری
و مازو قدری و با قدری دنبه بیامیزد و بساید پس بر
موضع خاص بمالد که موی در آورد.

در بیان بعض از خطوط قدیمی

حروف قدیم [illegible]
حروف اصلی ض ظ ع غ ف ق ک ل م و
[illegible]
[illegible] ج [illegible] ث ت ب ا [illegible] ح خ
د ذ ر ز س ش ص ض [illegible]
ط ظ ع غ ف ق [illegible]
ک ل م ن و ه ی [illegible]

فایده اوراد ایام هفته که شیخ بهاء الدین علیه الرحمه بجهت شاه جنت مکان شاه دین پناه
طهماسب نوشته که بدان مداومت می‌نمود خواص این اوراد آنست که هرگاه با ملاحظه مداومت
نماید عجایبات بسیار مشاهده نماید از خواص این اوراد کفاره گناهانست و نزدیک است
در روا شدن حاجات و یافتن مرادات و حاصل کردن دین و دنیا و گفته است
هر روز ورد آنروز صد نوبت بخواند هر روز در هنگام قرائت سخن نگوید و هر روز قبل از شروع
در اوراد این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت ربی
الْمُتَعَزِّزُ بِالْكِبْرِيَاءِ الْمُتَفَرِّدُ بِالسَّمَاءِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْقَاهِرُ يَا رَبَّ
الْمَلَائِكَةِ تَسْجُدُ لَكَ بعد از آن شروع اوراد نماید و اگر مراد عزت
و شهرت باشد ابتدا از روز یکشنبه نماید یوم یکشنبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ
الْحَقُّ الْمُبِينُ یوم دوشنبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَزِيزٌ جَلِيلٌ يَا عَزِيزُ يَا
جَلِيلُ سه‌شنبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا چهارشنبه
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا مُخْلِصًا پنجشنبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِقُ
كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ جمعه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ یوم شنبه لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

(حاشیه: حتمی باید جهت برآمدن حاجات دینی و دنیوی و دفع بلیات)

در آخر جمعه رمضان المبارک در کاغذ زرد نوشته در کیسه نگاه دارد و تجربه است
و در پشت مثلث مربع باید زد و اول مربع را از بیت الله الحرام تمام نماید
و نقش صد و ده خواهد شد و آن نقش
مثلث که خانه آتش است باید نوشت به
اجلب علی فلان بن فلان ...

(حاشیه: مجرب ... از ...)

۱/۱	۳/۱	۶۰
۱/۲	۲/۳	۳/۶۰
۴/۲	اجلب علی ...	۳۰

ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین

از اهل تجربه منقولست که یکهفته هر روز [illegible] دشمن حیوانات گردم
و هر شب [illegible] از طلوع صبح صادق هزار بار این اسم باری تعالی را یاد کرد
هنوز یکهفته تمام نشده بود که ملک تزلزل پیدا شد هزار دینار یا زر زیر
بالین نهاده دیدم چون روز شد دیدم دو هزار دینار شده بود اسم اینست
یا حی یا قیوم اهیا شراهیا هفوش قراء تقطیر
تفش اغیر بلا والمرود نم نا نفذ والا تنفذون الا
بسلطان . از برای محبت بنویس بر تخم مرغ و پاره از جامه [illegible]
بر پیچد و نام [illegible] یاد کند و پیچیده را در زیر آتش افکند بیقرار گردد زنهار [illegible]
[illegible] بر درب [illegible] مجرب است [illegible] است

۵ ۱ ۱۱ ۲ ۹ ۱ ۵ ۸ ۶ ۸ ۱۱۱ ۳

از برای محبت هر کس این آیه را بر گل بخواند و باد بر گل [illegible]
و بدست هر کس که خواهد بدهد که بو کند شیفته او گردد و آیه اینست
الف بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم
اگر کسی بی خرج باشد و خواهد که خرج از برای او پیدا گردد این حرفها
بر چهار طرف خود بخواند و بر خود دمد البته خرج او از غیب پیدا
شود مجرب است — مشرق: عبد الرحیم — جنوب: عبد الجلیل — مغرب: عبد الکریم
شمال: عبد الرشید
هر که خواهد که حضرت رسول صلعم را در خواب ببیند باید
این دعا را در شب جمعه بنویسد در زیر بالین نهد بعد از آن بخوابد
بخواند و تکیه کند البته در آن شب حضرت رسول صلعم را در خواب
ببیند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا رحمن

طریق [illegible] — از دنیا — ازرق — خزانه غیب — مجرب — محبت — خرج — پیدا کردن رزق از خزانه غیب — دیدن جمال با کمال حضرت رسول صلعم

یا رحیم یا حی یا قیوم یا حنان یا منان یا بدیع السموات والأرض
یا ذا الجلال والاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین
چون کسی بر آدم تشویش رساند وخواهد که او را در دفع تسخیر در
آورد و در جبه او را با علال تسخیر بکند باید که مندلی بکشند
کسی را در میان مندل بنشانند وچهار کارد در چهار گوشه
مندل بزنند وطاسی از برنج پیش خود بنهند وکارد بدست
گرفته بر طاس بزنند وعزیمت بخوانند وبیمار را چادر در سر کشند
در مندل بنشانند واین کلمات را بر کف دست بیمار بنویسند
وکلمات اینست ششکلی هی شعص مبرش منی
وچون فرمان ببرند دیر جا ظاهر شوند این اسما وعظیمه را بخوانند
در آن عت جا ظاهر شوند اینست فقهم تکلم ایتها الارواح العا
صية الفاسقة اطعة وسمعت بحرمت الأسماء
الخاتم سلیمان بن داود وهو الملك الجن والسیا
طین باذن الله وتعالی لسم المکنون المخزون ا
لقاهر القهار الاعلا وحبيب الضعفاء الباقي
القادر الاصل الجمل السميع العليم الخبير البصير
وهر گاه خواسته باشند آن جن که ظاهر شده بگیرند
در شیشه کنند این کلمات را بخوانند وآن جن مطیع گردد در
شیشه رود تا ما ولی که بیمار صحت یابد رخصت الصراف
باید وکلمات که بخوانند در آن حالت اینست عزمت علیکم
بنور النور المنور حلت منه النور وصد الجبال

در احضار کردن جن عاملی

در اراده احضار جنیان عاملی

المتكبر الجبار الذي يرى وما يرى وهو بالمنظر الأعلى وخلقه بالأرض السابعة السفلى وما كان تحت الثرى كما دخلت في القارورة لبث فيه أصحاب الكهف ولبثوا في كهفهم ثلاث مائة واذ داد وا

تسعا وسوم بر سر شیشه زیاده و سوزن فولاد بر سر سوم فرو برد

واین کلمات را بخواند یا معشر الأعوان بحق فانه اینهم بعداً فانه ششم بعداً فانه چهارم بعداً فانه دهم بعداً فانه سیزدهم بعداً فانه سیم بعداً فانه دویم بعداً فانه هشتم بعداً فانه دوازدهم بعداً فانه نهم بعداً فانه

یازدهم باین طریق مربع اینست

از ... [illegible] ٣ در ...	از ... [illegible] در ...	الم ١٤ ٣ در ...	از خانه اول ٥ ٣ در خانه اول
الم ١٣ ٣ ٧ در ...	الم ٣ ٤ در ...	الم ٧ ٣ در ...	الم ١٢ ٣ در ...
الم ٣ ٢ ٧ در ... ١٢	الم ١٥ ٣ در ... ١١	الم ٩ ٣ ٣ در ... ١٠	الم ٥ ٣ در ... ٩
الم ١٠ ... در ...	الم ٥ ٣ در ... ١٥	الم ٢ ٢٨ در ... ٣	الم ١٥ ٣ ١ در ... ١٢

هرکه این دعا را بقلم بردار

بالای عریضه بنویسد بیادر کنار یا ایران

که خواهد بدهد البته بنا بیت الکل مطلب

برآورده شود مجرب و آزموده است

بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعده الصابرین المخرج مما یکره یسوق والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله وإياكم من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون   ازبرای دوستی و محبت

بنویس این دعا را بمشک و زعفران و بنام طرف و مادر طرف و بنام زنکش و مادر او در بازو ببندد که از عشق بیقرار کرده است

عدد ٨٧١ یا نور السموات والأرض یا هو یا من هو ... لا اله الا هو احفظ صاحب الکتاب الکریم   ازبرای ... [illegible]

برای آمدن حاجات از بزرگان و امیران

مجرب

مجرب

١٣	٨١	٨٠	٧٩	٧٨	١٠	٩	٨	١١
١٢	٢٦	٦٥	٦٤	٦٣	٢٢	٢٣	٢٤	٧٠
١٤	٢٥	٣٥	٥٣	٥٢	٣٢	٣٣	٥٧	٦٨
١٥	٢٨	٣٤	٤٤	٣٩	٤٠	٤٨	٥٤	٦٧
١٦	٢٧	٣٦	٣٧	٤١	٤٥	٤٦	٥٥	٦٦
٧٥	٦١	٥١	٤٢	٤٣	٣٨	٣١	٢١	٧
٧٦	٦٢	٤٩	٢٩	٣٠	٥٠	٤٧	٢٠	٦
٧٧	٥٨	١٧	١٨	١٩	٥٩	٦٠	٥٦	٥
٧١	١	٢	٣	٤	٧٢	٧٣	٧٤	٦٩

محمد	١٢٩	١١١	١٢٣	حسن
١٣٤	١١٩	٩٢	١٢٥	١١٢
١٢٦	١٠٨	فاطمة	١٢٠	٩٣
١٢١	٩٥	١٢٧	١٠٩	١٣١
علي	١٢٢	١١٧	٩٦	حسين

فاطمة ١٣٥	٤٩٨	٧٠	٣٦٧	علي ١١٠
٧١	٣٦٣	١١١	١٣٦	٤٩٩
١١٣	٣٦٥	٧٠٠	٤٦٧	٣٦٣
٤٩٤	٦٨	١٣٧	١١٣	١٢٥
عائشة ٣٥٦	١١٣	١٣٤	٤٩٧	زينب ١٤٩

اگر کسی خواهد که با جمیع ارواح ملاقات کند باید که بیرون شهر در دو نماز رواتب غسل کند
بعده سر برهنه چهار رکعت نماز گزارد و بعد از دو رکعت صلوة الارواح بعد از
فاتحه ۲۱ مرتبه سوره [illegible] بخواند بعد از سلام [illegible] بخواند [illegible]
[illegible] گوید بعد از آن این اسم را هفت هزار مرتبه بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] یا الله [illegible]
این مرتبه بخواند [illegible]
[illegible] بگرداند بعده [illegible]
و جمیع [illegible] توجه کنند
که بمقصود رسد [illegible] بعد از [illegible] را بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم الهی بحمد لله کریم [illegible] خطا
کردم ببخش بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله

در احضار ارواح و ارواح جلیله و رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

از شیخ سهیل [illegible] روایت شده است که هرکه هفت روز روزه گیرد و در آن
روزها در دعای یا حی یا قیوم باشد و در روز هشتم که روزه است و
روز آخر [illegible] این اسم را هزار مرتبه بخواند و بعد از تمام این آیه
و عنده مفاتح الغیب [illegible] فی کتاب مبین بخواند [illegible]
او بیاید پانزده درهم با عطا نماید پس از او بگیرد و در کیسه پنهان
کند

از روی مجمل جلب الانتار
شیخ [illegible]

اگر خواهی کسی را عاشق خود گردانی ثلث الکرسی را به مشک بنویسد دیوانه شود این

آیه را یازده مرتبه بر شیرینی یا چیز خوردنی بخواند و بدهد قوی مجرب

آنکس بخورد در حال مهربان گردد آمنت ببابل هاروت

و ماروت و ما یعلمان من احد حتی یقولا

جهت احضار چون خواهی احضار کنی این شکل را در لت

ناخن بکش و در اسم طه و سطر سطر بیاید و شروع در سوره مبارکه یس احضار

کن و پس از خواندن در میان مسدس بخواند چون بهر مبین که مجرب

بر سر کسی خانه را سر کن نخود با [illegible] شروع نماید کرد

در باز داشتن باران بالشکل [illegible]



برکش از آسمان سوره مبارکه الم نشرح

مع بسمله بنویسد باران البته باز ایستد

در باز داشتن باران

احضار ــــ ترجمه فارسی احضار است

در ساعت نیک تعداد اسم مطلوب این ابیات را بخوان
که حاضر شود.

بلیسان بلیسان مشکل ما کن آسان بحق شاه خراسان
فلانی را پیشم برسان اگر خواب است بیدارش کن نشسته
هوشیارش کن عوری خبردارش کن در اینجا احضارش کن
فلفل و ریحان و ترخون فلانی را بچرخون خوابیده بیدارش
کن نشسته هوشیارش کن عوری خبردارش کن پیش
ما احضارش کن، با خم چشم و ناخون در این
زمان و این مکان حاضرش کن با زور و جبر بچرخون
در این مکان برسون.

دعای تیغ بند حرامیان

روایت است که بعضی از حرامیان و قطاع الطریق و متجاوزان به اموال و نوامیس
مردم را دعائی همراه بوده که هرگاه بحرب رفتندی تیغ ایشان را آسیب
بتیر و سنان و شمشیر دیگران نبودی. روزی سلطان محمود غزنوی یکی از
حرامیان را دستگیر ساخته و حکم قتل او را صادر می کند و چون جلاد برای
بریدن گردنش حاضر می شود قطاع الطریق همچنان خندان بودی
تا اینکه جلاد شمشیر بر گردن او فرود آورد ناگاه تیغ بر طرف بالا
جستن نمود و همینطور تا ده مرتبه تیغ بر گردن حرامی زد که ابداً
موئی از سرش کم نگردید تا اینکه او را کاوش کردند و این دعای مبارکه را از میان
کمر آن نابکار پیدا کردند و اگر خواهی بیازمائی این دعا را در گردن
حیوان مذبوح ببند ذبح نمائید که بقدرت خداوند منان هیچ کارگر نگردد
و عجایب بسیار دارد و شرح زیاد و دعای مبارکه این است.
بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول الله و علی
ولی الله علیه السلام اللهم انی اسئلک باسمائک الحسنی التی
لا یحوک بها بانه من فضل الاسماء یحق الحق و یبطل الباطل بانه من افاطرو
الاسماء [illegible] ||||| [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیر المؤمنین
علیه السلام.
[illegible] ۱۱۱۰ [illegible] ۱۱۱۰ [illegible]

[illegible] در این دعا موجب بطالت آن میگردد (از ظلم بپرهیز) تمام شد

وغيبات الاربعة والاربع غيبات السبعة على هذا القياس فافهم ذلك

سر الغريب واكتم هذا الدر العجيب واعلم نطق الحروف ان الحروف

فمضمومها للتفاصيل ومجمعها للتواصل ومنفردها للتعريف ومجزومها للتوقف

ومكررها للتردد ومستعجمها للهدم ومضمومها للتذليل ومشكلها للانكار

ومفتوحها للافتقار وما من طرفاه للاشتقاق وفسبابعد التجم للعطاء

وما صمت الهيبة وما نطق للاجابة وما وقف عن علم للاستثنية

والاجابة فافهم هذا السر الغريب الذي لا يصل الا احاد الاكابر

من الربانيين والله يقول الحق وهو يهدي السبيل الرشاد واعلم

على الحروف قصدة قال العلما بانه ما ظهر الله من خلقه النقطة وقيل الالف

وقيل الصاد وقيل درة البيضاء وقيل لام والميم والصاد والهاء

والقاف والكاف والراء والنون واما الراء فعبد الالف

التي فيها فاول لغو فيها من راء ولف والثانية من راء وياء وكاف

والثالثة من راء وياء ونون وقيل انها وهي الحروف المعجم التي

تعلم فيها كل شيء وبها وبه كل شيء وقيل فواتح السور ومنها المهمة

علمه فافهم ذلك السر فصل في صفات وخواص حروف

نورانية اكثر حروف نورانية باعتبار وقوع ايشان در اوايل سور

قرآن وعدم وقوع حروف ظلمانيه وبه تقسيم نورانيه وظلمانيه وجه تسميه آنها

آنست

انست که هیچ اسم از اسماء الهی در امتزاج ایشان مشترک نیست الا اسم الودود
و آن چهارده است و این ترکیب شامل آن حروف است که لطیف حی
ممسک و چهارده حروف دیگر که باقی حروف ظلمانی بجهة آن گویند که اسمی
از اسماء باری از این ترکیب نیست پس هرگاه اراده عمل از جهت [illegible] صورت
و اعمال خیر بود باید که بحروف اعلی و عمل نورانی توسل جویند و بجهت اعمال شر
بحروف ادنی [illegible] و اگر حروف عمل را با دنی امتزاج دهند فعل آن در اجابت
احتمال افزون بود **فصل ثانی** در خواص حروف نورانی و ظلمانی
حروف نورانی [illegible] نقاط که از حروف معجمه نیز گویند و حروف ظلمانی
غیر منقوط است که از [illegible] مهمله نیز گویند تحقیق آنکه [illegible] حجاب او زیاده
و او [illegible] تنزلات نقطه او زیاده است پس هر حرفی که حجاب
از حیثیت ظهور [illegible] مخصوص است بفوقیت اجسام و هر حرفی که حجاب او
از حیثیت تنزل و خفا است مخصوص است بسفلیت اجسام و از اینجا است که
در حروف [illegible] از علماء این فن حروف معجم [illegible] الا [illegible]
و در حروف [illegible] حروف مهمله [illegible] الادق [illegible]
[illegible] این دو حرف [illegible] در [illegible] اسماء [illegible]
و آن اسم الودود است و [illegible] حرف معجم هیچ اسمی از اسماء الهی ترکیب
نشده است الا [illegible] و صاحب [illegible] آورده که از [illegible] نه

و وف نو نعق سح اسم رکب اجت بثت جحذ زشض رقف

یعنی پس هر که این اسمارا در یکشنبه وقت طلوع آفتاب بهفت بار بخواند

و کلف بنویسد و بر بازو بندد و این کلمات را بالحاح گوید یا محکم

یا حکم یا مجل یا مجمل یا مستجز باله یا لاله یا جابه و یا به و یا کابه و مابه در خواب

سخن گوید و باقی التغییر خود بیان کند اما حروف جوامعت سیزده حرفست

و اگر لام الف را اضافه کنند چهارده حرف شود که چهار اسم از آن مرکبست

اجد رسعط عکل جهلا پس هر که این اسمارا در بیت دوم

ماه یا کسوف یا خسوف بر صفحه از سرب یا نقش کرده در روز یکشنبه

وضع کند با خود دارد عقد السنه بر هیچ کس را قدرت بر گفتن

او نباشد آن باوست فصل ثالث در خواص حروف

منفاصلات شیخ محیی الدین در کتاب مدخل آورده که حروف باعتبار

اتصال و انفصال با قبل و مابعد دو قسمت دارد اول حروف

منفاصلات که از احرف خواتیم گویند و دوم حروف مواصلات

اما حروف منفاصلات شش است ا د ذ ر ز و لا و در بعضی

که لام الف را داخل حروف میدانند آن نیز از حروف منفاصلاتست

و نوزده حرف دیگر از قسم مواصلات که متصلند باتصال قبلی و بعدی

پس اگر در اول کلمه افتد متصل میشود بما بعد و اگر در آخر کلمه افتد متصل میشود

بماقبل

به قبل پس هر امری که انصباحت در آن مطلوب باشد باید که عامل توسل جوید
بحروف متفاصلات و هرجا که مواصلت مطلوب باشد بحروف متواصلات و اگر خواهد
متفاصلات اجتناب کند و از اعمال متفارقت از حروف متواصلات احتراز کند
تا در عمل خللی واقع نشود و صاحب در مکنون آورده که هر گاه حروف خواتیم را
در چهاردهم ماه بر دیوار خانه رقم کند یا بر کاغذ نوشته در خانه محفوظ دارد
آن خانه از سوختن و دزد آن ایمن بود و اگر بر چوب کشتی نویسد از غرق شدن ایمن
گردد و اگر در میان رخت و بار تجارت نهد از قطاع الطریق سلامت ماند
و اگر بر صندوق زینه یا بر حقه یا ظرف دیگر رقم زند یا در میان قماش نهد از آفت
دزد و خرج حرزده محفوظ ماند و اگر بر خاتم زر یا نقره نقش کند صاحب آن
از امراض و اعراض سلامت ماند فصل رابع در خواص حروف منوریه
و آن ابجد حرف ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض
ط ظ ع غ این حروف را بمشک و زعفران و شیر زنی که اول زاییده باشد
نوشته زن در وقت معاشرت شوهر با خود دارد پسر زاید و این حروف
را علامت محبت والفت معیشت است چنین نزد اهل هند باشد فصل خامس
در خواص حروف ظلمانی و آن ده حرف است که آنها را حروف ظلمانی
خوانند و چهار قسم از آن مرکب است که بر نامه چنین [illegible]
[illegible] از استعاره و مکرات ثابت است د ذ ص ض ف ق ک گ ل م [illegible]

[illegible]

وابجروف عشره در ترکیب اسما از بهر هر حرفی که نویسد دال [illegible]

لا اسم حرفه واو دو بار اسما ایست ولذل صد صد قفقف [illegible]

پس هر که این اسما با خود دارد از شر جن و علت صرع و اسیب آن محفوظ

گردد و اگر بر طفلی بندد که در خواب بترسد آن خوف از او زایل گردد

و اگر در دل شخصی خفقان و اضطرابی بود ابجروف را با خود دارد از آن ایمن باشد

بعون الله الملک العزیز فصل در خواص حروف که کاتب بنویسند [illegible]

و اگر بر هر حرفی از حروف بیست و هشت که نیکو حرکت آ اسرافیل

ب جبرائیل ت عزرائیل ث میکائیل ج کلکائیل ح [illegible]

خ [illegible] د دردائیل ذ اسرائیل ر [illegible] ز اهوائیل

س [illegible] ش رهوائیل ص [illegible] ض [illegible]

ط اسماعیل ظ [illegible] ع لوماطائیل غ لوخیائیل ف دردیائیل

ق عطرائیل ک [illegible] ل [illegible] م [illegible] ن

[illegible] و [illegible] ه [illegible] لا [illegible] ی [illegible]

فصل در ربوبات افلاک تسعه حروف متعلق بفلک الافلاک

ا ی ق ع حروف متعلق بفلک البروج ب ک ر حروف متعلق بفلک زحل

ج ل ش حروف متعلق بفلک مشتری د م ت حروف متعلق بفلک مریخ

ه ن ث حروف فلک شمس و س خ حروف فلک زهره ز ع ذ

[illegible]

وزن

حروف فلک عطارد خ و ض حروف فلک قمر ط ص ظ

فصل در منسوبات کواکب اما قسمت حروف بر کواکب سبعه سیاره اول

زحل ا ب ج د مشتری ه و ز ح مریخ ط ی ک ل شمس

م ن س ع زهره ف ص ق ر عطارد ش ت ث خ قمر ذ ض ظ غ

قول دوم از ابعاد روس زحل ا ن و خ غ مشتری ط ق ک ض مریخ

ا ت م ر شمس ح ه ع ی زهره ش ط ث عطارد ب ز ص ذ

قمر ج ل س ف فصل در منسوبات کواکب که اکثر حق تعالی بر هر کوکب از کواکب سبعه

ملکی موکل کرده تا محمد تاثیرات باشند و اسامی اینست زحل ابایسل

مشتری بجراذ مریخ بهائیل شمس کلمیث زهره اسیمون عطارد

اشیع قمر تعزیل و اکثر موکلان سبعه سیاره را اگر در اثنای عزیمت

بایشان رجوعت از علوی و سفلی اسامی اینست موکلان علوی

شمس روقیائیل زهره عنیائیل عطارد میکائیل قمر جبرائیل

زحل کیفیائیل مشتری صرفیائیل مریخ سمسائیل اعوان موکلان سفلی

شمس ابو عبدالله مذهب زهره ابو الحسن زوبعه عطارد

ابو العجائب برقان قمر ابو النور ابیض زحل ابو النوح میمون

مشتری ابو الولید شمهورش مریخ ابو المحرز احمر فصل در طبایع

و طبایع کواکب سبعه بر نحو است کواکب مذکره زحل و مشتری و مریخ و شمس است

و کواکب مونثه زهره و قمر است و کواکب نهاری زحل و مشتری و شمس است
و کواکب لیلی مریخ و زهره و قمر است و بارد و یابس زحل و حار یابس
مریخ و شمس و حار رطب مشتری و زهره و بارد و رطب قمر و عطارد است
و عطارد و بهر کوکب که رسد مزاج وی گیرد و با نهاری نهاری و با لیلی لیلی
و با مذکر مذکر و با مونث مونث و در گرمی و خشکی و سردی و تری و در جمیع
احوال بر همین منوال است و ارباب مثلثه ناری که برج حمل و اسد و قوس است
به روز آفتاب و مشتری و زحل است و به شب مشتری مقدم است و ارباب مثلثه
هوائی جوزا و میزان و دلو است به روز زحل و عطارد و مشتری است و به شب عطارد
مقدم است و ارباب مثلثه آبی که سرطان و عقرب و حوت است به روز
زهره و مریخ و قمر است و به شب مریخ بر زهره مقدم است و ارباب مثلثه ترابی
که ثور و سنبله و جدی است به روز زهره و قمر و مریخ است و به شب قمر بر زهره
مقدم است والله اعلم بحقایق الامور فصل در منسوبات بروج اثنی
عشر و ما یتبعها نسبت حروف بروج اثنی عشر و نوعی دیگر هست که حکما
اصطلاح کرده‌اند حروف هر یک از عناصر را قسمت بر برجی کرده‌اند که منسوب
بآن عنصر است چنانکه اصطلاح کرده‌اند که حروف ناری است برج حمل و اسد و قوس
نهاده اند بدین نوع که حمل ا ه ط اسد ط م ف قوس ش ذ باقی بر
این قیاس هرگاه قسمت حروف بر عناصر بترتیب دوایر جمع واقع شد حروف

۱۰

نیز بهمان ترتیب بهمان وار مقرر باشد حمل ا ع ه ثور ح م ر

جوزا ق ای ص سرطان س ل ر اسد ه ط ح سنبله ز ب خ

میزان ص ع ظ عقرب د ث ن قوس ح ف ش جدی خ ت ذ

دلو ک ض حوت ن و و امر که حضرت سبحانه تعالی بر هر برجی ملکی موکل کرده

حمل ببرجمیل ثور رحمایل جوزا اسرائیل سرطان بهقاییل

اسد شراطیل سنبله لقاییل میزان صهاکیل عقرب

هرصائیل قوس شواطیل جدی طموث دلو صهکیاییل حوت

قنعابیل و هم این حروف ۲۸ گانه بجهت ترکیب بروج بشرح فوق ثبت

رفته حار یابس ا ع ه ط ح ف ش الحروف را ببروج حمل و اسد و قوس

داده اند و حروف حار رطب هوا که ق ی ص ع ظ ک ض است بجوزا

و میزان و دلو و بارد و رطب ماء که س ل ر ث ن و ذ بسرطان و عقرب و حوت

و حروف بارد و یابس تراب که ب ح ب د ل ت ذ است ثور و سنبله و جدی

اما اسماء ملائکه که اعوان بروج اند دوازده ملک مقربند که موکلند و مدد و معاون

روحانیات آن بروج ... هر که بعمل از اعمال حروف شغل گیرد باید که

که ... الحروف بکدام برج و منزل منسوبست پس ملکی که بران برج موکل است

توسل کرده نام وی ببر دوازده و استعانت جوید بر حصول مقصد که از ...

باشد در سرعت اجابت و اسماء اعوان بروج بر وجهی که در کتاب ... مکنون

بطهيح يزنست حمل شراحيل ثور حزرائيل جوزا اسرائيل

سرطان خهعاسل اسد شراميل سنبله شهكيل ميزان

سمعائيل عقرب صرصائيل قوس سرطائيل جدي سمكائيل

دلو صهكائيل حوت شقيائيل وكذا اهل البروج والمنازل

والبلدان والطبايع والاخر من الحروف لتبلغ بذلك ما تقصد وكذا

صورته شرف حمل حار يابس ناري من البلدان بابل وفارس وبلخ

وبلقين وطرب وطالقان الحروف ا م ذ ط س ح ف شرف

ظهر العقرب منازله شرطين بطين ثور ثريا بارد يابس ومن البلدان

همذان الكراد بهنا والحروف ب ن ص ي ب و ص الرجل

حب العقل المنازل دبران ثريا جوزا هوائي حار رطب البلدان

جرجان ارمنيه جيلان من الحروف ج س ظ ك ث ر ق الرجل

القمر المنازل ذراع نثرة هقعة سرطان مائي بارد رطب البلدان

خراسان صين آمل من الحروف د ع ع ل ح ح ذ الرجل

ارض الشمس المنازل طرفة نثرة اسد ناري حار يابس البلدان ترك

نيسابور اصفهان ري الحروف ح ف ا م ذ ط ش الرجل

المنازل صرفة زبرة جبهة سنبلة ترابي بارد يابس البلدان شام العراق

الكوفة البصرة الجزاير الحروف و ص ب ن ا ض ي ق الرجل

الغفر المنازل سماك عواء ميزان هوائي حار رطب البلدان

اذربيجان ترمذ الحبشة الحروف ز ق ج س ك ث الدخن زهر المر

منازل زبانا غفر عقرب مائي بارد رطب البلدان حجاز بابل فارس

فلسطين قوس الحروف ح ر د ع ح ل خ الدخن زعفران

المنازل قلب شولة نعايم قوس ناري حار يابس البلدان بغداد وري

اصفهان بخارا الحروف ط ش م ذ ا ف الدخن ورق المنازل

نعايم شولة جدي ترابي بارد يابس البلدان حبشة الهند بحرين خوارزم

الحروف ي ت و ص ب ن الدخن الدخن حنا المنازل ذابح بلع

دلو هوائي بارد رطب البلدان كوفة الحي ارض العقرب ارض السند

وغيرها الحروف ك ث ز ق ج س ط الدخن زعفران المنازل اخبية

سعود حوت مائي بارد رطب البلدان جزائر ارض الشام ومن

ارض المصر الى اليمن الحروف ل ح خ ر د ع الدخن حزا المنازل

رشا مقدم مؤخر والله الهادي الى طريق الرشاد

[illegible]

نقد باید نهاد و بجمعیت خاطر و جمعیت دل و توجه تمام بدین امر شروع باید کرد
در خلوت تا نفس غیر بر او نیاید و هرگاه اسم سه حرفی باشد بسم حروف
اول را در اول چهار حرف که خانه اول نویسد با نقطه مثلا اسم علی را
که خواهند در صورت کنند در خانه اول ع ااا و اگر اسم چهار حرفی بود دو حرف را
در خانه اول نویسند بر وجه که در اسم فتاح نقطه شده ف ت اا و اگر حروف
اسم پنج یا شش حرف باشد سه حرف را در خانه اول ثبت کنند و دو حرف آخر بگذارد و اگر خواهی
که آیه از آیات قرآنی در جفر جامع بنویسی چنانچه آیه کریمه ۲۸ حرفی باشد حرف بحرف
از اول خانه تا آخر خط ۲۸ خانه و در هر خانه اضافه شود در تمام کنند مثال آیه کریمه
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین که ۲۸ حرف است بر این وجه نویسد.

ف ااا ااا ب ل اا ج ل اا د ه اا ه خ اا و ي اا ز

ر اا ح ح اا ط ااا ي ف اا ک ظ اا ل ااا م و اا ن

ه اا س و اا ع ااا ف ر اا ص ح اا ق م اا ر ااا ش

ل اا ت ر اا ث ااا خ ح اا ذ م اا ض ي اا ظ ن اا غ

این است جدول ۲۸ خانه جفر جامع شریف بعد از این خانه دوم هم خواهد نوشت
حرف دوم آیه کریمه که حرف الف است در اول خانه سطر دوم اضافه کرده بنویسد
تا بجدول و عرض آیه کریمه را نوشته شد بر ترتیب و قس علی هذا هر امری که
که خواهی مناسب مطلب هر آیه که ۲۸ باشد یا هر اسمی مناسب مطلب
شروع نویسد فاما اهتمام تمام و توجه کلی در کار است تا غلط نشود چرا که اگر
حرفی غلط افتد یا مکرر یا منقص شود زحمت عبث کشیده شود فصل

در بیان دانستن حقیقت حالات و بیرون آوردن حروف
مقصودات کلی و جزوی از پنج طریق مقدمه استخراج
احوال مهم است این است که چون از وضع یک صحیفه یا صحیفه خواهند که احوال
مجهول را معلوم کنند حروف ثالث و مرور را از آن
صفحات بتوجه بیرون آرند و هر احتیاط شود که را
سیزده حرف آن سیزده حرف ا ج د ذ س ش
ص ض ع غ ف ک ل و را اگر گویند و

و اول و آخر آن یکی نیست و آن م د ن و ق و الست و حروف
مدوری چهار حرفیست و آنها دوازده حرفست ب ا ت آ ث ا ح ا خ ا
د آ ز ا ط ا ظ ا ف ا ه ا ی ا بدانکه حروف اول را در اصطلاح علمای جفر
زبر گویند و باقی را بینات در حروف ملفوظی و مکتوبی هر حرف بینات
دو در مدوری یک حرف که اعتبار ندارد و چون حروفات را جمع کنند و جدا جدا
هر قسم را وضع نمایند چون ترکیب کنند از حروفات هر سه قسم چهار چهار
شمرده حرف چهارم را گرفته ترکیب آن قسم نویسند و از یک قسم چیزی نشد
اعتبار ندارد و اول از قسم ملفوظی و دوم از قسم مکتوبی و سیم از قسم
مدوری ترکیب کنند و ثبت کرده اعراب کنند و بخوانند و اعراب
بطریقه تعذیب [illegible] ا ی ی ل م ن ع و هفت حروف
مکسوره است ه ر س ث ذ ص ط و هفت حروف مضمومه
ج ز ک س ف ث خ و هفت حروف ساکنه است ذ خ
ظ غ ض ق بدانکه از ابتدای سطر تا موضع اسم سائل و تا آخر سطر
مستقبل باید که بحروف ترکیبات نظر کنند تا چهره مقصود از عالم غیب
نماید و هر چه فرمایند هر چه گویند بهوش و ادراک دریابند در خفا و جلا تا کسب
واللہ اعلم بحقائق الامور **تکسیر** در عقدیات اگر خواهد چشم
بد مردم ببندد و گشاده چشم قمر بقران زحل جوید هفت دایره بر سر هم کشد
و در بیرون دایره اسم ابجد جمهل اسم را بنویسد و در میان دایره اول
ظلمات فی بحر لجی الی آخر الآیه و در میان دایره دوم اللهم اعقد اعماد
و در جمیع ابصارهم یا عیونهم بنویسند و در دل بند قلوبهم و در عقد الشهوه
شهوتهم یا شهوه فلان و در بست بند بر فلان کور بطبعه و در جمیع ابدانهم
دار جلیهم نویسد در بیرون دایره انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان
دایره ختم الله علی قلوبهم الی آخر الآیه و در دایره چهارم اعقد اللهم عقد

ابجاره یا سمه فلان و درمیان دایره پنجم آیه از آیات قرآن که مناسب
آن مطلب بود نویسند و در دایره ششم حروف هقدیات که ذکر رفته نویسند
و در اندرون دایره هفتم شکل خاتم سلیمان کشیده و درمیانه [illegible]
و در زیر سنگی گران نهد و اگر بخلاف شرح عمل نماید البته [illegible] حاصل نشود



فصل

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی یجری الامور علی وفق ارادته والصلوة والسلام علی محمد وآله وعترته اما بعد
بدانکه این علم چند [illegible] است و اعداد وفق [illegible] بعضی از اعداد از
[illegible]
که چون کسی خواهد که در تکسیر [illegible] اعداد وفق شروع کند اول لابد بود از

دانستن

و دانستن حروف تهجی و ما یتعلق بها و آن بر ده فصل است فصل اول

در قسمت حروف به بروج بدانکه حروف ۲۸ را که در تجنیس بروج دوازده قسمت

رفته است بدین ترتیب اع هـ ط ح ف ش ذ را حمل و اسد و قوس

داده اند و این حروفات را ناریا ناری خوانند بهر برجی جدا داده است

حمل اسد قوس جوزا میزان دلو

[illegible]

سرطان عقرب حوت حروفات جوزا و میزان و دلو را هوا و رطب

خوانند و حروفات سرطان و عقرب و حوت را بارد و رطب یا مائی

خوانند و حروفات ثور و سنبله و جدی را بارد و یابس خاکی خوانند فصل

دوم در نسبت حروف بکواکب بدانکه هر چند حروف را بکوکبی نسبت کرده اند

زحل مشتری مریخ شمس

[illegible]

زهره عطارد قمر

[illegible]

فصل سیم در اعراب حروف بدانکه حروف ۲۸ را که در قسمت دیگر

کرده بچهار قسمت هر قسمتی را اعراب خاص داده اند تا هر جا که در کسر تحتانی شوی

رجوع به این فرق کن نادی ا د ی ل م ن ع را حروف مفرده عاده

گویند و اعراب او را مفتوحست هوائی ب و خ ط غ ص ق

حروف مفرده باید خوانند اعراب آن بهر جا جز مفتوحست ابی جوش

ث ذ ض ظ حروف مفرده رطب خوانند اعراب آن در هر جا مکسور است

تا الجیا ج ز ک س ف ت ح را حروف مفرده یابسه خوانند و در آنه

اعراب آن مضموم است فصل چهارم از تحفه امرات کواکب چون این

رساله را از حال نسبت کواکب مناسب است نموده شد که چون مشتری

سعد و سعد و مریخ و ... زحل و ... زهره و زعفران و عنبر

... در ذوقلوبا لاسرار نوشته شده است

و فایده ... آن ... احمد بن ... کردان روی بر

باش و بو ... رسید و ... و ... و در وقت مشغول شوی

وبا طهارت و تسبیح و استغفار باشی تا ارواح طیبه از تو متنفر نشوند و بعزیمت نویسی
و قمر خوشحال بود و مخارج با سعد و طالع زمان سعد و از بودن قمر در طالع
در طالع احتراز باید کرد و بجهت رجال بخور مشتری و بجهت نسا بخور زهره اند
اندکی بر آتش نهی و عمل کاهای آری پس نام اسم طالب و اسم مقصود بنویسی
و اسم مطلوب را به پهلوی او و تکسیر کنی تا اخر سطر همان شود و حروفات اول
سطور جانب یمین را جمع کرده صدر نام نهند و حروفات اخر سطور
تکسیر آنکه در جانب یسار است جمع کرده موخر نامند و حروفات حاصله
از صدر و موخر با یکدیگر امتزاج داده مستوله السطرین خوانند و حروف مستوله
السطرین را جمع کنند و همچنین حروف یمین را جمیع عدد کنند
و از مجموع هر یک سی عدد طرح کنند و آنچه باقی ماند از هر کدام عدد با قسمت کنند
و یک قسمت را در خانه اول مربع نهند و مربع را الی آخر تمام کنند
و اگر در قسمت کسری پیش آن یک یا دو یا سه خواهد بود اگر یک بود در خانه
سیزده و اگر دو بود در خانه نه و اگر سه بود در خانه پنج یکعدد باید افزود
تا وفق صحیح حاصل کرده و چون هر چهار مربع را بقاعده مذکور نوشته باشند
به بینند که در اسمین از حروف عناصر اربعه کدام حرف بیشتر است اگر ناری
اضافه بوده آن مربعات را در آتش نهند و اگر هوایی زیاده باشد در هوا باد
آویزند و اگر آبی بیش بود در آب اندازند و اگر خاکی غلبه کند در زمین
دفن کنند و حروفات منسوب بعناصر اینست ناری اهطم فشذ
بادی ب و ی ن ص ت ض   آبی ج ز ک س ق ث ظ
خاکی د ح ل ع ر خ غ   و در آن روز جامههای پاک پوشد و با طهارت
این عمل کند و عمل را بنیک و نیک اختران نویسد و اندک اندک بخور
بر آتش نهد و مستوله السطرین که حاصل شده است مرکب و معرب ساخته
میخوانند و اگر بعدد وسط اسمین خواند بهتر است بدون کمان باری
بجای آورده بشتاب بمقصود رسد فتمسک تم

در امتحان

واما شیخنا بوعبدالله محمد بن الحسین که اسم محمد و علی را تکسیر کرده بطریق ۱۹

ا ب ج د ... مرحب ... سدر ... صد ...

م ح م د ع ل ی — م م ا د ح م — ی د ح م ی

ی م ل ح ح م د

منش لا السطرین

د ی م م ع ل ح — م ی ی د د ح ح م م ی

ع د ل ی ع م م — مرکب و نظیره حروف

م ح م د ع ل ی — میباید — جمیع

۴۲	۴	۱۷۴	۱۲

مربع اسمین ۴۴			
۵۰	۵۳	۵۶	۴۳
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴
۴۵	۵۸	۵۱	۴۸
	۴۲	۴۶	۵۷

مربع سطرالسطرین ۴۳			
۴۳	۴۶	۴۹	۳۶
۳۸	۳۲	۴۵	۴۲
	۵۱	۴۴	۴۱
	۴۰	۳۹	۵۰

فصل در هفتم نوعی دیگر در محبت آنست که چون خواهد که کسی را محبت کند

سازی بطریقی که گذشته اسم طالب و مطلوب را تکسیر کند و بعد تکسیر ...

بحروف و حاصل ... و حروف ... در محبت ذکر کرده شود

حروف تکسیر را از زوج و فرد ... طرانیا فکند که زوج شود ...

اگر حروف زوج بر حروف اول ... که فرد شود ... آنست که زوج

که حروف ... بر ... طرف حروف ...

و در خانه خلوت با طهارت و شرایط مذکوره ... و بخور مناسب

بسوزد و در اینجا نیز صد و هو حو تکسیر را معرب سازد و آن سطر معرب را پاره

هر چند که نسبت و ز زعفران و گلاب نوشته حریا تیج فتیله سازد و در چراغ آن

وقدری روغن کاو و گل در چراغ از آن ریخته چراغ را بر افروزد و وردی از

پیوکیا خواند مطلوب کند و درین حالت از خواندن اکثر وفات معرب

خالی نباشد چون فتیله بسوزد و بعد حروف معرب بعض نظر کند هم حروف مشغول

الطهرین ا چند ابیات با نغد بخواند این کلمات را که اقسمت علیکم

یا ایها الارواح العلویه السفلیه بحق اسم حاصل من تکسیر حروف من اسماء

ربنا و ربکم و الهنا و الهکم من اسماء رؤسائکم من الملئکة المقربین والارواح

المقدسین ان تعینونی بحق فلان بن فلان تا بنتیجه الی الی العجل العجل العجل

الوحا الوحا الوحا الساعه الساعه و چون فتیله بسوزد و روغن نیز تمام

کردد و خاموش نشسته که مقصود بر آید و درین عمل احتیاج بمربع نبود اما اگر

نویسد بهتر خواهد بود و گفته اند که ممکن در محل سوختن چراغ مطلوب از درو آید

و مقصود زین درین درانزد و رها در آن شب را تا شب و باید که طالب

فصل ششم

عمل بکیسک و جای عمل را بکو نکجا آورده تا مقصود دریم

در خواص مربعی چند که از کثرت تمل مجرب حاصل شده چون خواهی

که ... را محبت خود حاضر کنی بحجه ... او ام خیره ... ام مطلوب و مادرش

و نام خود و مادر خود و بحساب جمل جمع کن و مبلغ ... بر وی افزا و عدد

از جمله طرح کرده ربع عدد باقی را در مربع درج کن و در ساعت اول ...

... که نشد پس ... باشد بخور ... و مربع را ... زرد دو

... و در سوم کیرد و در بازوی راست بند و بجهت رجال و جهت نسا

بر بازوی چپ بندد تا مقصود رسد مربع این است دیگر جهت محبت

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

بنویسد و در روز جمعه بمشک و زعفران و گلاب

این مربع را جهت اسپهان راهه و گفته

مبلغ ۲۵۳۴ ... دو الف ...

از ابجد طرح ... از آن در مربع نهاده و سوم

کنده در سوم ... گرفته بر بازو بندد بطریق مذکور و بخور شکر و فلفل بسوزد

و مقصود حاصل گردد و پنجشنبه مراد در سه مربع

٨	١٤	١١	١
٣	٩	١٦	٦
١٠	٣	٥	١٥
[illegible]	٤	٢	١٣

و دیگر جهت محبت بنویسد در وقتی که قمر مسعود و در تثلیث آفتاب
و در روز پنجشنبه بطلوع آفتاب چنانکه عدد اسم را گرفته
مبلغ ۲۲۸ عدد و ۱۳ را بر وی اضافه کند در مربع
و بکنند لا داین و بهر منزل و مربع از عدد مذکور بر آورده
شد و کرد مطلوب حاصل گردد و مربع اینست

هر حاجت که هست بر عدد اسم مطلوب نویسند
طریقش چنانست که هر اسمی که از عدد
زیاده باشد اگر حرفی زاید بود در هر خانه
مربع یک حرف نویسند و اگر زیاده بود در
دو حرف و بیشتر جایز نیست پس از خانه
اول گرفته عدد یک ضلع را تمام بسازد

و دیگر نظر کند که در خانه هشتم چه قرار است از خانه نهم گرفته تا خانه دوازدهم و بسازند
و همچنین یازدهم از خانه نهم تا ... و از دهم بنویسد و کذا ... دوازدهم ... [illegible]
عمل با خر رساند چنانکه در این مثال با اسم حسین و حمد ... [illegible]

د	م	ح	م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ص	ش	ن	ی	س	ح
٢	٣١	٣	١٤	٣٩	٢٠١١	٩٣	٤١	[illegible]	٩	٢٩	١١
٦		٣٥	٣	٣٦٢	[illegible]	٩٣		١٠	٦٢	١	١٢٨
٣٥	١	٣٣	٩	٤٩٦	٩٢	٢٠٢	٣١		٢٢	١١	٦١

و این دیگر در پیشم نمره حرفها نیز بندد ... گر اگر چنانچه بخواهند اسم ... را در مربع
در مربع گسترده ... بر آید که اسمی از اسماء الله عدد و کسر ... مناسب ... عمل کن اسم را
آیه پیدا کنند و اگر یک اسم راست نیاید اسم از اسماء الحسنی دیگر ... تا آن که تمام
[illegible]
باید بطریق عمل نمایند چون اسم نوح را با ذکر و مادی حساب کردم ۱۲۱ شد
و هر ضلع از این مربع اینست ۱۲۱ عدد و فق مینماید و چون خواهند که اسم را

با اسمی از اسماء الله در مربع نویسد چنانکه فتاح و قطر او وفق دهد اسم عطارد را با عزیز حکیم
قدیم نوشته و این هم مثل مربعات کرده فصل تمام کرده شد عجیب اگر چون کسی
خواهد که در چشم خلایق عزیز و مکرم شود در کار او رواج و رونق ظاهر گردد
بر عدد اسم خود اگر سه حرفی زیاده باشد در مربع نویسد و اگر سه حرفی بود با اسمی از اسماء
الله بیفزاید با اسم خود مربع مظفر درج کند خواص بسیار دارد فصل هم
در عقد اللسان چون خواهی که زبان خصمان را بر خود بسته گردانی باید که
ذکر طهارت بجای آورده و بجهت قفل و قیر صید زانند و اسم دشمن را با صمم بکم
عمی تکسیر کند تا آخر همان حاصل آمد و صدر و موخر را حفظ نماید و مرکب و حرب
سازد بعد از امتزاج پس عدد شماله المعذبین را در مربع درج کند و عدد اسم دشمن
گرفته با عدد آیه صم بکم عمی در مربع دیگر درج کند و در نوشتن مرکب حروف متولد السطرین
میزند و چون عمل تمام بجای آورد اگر از اسم دشمن نار بیشتر شود در آتش نهد
و الا عمل سر عقد دیگر ... عقد اللسان ... اسم دشمن ... بر ...
حروفات صدر

یک مربع بحسب را ... در مربع درج کنند و هم در مربع کو...

عدد و هم را هم با عدد و آیه مذکور در مربع دیگر نویسند و در پشت مربع نویسند

فلان بن فلان علی فلان بن فلان العجل العجل الساعه الوحا الوحا و چون

عمل تمام شود با طراید با شک عقود رسد خاتمه در بیان درج کردن

اسامی در مربع این ضعیف طریق یکم را در طریق درج کردن اسامی امید که از خطا پیشند

در اصلاح آن کوشند دفعه در مربع چهار اسم درج کنی کن مجموع

بی عدد نقصان و آنچه ماند چهار قسمت کن بیت اول از چهار قسمت

یکی را از آن در دوم خانه همچنین تا آخر ... چیزی از قسمت ارد و باقی

از سه زاویه ... کر ... جاش ... سیزده ...

[illegible]

اهن ... عطوش

باید که بخوری دیگر از عمل بخورات است و دهنبانچه قبیله‌ای از آن بخورات مجربات

مفعل آمن و از احوال ایشان از بخورات مجرب شخص بیشفه جهت محبت دود

افیون بزیتون رطیانه وشق کندر حسن لیچه عطیبا د

آن جمله را کوفته دخنه ساز و در ساعت مشتری دخنه کند بنام هر که خواهد انس گیرد

و اگر از جهه مهابت دخنه کند شادی افزاید و غم ببرد ایضا جهه محبت بگیر در یک

وجه و سنبل الطیب و نوشادر و بیه ببخور و عطیبا مساوی بکدر دخنه کند بنام معشوق

که از محبت بیقرار شود ایضا جهه دوستی بگیر دشونیز و سیاه دانه اسپند و

سنبل بگیرد درم بیه ابخیر سه درم صندل نیم درم آنجمله را کوفته دخنه ساز و دخنه

بساعت عطارد و روز پنجشنبه که تعلق بآن دارد و عکس مقرار کرد و جهه آوردن

غایب از مقام خود زعفران مع خلدف سه درم تره کوبسته یکدرم مقل ازرق

نیم درم جلبل یکدرم شکر نیم درم با همه دخنه کند بساعت قمر بنام هر که خواهد در روز

پنجشنبه در آنجا بیقرار کرد جهت حسن بگیر دکندر اشق و سه درم سعد و نیم درم

پوست سیر سه درم نور برگ زیتون و نیم درم کند سه درم و اشق و بلیلعه

جمله را بسه بخور دخنه کند بنام مطلوب روز سه شنبه بساعت مشتری مقرار کرد جهت

آوردن غایب ازین سفر بگیر دسه درم اشق و سه درم چوب و نیم درم که در آن بود

دخنه کند بساعت قمر روز شنبه غایب بیاید دیگر جهت آوردن غایب

بگیر اشق و از هر یک نیم درم و از زیانه و نیم درم عاقرقرحا ده درم

دخنه کند بنام غایب بساعت زهره که زود بیاید جهت دوستی بگیر صندل و بخور مریم

و جبل و سعد مساوی بنام هر که خواهد در شب جمعه دخنه کند آنکس را رام گرداند و

دشمن را و هم جهة دشمنی بگیر نمک سرخ و تلیا و سه درم و بیه آهو نیم درم

و جوز دل یکدرم دخنه کند بساعت زحل بنام هر که خواهد تفرقه افتد جهة دشمنی

بگیر و پوست کدکان و مازو و نمک سفید و تلیا و دخنه کند بساعت مریخ بنام

شخص میان ایشان تفرقه افتد جهة دشمنی بگیر دسه درم مازو و سه درم

مغز زردآلوی تلخ و [illegible] درم مغز بادام تلخ و سیاه انگور و حب [illegible] عشق [illegible]

[illegible] جهت عقد اللسان بگیرد پوست [illegible] کرده [illegible] گردد

ولایت [illegible] مساوی بگیرد دخنه کند بنام هر که خواهد زبانش بسته گردد

جهت عقد اللسان دانه [illegible] خشک کرده از هر یک [illegible] درم [illegible]

[illegible] و [illegible] از هر یک [illegible] در ساعت [illegible] روز پنجشنبه دخنه کند

زبان [illegible] بسته گردد جهت بستن شهوت مرد بگیرد [illegible] پنجشنبه

[illegible] درم پوست تخم مرغ و [illegible] درم [illegible] نیم درم روز چهارشنبه

بساعت زحل دخنه کند آن شخص بسته گردد دیگر جهت بستن مرد از شهوت بگیرد [illegible] درم

[illegible] نیم درم [illegible] نیم درم پوست [illegible] دخنه کند در ساعت مشتری مرد بسته گردد

جهت بستن خواب [illegible] دخنه کند و [illegible] تخم خنظل مساوی یکدیگر [illegible]

دخنه کند بی‌خواب گردد جهت فتح و گشایش بگیرد [illegible] درم [illegible] درم پوست انار

و نیم درم [illegible] دخنه کند در ساعت مشتری [illegible]

[illegible] جهت بستن دست شخص بگیرد [illegible] نیم درم [illegible] نیم درم تخم

حنظل نیم درم [illegible] دخنه کند بروز [illegible] بساعت زهره [illegible]

[illegible] جهت [illegible] بگیرد پوست [illegible] و [illegible]

[illegible] درم و پوست [illegible] نیم درم [illegible] دخنه کند بنام [illegible] جهت [illegible]

بگیرد نیم درم [illegible] نیم درم [illegible] و [illegible] نیم درم و دخنه کند

روز چهارشنبه بساعت مریخ جهت [illegible] بگیرد پوست

[illegible] درم [illegible] نیم درم دخنه کند [illegible]

جهت فتح [illegible] بگیرد یک درم صمغ بادام و سه درم [illegible] و نیم درم [illegible]

خون سیاوشان و نیم درم [illegible] دخنه کند [illegible]

فایده در عمل خیر برکه تکسیر فرد خواهد کرد حروف اول تکسیر را در آخر گرداند

تا حرف تکسیر زوج شود یا از حرف بعد حرفی اضافه نماید و در زوج تکسیر کند حرف اول

اضافه نماید بهتر است و در عمل شر اگر تمام زوج بود حرف اول را در اواخر اضافه کند

که زیاده حروف مفرد بود و اسماء اعوان باید هر یکی از اصل اسم طالب موکل نیز

و اگر نباشد نقطه اضافه نماید و اگر ضرورت افتد حرفی اضافه کند تا موافق اسم

طالب باشد در آستان کسی که عالم شهرت و کتاب جفر نیز

هر یک عبارت را لطف حرف نیز چنین که عین قاف دال را با قاف

ها و دال میم تا و اسم را نیز به دستور هر یک حروف تا یا را نیز با او بسط کند

چنانکه دال حا لام عین را خا عین در روز شنبه اگر بایت عمل تعلق دارد بسط کند

چنانکه سین با تا حروف که نسبت به اصل است و حروفش ابجد

باید که در سیصد حروف موجود است تا با یه نوشت و مکررات را حذف کرده

تکسیر کند تا تمام شود پس استخراج اسماء الهی و اسماء ملائکه و اعوان باید نمود و عدد

سطر تمام را باید گرفت و در لوح ۴ در ۴ به نظم طبیعی درج داشت و بعد

ترتیب حروف اوفق باید نوشت و میزان در کات عناصر ملحوظ اگر طالب

در روز تمام و وفق کند و اگر آب بود در کتاب و مزج به او دهد باید در بین

نادِ علیاً مظهر العجایب تجده عوناً لک فی النوائب

کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی

١٠٨٥	١٠٩٨	١٠٩٢	١٠٧٨
١٠٩١	١٠٧٩	١٠٨٤	١٠٨٩
١٠٨٠		١٠٨٦	١٠١٣
١٠٨٢	١٠٨٣	١٠٨١	١٠٩٣

١٠٩٤

و از جمله بیست و سیم بیان آنکس ابتدا از خانه هشتم کند و درین شکل خانه
هشتم را خواید بسیار است از تفهیم و تسلیط و تهلیک و تخریب و قلع
و بر بیخ و تفریق و غیر ذلک و اگر کسی را سحر کرده باشند این شکل را بخانه
و بر علامت [illegible] بر نظری [illegible] بنویسند و بر اطراف آن آیه الکرسی بحروف مقطعه بنو
و آن نوشته را آب حل کرده آنشخص بر سر ریزد و بدن با آن آب بشوید از سحر باطل
گردد و کسی را که بسته باشند این شکل را در حالت قمر در برج نار بر بید ناظر
بچهره و مریخ بنویسد و آیه الکرسی بحروف مقطعه در حوالی آن رقم زند و شکل را
آب طاهر بشسته با آن آب سر و بدن را بشوید در حال گشوده شود و اگر زنی
دشوار زاید این شکل را بر سر پاره سفال آب ندیده نقش کنند یکی را بر زانوی
راست و یکی را بر زانوی چپ یکی را بر پشت بندند و روی خود را آن
زن بطرف قطب جنوب کند در ساعت بار بنهد اگر مرد دو شنبه در ساعت
[illegible] اول هشتم ساعت روز نیت این شکل را نوشته در زیر پای شخص
[illegible] بگذارد بعون الله تعالی خلاصی یابد و اگر بنده در ظلم دیگری گرفته باشند
این شکل را [illegible] در [illegible] نوشته بحروف
[illegible] فلان با فلان [illegible]
[illegible] آن بنهد گرفته [illegible]
باز آید و اگر این شکل و چهار [illegible] کشنده [illegible] آب نارسیده

سنند و در چهار طرف زراعت دفن کنند هیچ از آن زراعت ملخ نخورد و کرم نیفتاد

و اگر رونده خواهی که از رفتن مانده نشود این شکل را در وقتی که قمر در شرف باشد

نه در تحت الشعاع و ناظر کواکب سعد بود بر پوست آهو نویسد و با خود دارد

از رفتن مانده نشود و اگر قمر در سرطان بود بر لوح نقره بنگارند و بدارند خصم غالب

گردد و اگر بر روز زهره و در حالتی که قمر زاید النور بود و ناظر بزهره بنگارند هر که با خود

دارد در چشم خلایق عزیز و شیرین باشد و اگر در روز قمر و ساعت قمر بنگارد

و در سفر با خود دارد از راهزنان ایمن باشد و اگر قمر با آفتاب ناظر [illegible]

این شکل بنگارد و با خود دارد بهر حاجت که توجه کند برآید و اما چهار [illegible]

هم شانه و اگر شکل مثلث در وقت طلوع مریخ اسم نوشته نام طالب و مطلوب

و در آن درج کند و از آن فتیلها بسازد و بمشک و زعفران و خوشبوی بسازد

و بسوزد میانه ایشان محبت عظیم پیدا شود و اگر قمر تربیع یا مقابله مریخ

باشد بهم دو شخص نویسند و در میان ایشان عداوت بهم رسد و اگر خواهی که کسی را

از محبت کسی دل سرد کند عدد سوره [illegible] عداوت [illegible]

و معشوق بهم حساب کن و در مثلث ثبت کن و در کوزه [illegible] آب [illegible]

آب کن و از آن آب بآن دو کس ده تا بخورند تا هیچ [illegible] و اگر خواهی [illegible]

در میان تفریق اندازی آیه و القینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة بگیر و عدد

اسم آن دو شخص در مثلث ثبت کن و در خانه‌ای که از آن [illegible]

تا محبت بنشیند و اگر در میخانه نباشد فهو المراد و اگر خواهی ظالمی را از مقام خود
آواره سازی بتکسیر عدد سوره الم ترکیف و عدد اسم آن شخص و در مثلث
ثبت کن و در مکان او دفن کن که در همان روز آواره شود و دیگر بخانه
نیاید و اگر خواهی که شخصی بد فعل را از منصب و جاه خود بیندازی بتکسیر عدد آیه و ما رمیت
اذ رمیت ولکن الله رمی با عدد ۳ است و با عدد اسم آن شخص در مثلث بنگار
و این آیه را بعدد اسم آن شخص بخوان و این شکل را در گورستان کهنه دفن
کن از آن مرتبه جاه هست تنزل کند و حقیر گردد و اگر خواهی که ظالمی را رنجور
سازی آیه فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم ۲۹۰۳ و عدد
اسم آن ظالم هم در وفق ثبت کن و آیه را بعدد مجموع بخوان و شکل را در مقابر ظالم
یا گورستان کهنه دفن کن که تا زنده است صحت نیابد و اگر خواهی زبان بدگوئی
ببندی بعدد آیه صم بکم عمی فهم لا ینطقون او لا یتکلمون او لا یتحرکون تا انقضای عمل
بهر حرفی چند عدد اسم خصم از تکسیر و مکان هر حرف در بروج خاکی [illegible] و ناظر
بر عمل بر مثلث وضع نماید و آن مثلث را در زیر سنگ گران نهد [illegible] زبانش
بسته گردد و اگر خواهی شهوت حرام کسی ببندی تکسیر عدد اسم [illegible]
[illegible] و شهوته [illegible] و عدد ابجد را در مثلث بنه و در جای [illegible]
دفن کن و سنگ گران بر بالای آن بنه شهوته او بسته گردد [illegible] در عمل
کردن [illegible] که [illegible] بیشتر از عمل

در [illegible]

و عزم آن بود و ملاحظه وقت و ساعت نمود مرغوب نشود و در عمل محبت

از اول تا آخر بخور باید سوخت و در خانه خالی بالای زمین یا حصیر یا پوست

باید نشست و آنچه نویسد بزبان جاری باید ساخت و بهمان کشیده و جدا

میان هلال باعث قطع شود غایت و در عمل سعادت خوشحالی قمر در حمل

معتبر است و در نحوست به خانه ان لازم و در عمل محبت بودن شمس

در برج آتشی و ناظر سعدین یا آفتاب بنظر مودت و از نحسین ساقط و در طالع

وقت عمل باید دید و او را از جرم نحوس خالی باید ساخت و صاحب طالع را

بطالع ناظر باید کرد و اگر عمل سعادت بود و در عمل نحوست اگر نحس در وتد بین

بهتر و سعدین ناظر بطالع نبود و قمر در طریقه محترقه یا عقرب و متصل بنحسین یا

النحسین نباشد علی ای حال خواه در عمل سعادت و خواه نحوست باید اجتناب

احوال ساعت و احوال کواکب خصوصا قمر و ملاحظه طالع قمر کار نحس درست

کم لایق با آن عمل بود و اگر ملاحظه نکند وعده وفا نهند مراد عمل نشود موجب

فتنه و بلاهای عظیم گردد نعوذ بالله منه والله اعلم و علیه التکلان

از برای دفع سحر مثلث این شکل را بنویسد  مثلث الاضلاع

و مثلث مربع الاضلاع شکلی که بر پشت مربع الاضلاع نوشته است



شکلی که بر پشت مثلث الاضلاع است

و در همین نوشتن سه بار قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بدمد

۱۲۳ ۱۹۲۴ این مجرب است [illegible]

خاص بالخلاص باخلاص بهلطاین اشماطون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] یا معشر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الجبال [illegible]

[illegible] جمیع بنی آدم [illegible]

[illegible] یا الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الله الحی القیوم العزیز العلیم الهادی ذی الفضل العظیم ان تسخر لی فلان ابن فلان و جمیع بنی آدم و بنات
حوا و ان تجمع بینی و بینها اقسم بالله یا ملائکة هذه الحروف بحقها اسمعوا و اجیبوا و افعلوا ما ارید
و احضروا فلان ابن فلان انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین یا ارواح ا
الطیبین الطاهرین التابعین لهذه الحروفات الطاهرات اسرعوا و اجیبوا امر نبیکم و تحیوا ابار کت
فیکم و علیکم بحق سلیمان بن داود علیهما السلام و در نسخه دیگر دایره را بمشک و زعفران و گلاب بر پوست آهو نوشته عزیمت را
در هر حرف جمیع ارتبت مرتبه بخواند
و غیر از این عزیمت را عزیمت دیگر نو
نوشته اند و هر دو را عمل دا
بیرة ... اشتو ... بخود و
لچه آورده و هر دو را از
برای خود بخواند بخود
لی جمیع
بنی آدم و
بنات
حوا الخواند
حوا و کار
ارنواب
بلیس
نقوذکر
بخوا
ندنسخه
لیه
فوائد
وونف
تهیج
کل
مقررد
بر بند
الهام
ی خود
بخواند تهیج
کل مقرر
بخواند و الواز
برای دیگری
بخواند تهیج قعب



محبته فلان ابن فلان بخواند
فلان ابن فلان علی
و چون باین نسخه بلی سرانداز برای خود این تسخر لی فلان ابن فلان یا جمیع بنی آدم و بنات حوا بخواند و الواز برای دیگری
باشد این نسخه قعب فلان ابن فلان علی محبته فلان ابن فلان بخواند و چون با جفور بر بند برای خود احضر لی جمیع بنی آدم و
بنات حوا و یا فلان هر کس که مطلوب است بخواند و برای دیگری و احضر فلان ابن فلان فی مجلسه و امکان فلان ابن فلان بگوید تمت
بالمحبته در روز پنجشنبه وقت جزوب آفتاب بنویسد و بر بند شلوار خود بندد بر بازو بندد تمت علیکم یا خالق الحق ما
لا الحق احقات ه اللقو لا فا فیها السماع وا طیعوا سو سو سه هیج قعب فلان ابن
فلان محبة ... و در ... فلان ابن فلان التحبیب ... الحریق الیها ... و بخلاف و
... ... پیاله ... بر قوا عده ... الناس بخوان و ... بکذار روز
... کهم کهم ... در نسخه ... کهمه
... الکسو ط ال ۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۶ ۱۱ ۱ ۵ ۱ ... ان ... احمد ...

ف	ا	ع	ا	د	غ	ی	ف	ج	ی	م	ل	ا	م	ق	ا	ف	و	ا	و	ص	ا	د	ق	ا	ف	ف	ا	ح
ج	س	ل	س	ص	ث	ح	غ	ف	ح	ط	ف	س	ط	ع	س	ح	ر	س	س	د	س	ص	ع	ص	ح	ش	س	ک
۸	۸	۸	۴	۴	۱	۵	[illegible]	۳۰	۴	۳۳	۳	۴	۴	۱	۸	[illegible]	۶	۶	۶	۹	۴	۳	۱	۸	[illegible]	[illegible]	۸	
۳	۳	۳	۶	۶	۳۰	[illegible]	۹	۱۲	۶	۲۳	۱۴	۶	[illegible]	[illegible]	۳۰	۶	۳۰	[illegible]	۲	۶	۶	[illegible]	[illegible]	۳۰	[illegible]	۳۰	۶	
۵	۵	۵	۲	۹	۲۹	۱	۱۱	۹	۳	۶	۹	۳	۴۱	۲۹	۵	۶	۳۰	۳۰	۳۰	۳	۲	۴۱	۲۹	۵	[illegible]	۴۴	۲	
۶	۶	۶	۶	[illegible]	۵	۶	۵	۱۴	۶	[illegible]	۱۴	۶	[illegible]	۵	۵	۶	[illegible]	۳۰	۳۰	[illegible]	۶	[illegible]	۵	۶	۶	۴۶	۶	
۳۴	۲۴	[illegible]	۳۰	۵	۶	۵	[illegible]	۶	[illegible]	۳۰	۶	[illegible]	۵	۶	۶	۳۰	۳۶	۶	[illegible]	۶	۳۶	۵	۶	۴۶	۲۱	۴۶	۴۳	
۱۸	۱۸	۱۸	۳۰	۳۰	۱	۱	۳۶	۱۸	۳۰	۱۳	۱۸	۳۰	۳۹	۱	۱۸	۳۱	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۱	۱	۱۸	۳۰	۱۰	۴	
۳۰	۳۰	۳۰	۲۸	۱۰	۲۸	۳	۲۰	۹	۲۸	[illegible]	۹	[illegible]	۲	۲۸	[illegible]	[illegible]	۶	۶	[illegible]	۲۸	۲۸	[illegible]	۲۸	۳	[illegible]	۱۱	۴	
م	م	م	غ	ی	غ	ب	ر	ط	غ	ل	ط	غ	ی	ج	م	س	و	و	ک	ک	غ	ط	غ	م	ح	ک	ل	
ف	ن	ل	ا	غ	ظ	ک	ق	ج	ی	ک	ص	ن	ک	ق	ن	ع	س	ن	ب	خ	ظ	ط	ق	ن	ی	ن	ح	
ص	س	ف	ک	ف	ص	ل	ی	ت	ک	ص	ث	ص	غ	ی	س	س	ف	ف	م	ح	ق	ف	ی	س	ق	ن	س	
ع	ه	ث	ص	د	ث	س	و	ر	ر	ص	س	ج	ا	ج	ج	ب	س	ا	ع	س	ر	ط	ظ	ت	ق	ق	ی	
ب	ق	ح	د	ص	ج	ا	ر	ر	ف	ل	ا	ث	س	ی	ع	ا	ا	ا	ب	ا	ق	م	م	ج	ه	ی	ج	
ی	ف	ه	ب	ج	ق	م	ج	م	د	ه	ص	ح	ج	ب	ا	س	ر	ا	ر	ا	ف	ع	ل	ی	ا	ر	ت	

ا ب ج د هـ و ز ح ط

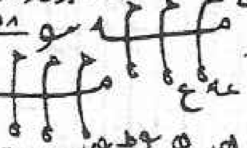
ا ب ج ک س	ب ج ل ل قن	ا ج د هـ م ت	د هـ و ن ث	[illegible]	ح ز ع
ه و ی ط ص	ه ن ک ب ق	ک ل م ر ب	ل ل م س ع	ل ر ن ت	ا ت س ت م
ن س ع ر	ص ع ف ع	ف ق ط ظ هـ	ع ف ق ی	ق ش ب ک	ر ش ت ل ح
ش ت ث ح	ت ث خ س ف	ث خ ذ ض ع	خ ذ ض ف	ذ ض ظ ص ط	ض ظ غ ا ی ق

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۲	۲	۶	۲	۱۰	۳	۱۴	۴	۸
۳	۳	۶	۳	۱۲	۱۵	۳	۲۱	۳۴	۳
۴	۴	۲	۱۲	۴	۲۰	۱۲	۲۸	۴	۳۶
۵	۵	۲۵	۱۵	۲۰	۵	۳۰	۴۳	۴۴	۴۵
۶	۶	۳	۳	۱۲	۳۰	۶	۴۲	۱۲	۶
۷	۷	۴۲	۲۱	۲۱	۲۴	۲۳	۷	۵۷	۶۳
۸	۸	۴۲	۲۳	۴	۴۴	۱۳	۵۶	۸	۷۲
۹	۹	۱۸	۳	۴۶	۲۵	۶	۴۳	۲۴	۹۰

گرفتن... ده ورق چشم چون عیال و بخوانید جفر را ... ببین ... از آن ... بعد از آن ... برون ...
و بلور رفت ... بدیده ... شکر ... بیدار ... خواندن ... در آتش
کوزه ... باقی باشد و آن ... از چشم ... و ... وقت ...
بار اسم مبارک را باید خواند ... ابن ... ست ... الهی الطاهر
من کل ما نفسه بقدسه اگر خواهی ... در شکل این است

٢ ع ٢ طلم ا د د ٣ م ٣ ١ ٢
٣ ٩ ٩ ٢ ١١ ٩ ١ ٢ ١
١ ع ١١ م ٩ ٩ ع ٣ ٢ ١ ١ ٨ ٩
ما و سعو مـا ع ...

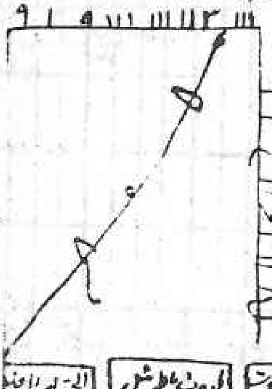
اگر خواهی که ... در خواب پیش تو آید ... خواهی ... گردد
باید ... این اشکال ... در زیر بالین ... باشد
... آن ... اشکال این است ٥ و ٥ و ٥ و ٥ ولا



عجیبه ... اگر خواهی ... عشق خود
... خود ...
... باب ...
... آیه ...

ه ... ه ه ه ... ه ه ... ه ه

... اللهم ...
... بسم ...



... باب ... در روز ...
...

براى ... اگر خواهى ... این
... ست ... این است
بسم الله الرحمن الرحیم ...
...
اگر خواهی ...
...

...	...	...	...

... باب ... روز ...
...
...
...
...

... بر نویسد در روز چهارشنبه پیش از آفتاب بنام خود و مادر خود و نام او و مادر او [illegible] خوان و طوب [illegible] خورده نماید

... سیاه کاغذ [illegible] در زیر آتش دفن کند [illegible] بیاید و [illegible] ١٨٩٣١١ [illegible] ٩٢٣٩١٨ [illegible]

[illegible] را با [illegible] درست [illegible] بار [illegible] بعث [illegible] اندازد [illegible]

[illegible] الکمر [illegible] حق [illegible] المحیط [illegible]

[illegible] الی یوم القیمة

بسم الله الرحمن الرحیم

هر که کسی که به حرج مبتلا باشد بعد از نماز جمعه که کسی نبیند [illegible] این آیه را بخواند لینفق ذو سعة
من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یکلف الله نفسا الا ما
آتاها سیجعل الله بعد عسر یسرا ده مرتبه بخواند بعد از آن صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه
بعد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد حق تعالی از خزانه غیب روزی دهد [illegible] کرامت فرماید روایت است
[illegible] که هر که بعد از نماز [illegible] این دعا را صد مرتبه بخواند [illegible] حاجت او روا شود [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم یا قائم یا دائم یا فرد یا وتر یا حی یا قیوم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا
احد [illegible] جبرئیل [illegible] بخواند این دعا
[illegible] حاجت خود [illegible] یا رب الاولین و الآخرین و یا غنی [illegible]
[illegible] یا ارحم الراحمین هر که در روز جمعه [illegible] بخواند [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک
فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و صلی الله علی محمد و آله اجمعین [illegible]
بخواند [illegible] یا قوی یا غنی یا ملی یا ولی
[illegible]
[illegible] ارحم الراحمین صلی الله [illegible] لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم [illegible]

[illegible] رأیت فی نسخة اخری [illegible]

٢٠ ٨ ٤٣٣٤ [illegible]

[illegible] از حضرت رسول [illegible] این دعا را بخواند [illegible]
[illegible] یا ذا الجلال و الاکرام یا حی یا قیوم [illegible]
[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

جهت ذکر اسم جبرئیل علیه و میکائیل عن شمالی اسرافیل [illegible] ه ااا م ااا ه ماعی

[illegible] ۲۲ [illegible] ۹ [illegible] م ب

یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن

[illegible] ۹۹۱ [illegible] ه ۱۱

یا رحیم یا رحیم یا رحیم بجهت تسخیر کردن یک مثقال

دارچینی که بیده به همراه خمیر خوب زردی سلک و بعد برق چی آورد منقول است از جمله مهمات خلق و حرفی بود از

صبح و شبی ده هزار مرتبه الله الصمد باید بار بار ذکر دعا و صلوات بخواند آنها هم برآورده شود و صبح و شب نوزده کرّه در

بامداد و ... ده دعا و صلوات اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوات تنجینا بها

من جمیع الحاجات و تطهر بها من الذکر علی الدرجات و تبلغنا بها من اقصی الغایات من جمیع الخیرات

فی الحیوة و بعد الممات برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن بخواند اللهم یا عالم السر و الخفیات و یا مجیب الدعوات

الفرد المتعالی عن الجهة و الآفات و المتعالی عن الحدود و الغایات یا مطلع بالمرادات یا منزل البرکات و الرحمة

و ارادة الحسن و الجمال ... من الخلق ... فی الحاجات ... و ... الخفیات

یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از آن الله الصمد ... یا کبیر یا اکرم ... یا

همکائیل یا شرهمائیل یا ... یا ... با ...

بالاظهر بالظلوم را دانستی از طرف پای ... و ... الله الصمد را بخواند ... آن ... آید ...

معلوم شود و از برای ... کردن ... الله الصمد را ... آن ...

کرده و از برای ... بخواند ... روز ... ده هزار بار الله الصمد را

... الله الصمد ... بخواند ... را ... کند ...

٨	٩٤	٩٧	١
٩٦	٢	٧	٩٥
٣	٩٩	٩٢	
٩٣	٥	٤	٩٨

با ... خزانه ... از برای ... و ... بدهند که خواهد

باید که ... روز هر روز هزار بار الله الصمد را بخواند هر ... خواهد در یک

ساعت بر ... از برای ... کردن ... الله الصمد را ...

هر یار ... خانه ... و ... و از برای

... الله الصمد را در روز ... بخواند ...

برطبع وروغن بریان بار شوند وار برای پیدا کردن طعام پخته در بیابان یازده بار الله الصمد را با سوره [illegible] بخواند بر [illegible]

آب و طعام پخته و هرچه در دل دارد پیدا شود و از برای پیدا کردن رجال الغیب و صحبت آن باید که هر روز ابرزبان

نهد و هفتاد بار الله الصمد را بخواند رجال الغیب پیدا شود و هرچه از او بطلبد قبول کنند و از برای مسخر کردن فیل و شیر

وغیر آن الله الصمد را هشتاد بار بخواند فی الحال پیدا شوند و هرچه گوید قبول کنند و از برای مسخر کردن مار و کژدم الله

الصمد را بخوانند هر روز هزار بار بخواند صبح مار و کژدم در فرمان او باشند و از برای گرفتن خانه کسی الله الصمد را

صد بار بر خاک بخواند و بر در خانه آن کس بپاشد آتش گیرد و از برای رفتن او بار بخوانند و بر رفع شود و برای مسخر کردن

شمس و قمر الله الصمد را هفت روز بیست بار بخواند شمس و قمر مطیع شوند و از برای فراخی روزی و ادای قرض الله الصمد را

بعد از نماز صبح صد بار بخوانند و از برای زیاده کردن مرض و شمنی و بیرون او الله الصمد را بر ایشان هزار بار بخواند

دشمن بی‌ار شود و بمیرد و از برای پیدا کردن مار در مجلس چوبی مقدار یک ذرع بگیرد و بر آن چوب صد بار الله الصمد را بخو

نمد و بر آتش بخوانند گیرد و از برای بالا آوردن آب چاه الله الصمد را بر کوزه هفت بار بخوانند و بر چاه اندازد

آب بالا آید و از برای چراغ و روشنائی در بیابان پیدا کردن الله الصمد را هفت بار بخواند بر جهار عدد سنگ ریزه

و سنگ را بر جهار انداز فی الحال روشنائی پیدا شود و اگر خواهد رفع کند همه را برگرفته بر آنها سه بار بخواند پیدا

رفع شود و الله اعلم بحقایق الامور و دقایقه جهت شفا نوشتن بجهت دردن [illegible] راست اسم او بنویسد که شفا

او را دردم آهاه و همّه فرو برب ایام [illegible] بدفع ما هو سیاه اسم جمله اگر خواهد کسی را از عشق

بیزار کرد این دو اسم [illegible] یا ید آب بنویسد و بر طرف نوشته آتش کند از رها شود و منقلب اسم [illegible]

١٢	١٠	١
٦	[illegible]	١٤
٢	١٢	٥

اگر خواهی جواب کسی را بشنوی بگیر کاغذی از فولاد و وقت لام [illegible] برآن کار دو بخواند

و بگذار بر بدن و بر زبانی بگوی بسم و بگو بسم جواب فهم ما او را [illegible] رویر زبانی گوید

او گفتی جواب فرکند جهت جنس لوک سوره الحمد و فلق را بر پوست تخم مرغ باسم آنکس بنوید

و آن را در سر قطعه از خانه او بیفکند و در زیر آتش دفع کند جهت احضار عبد الله بالائی گوید و بنویسد این طلسم را

هرکجا کار افتد و اگر رفته باشد و آن را در آتش اندازد چنان بسوزد و وقت تکه [illegible] اگر [illegible] از آتش بیرون آید دیگر به

نقیت مطلوب در آتش بنهند لکم [illegible] یا سه ما مطلحضا ساسلکا

و نیت [illegible] نیم بسم [illegible] [illegible] [illegible] بسوره [illegible] [illegible] رسید [illegible]

[illegible] [illegible] بر آب روان بخواند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سبحان من هو في السماء عرشه سبحان الذي في الارض حكمه سبحان الذي في البحر سبيله سبحان الذي في الجنة رحمته سبحان من هو حسبنا
الكافي والشافي سبحان الذي اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه
ترجعون وصلى الله على محمد وآله اجمعين لا اله الا الله الملك الحق المبين ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير
الفاتحين چون [illegible] مرتبه بخوانی محبت پيدا شود [illegible] اعوذ بالله من الشيطان الرجيم [illegible]
[illegible] [illegible]
بجهت دفع [illegible] روز [illegible] سوره اخلاص را بخوانند بعد از آن [illegible] الله [illegible] که [illegible]
[illegible] سوره اخلاص را [illegible] و در برابر قبله بنشيند و [illegible] اسم الملك بخوانند و بخور [illegible]
[illegible] ابتدا [illegible] باسم [illegible] بخوانند و [illegible] عود و لادن و زعفران بخوانند
الملك [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] ١٩٢١ ٣ ٤٣ ١ ٤ ٢ ١
[illegible] نقل است از شيخ بهاء الدين [illegible] شيخ [illegible] نقل [illegible] شيخ [illegible] الدين [illegible] و [illegible] است
آنست که [illegible] در روز [illegible] بايد [illegible] و [illegible] بايد از [illegible] و [illegible]
و [illegible] واجب [illegible] بشود [illegible] و [illegible] در برابر [illegible]
[illegible] اراده دارد ١٢ [illegible] باید [illegible] کنند و بايد که ٢ [illegible] ٣ روزه دارد و
حيواني نخورد و در روز [illegible] يکروز [illegible] ٥٢٥٣ باشد و در روز مذکور وقت طلوع آفتاب بر روی سبزه
بنشيند [illegible] [illegible] و [illegible] بخوانند و روی [illegible] [illegible]
[illegible] و چون [illegible] مذکور تمام شود [illegible] که [illegible] آمده باشد و بعد از آن [illegible]
[illegible] ١٩٢١ [illegible] مرتبه [illegible] را بخوانند که مطلب حاصل است و [illegible]
[illegible] که [illegible] عود و [illegible] است [illegible] طلخوش [illegible]

ملليخ حلبيوش آسطالوش آبطاهوش آدمانيوش ق
شماعوش كلحموش بيناطوش لولاطوش قاعده علم [illegible]

I [illegible] [illegible] يوم الشنبه و يوم الخميس و يوم الاثنين روزه بدارد و ترك حيوانی کنند و در روز [illegible] رکعت نماز
[illegible] ١٩٢١ [illegible] نقش را [illegible] روی آن [illegible]
[illegible] فاحاحال و [illegible]
١٩٢١
[illegible] بخوانند [illegible] لا اله الا الله الحق [illegible]

اخمت علیکم و اغمت علیکم با الفح و نسخه بفا است یعنی یا فیح یا اخفح یا ارفح در نسخه

ابارح بفا است البحق ارحن ارحی مصحوش و نسخه جمحوش و نسخه حیحوش سلطان حیحوش

و نسخه حیحوش بیای است ان تبدل هذه القرطاس بفضة او بذهب مع سکة تضرب فیها

هذه البحر و ان لم تفعلوا فعلیکم الله تعالی در نسخه آخر فعلیکم الله مع ذکره من نار و نحاس و لا تنتصران

توبوا حکم و ابدیکم البجل البجوا البجل الرحا الرحا الرحا الساعة الداعه بحق الذی اعطی بیدا بحق الرحا

و هزار مرتبه بخواند اهیج ارهاطیج ارحوج ادیح نورش الله و نیز هزار مرتبه بخواند

ارطائیل الحوائیل مسطائیل مرطوط مرمرطیا طوی نسخه بدل مرحقوم

انخ مشبق مشبق و نیز هزار مرتبه بخواند رب الهیبة عزة الله و قدرة الله و سلطان

الله و برهان الله ارج ادفج اروح الوش کرامت و الله مراد حاصل است و السلام

فائده هر کس ده روز ترک حیوانی کند و ریاضت کشد و در جای خوت بر سر سوی ده نشیند و این عزائم را در هر روز ...

بار بخواند عزائم این است اروائیل اطوائیل منطائیل مرحنوط منطوط

مرحیا مرطیا مرقیم انخ انخ منفق منفق بعد از آن بیرون رود هر چه و قیل خواسته باشد

عود البقد بول هر بول که شد بریده بعد از آن این طلسم را بر روی آن کاغذ بنویسد و ۵ م ۵ ع بعد از آن

هفت بار این عزائم را بر آن کاغذ بخواند بامر الله تعالی حاصل شود و عزائم این است الله رب العزة اشجالوش

منطالوش مرحالوش محاخوش رب العزة هیماخوش انخ انخ نورقیق

باب هر کس چهل روز حیوانی نخورد و در جای خوت نشیند و یکصد و پول هر بول که شد در اندرون لیسه بخود و انداخت ن کند

و هر کسه را هر کند هر روز و هر شب هزار بار سوره و الشمس را بخواند تا تمام شدن چهل روز بعد از آن بسم الله الرحمن الرحیم

کو جو کیسه را برداردو کیسه را ثلث پر حاصل می شود هر روز از نیچ و ده را برداردو خرج کند تا چهل شود

بعد از آن هر روز آن را باز بدل کند و خرج کند خیرست و این ایة کریمه را لا ط ... ه ا ح ح ... ا ح

سوره الله که دعوت این آیه کریمه هر هفت شب است که هر شب هزار مرتبه بخواند و اعداد آیه را عدد ۴۲ بار

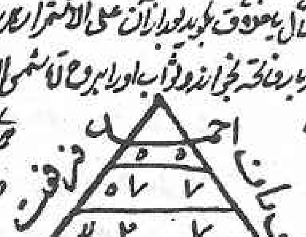
و هر وقت پیش سد بگذارد و اثر ش تو میر شود و هر شب بعد از خواندن آیه کریمه این را ...

را بجهد وخوش آمد باشد بخواند در شب هفتم شخص پیدا شود و بجهد در هم جمال صید بدین بایدش آن رخیده و در هم را
هر چه خواهد از و طلبه کند روز که هر روز بعد از آن مبلغ در پیش مبلغ زر در میان آید آنرا بمعرف حلال خرج کند از تجربات است
ارکان این ختم منقول است که هفت روز روزه بدارد و ترک حیوانی کند و در شب هشتم آیه وعنده مفاتح الغیب را
هزار بار بخواند و ده مرتبه یا مهیمن بگوید و اسم یا حی یا قیوم را هزار روزه هر روز هفت مرتبه بخواند مراد برسد فائده
از شمس الدین فرموده که هر کس هفت روز روزه دارد و ترک حیوانی کند و هر روز چهل مرتبه این اسما بخواند یا فرد یا
خبیر یا شهید یا زکی یا الحی یا ثالث یا حبیب یا فعال یا صدوق و در روز هشتم این مهر را در
زیر سجاده کند و هزار مرتبه یا فعال یا صدوق بگوید و سجاده را بردارد و بیند که از عالم غیب هفت عدد
آنچه در زیر سجاده باشد خرج کند و این مهر را در کیسه گذارد و چهل مرتبه این اسما را بخواند یا منهب یا مستوی
یا فعال یا صدوق هر روز بإذن الله تعالی بیابد و تمام نشود اما باید هر ماه هفت عدد تصدق کند و بروح
شمس الدین صد بار فاتحه بخواند و مهر مبارک این است   فائده از شمس الدین منقول است که هر که



بهیاش
شوم ای
ی هش
ماهش ی
الش ی
۲۲۶ ۱ ۱

هفت روز روزه بدارد و از حیوانی
پرهیز کند در عرض هفت هفته این
اسم مبارک باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا غالب
یا ثابت یا حبیب یا فعال یا صدوق
بگوید بعد از هفت روز این مهر را در
زیر جای نماز گذارد و ۱۲۵ مرتبه
این اسم را یا فعال یا صدوق بخواند و سجاده را بردارد و ببیند که از عالم غیب هفت عدد زر بیابد و چهل مرتبه
یا منهب یا احمد یا فعال یا صدوق بگوید بعد از آن علی الاستمرار هر روز بیابد بإذن الله اما هر ماه هفت عدد او را
تصدق کند و هر ماه صد بار فاتحه بخواند و ثواب او را بروح شمس الدین بخشد اما باید مهر را درست بکشد و مهر را در کیسه
کند و مهر مبارک این است
والسلام علی
من اتبع الهدی



هر که روز یکشنبه اول ماه که باشد روزه بدارد
در وقت خروس سفید ... و ...
روز ... کند در وقت ...
بخواند ...

یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی
یوم الدین رب هب لی حکما والحقنی بالصالحین بعد از آن ذبح کرده از او هیچ چیز نخورند از خون و پوست و پر و روده
و وقت آفتاب برآمدن وی تمام بسوزند از گوشت هیچ نماند و استخوان و خون آن هرچه باقی مانده باشد بسوزانند تا خاکستر شود
و آن خاکستر را پنج محراب ریال و پنج اشرفی آورده بر هر یکی اسمی بنویسد و هر یکی از آنها زر در یک محراب بانند بنویسد
بر یکی از آنها اسم جبرئیل و یکی اسم اسرافیل بر یکی میکائیل بر یکی اسم عزرائیل بر یکی اسم ابراهیم اینها را
زیر جای نماز نهاده چنانکه نام ابراهیم در زیر پیشانی نهاده باشد جبرئیل در زیر دست چپ باشد میکائیل در
زیر پای راست باشد عزرائیل در زیر دست چپ و اسرافیل در زیر دست راست باشد بعد از آن چهار رکعت نماز
بگزارد به نیت آمدن پول و پول را بر بالای جای نماز بگذارد و پا بر سر آنها نهاده در هر رکعت یک بار فاتحه
آیة یک بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم واذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی قال او لم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبی قال
فخذ اربعة من الطیر فصرهن الیک ثم اجعل علی کل جبل منهن جزءا ثم ادعهن یأتینک سعیا واعلم ان الله عزیز حکیم
تا یکشنبه دیگر روزه دارد و سجده را در آنجا ببرد و یک شنبه دیگر سجده را ببرد و دو هفته [illegible] ابراهیم هر آینه [illegible]
اسم ابراهیم را اثر کند و هر چند پول که خرج کند هر روز آنقدر میرسد اگر خواهی که هر روز عدد پول
پیدا شود عدد و نقش یا شکل شکلش را بدون قلم در یک سفید بنویسد بگذارد و بعد از آن شکل اینست
بنویسد و هر جائی دفن کند تا مسیر [illegible] باشد و چهل روز بماند و هر روز هفت بار این اسماء بخواند [illegible]
اینست بعد السماء اینست تعل تعل یا ذهب باذن الله تعالی اهیا شراهیا
هذا میثا هر جا بعد از چهل روز تمام شدن برداره و هر [illegible] رسیده است آنکه بر
بالای اینها آمده است و او را خرج کند آنکه طبع خود بوده است حرکت تازه او را [illegible] در سینه کنار [illegible] و هر روز صد
بار خرج کند [illegible] قاعدة دعوت سوره اخلاص در هر روز که اراده نماید صبح آخر روز غسل کند بعد از نماز صبح در [illegible]
خلوت خالی بنشیند عود و صندل بسوزاند و حیوانی نخورد و چیزی نوشد [illegible] نماید بعد از نماز
صبح هزار مرتبه بعد از نماز ظهر هزار مرتبه بعد از نماز عصر هزار مرتبه بعد از نماز مغرب هزار مرتبه بعد از نماز عشا هزار مرتبه
و بعد از نماز تهجد هزار مرتبه سوره مبارکه اخلاص را بخواند چون هزار مرتبه خوانده شد این دعا را بخواند با حضور
[illegible] اللهم انی اسئلک [illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله
[illegible] مرتبه [illegible] بخواند که در شبانه روزی شش هزار مرتبه خوانده شود و در سه روز [illegible]

که سوره مبارکه را بخوانند و بگیرند این اعتصام را بخوانند اعتصام این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظنی من ا

لعذاب الجرمة ... سورة الاخلاص و یتشرف ما یلیق به من عطایاء الشریفة والمواهب الهنیئة

صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و چون ختم تمام شود این دعای بزرگوار را ... بخوانند دلوا.

فائده ... [illegible] ... حضرت ... از ... شود ... این جواب ...

کلام ... عند ... [illegible] ... و ... و غضب را ترک

کنی ... [illegible] ... الفتح ...

هر روز ... [illegible] ... بخوانند ... الله ...

بیست ... [illegible] ... عبدالله ... احفظ ...

... بخوانند ... [illegible] ... و بعد ...

... [illegible] ... عبدالاحد ... احفظ ...

... [illegible] ... عبدالصمد ...

احفظ ... یا عبدالصمد ... [illegible] ... روز ... روز

پنج شنبه ... [illegible] ... بار ...

... [illegible] ... بخوانند ...

کر روز ... [illegible] ... بخوانند ... رحمة ...

این دعا بخوانند اللهم انی اسئلک ان تشرح لی صدری ... السورة الشریفة ... لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

فائده صاحب ... [illegible] ...

فایده ... عظیم است ... روزه ...

اسامی ... بزرگ است و مفتاح الکل ... هلیهوت

هلبهوت ... هاجبی ... هیلوب

... [illegible] ... اللهم اکفنی

عن قلبی حجاب الغفلة و علمنی ... اعلم ... لا اله الا الله

والا ... [illegible] ...

کرده والله اعلم بالصواب ... [illegible] ...

[illegible]

و در وقت روز بعد از نماز صبح [illegible] ابتدا از روز یکشنبه اول هفته تا هفتم ماه که باشد بخواند و بخور [illegible] بوده باشد

و در وقت شب برخاسته در جائیکه آواز آدمی و سگ نرسد برود و مقصود و مطلب را [illegible] بار عزیمت ذکر شود و تکرار

و صلوات [illegible] میشود و در صحن خوانده [illegible] روبکار [illegible] از آن چشم از او بر مدار و در خلوت

شمع موم سفید باید بکار برد یا روغن زرد [illegible] کوبیده داخل [illegible] کند و بسوزاند و لوح

را باید بر کاغذ یا بر حریر [illegible] بر زعفران نوشته و چهار اسم که بر دور لوح است باید که هر کتب [illegible] شود و لوح

را [illegible] اعداد [illegible] تا آخر [illegible] و بعد از اتمام ذکر صد مرتبه صلوات باید ختم کرد و هم

چنین قبل از شروع [illegible] صد مرتبه صلوات باید ختم شود و بعد از اتمام ذکر و صلوات تعظیم بر لوح کنند و پس بیرون

رود و هر شب [illegible] باید تا شب چهارم [illegible] صدای رعد و برق [illegible] که [illegible]

[illegible] که زبان [illegible] صدای [illegible] ادای [illegible]

است [illegible] بزرگ [illegible] آمد اول [illegible] که دست بردار [illegible]

چنان [illegible] بردار [illegible] و مشغول خواندن ذکر [illegible] تمام

شود پس [illegible] مطلب [illegible] و جواب [illegible] آن وقت

[illegible] حرف [illegible] بردار [illegible]

حال [illegible] خواهی [illegible] فریب [illegible]

[illegible] آن وقت [illegible] حاجت [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] روح القدس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فسلل المجری بالبر والبحر بامر الملک المنان یا کافلنا یا اهلنا

منو نیل یا کافینا یا راجینا الحی الحی الحی ای تلخیم هام هوم لی مذلول

١٢٢٥	١٠٣٨	١٠٣٥	١٠٣٢
١٠٣٤	١٠٣١	[illegible]	١٠٣٧
١٠٣٠	١٠٣٣	١٠٣٦	١٠٢٧
١٠٣٩	١٠٣٤	١٠٢٩	١٠٢٨

کلطفصحب

هفغخیل

بدانکه این اوراد ختم ها ۲ ماه

برآید و زبانش بند آید و اعضایش

از شدت خوف خشک گردد و سوره حقی

الله احد را بخواند و الکرسی را بخواند

در خاطر بگذراند ببندد زبان و خلق

اعضایش را شل میشود و بیند

قاعده آن طلسم جاری

الف عمل ۱۹۲۱ بایده روز و روزه گیرد و جوانی بخورد و درخوت بنشیند و هر روز بیست مرتبه این اسما را بخواند

افرائیل اطوائیل منطائیل هرطوط منطوط انج انج صنی

صنی و کس بعد از آن چند بار کاغذ بشکل زیر ببرد و در روی کاغذ این شکل را بنویسد هم

مرع صرع مرع لعوه بعد از آن این دعا را بخواند و بعد بر کاغذ و مدحشیحا لوش منطا

لوش منجالوش مدحا میما حوش رب العزة انج انج ذو ش

احمل احمل لو سابیش انج انج هم لیوده ماه نوع آخر این دعا را ده روز هر روز صد مرتبه

بخواند و بشکل زیر از کاغذ ببرد و این شکل مذکور را بر روی کاغذ بنویسد و بعد از آن این دعا را که مذکور میشود ۳۳

مرتبه بخواند و کاغذ بریده را در میان کتب بگذارد و در هم نگذارد و هر وقت که حاجتی داشته

باشد گفت برو او الکه ز لعوبان التی آنکاغذ زر زده باشد دعای آنکه چهار صد مرتبه باید بخواند این است

آزرائیل اطوائیل منطائیل هرطوط هبطوط حرمی حرطی حرمحرم

انج انج صنی صنی و بش بعد از آن این شکل را بر کاغذ بنویسد ها سرع و بعد از آن سه

بار این دعا را بخواند اشتی الوش مرحالوش منطالوش یا دبی فرش رب

الغزو انجح انجح نی ... قدیم ... رساله غالب و مغلوب

بیرون آوردن غالب و مغلوب میان دو شخص که خصم باشند معلوم کنند که غالب کدام است و
مغلوب کدام است از هر چیزها مثلاً اگر در میان دو پادشاه یا غیر آن چون زن و شوهر خواهد
و معلوم باید کس که بجهت مرز و قضیه روند آنچه نفتی لمبارزت دو خصم بدین حساب معلوم کنند
که غالب کدام است و مغلوب کدام باید که در حساب عدد حروف نام ایشان معلوم کرده آن را تحقیق حساب
حمل کنند و هشت هشت طرح کنند که غالب و مغلوب ایشان معلوم شود ای عزیز اگر خواهی که بدانی
که این خط ندارد احوال ملوک ماضیه را که با یک دیگر جنگ کرده اند حساب کنند و ببینند هر کدام
غالب بوده اند در تاریخ جا نیز غالب می آید و این برهان عظیم است و این نسخه و حساب بر هشت
باب نهاده اند تا دانستن آن بود و ابجد بدین طریق است ا ب ج د ه و ز

ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ
ذ ض ظ غ

باب اول یک با هشت یک غالب آید بر هشت یک با هفت یک غالب
آید بر هفت یک با شش شش غالب آید بر یک یک با پنج یک غالب آید بر پنج یک با چهار یک
غالب آید بر چهار یک با سه یک غالب آید بر سه یک با دو دو غالب آید بر یک یک با یک طالب
غالب آید بر مطلوب باب دوم دو با هشت دو غالب آید بر هشت دو با هفت هفت غالب
آید بر دو دو با شش دو غالب آید بر شش دو با پنج پنج غالب آید بر دو دو با چهار دو غالب آید
بر چهار دو با سه سه غالب آید بر دو دو با دو طالب غالب آید بر مطلوب باب سوم سه با هشت
هشت غالب آید بر سه سه با هفت سه غالب آید بر هفت سه با شش شش غالب آید بر سه
سه با پنج سه غالب آید بر پنج سه با چهار چهار غالب آید بر سه سه با سه طالب غالب آید بر
مطلوب باب چهارم چهار با هشت چهار غالب بر هشت چهار با هفت هفت غالب آید بر چهار
چهار با شش چهار غالب آید بر شش چهار با پنج پنج غالب آید بر چهار چهار با چهار طالب غالب آید
بر مطلوب باب پنجم پنج با هشت پنج غالب آید بر هشت پنج با هفت هفت غالب آید بر پنج پنج با شش شش ...

آید بر شش پنج پنج طالب غالب آید با مطلوب با بشتم شش با هشت شش غالب آید بر هشت شش با هفت

هفت غالب آید بر شش شش با شش طالب غالب آید بر مطلوب با ب الکم [illegible] با هشت [illegible]

آید بر هفت [illegible] با هفت طالب غالب آید بر مطلوب با ب [illegible] با هشت طالب غالب آید

بر مطلوب [illegible] فائده در تحصیل علوم [illegible] علوم عجیبه صاحب در التعلیم آورده که هرکه اراده کند

که [illegible] سید میگه بر الرحمن [illegible] است باید که طهارت کامل سازد و لباس پاک [illegible] و چهل روز

پیوسته روزه گیرد و ابتدای روزه از روز [illegible] کند و هر شب از وجه حلال روزه گشاید چون وقت خواب آید

[illegible] بار سوره والشمس و [illegible] بار والضحی و [illegible] بار الم نشرح و [illegible] بار قل اللهم تا بغیر حساب و در بعضی نسخ

مسطور است که بعد از والشمس [illegible] بار سوره والليل نیز خواند بعد از آن گوید اللهم انی اسئلک بقدرتک

علی کل شیء و تسخیرک لکل شیء یا احد یا صمد یا حی یا قیوم ان تصلی علی سیدنا

محمد و آله و ان تیسر لی العلم الذی [illegible] بعون [illegible]

به کثرت از [illegible] فی تلک مالک الملک و بیدک مقالید السموات والارض

وانت علی کل شیء قدیر چون این عمل بجا آورد حق تعالی شخصی را مسخر وی گرداند که آنچه طلبد

در بیداری یا در خواب و مراد آن [illegible] والسلام [illegible] علم [illegible]

[illegible] روز و هر شب [illegible] آیه [illegible] فی سورة الرعد وانزل من السماء ماء فسالت اودیة

بقدرها [illegible] جهنم و [illegible] در خواب [illegible]

[illegible] العباس الفقر [illegible]

اسئلک [illegible] در خواب [illegible] و در بیداری [illegible]

[illegible] ۱۸۴۳۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الفوائد ۱۲ از سلطان الدین قفلی ذکر شد از اصحاب شیخ محی الدین اعرابی قدس الله سره که در فتوحات از
فتوحات مکی آورده که در اسم اعظم اختلاف علماء بسیار است و قول شیخ بزرگوار آن است
که هر فردی را از افراد این اسم اعظم است باید آن کس اسم خود را حساب جمل حساب کرده به
بیند چند عدد بوده مطابق و موافق آن اعداد که از حروف اسم حاصل شده اسم الله اعظم اوست

نحو فقه سه روز قبل از ختم باید ترک حیوانی بکند و بعد از سه روز یوم الاثنین تا الاثنین دیگر ترک حیوانی کند
و مصلی از او برنیزد که ازو بوی رسیده باشد و کبوتر کرده و تسبیح در دست گرفته و دست را با تسبیح در میان
کیسه بنهد و بیگانه اثری یا روپیه یا عباسی هرچه داشته باشد در کیسه مذکور انداخته و دهان کیسه را در بند دستی
محکم کرده و بعد از ختم سوره الم نشرح را بخواند تا یک هفته تمام میشود در روز آخر چهل دانه یک درم شود
و یکدانه اگر خود در میان کیسه بنهد است سابق بر بیع آن زرات نه باید علی تمامی و سی دانه دیگر
را به مصرف خیر رساند و آن یکدانه را که اثر ف کرده است در کیسه بماند و باقی را خرج بکند و آن کیسه را
از دست ننهد و هر روز آن مبلغ در میان کیسه است و بعد از ختم روزی چند سوره مبارکه مزبور را او رد
خود سازد مجرب است فائده توکلی علیهم احمد کظم زاید مکیل بزرگ حضرات حاجت محمد زر داد
حقا الوضع کرده است مثل محمد باقر ۲۱۱۲۳۴۳۸۴ و مثل الع ۲۰۱ الرحم الرحمن
هر روز در زیر سجاده خود اثری یعنی چهل روز حیوانی نخورد و هر روز به قصد مرتبه این اسماء مبارک
که را بخوان یا علی یا غنی یا ملی یا وفی یا ذا الاحسان احسن الی
در هر روز مبارکه بخواند این حزب را یکی بر بخواند عزمت علیکم یا معشر الجن اعلبیتونی
فاکشفوا الجن دینکم و معبودکم بالله تعالی المقتدر بعد از آن سجده را انداخته
دو رکعت نماز گذارد و تسبیح تمام بخواند و بعد از آن بر بالا از ترابی برفت دانه عنقی برفت از سبب آن از نه
بخوان و برفت مرتبه الحمد و آیه نور را بلیت بخوان مرقوم بر آنکه رو بقبله بنشیند و قدری شیرینی یا نبات در دستمال
گرفته بخوان دو ۸ از ده اعام را بخواند بعد از آن بلی خط و بدا الجن این را سوار اعظم چند تا اتش در دست
منقل افروخته اتش بخت عنوان این فلان را برد دل فلان بیدار از و این دعا تجربه است والله اعلم

یا علیم یا الرحیم	یا الله	یا باری	یا جبار	یا متکبر	الخ والله اعلم
	۶۶	۲۱۳	۲۰۶	۶۶۲	

نوع دیگر الاحتیه بگیرد مرارهٔ [illegible] و مرارهٔ [illegible] ۵۷ و خلط کند و سحق نموده با یکدیگر
گلوله ساخته بدان اکتحال کند چشم را سپید گرداند و بعضی گفته اند که کحل بر مرارهٔ تابنی مذکور آلوده کنند و در چشم کشند چهار نفر شد
بدین مانند و مبیح حاجت لیکن ... تبیین کحل آخر ... مرارهٔ [illegible]
[illegible] ... خلط کرده ... در چشم کشد ...
[illegible] روز بر روز ... آب انداخته ...
[illegible] ... بسم الله ... آخر ...
الشیطان ... حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون ... القرآن ...
... طالب ... عدد ۱۸۸ ... مطلوب

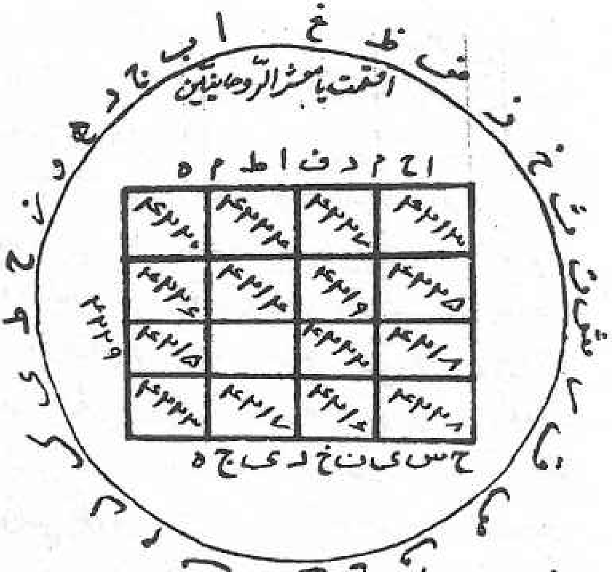
طالب	اح م د ف ا ط م ه	عدد ۱۸۸	مطلوب	ح س ن خ د ی ج ه
جمع عدد السائل	عمل تشکوا صحیح من ب	حاصل الضرب	فرع	الرابع
۹۳۸		۱۶۸۸۴	۲۳	۴۲۱۳

الکسر الرابع مثال عمل ... بطریق امتزاج که اسم مطلوب مقدم بر اسم طالب بوده باشد طالب احمد فاطمه عدد ۱۸۸
مطلوب حسین خدیجه عدد ... جمع عددین ۹۳۸ امتزاج ح ا س ح ی م ن د خ ف د ا ی ط ج م
ه ج م ف ۲۸ حاصل الضرب عدد ۹۳۸ ... ۱۶۸۸۴ خارج ۲۳ ...
الرابع ۴۲۱۳ کسر ۳ ربع ... و کسر ۳ در خانهٔ ۹ اضافه کردیم و مربع را تمام کردیم
و دایره ... وضع کردیم اسم طالب ... و اسم مطلوب ... دایره
... در میان دایره ... و حروف ابجد ... دایره ...
... تا مطلوب حاصل شود ... اگر طالب ...
... و در دیوار شرقی ... آهنی باید
... ۲۸ میخ آهنی حاضر باید داشت ... ۲۸ بار باید
خواند ... میخ بر حرف الف باید فرو برد بعد از آن ساکت باید نشست
... اگر حاضر شد ... بر آتش باید کرد ... ۲۸ نوبت باید خواند و
... باید زد ... بعد از عزیمت ... اگر حاضر نشود ... عزیمت را باید خواند ۲۸ و
... باید زد و ... مطلوب ...
... عزیمت را ۲۸ نوبت بخواند ... حرف ... تا حرف ...
... باید ... تا حاضر شود
...

ترتیب است بعد از تلبیث هشت مرتبه عزیمت خواندن و میخ زدن آن است که بعد حرف فیله میخ زدی و مطلوب
غور شد الحروف را باید نثار کرد که متعلق مطلوب است هرگاه خواهی که مطلوب را حاضر کنی یک میخ با آن حرف
باید زد و بخور باید سوخت و عزیمت را ۲۸ نوبت باید خواند که مطلوب حاضر شود زنهار که شبانه بیاوری که
ترتیب است و عزیمت این است اقسمت علیکم یا معشر الروحانیین الطائعین هلیشمهتایل

کشفال هشوشا کبرش انت القوی الشدید هوریش هیوریش
مکشو هیع سیهاطیش ططغوخ یقمه طلطوخ
شیهشما خمشه طمخلباطخ فاطر السموات و الارض

کهشفیال طلخطا بلکلموثیا هلغ باهلوا مهیاه
وقعغومی تدککت الجبال بعظمة اسمائه اهوه یهوه الحق
هذه القسم الذی طاعة من کل روح و روحانی و جسم و جسمانی اجیبوا فوفو
و اجیبوا هاو اسرعوا اللهم انی اسئلک بالالف المعطوف الذی به الحروف
بباء بهاء الله و بتاء التلاف و بثاء الثبات و بجیم الجدول و بحاء الحیوة و بخاء
الخوف و بدال الدخان و بذال الذاریات و براء الربوبیة و بزاء الزلزلة و بسین السعادة
و بشین الشهادة و بصاد الصدق و بضاد الضیاء و بطاء الطاعة و بظاء الظلام
و بعین العلم و بغین الغیب و بفاء الفراسة و بقاف القدرة و بکاف الکون و بلام
اللاهوتیة و بمیم المجد و بنون النور و بواو الولایة و بهاء الهدایة و بلام الف
الالاء و بیاء یوم اللقاء ان تسخر لی فلان بن فلانة و تجیبونی و بلینه بالالفة
و المحبة اقسمت علیکم یا ملائکة هذه الحروف و الاسماء احضروا فلان و هیجوه و
جلبوه الی حرمه المکان سریعا قریبا بحق انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی و اتونی مسلمین اقسمت علیکم یا ارواح الطاهرین المتوکلین بهذه الحروف ان احضروا الساعة
و اجیبوا اسمی بقائم مجلس بارک الله فیکم و علیکم و ایر حضرت مفرزات ابی محمد



در عزیمت بود از نظمه سوره شش راده بود احیت طونش در بیلی صفحه البته صاحب عمل محتشی در امر فحمد هیلج

هَیْهُوْ رَشٍ مَکْشُوْ هَیْلغٍ سَبَهْتَاکَشٍ طَطْعُوْخٍ بِعَظَمَةِ

طَطْوخٍ شَمَسَاخَمْشَةِ طَمْخَلْیَا طَلِیخٍ نخرید لهیج فاطر السموات والارض

کَهَشَفُیَالٍ طَلمحْظَا بَکَدْ کَمُوْیَثَا هَلَغٍ آلیْغٍ یَا هَلُوْ

مَهْبَاوَةٍ سِعْوُصٍ تَدْکُدْکَتِ الْجِبَالُ لِبَغْلَهِ اسمائه آهُوْهِ

مَهْوُخٍ لَحَقِّ هذه القسم الذی طاعته علی کل روحانی و جسمانی مخرلی ۴۴

والسلام ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

۱ ۲ ۳ ۴ ۸ ۸ ۷ ۸ ۴ ۲ ۳ ۲ ۷ ۶ ۸ ۹ ۹ ۱۰ ۴ ۱۱ ۴

ک ل م ن و هـ لا ی اینچ دایره بود از رقاعها ازده ۱۲ از جنه باقی هذه الست

۱ ۴ ۴ ۳ ۴ ۵ ۸ ۱۰

خواهی عاشق و یا دشمنی کنی اول نام مطلوب با نام مادرش و نام خود و نام مادر خود بحساب ابجد بیرون کنی

آنگاه ۱۲ ۱۲ ۱۲ طرح کنی آن وقت نگاه کن که تا چند ماند و کدام برج بود اگر آتشی بود سیاید سوخت و اگر برج آبی

بود باید به آب انداخت و اگر برج بادی بود باید آویخت و اگر خاکی بود باید دفن کردن چون به نیت درست

عمل خاکی مقصود حاصل گردد بعون الله فصل حمل نر و آتشی و عقرب ماده و آبی تعلق بمریخ دارد و ثور
ماده و خاکی میزان نر و بادی تعلق بزهره دارد جوزا نر و بادی سنبله ماده و خاکی تعلق بعطارد دارد
سرطان ماده و آبی تعلق بقمر دارد اسد نر و آتشی تعلق بشمس دارد قوس نر و آتشی حوت ماده و آبی تعلق بمشتری
دارد جدی ماده و خاکی و دلو نر تعلق بزحل دارد فصل بدانکه چون قمر در برج آتشی بود عمل آتشی توان کرد و چون
در برج خاکی بود عمل خاکی توان کرد و چون در برج بادی بود عمل آتشی و بادی توان کرد و چون در برج آبی بود عمل آبی
توان کرد و با جوزهر نگاه دارد یا [illegible] تا نجوزد فصل بدانکه عمل دوستی در ساعت مشتری و زهره نیکو بود و عمل در
ساعت شمس و قمر کنند زیرا که دوستی آن عمل بتوفیق او افتد مراد در حاصل شود فصل بدانکه در ساعت مشتری دوستی
و خواب بستن نیکو بود و در ساعت مریخ دشمنی و فتنه بتر بود و در ساعت شمس طلسم [illegible] بود و در ساعت زهره دوستی
نیکو بود و در ساعت عطارد زبان بستن نیکو بود و در ساعت قمر [illegible] و در ساعت زحل هیچ کار نتوان کرد فصل
در ساعت مشتری عمل بادی و آتشی روا کنند و در ساعت مریخ عمل آتشی و آبی و در ساعت عطارد بادی و خاکی
و در ساعت قمر آبی و در ساعت زحل بادی توان کرد فصل شب یکشنبه پادشاهی عطارد راست و شب دوشنبه مشتری
و شب سه شنبه پادشاهی زهره و شب چهارشنبه زحل و شب پنجشنبه شمس و شب جمعه قمر و شب شنبه مریخ فصل چون عمل دوستی
کنی ابتدا این آیه را بخوان بسم الله الرحمن الرحیم و من قوم موسی امة یهدون الی الحق و به یعدلون الله الذی [illegible] و مولای
الحی فاتحة الکتاب و قل اوحی و تبارک و طه و یس و حم عسق و الم [illegible] کهیعص که هر یک [illegible] و کلام کردن
و مراد [illegible] قد شغفها حبا انا لنراها فی ضلال مبین و با تمام عمل [illegible] بنویسند که حاجت روا گردد فصل
چون قمر در برج عقرب و جدی و یا در آخر میزان بود دوستی نکند و چون در برج ثور و سرطان و یا در آخر حمل و اول
قوس و جوزا بود دشمنی نکند فصل در بیان ماههای محرم جمادی الاول رمضان آتشی است صفر جمادی الآخر
شوال خاکی است ربیع الاول رجب ذی قعده بادی است ربیع الآخر ذی الحجه شعبان آبی است چون دانستی که هر
عمل که آبی است در ماه آبی بنوشته در ساعت زهره بنویسند و بادی در ساعت عطارد بنویسند باید کرد و خاکی در ماه خاکی
در ساعت آفتاب و عطارد بنویسند باید کرد و آتشی در ماه آتشی باید کرد و در ساعت مریخ بنویسند باید کرد و اگر چنین نکنند [illegible]
ضایع شود حمل و اسد و قوس مثلثه آتشی اند ثور و سنبله و جدی مثلثه خاکی اند جوزا و میزان و دلو مثلثه آتشی و هوائی
مذکر و نهاری بود و برج مثلثه خاکی و آبی مؤنث و لیلی بود و برج آتشی و خاکی خشک بود و برج هوائی تر بود فصل

در بیان بروج	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	حمل
	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۲۹	۳۰	۳۱	۳۱

ثور	جوزا
۳۱	۳۲

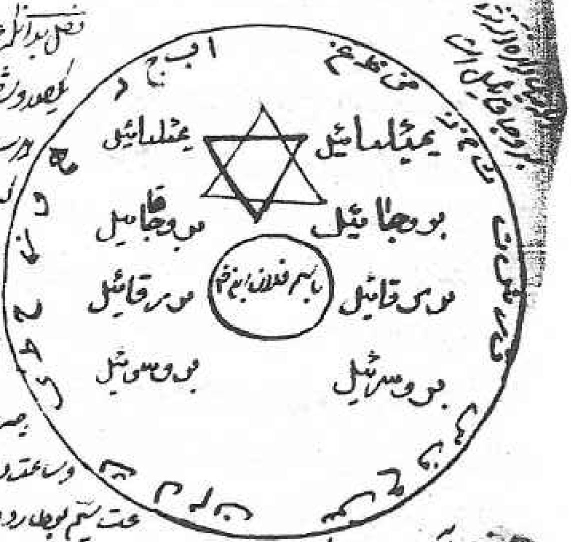
بدانکه شمس [illegible] عطارد [illegible] قمر [illegible] زحل [illegible] زهره [illegible]

واست [illegible] بگیرند زحل و زهره قوات [illegible] بگیرند بدین موال نام طالب و مادر نیز حساب [illegible] موجب بگیرند و طالب را
نیز بدین موال حساب کنند اگر [illegible] آتشی باشد و طالع دیگری آبی [illegible] عمل [illegible] که [illegible]
طالع [illegible] و مطلوب موافق باشد هر چه خوبی بسیار اثر کند فصل اندر [illegible] دوستی و دشمنی پیدا کردن ساعتها
بدانکه هر روزی دوازده ساعت است و هر ساعتی ستاره دارد روز شنبه اول ساعت زحل است هیچ کار را
نشاید دوم ساعت مشتری قاضی را شاید سیم ساعت مریخ دشمنی را شاید چهارم ساعت شمس [illegible] را
شاید پنجم ساعت زهره قاضی را شاید ششم ساعت عطارد زبان بندی را شاید هفتم ساعت قمر [illegible]
را شاید هشتم ساعت [illegible] را شاید نهم ساعت مشتری قاضی را شاید دهم ساعت مریخ دشمنی را
شاید یازدهم ساعت شمس [illegible] را شاید دوازدهم ساعت زهره [illegible] قاضی را شاید فصل در دا
نستن وقت ساعت بدانکه چون آفتاب از کوه آید سایه تو چند قدم بود چون چهل قدم آید یک ساعت
رفته باشد و چون به بیست قدم آید دو ساعت رفته باشد و چون به یازده قدم آید سه ساعت رفته
باشد و چون به پنج قدم آید چهار ساعت رفته باشد و چون به دو قدم نیم آید پنج ساعت رفته باشد و چون
سایه قائم باشد شش ساعت رفته باشد و چون آفتاب در شیب افتد سایه تو دو قدم نیم [illegible] ساعت رفته
باشد و چون پنج قدم بود [illegible] ساعت رفته باشد و چون ده قدم بوده نه ساعت رفته باشد چون بیست
قدم آید ده ساعت رفته باشد و چون چهل قدم باشد یازده ساعت رفته باشد و چون آفتاب [illegible] دوازده ساعت
رفته باشد بدانکه [illegible] [illegible] است اگر [illegible] بسته باشد [illegible] را [illegible] و با [illegible] [illegible] دو
و اگر [illegible] بسته باشد [illegible] اخلاص [illegible] [illegible] و اگر [illegible] بسته باشد [illegible] [illegible] دو
[illegible] بسته باشد [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عدد
[illegible] [illegible] [illegible] والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

هونش طونش طاش لاش لواش بداش طواش
هماش كلنش لش كلش كلواش نخ نخ كلواش ربايش قواش
اش كواش نخ نخ كواش هماش اجب يا اسم المشرف المكتوب على
جبهة الموكل بلبني القلوب سواس سواس سواس وف دث
بيه ده ده هو سلاس كما احترقت العجل التي حطمت به قلب
على عيلي اعطف قلب فلان ابن فلانة على حب فلانة اهيا اهيا هيا هيا
هيا هيا هيا اجيبي واحضري فلانة الوحا الوحا

فصل بدانکه عدد تمامی ساعات شبانه روز بیست و چهار
است و ارباب
در ساعت موقعی را از ... کواکب
نسبت کنند و اوراست
ساعت گویند و ابتدا از ساعت کو
چه اولی روز یکشنبه که اول
کردد آنرا منسوب بشمس سازند
وجود شمس بسبب وجود روز
ساعت دوم از آن روز
ساعت سیم ... ترتیب افلاک تا قمر

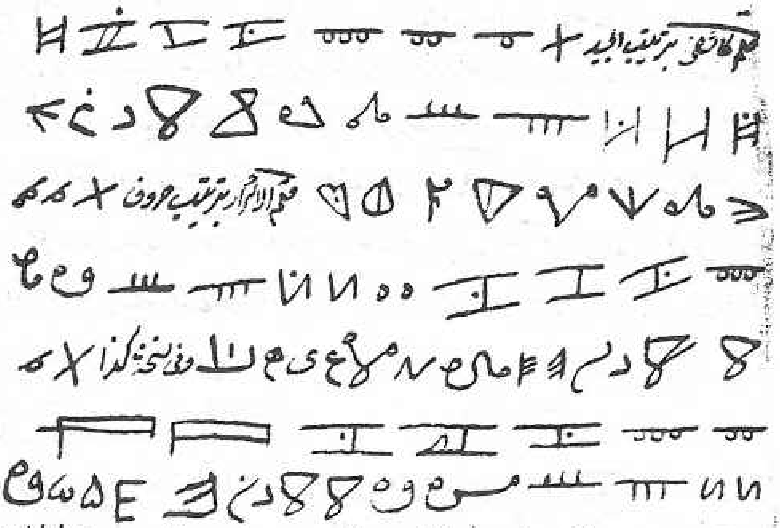


... نوبت آخر را از زحل گیرند و هم چنین بر ترتیب ساعات ... بر شمارند و ... نسبت ... کنند تا ساعت
... که آن ساعت ... از ... شب یکشنبه است از ... آن ... منسوب ...
... از آن ... کرفته ... حالت اول ... و ... که در روز یکشنبه
ساعت اول که آن ساعت اول بود ... ساعت ... شمس است و در روز
... ساعت اولی که آن ساعت ... بود از آنکه قمر در روز ... ساعت اولی که

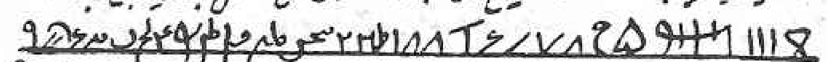
آن ساعت چهل و نهم بود مریخ و در روز چهارشنبه رب ساعت اولی که آن ساعت هفتاد و سیم بود عطارد
و در روز پنجشنبه رب ساعت اولی که آن ساعت نود و هفتم بود مشتری و در روز جمعه رب ساعت اولی
که آن ساعت صد و بیست و یکم بود زهره و در روز شنبه رب ساعت اولی که آن ساعت صد و چهل
پنجم بود زحل و ایضا ظاهر گردد که رب ساعت اولی از شب یکشنبه که آن ساعت صد پنجاه و هفتم
بود از جمله ساعات مذکوره عطارد است و رب ساعت اولی از شب دوشنبه که آن ساعت سیزدهم بود از آن
جمله مشتری و رب ساعت اولی از شب سه شنبه که آن ساعت سی و هفتم بود زهره و رب ساعت
اولی از شب چهارشنبه که آن ساعت شصت یکم بود زحل و رب ساعت اولی از شب پنجشنبه
که آن ساعت هشتاد و پنجم بود شمس و رب ساعت اولی از شب جمعه که آن ساعت صد و نهم
بود قمر و رب ساعت اولی از شب شنبه که آن ساعت صد و سی و سیم بود مریخ و رب ساعت دوم
هر روزی و شبی کوکبی باشد که فلک او تحت فلک کوکب رب ساعت مقدم باشد و هم چنین رب
ساعت سیم کوکبی باشد که فلک او تحت فلک کوکب رب ساعت دوم بود و علی هذا القیاس و این از
بیانی که قبل از این مذکور کردیم ظاهر است چون بر ترتیب مذکور نوبت بقمر رسد باز از زحل آغاز کنند چنانکه
قبل از این گفتیم و مراد از این ساعات ساعات زمانی است چه اگر مراد ساعات مستوی باشد هرآینه
بجهت طول و قصر ایام و لیالی بعضی از ارباب ساعات روز ارباب بعضی از ساعات شب شود و علی
هذا القیاس بر آنکه عدم ترتیب مذکور شد رب هر روز و هر شب دائما یک کوکب نباشد بل بجهت تفاوت
شب و روز تبدیل یابد بکوکبی دیگر و رب هر روز رب ساعت اولی آن روز باشد بسبب تقدم او
بر سایر ارباب ساعات آن روز بنا علی هذا رب روز یکشنبه شمس باشد و رب روز دوشنبه قمر
و رب روز سه شنبه مریخ و رب روز چهارشنبه عطارد و رب روز پنجشنبه مشتری و رب روز جمعه زهره
و رب روز شنبه زحل و هم چنین رب هر شبی رب ساعت اولی آن شب باشد بسبب آنچه گفتیم پس
رب شب یکشنبه عطارد بود و رب شب دوشنبه مشتری و رب شب سه شنبه زهره و رب شب چهارشنبه زحل
و رب شب پنجشنبه شمس و رب شب جمعه قمر و رب شب شنبه مریخ والسلام فصل ششم اندر

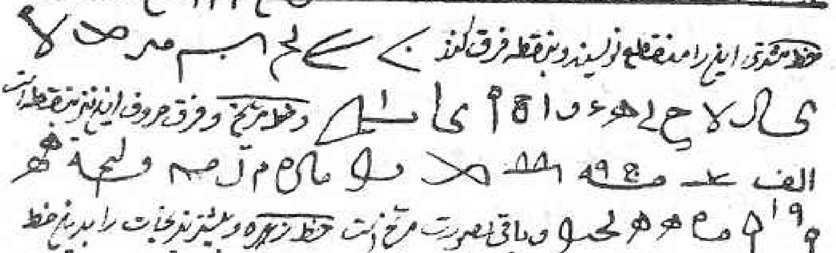
ایقغ بکر جلش دمت هنث ومخ زعذ حفض طصظ
۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵ ۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹

[illegible]

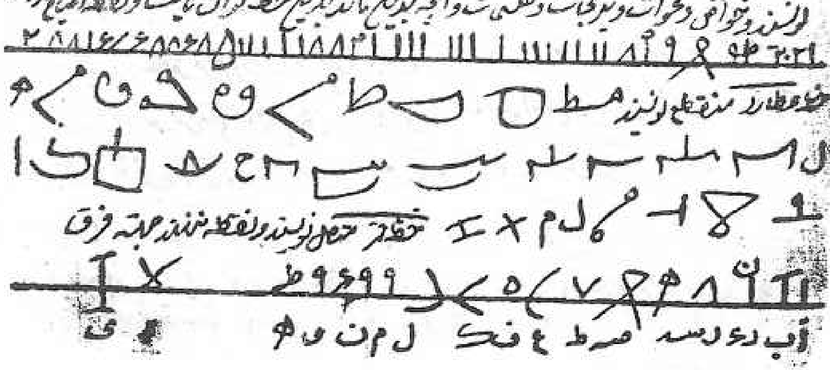


والسلام از جمله دیگر این خطوط را نقل نموده اند خطوطی است که منسوب است بحکماء بجهة
کما دعیه نویسند و حرز و طلسمات بیکار این خطوط باشد خط ... و این را متصل بخط نویسند باین نحو به حروف ابجد





نویسند و خواص و دعوات و نیرنجات و طلسمات و الحق بدین مانند بدین خط ... و نقطه ... دارد



یا شاهدا عزیز غائب بحفظ زهره است قلم کاتبه جابر بن حیان کتب راحه را از نوشته بنور حروف نحوی

قلم روحانی حروف برترتیب حروف در معرفت روحانی

قلم روحانی حروف

قلم برنیست کرد

آن را با بیخ قلم و قرار دهد

قلم سیمیا بکید برترتیب حروف

قلم سیمیا یعوز برترتیب حروف

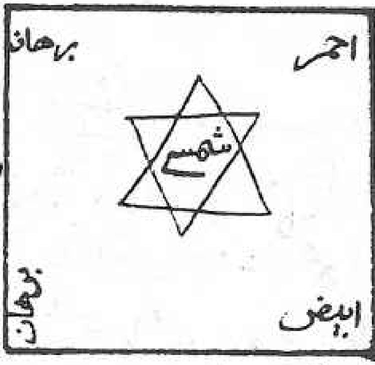
جدول ارباب مثلثات بحسب اسامی الست

زحل	شمس	مشتری	ناری
مریخ	زهره	قمر	ترابی
مشتری	زحل	عطارد	هوائی
قمر	زهره	مریخ	مائی

جدول ارباب مثلثات بروج ناریت

زحل	مشتری	شمس	ناری
مریخ	قمر	زهره	ترابی
مشتری	عطارد	زحل	هوائی
قمر	مریخ	زهره	مائی

ختم سبعة ایام و هر روز ۵ هزار مرتبه این چهار اسم را بخوانند یا هُ یا هُوَ یا آشنوه یا فعال ماخوذ وابغ طلسم در زیر سجاده باشد تا هفت لوح و بعد از هفت لوح بردارد و در کیسه کنار رود و در حالی آنچه طلبیده او بیاید بیقین خبر کنند و اما در هر روز چهل مرتبه بخوانند ملک احمر و بر روح روان آتا شمس الذی عرفنا بحق بخوانند و طلسم مبارک این است خط مربع شمس



تکملة اگر رکب و رفدر را در مربع عدد ۶۴ وضع کنند و طالع وقت سعد و برج یکی باشد صاحب او حالت قمر بود اگر مربع رکب را در کبوتر خانه نهند و مربع رفدر را در کبوتر خانه دیگر که مقابل او بوده باشد کنار زنند اگر کبوتران خانه رفدر بکبوتر خانه رکب آیند و هم چنین اگر مربع رفدر را در شکری کنار زنند و مربع رکب را در شکر دیگر مثل مربع رفدر بگذارد مربع رکب آیند و اگر کسی حامل مربع رفدر گردد هم شاسی شود که حامل مربع رکب باشد و این مربع را محب و محبوب گفته اند به این نوع که در تحفه گفته

فلک

٧٠	٧٤	٧٧	٦٣
٧٤	٦٤	٦٩	٧٥
٦٥		٧٢	٦٨
٧٣	٦٧	٦٦	٧٨

٧٩

رکب

٥٤	٥٨	٤١	٤٧
٦٠	٤٨	٥٣	٥٩
٤٩		٥٦	٥٢
٥٧	٥١	٥٠	٥٦

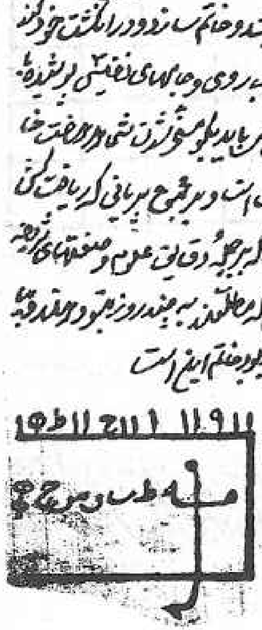
٦٣

والرابع فیه معلوم شود اسم طالب را عدد گرفته اضافه نماید او عدد رب را اگر قابلیت توسیط است
و به بیند که مجموع زوج است یا فرد اگر زوج باشد مجموع را ۸ حصه نماو باقی را در خانهٔ اول مربع رسم نما
و یک زیاده کنی در بیوت دیگر تا خانهٔ پنجم آنجا که رسید ۸ عدد اضافه نماید و باقی بیوت را یک یک تا
خانهٔ هشتم و اگر مجموع فرد باشد یک عدد از کل انداخته و باقی را ۸ حصه کند و از نصف ترکه عدد انداز
و باقی را در خانهٔ اول مربع رسم کند و باقی بیوت را بزیاده یک یک تا خانهٔ هشتم پس هر ۸ خانه را
که از مربع حساب کند باید عدد اسم طالب با رب بیرون آید که وفق درست باشد و اسم مطلوب را حساب
کند و با او اضافه نماید عدد رب را و ببیند که فرد است یا زوج اگر زوج باشد او را ۸ حصه نماید و از
یک حصه چهار عدد انداز و باقی را در خانهٔ نهم رسم کند و بیوت دیگر را بزیادهٔ یک یک تا خانهٔ
دوازدهم آنجا که رسید ۸ عدد اضافه نماید و در خانهٔ چهاردهم تا خانهٔ شانزدهم بزیادهٔ یک یک و اگر
فرد باشد یک عدد از مجموع انداز و باقی را ۸ حصه کند و از یک حصه ترکه عدد انداز و باقی را در
خانهٔ نهم رسم کند تا خانهٔ شانزدهم و با جزو نگاه دارد که مجرب است و طریقهٔ دیگر کردن مربع این است
و اعداد مربع است و وفق را اشاره کردیم و این قدر کفایه الاشاره و التوسع منع این است الله
الشافی و کذا و هو هذا

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٠	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

طریقهٔ ختم و اللیل که منسوب است به امام جعفر صادق علیه السلام
باید که ختم شروع کند و ابتدا از روز چهارشنبه باید تا روز
سه‌شنبه و چون شب چهارشنبه شود در مکان خلوتی که در داشته
باشد بعد از نماز عشا هزار مرتبه سورهٔ و اللیل را بخواند و باید در وقت
خواندن حرکت نکند و نظر آن در دست داشته باشد چون
ختم تمام شود چراغی بسوزد و طعامی با گریه بالکوتر و ما نندان نهاده از آن احدی با بیرون داخل شود و دار با دیگر به
تفرقی بیرون نمودن سر را باز زده و را بکشد و در تکمیه خرج بکند که مطلوب ایمان است و باید او را از زن حایض
و جنب پنهان دارد و هر عضوی از اعضای او را اگر کند باز بی‌خیش شود و کند خوار از حسن بد انکه جای آورده
ختم را اگر در دست و ریش بیند آید و با احدی از شدت حرف خشک گردد و سورهٔ قل هو الله را بخواند و اگر بخواند
در خانه بگذارد بعقل زبان و شکلی احدی را قطع شود و چهرهٔ او عدهٔ شریفه ملکه و خط شمالی خود را
متحقق را از شیخ محمد که اگر کسی خواهد که مطلوب را از راه دور بیاورد باید که شرحه بیاورد از این طرف رو به کعبه
بایستد و هفتاد و یک بار این اسم را بخواند که تمامی المیتم کما خرج من نقطالی افضاله و بعد

سوره یس سه نوبت بخوانند و سوره والضحی را نیز هفت نوبت بخوانند و بعد از آن صد بار صلوات فرستد با دم و نفس
بخواند و در دعوت هر گاه خواهد که دعوت کند در جایی خالی بنشیند که آواز زن نشنود و بخور بسوزاند و اسم عشق
بسیار بخواند و بگوید که یا مقلب و حرم عشق را بعد اسم مطلوب و پی نسب خانه مطلوب دهد و بعد از آن صورتی باید
[illegible] صورت مطلوب و بر او بنویسد یا قوی شیئا یا قوی شیئا یا جلالها و بر [illegible] ناف او بنویسد که یا عشق
یک بار حق هو الله احد را بخوانند و دوازده بار صلوات و روی به قبله نشیند بر دیوار تکیه کنند و بگوید خدا و رزاق الحق
[illegible] گفته اند و بحق حضرت دانیال و بحق سلیمان پیغمبر که فلان ابن فلان را در دم و در ساعت [illegible] رسان اگر
در تجرد در پای او باشد بگیرد و بیاید و بخشد جانان و در دل او افتد که قرار و آرام نگیرد تا آن باید و در وقت عمل باید که
حرف نزند که دعوت عبث شود و این عمل به تجربه معلوم شده است مبادا دل بد نیت تعلیم کرد و السلام فی ذکر تسخیر الآفاق [illegible] اگر
خواهی که تسخیر آفاق نمایی را در دم و در ساعت به جنبش و بداند که در روح چه میگویند [illegible] که [illegible] آید
حاجت دارد و از برای چه می آید و برای چه نام است باید که هفت روز سوره [illegible] روز [illegible]
بخوانی و این بخورات بر آتش بنهد و دایم بسوزانی و جامه های پاک در پوشی و در این مدت روزه باید گرفت و ترک حیوانی
باید نمود و بخورات این است [illegible] خشک کرده مثقال ازرق [illegible] سیاه زعفران بادام [illegible]
و بسوزاند و بعد از خواندن سوره قل اوحی این اسما را [illegible] و هفت نوبت بخوانند و روز [illegible]
شود [illegible] آب رود و [illegible] نشیند و آن [illegible] کار در [illegible] و خاتم [illegible] در انگشت خود کند
و بنشیند و این عزیمت را بخوانند هفت [illegible] بوی خوش [illegible] و [illegible] روی و جامه های [illegible] پوشیده
[illegible] سلام کنند [illegible] چون [illegible] باید [illegible]
[illegible] بیرون آورند و [illegible] نام [illegible] خلق [illegible] و [illegible] کریا [illegible]
و [illegible] و [illegible] آن [illegible] و [illegible] دعا [illegible] علوم و صنعتهای [illegible]
و علم موسیقی و علم اکسیر علم طب و حکمت و [illegible] و عقد و [illegible] از علومی که مطالعه [illegible] چند روز [illegible]
[illegible] و این [illegible] بزرگ [illegible] که [illegible] است [illegible] این است



نوع دیگر از همین [illegible]
[illegible]
۱۲۷



الأسماء وهذا بسم الله الرحمن الرحيم عزمت عليكم يا ظلوخوش مع اتباعه

بحق عز طوش عزونوش طوطناش بالله العظيم طومو شاش

شهوناث ظلموج ذربطوث آرماش اجيبوا بحق

أجب يا زهداء الجن بحق شلعوش شلعوثا اجيبوني واحضروا

بحرمة هذه الأسماء العظام وبحق هذه الكلمات المباركة وبحق حكك القادر وبحق قاهرا

القيوم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وبحق محمد صلى الله عليه وآله وسلم قدرت بخوانند

ختم سورة القارعة شب جمعه بعد نماز بخواند به سجده رود در خواب زيارت كند و در آن خلق ببينيد

و هر دفعه سوره را تمام بخواند اين دعا را هم بخواند يا مفتح يا فتاح يا بديع السموات والأرض

يا ذا الجلال والإكرام يا حي يا من هو يا الله الا هو المنان الحنان برحمتك يا ارحم الراحمين

فصل در حروف و اشكال ايام بدانكه هيچ امر براى روزهاى هفته اعوان علوى و سفلى معين است حروف و اشكال

نيز مقرر است بايد در هر روزى كه عمل بعمل مشغول شود در ذيل معمول حروف و اشكال آن روز را رقم زنند

كه اثر در ظهور آثار بدعمل تمام است و آن اين است روز يكشنبه

روز دوشنبه ... روز سه شنبه ...

روز چهارشنبه ... روز پنجشنبه ...

روز جمعه ... روز شنبه ...

در بعضى نسخ حروف و ايام بدين نحو مسطور شده يوم السبت ...

يوم الأحد ... يوم الاثنين ...

الثلثاء ... يوم الأربعاء ...

... يوم الخميس ... يوم الجمعة ...

قمر	عطارد	زهره
ع ح طو ث	ن ث ض ظ	م ف ا ذ غ
برج سرطان	برج جوزا	برج ثور و میزان
سهتائیل مهائیل	بکمل رنتائیل سرائیل میائیل	عزرائیل جائیل جهل اثیل حائیل
روز دوشنبه	روز چهارشنبه	روز جمعه
شب شب جمعه	شب شب یکشنبه	شب شب سه شنبه
شمس	مریخ	مشتری
ل س ق ظ	ی ک ش خ	ی ز د د
برج اسد	برج حمل و عقرب	برج قوس و حوت
شماطیل	میل هزال یا رحائیل سمکائیل ظل بائیل	صلوا اسوا اصل مهنانیائیل
روز یکشنبه	روز سه شنبه	روز پنجشنبه
شب شب پنجشنبه	شب شب یکشنبه	شب شب دوشنبه
زحل آ ج هـ ب	برج جدی و دلو	
روز و شب شب چهارشنبه	طو طائیل سوا طیل	صلصلل مکبائیل

و معمول سال آخر مطلب این است که ذکر کنیم برای کار زیرا هر روزی ملکی موکل است بر ترتیبکه نوشته شده یوم الاحد مذهب [illegible]

[illegible] روقیائیل ملک غنغ الجعیب الله المذهب یوم دوشنبه عوی جبرائیل و ملک غنغ الرعید الله الجن رفث و جبرئیل

[illegible] الاقرع سموی عالم وری شمکائیل که وی را نز نار یا بدیکرد و یوم سه شنبه عوی سلسائیل [illegible]

[illegible] عوی میکائیل [illegible] وارد و [illegible] و میکائیل را عنادی [illegible] کار [illegible]

معلوم [illegible] که روحانی موکل ساعات روز یکشنبه [illegible] رقیائیل یعنی السید اسمی [illegible]
[illegible] حقفیائیل یعنی [illegible] میمون السحابی و در بیان [illegible] که موکل
[illegible] سه شنبه [illegible] چهارشنبه [illegible] پنجشنبه [illegible] جمعه [illegible]
[illegible] شنبه اسرافیل یکشنبه جبرائیل جمعه میکائیل [illegible] قطبیل [illegible]
و باید که عمل [illegible] ساعت [illegible] وقت [illegible] حساب بروج را
[illegible] دیگر [illegible] که [illegible] نوشته
شده [illegible] درین شکل نوشته [illegible]
که موکل [illegible]

اینجا جدول را [illegible] روز

ساعت اول	ساعت دویم	ساعت سیم	ساعت چهارم	ساعت پنجم	ساعت ششم
نوبابیل	سمعمائیل	حمائیل	سطیطارون	مهائیل	حسنائیل
ساعت هفتم	ساعت هشتم	ساعت نهم	ساعت دهم	ساعت یازدهم	ساعت دوازدهم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	مفلکوتائیل	[illegible]	[illegible]

ط ب ج ا ج ه و
و ط ب ع ف ر
ح ا ج ه ر ح
ط ب و ح ط

اینجا جدول را [illegible] ساعات شب است — جدول [illegible]

ساعت اول	ساعت دویم	ساعت سیم	ساعت چهارم	ساعت پنجم	ساعت ششم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مهمائیل	[illegible]
ساعت هفتم	ساعت هشتم	ساعت نهم	ساعت دهم	ساعت یازدهم	ساعت دوازدهم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ا	ب	ج	د	ه	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ا ج ا ب ه ط ا
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] مشتمل است بر مقدمه و مقاله و خاتمه نموده میشود که [illegible] حروف [illegible]

[illegible] نقطه [illegible] آن است که [illegible] بسبب کثرت شده اند [illegible]

و [illegible] جمیع اصطلاحات بجهة تفهیم و تعلیم ایشان کرده اند [illegible]

[illegible] کرده شد حروف که اول بسبب ظهور وحدت است و [illegible]

[illegible] ظهور و تجلی [illegible] اول تجلی [illegible]

[illegible] مناسبت باقی است و چون بکمال ظهور که اظهار است رسید از تجلی [illegible]

[illegible] تجلی است [illegible]

[illegible] تجلی [illegible] کتابت است و در هر تجلی اول هر حرفی [illegible] وحدت باقی است

[illegible] ندارد از حیثیت عدد و [illegible] و در تجلی [illegible] بکمال مرتبه رسید [illegible]

[illegible] است و مناسبت [illegible] و مخفی نماند که حروف چون بمرتبه ظهور و اظهار رسیدند

[illegible] و اسم هر حرفی [illegible] است [illegible]

[illegible] اصطلاح رمز میگویند زیرا که آنچه در [illegible]

[illegible] اسم هر حرفی را [illegible] حروف میگویند زیرا که [illegible] در بیان [illegible]

[illegible] نموده میشود که [illegible] مشتمل است بر ۲۸ جزو و در هر جزوی [illegible]

[illegible] ۲۸ [illegible] ۲۸ [illegible]

[illegible] مشتمل باشد بر ۲۸ خانه و در هر خانه [illegible] حرف [illegible]

[illegible]